

احکام و مقررات حضرت موسی علیه السلام

پیشگفتار
راه " به تبرستان
www.tabarestan.info

تدوین شده بر اساس موضوع‌های مربوطه در فصول جداگانه
و مشروحاتی چند راجع به موسویت و یهودیت
و خدمات این ملت به جوامع بشری
و تاریخچه‌ای از حضرت موسی علیه السلام

تألیف دکتر حبیب لوی

چاپ اول

۲۵۳۷ شاهنشاهی

حق طبع و ترجمه محفوظ است

پیشکش "راد" به قبرستان
www.tabarestan.info

چاپ فانوس

شماره ثبت کتابخانه ملی: ۳۷/۲/۱۶-۲۹۳

الف	فرمایشات حضرت محمد(ص) از قرآن کریم
ب	از فرمایشات حضرت عیسی علیه السلام
ج	از فرمایشات حضرت موسی علیه السلام
د	از فرمایشات نوع دوستانه حضرت موسی علیه السلام
هـ	از گفته‌های نویسندگان و علمای معروف جهان راجع به تورات
و	گفته‌هایی چند از مؤلف
صفحه ۱	منابع استخراج فصل اول الی فصل پانزده
۹ »	چه عواملی موجب تألیف این کتاب گردیدند
۱۱ »	اطلاعاتی چند راجع به موسویت و یهودیت
۱۴ »	عقاید و افکار نهضت‌های مختلفی که در بین یهودیان وجود دارد
۱۴ »	۱ - صیونسم
۱۸ »	۲ - مذهب یون یهود
۱۹ »	۳ - رفورمیستها
۲۰ »	۴ - طرفداران اختلاط
۲۲ »	عواملی که موجب جلوگیری از اختلاط شد
۲۳ »	عوامل دیگری که موجب اختلاط گشتند
۳۳ »	مختصری از آنچه که راجع به موسویت و یهودیت لازم بدانستن است
	۱ - تلمود راجع به لزوم و اهمیت تحصیل و مراعات اجرای قوانین
۳۷ »	و اخلاق و ادب مینویسد:
۳۸ »	۲ - راجع به ادب و تربیت و اخلاق و طهارت فکر
۳۹ »	۳ - راجع به لزوم فعالیت و کار و خدمت به اجتماع
۴۰ »	۴ - در مورد نسوان
۴۲ »	بزرگان و خادمین یهود نسبت به بشریت

	توضیحاتی چند راجع به احکام حضرت موسی ویا مقررات دیگر
۴۶	علمای یهود یا سنی که یهودیان مؤمن بدان عمل مینمایند صفحه ۴۶
	عقیده ایمانوئل ولیکوسکی راجع به معجزات عصر
۵۱	حضرت موسی علیه السلام »
	مختصری از تاریخ حضرت موسی علیه السلام و نظریات
۵۴	مصر شناسان در این مورد »
۶۷	اطلاعاتی چند راجع به تورات »
	احکام و مقررات حضرت موسی علیه السلام تدوین شده
۶۹	براساس موضوعهای مربوطه در فصول جداگانه »
۷۱	فصل نخست - ده احکام »
۷۲	توضیحات مربوط به ده فرمان »
۷۲	بنی اسرائیل و ده فرمان حضرت موسی علیه السلام »
	فصل دوم - آداب و دستورات اخلاقی و اجتناب از دروغگویی و پرهیز از
۷۵	رشوه خواری و دوری از خرافات و مبارزه باموهومات و ربا خواری »
۸۸	فصل سوم - قوانین بهداشتی و بهداشت خوراک »
۹۹	فصل چهارم - قوانین اجتماعی »
۱۰۳	فصل پنجم - مقررات کشاورزی »
۱۰۸	فصل ششم - قوانین نظامی »
۱۱۱	فصل هفتم - قوانین حقوقی و مقررات جزائی و جنائی و کیفری »
۱۱۸	فصل هشتم - قوانین مالی »
	فصل نهم - مقررات راجع به چگونگی رفتار با بردگان و غلامان با خدمتکاران
۱۲۱	و مراعات حال آنان و حسن سلوک و خوش رفتاری با اسرای جنگ »
۱۲۴	فصل دهم - قوانین ارث و ازدواج »
	فصل یازدهم - منع بت پرستی و طرز انجام مراسم تقدیم هدایا و
۱۳۰	موقوفات و بست نشستن و ندور و قربانی »
۱۳۷	فصل دوازدهم - قوانین مذهبی »
۱۴۸	فصل سیزدهم - مقررات مربوط به سنت تاریخی و ملی قوم یهود »
	فصل چهاردهم - غدغن اکید در کم یا زیاد کردن قوانین تورات و
۱۵۰	لزوم اجرای کامل آن »
	فصل پانزدهم - مجازات و مکافات در عدم تمکین از قوانین تورات و
۱۵۶	پیش بینی حضرت موسی راجع به آینده بنی اسرائیل »

فرمایشات حضرت محمد (ص) از قرآن کریم

ما فرستادیم تورات را که در آن هدایت و روشنایی است (سوره مائده آیه ۴۴)

گفت خدا ای موسی من برگزیدم ترا بر مردم به پیغامهای خود و به کلام خود.
پس بگیر تو آیه را که دادم به تو و شکرگزار باشی (سوره اعراف آیه ۳۴)

نوشتیم ما برای موسی در لوح های تورات از هر چیز پندی و بیانی برای هر چیزی. پس بگیر آنرا به قوت قلب و عزم تمام و حکم کن قوم خود را که بگیرند برای عمل نکوترین آنچه در الواح است که احکام واجب و حرام باشد (سوره اعراف آیه ۱۴۱)

و هر آینه دادیم موسی را هدایت و راه یافتگی و ارث دادیم به اولاد یعقوب که امت موسی بودند کتاب را. که تورات بود جهت راهنمایی و پند برای صاحبان عقل (سوره مؤمن آیه ۵۳ و ۵۴)

پیشکش "راد" به قبرستان
www.tabarestan.info

فرمایشات حضرت عیسیٰ علیه السلام

زیرا هرآینه بشما میگویم تا آسمان و زمین زائل نشود همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زائل نخواهد شد تا همه واقع شود.
پس هر یکی از این احکام کوچکترین را بشکنند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. (انجیل متی آیه ۱۸ و ۱۹)

لیکن آسانتر است که آسمان و زمین زائل شود از آنکه یک نقطه از تورات ساقط گردد.

(انجیل لوقا ۱۶ آیه ۱۷)

فرمایشات حضرت موسی علیه السلام

ومن این عهد واین قسم را با شما تنها استوار نمی‌نمایم بلکه با آنانی که امروز با ما بحضور خدای ما در اینجا حاضرند و هم با آنانی که امروز در اینجا با ما حاضر نیستند. (تورات تثنیه باب ۵ آیات ۱۴ و ۱۵)

موسی برای ما شریعتی امر فرموده که میراث جماعت یعقوب است* (تورات تثنیه باب ۳۳ آیات ۴ و ۵)

پس توجه نمائید تا آنچه خدای شما بشما امر فرموده است بعمل آورید و براست و چپ انحراف ننمائید. (تورات تثنیه باب ۵ آیه ۳۲)

بر کلامیکه من بشما امر میفرمایم چیزی میفرمائید و چیزی از آن کم ننمائید تا او امر خدای خود را که بشما امر میفرمایم نگاه دارید (تورات تثنیه باب ۴ آیه ۲)

۵ یعقوب که ملقب به اسرائیل است پدر بنی اسرائیل می باشد.

فرمایشات حضرت موسی علیه السلام

همنوعت را مانند خود دوست بدار (تورات سفر لاویان باب ۱۹ آیه ۱۸)

غریبی که در میان شما مأواگزیند مثل هم وطن از شما باشد و او را مثل خود دوست بدار. (تورات سفر لاویان باب ۱۹ آیه ۳۴)

برای شما که اهل جماعت هستید و برای غریبی که نزد شما مأواگزیند یک قانون فریضه ابدی در نسلهای شما باشد شما و غریب یکی در مقابل خداوند بوده و یک قانون و یک حکم چه برای شما و چه برای غریبی که پیش شما مأواگزیند خواهد بود. (تورات سفر اعداد باب ۱۵ آیات ۱۵ و ۱۶)

اگر گاو یا الاغ دشمن خود را یافتی که گم شده است البته آنرا نزد او باز بیاور و اگر الاغ دشمن خود را زیر بارش خوابیده یافتی و از گشادن آن روگردان هستی البته آن را همراه او باید بگشائی (تورات سفر خروج باب ۲۲ آیات ۴ و ۵)

«در پی دلها و چشمان خود منحرف نشوید» (تورات سفر اعداد باب ۱۵ آیه ۳۹)

«امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم پس حیات را برگزین تا تو با ذریت زنده بمانی»

(تورات سفر تثئیه باب ۳۰ آیه ۱۹)

دستورات نوع دوستی و تساوی حقوق برای خودی و بیگانه و کمک و مساعدت ولو به دشمن یعنی احتراز از کینه توزی و نخوردن فریب ظاهرمادیات بوسیله چشمان و دل خود نمونه ای از احکام اخلاقی است که ۳۳ قرن قبل حضرت موسی علیه السلام در تورات سفارش اکید فرموده است.

روح یهودیت طالب تحقیق است (گویینو)

من اطمینان دارم که تورات زیباتر و جالب تر خواهد شد چنانچه بهتر
مفهوم گردد (گوته Goethe)

آیا میدانید که بدون تورات چگونه گنجینه های ادبیات و هنر و موسیقی
تا چه اندازه دچار فقر میگردید در این صورت ما تألیفات و شاهکارهای هنری
«جهنم» دانته Dante و یا «بهشت گم شده» میلتن Milton و «واستر»
Esther و آتھالی Athalie و «پوسن» Poussin و «میشل آنژ»
Michel Ange و «ها اندال» Haendel و «سن سائن» Saint-Saens
را دارا نبودیم.

تورات برای مؤمنین دانشمند و مورخین بیطرف و جامعه شناسان
متفکر و مردان قانون شناس که با احترام به مطالعه آن پرداخته اند معتقدند
در سرنوشت ملل و مذاهب و تمدن بشر تأثیر دائمی داشته است.

هومر Homere - دانته Dante - راسین Racine - شکسپیر
Shakespeare - گوته Goethe - و هوگو Hugo و بسیاری از نوابغ
دیگر تأیید کرده اند که سرچشمه نبوغ آنها تورات بوده است.

همان قسم که یهودیان در حفظ تورات کوشا بوده اند تورات هم یهود
را حفظ کرده است. (ربی شوکرون I.M.Choucroun)

احکام حضرت موسی ریشه و تنه درختی است که شاخه‌های گوناگونی از آن منشعب گشته و با ثمر رسیدن میوه‌های آن جمعاً تمدن اخلاقی بیش از نصف جمعیت بشر کره ارض امروزی را تشکیل داده و مدت ۳۳ قرن است که استفاده کنندگان از ثمره‌های این درخت کهن، کوشش مینمایند به غرس کننده آن که ملت یهود باشد صدمه وارد سازند، اما اسرائیل به آبیاری این درخت برومند ادامه داده و قطعاً بشریت با ارتقای سطح فرهنگ و دانش به اشتباهات خود پی خواهد برد.

شالوده تمدن و ترقی و آسایش و نظم اجتماع و برقراری و پایداری آن در اثر وجود قوانین می‌باشد و قوانینی که براساس اخلاق و ترحم و مراعات عدل و انصاف و آزادی و برابری افراد جامعه، خواه ضعیف یا قوی، غنی یا فقیر، با توجه به بشردوستی بدون فرق نژاد و مذهب و رنگ استوار نباشد، نمی‌تواند مظهر تمدن باشد.

برای اولین دفعه قوانینی که براساس فوق‌الذکر بدون تفاوت برای خودی و بیگانه اعلام گردید بوسیله حضرت موسی علیه‌السلام بود.

خصایل صلح دوستی و اجتناب از جنایات در نزد افراد یهود مبتنی بر دلایل گوناگون و تابع عوامل مختلف است که قسمتی از آنها در تفسیر بعضی از مقررات این کتاب شرح داده شده و اگر بخواهیم بطور خلاصه به اساس آن پی ببریم بایستی گفت که علت: علاقمند بودن به (تورات) و انجام دادن، فرامین و قوانین آن می‌باشد.

دکتر حبیب لوی

پیشکش "راد" به قبرستان
www.tabarestan.info

متمنی است قبل از قرائت کتاب غلط ها را اصلاح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۷	۸	وجود داشته	وجود داشته
۱۹	۸	فراموش نماید	فراموش شود
۲۳	۱۸	اما از بعد	اما بعد از
۲۴	۱۱	در اثر جادوگری	و تصور جادوگری
۲۴	۲۱	پی	پیه
۲۶	۱۵	یهودیان	یهودیت
۲۷	۱۹	لغات	لغوی
۲۹	۲	میلا دی)	میلا دی) (نویسنده شولهان آروخ
۲۹	۳۲	مقررات شولهای	مقررات شولهان
۳۰	سطر آخر	روبه بن	روبه این
۳۲	۷	که	که از
۳۵	سطر ما قبل آخر	(ترا)	(توراه)
۴۲	۱۲	Pierrefitte	Peyrefitte
۴۴	۳	Max ماکس	Marx مارکس
۴۴	۱۶	بود	برد
۴۶	۱۶	حقوقی	حقوق
۶۷	۱۲	چایی	چاپ
۷۶	۲۱	اجرا است	اجرا میشود
۱۰۹	۱۱	بیرد	بیر
۱۰۹	۱۳	ازنده	زنده
۱۲۵	۲	منکوهه	منکوحه
۱۳۹	۷	شوهوش	شوهرش
۱۶۰	۷	به حضرت	به حضور
۱۶۰	۱۲	مخصوصی	مخصوص
۱۷۱	۱	به الكل	بالکل
۱۷۱	۹	ضخره	صخره

پیشکش "راد" به قبرستان
www.tabarestan.info

منابع استخراج فصل اول

۱- سفر خروج باب بیستم آیه ۲ الی آیه ۱۷

منابع استخراج - فصل دوم

آداب و دستورات اخلاقی واجتناب از دروغگوئی و پرهیز از رشوه خواری و دوری از خرافات و مبارزه با موهومات و ربا خواری

- ۱- سفر خروج باب بیست و دوم آیه ۱۸ و ۱۹
- ۲- سفر خروج باب بیست و دوم آیه ۲۱ تا ۲۷
- ۳- سفر خروج باب بیست و سوم آیه ۱ تا ۱۳
- ۴- سفر خروج باب سی و یکم آیه ۱۶ و ۱۷
- ۵- سفر لاویان باب پنجم آیه ۱
- ۶- سفر لاویان باب هجدهم آیه ۶ الی ۳۰
- ۷- سفر لاویان باب نوزدهم آیه ۱ الی ۳
- ۸- سفر لاویان باب نوزدهم آیه ۹ الی ۱۸
- ۹- سفر لاویان باب نوزدهم آیه ۲۶
- ۱۰- سفر لاویان باب نوزدهم آیه ۲۸ تا ۳۷
- ۱۱- سفر لاویان باب بیستم آیه ۶ الی ۸
- ۱۲- سفر لاویان باب بیستم آیه ۹ الی ۲۱
- ۱۳- سفر لاویان باب بیستم آیه ۲۷
- ۱۴- سفر لاویان باب ۲۵ آیه ۳۵ تا ۳۸
- ۱۵- سفر اعداد باب ۱۵ آیه ۱۵ تا ۱۷
- ۱۶- سفر اعداد باب ۱۵ آیه ۲۹ الی ۳۱
- ۱۷- سفر تثئیه باب ۱۶ آیه ۱۸ الی آخر ۲۰
- ۱۸- سفر تثئیه باب ۱۸ آیه ۹ الی آخر ۱۴

- ۱۹ — سفر تثنیه باب ۲۲ آیه ۱ تا آخر ۱۲
 ۲۰ — سفر تثنیه باب ۲۳ آیه ۱۶ تا آخر ۲۰
 ۲۱ — سفر تثنیه باب ۲۳ آیه ۲۴ و ۲۵ طبق فاضل خانی ترجمه فارسی (آیه‌های ۲۵ و ۲۶ طبق تورات)
 ۲۲ — سفر تثنیه باب ۲۴ آیه ۶
 ۲۳ — سفر تثنیه باب ۲۴ آیه ۱۰ الی آخر ۱۵
 ۲۴ — سفر تثنیه باب ۲۴ آیه ۱۷
 ۲۵ — سفر تثنیه باب ۲۴ از آیه ۱۹ الی آخر ۲۱
 ۲۶ — سفر تثنیه باب ۲۵ آیه ۴
 ۲۷ — سفر تثنیه باب ۲۵ از آیه ۱۰ الی آخر ۱۲
 ۲۸ — سفر تثنیه باب ۲۷ از آیه ۱۶ الی آخر ۲۶

پیشکش "راد" به تبرستان
 www.tabarestan.info

منابع استخراج فصل سوم

قوانین بهداشتی و بهداشت خوراك

- ۱ — سفر خروج باب بیست و دوم آیه ۳۱
 ۲ — سفر لاویان باب سوم آیه ۱۷
 ۳ — سفر لاویان باب ۵ آیه ۲
 ۳ — سفر لاویان باب ۷ آیه ۲۳ الی ۲۴
 ۴ — سفر لاویان باب هفتم آیه ۲۶ الی ۲۷
 ۵ — سفر لاویان باب دهم آیه ۸ الی ۱۰
 ۶ — سفر لاویان باب یازدهم آیه ۲ الی ۴۷
 ۷ — سفر لاویان باب دوازدهم آیه ۲ الی ۵
 ۸ — سفر لاویان باب سیزدهم آیه ۱ الی ۵ و باب چهاردهم
 ۹ — سفر لاویان باب پانزدهم آیه ۱ الی ۱۵
 ۱۰ — سفر لاویان باب پانزدهم آیه ۱۶ الی ۲۸
 ۱۱ — سفر لاویان باب هفدهم آیه ۱۰ الی ۱۴
 ۱۲ — سفر لاویان باب نوزدهم آیه ۵ الی ۸
 ۱۳ — سفر اعداد باب پنجم آیه ۱ الی ۳
 ۱۴ — سفر اعداد باب نوزدهم آیه ۱۱ الی ۲۲
 ۱۵ — سفر تثنیه باب دوازدهم آیه ۲۰ الی آخر ۲۵
 ۱۶ — سفر تثنیه باب چهاردهم آیه ۱ الی آخر ۲
 ۱۷ — سفر تثنیه باب ۲۱ از آیه ۲۲ الی آخر ۲۳
 ۱۸ — سفر تثنیه باب ۲۳ از آیه ۱۰ تا آخر آیه ۱۳
 ۱۹ — سفر تثنیه باب ۲۴ آیه ۸

منابع استخراج فصل چهارم

قوانین اجتماعی

- ۱ - سفر اعداد از آیه ۱۱ الی ۳۱ باب پنجم
- ۲ - سفر تثئیه از آیه ۱۵ الی ۱۸ باب اول
- ۳ - سفر تثئیه از آیه ۱۸ الی آخر ۲۰ باب شانزدهم
- ۴ - سفر تثئیه باب هفدهم آیه ۸ الی آخر ۱۳
- ۵ - سفر تثئیه باب هفدهم آیه ۱۴ الی آخر ۲۰
- ۶ - سفر تثئیه باب ۲۳ آیه ۲ تا آخر

منابع استخراج فصل پنجم

مقررات کشاورزی

- ۱ - سفر لاویان باب نوزدهم آیه ۲۳ الی ۲۵
- ۲ - سفر لاویان باب ۲۵ آیه ۳ الی ۳۴
- ۳ - سفر لاویان باب ۲۵ آیه ۳۹ الی ۵۵
- ۴ - سفر لاویان باب نوزدهم آیه ۹ الی ۱۸

منابع استخراج فصل ششم

قوانین نظامی

- ۱ - سفر اعداد باب اول آیه ۲
- ۲ - سفر تثئیه باب بیستم از آیه ۱ الی آخر آیه ۲۰
- ۳ - سفر تثئیه باب ۲۳ آیه ۹
- ۴ - سفر تثئیه باب ۲۴ آیه ۵

منابع استخراج فصل هفتم

قوانین حقوقی جزائی و جنائی و کیفری

- ۱ - سفر خروج باب بیست و یکم از آیه ۱۲ الی آیه ۱۹
- ۲ - سفر خروج باب بیست و یکم از آیه ۲۲ الی ۲۵

- ۳ - سفر خروج باب بیست و یکم از آیه ۲۸ الی ۳۱
- ۴ - سفر خروج باب بیست و یکم از آیه ۳۳ الی ۳۶
- ۵ - سفر خروج باب بیست و دوم از آیه ۱ الی ۱۷ ولی طبق اصل تورات باب بیست و یکم آیه ۳۷ و باب بیست و دوم از آیه ۱ الی ۱۷
- ۶ - سفر لاویان از متن فارسی باب ششم آیه ۱ الی ۷ و متن عبری باب پنجم آیه ۲۱ الی ۲۶
- ۷ - سفر لاویان باب بیست و چهارم آیه ۱۵ الی ۲۲
- ۸ - سفر تثئیه باب ۱۹ از آیه ۱ الی آخر ۱۳
- ۹ - سفر تثئیه باب ۱۹ از آیه ۱۴ الی آخر آیه ۲۱
- ۱۰ - سفر تثئیه باب ۲۱ از آیه ۱۸ الی آخر آیه ۲۱
- ۱۱ - سفر تثئیه باب ۲۴ آیه ۷
- ۱۲ - سفر تثئیه باب ۲۴ آیه ۱۶
- ۱۳ - سفر تثئیه باب ۲۵ آیه ۱ الی آخر ۳

منابع استخراج فصل هشتم

قوانین مالی

- ۱ - سفر تثئیه باب چهاردهم از آیه ۲۲ الی آخر ۲۹
- ۲ - سفر تثئیه باب پانزدهم از آیه ۱ الی آخر ۱۱
- ۳ - سفر تثئیه باب ۲۵ از آیه ۱۳ الی آخر ۱۶
- ۴ - سفر تثئیه باب ۲۶ از آیه ۱۲ الی آخر ۱۴

منابع استخراج - فصل نهم

دستورات و مقررات راجع به چگونگی رفتار با بردگان و غلامان یا خدمتکاران و

مراعات حال آنان و حسن سلوك و خوش رفتاری با اسرای جنگ

- ۱ - سفر خروج باب بیست و یکم از آیه ۲ الی ۱۱
- ۲ - سفر خروج باب بیست و یکم از آیه ۲۰ الی ۲۱
- ۳ - سفر خروج باب بیست و یکم از آیه ۲۶ الی ۲۷
- ۴ - سفر خروج باب بیست و یکم آیه ۳۲
- ۵ - سفر تثئیه باب ۱۵ از آیه ۱۲ الی آخر ۱۸ (راجع بمراعات حال بردگان یا خدمتکاران)
- ۶ - سفر تثئیه باب بیست و یکم از آیه ۱۰ الی آخر آیه ۱۴

منابع استخراج فصل دهم

قانون ارث و ازدواج

- ۱ - آیه ۸ تا آخر ۱۱ باب ۲۷ سفر اعداد
- ۲ - آیه ۱ تا آخر ۱۳ باب ۳۶ سفر اعداد
- ۳ - سفر تثئیه باب ۲۱ از آیه ۱۵ الی آخر ۱۷
- ۴ - سفر تثئیه باب ۲۲ از آیه ۱۳ الی آخر ۳۰
- ۵ - سفر تثئیه باب ۲۴ از آیه ۱ الی آخر ۵
- ۶ - سفر تثئیه باب ۲۵ از آیه ۵ الی آخر ۱۰
- ۷ - سفر لاویان باب ۱۸ آیه ۶ الی آخر ۲۰

پیشکش "راد" به تبرستان
www.tabarestan.info

منابع استخراج فصل یازدهم

منع بت پرستی و طرز انجام مراسم تقدیم هدایا و موقوفات و بست نشستن و نذر و قربانی

- ۱ - سفر خروج باب بیستم آیه ۲۳ الی ۲۴
- ۲ - سفر خروج باب بیست و دوم آیه ۲۰ (طبق فاضل خانی ترجمه فارسی) و آیه ۱۹ (طبق تورات)
- ۳ - سفر خروج باب ۳۴ آیه ۱۲ الی ۱۴
- ۴ - سفر خروج باب ۳۴ آیه ۱۷
- ۵ - سفر لاویان باب ۱۹ آیه ۴
- ۶ - سفر لاویان باب ۲۰ آیه ۱ الی ۵
- ۷ - سفر لاویان باب ۲۶ آیه ۱ الی ۲
- ۸ - سفر تثئیه باب چهارم آیه ۱۶ الی آخر ۱۹
- ۹ - سفر تثئیه باب چهارم آیه ۲۳
- ۱۰ - سفر تثئیه باب دوازدهم آیه ۳۰ الی آخر ۳۲ (طبق فاضل خانی ترجمه فارسی) و آیه ۳۰ الی آخر ۳۲ باب دوازدهم و آیه ۱ باب سیزدهم (طبق تورات)
- ۱۱ - سفر تثئیه باب شانزدهم آیه ۲۱ الی آخر ۲۲
- ۱۲ - سفر تثئیه باب هفدهم آیه ۲ الی آخر ۷
- ۱۳ - سفر تثئیه باب بیست و سوم از آیه ۲۱ الی آخر ۲۳
- ۱۴ - سفر تثئیه باب ۲۷ آیه ۱۵
- ۱۵ - سفر تثئیه باب سیزدهم از آیه ۱ الی آخر ۱۸ (طبق فاضل خانی ترجمه فارسی) و آیه ۲ الی ۱۹ (طبق تورات)
- ۱۶ - سفر لاویان باب اول آیه ۱ الی ۱۷ و باب چهارم آیه ۱ الی ۱۷ و باب چهارم آیه ۱ الی ۳۵ و باب پنجم آیه ۶ الی ۱۰ و باب ششم و هفتم
- ۱۷ - سفر لاویان باب دوم آیه ۱ الی ۱۶ و باب پنجم آیه ۱۱ تا ۱۳ و باب ششم آیه ۱۴

الی ۲۳

- ۱۸ — سفر لاویان باب دوازدهم آیه ۶ الی ۸ باب ۱۵ آیه ۲۹ الی ۳۰ و باب ۱۶ آیه ۵ الی ۲۸ باب هفدهم آیه ۳ الی ۹ و باب نوزدهم آیه ۲۱ الی ۲۲
۱۹ — سفر لاویان باب ۲۲ آیه ۱۸ الی ۳۰ و باب ۲۳ آیه ۷ الی ۲۱ و باب ۲۴ آیه ۲ الی ۹

- ۲۰ — سفر اعداد باب ۱۵ آیه ۱ الی ۱۴ و آیه ۱۷ الی ۲۸ باب ۱۸ آیه ۱۸ الی ۳۲ باب ۱۹ آیه ۱ الی ۱۱ باب ۲۸ آیه ۳ الی ۳۱ باب ۲۹ آیه ۲ الی آخر آیه ۶ و آیه ۸ الی آخر آیه ۱۱ و آیه ۱۳ الی آخر آیه ۳۴ و آیه ۳۶ الی آخر آیه ۴۰

www.tabarestan.info
گنجینه "راد" به تبرستان

- ۲۱ — سفر اعداد باب ۳۰ آیه ۱ الی آخر آیه ۱۶
۲۲ — سفر اعداد باب ۳۰ آیه ۶ الی آخر آیه ۳۴
۲۳ — سفر تثئیه باب دوازدهم آیه ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ و ۱۸
۲۴ — سفر تثئیه باب دوازدهم آیه ۲۶ و ۲۷
۲۵ — سفر تثئیه باب پانزدهم از آیه ۱۹ الی آخر ۲۳
۲۶ — سفر تثئیه باب هفدهم آیه ۱
۲۷ — سفر تثئیه باب بیست و ششم از آیه ۱ الی آخر ۴

منابع استخراج فصل دوازدهم

قوانین مذهبی

- ۱ — سفر خروج باب بیست و دوم آیه ۲۸ (طبق فاضل خانی ترجمه فارسی) و آیه ۲۷ (طبق تورات)
۲ — سفر خروج باب بیست و سوم آیه ۱۴ الی ۱۵
۳ — سفر خروج باب ۳۴ آیه ۲۱ الی ۲۳
۴ — سفر خروج باب ۳۱ آیه ۱۳ و ۱۴ (طبق فاضل خانی ترجمه فارسی) و آیه ۱۲ تا آخر ۱۴ (طبق تورات)
۵ — سفر خروج باب ۳۵ آیه ۲ الی ۴
۶ — سفر لاویان باب ۱۶ آیه ۲۹ الی ۳۱
۷ — سفر لاویان باب ۱۹ آیه ۲۸
۸ — سفر لاویان باب ۲۱ آیه ۱ الی ۷
۹ — سفر لاویان باب ۲۱ آیه ۹
۱۰ — سفر لاویان باب ۲۱ آیه ۱۰ الی ۲۴
۱۱ — سفر لاویان باب ۲۲ آیه ۱ الی ۱۶
۱۲ — سفر لاویان باب ۲۳ آیه ۲۷ الی ۳۲
۱۳ — سفر لاویان باب ۲۳ آیه ۳۴ الی ۳۶
۱۴ — سفر لاویان باب ۲۳ آیه ۳۹ الی ۴۴

- ۱۵ — سفر لاویان باب ۲۷ آیه ۱ الی ۳۴
- ۱۶ — سفر اعداد آیه ۶ تا ۱۰ باب پنجم
- ۱۷ — سفر اعداد باب ششم آیه ۱ الی ۲۲
- ۱۸ — سفر اعداد باب ششم آیه ۲۲ الی ۲۶ (طبق فاضل خانی ترجمه فارسی) و آیه ۲۳ الی ۲۷ (طبق تورات)
- ۱۹ — سفر اعداد باب هشتم آیه ۵ الی ۲۶
- ۲۰ — سفر اعداد باب ۱۵ آیه ۳۸ الی ۴۰

منابع استخراج فصل سیزدهم

مقررات مربوط به سنت‌های تاریخی و ملی اسرائیل

- ۱ — باب دوازدهم سفر خروج آیه ۱ و ۲
- ۲ — باب دوازدهم سفر خروج آیه ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹
- ۳ — باب دوازدهم سفر خروج آیه ۴۸
- ۴ — سفر اعداد باب نهم آیه ۱۰ الی ۱۴
- ۵ — سفر لاویان باب ۲۳ آیه ۵ الی ۸
- ۶ — سفر لاویان باب ۲۳ آیه ۲۳ و ۲۴

منابع استخراج فصل چهاردهم

غذغن اکید در کم یاز یاد کردن قوانین تورات و لزوم اجرای کامل آن

- ۱ — سفر تثئیه باب چهارم آیه ۲
- ۲ — سفر تثئیه باب چهارم آیه ۸
- ۳ — سفر تثئیه باب پنجم آیه ۳۲ الی آخر ۳۳ (طبق فاضل خانی ترجمه فارسی) و آیه ۲۹ و ۳۰ (طبق تورات)
- ۴ — سفر تثئیه باب ششم آیه ۳ الی آخر ۲۵
- ۵ — سفر تثئیه باب هشتم آیه ۱
- ۶ — سفر تثئیه باب هشتم آیه ۶
- ۷ — سفر تثئیه باب هشتم از آیه ۱۱ الی آخر ۲۰
- ۸ — سفر تثئیه باب دهم از آیه ۱۲ الی آخر ۲۲
- ۹ — سفر تثئیه باب یازدهم از آیه ۱ الی آخر ۲۲
- ۱۰ — سفر تثئیه باب دوازدهم از آیه ۱ الی آخر ۳
- ۱۱ — سفر تثئیه باب دوازدهم آیه ۱۹
- ۱۲ — سفر تثئیه باب دوازدهم آیه ۲۸

منابع استخراج فصل پانزدهم

راجع به مجازات و مکافات در عدم تمکین از قوانین تورات و پیش بینی
حضرت موسی راجع به آینده بنی اسرائیل

- ۱ - سفر لاویان باب ۲۶ آیه ۳ الی آخر ۶
- ۲ - سفر تثئیه باب چهارم از آیه ۲۵ الی ۴۰
- ۳ - سفر تثئیه باب هفتم از آیه ۶ الی آخر ۱۵
- ۴ - سفر تثئیه باب ۱۸ از آیه ۱۵ الی آخر آیه ۲۲
- ۵ - سفر تثئیه باب ۲۸ از آیه ۱ الی آخر
- ۶ - سفر تثئیه باب ۲۹ از آیه ۱۴ الی آخر ۲۴ (طبق فاضل خانی ترجمه فارسی) و آیه ۱۳ الی آخر ۲۳ (طبق تورات)
- ۷ - سفر تثئیه باب سی ام از آیه ۱ الی آخر ۲۰
- ۸ - سفر تثئیه باب سی و یکم از آیه ۱ الی آخر آیه ۳۰
- ۹ - سفر تثئیه باب سی و دوم از آیه ۱ الی آخر ۵۲
- ۱۰ - سفر تثئیه باب ۳۳ از آیه ۲۶ الی آخر ۲۹

چه عواملی موجب تألیف این کتاب گردیدند

در گذشته علوم مذهبی، علاقمندان به کسب دانش را بیشتر بخود جلب مینمود. اما امروزه با وسعت دانشهای مختلفه و لزوم تکمیل یکی از رشته های علمی و تخصصی، تا بتوان پس از سالها تحصیل، تأمین معاش نمود، دیگر فرصتی برای جوانان ما باقی نمیگذارد تا بتوانند به مطالعه و تحقیق در مذهب خود پردازند خصوصاً آنکه چرن کتب مذهبی موسویت و یهودیت مفصل و وسیع میباشند اوقات زیادی برای مطالعه و تحقیق و تفسیر آنها لازم است. همچنین در گذشته وسائط نقلیه سریع السیر و راحت مانند این عصر برای مسافرت و گردش و مشغولیاتی مانند سینماها و کافه ها و غیره وجود نداشتند و چون تعطیلات شنبه ها و اعیاد هم مراعات میشد لذا جوانان ما اوقات فراغت خویش را در کنیساها که علما و پیشوایان مذهبی بسیار وارد، به بحث و تفسیر احکام تورات حضرت موسی علیه السلام و سایر قوانین یهودیت مانند (پرق آبوت و تلمود) میپرداختند و مستمعین از سهم بزرگ ملت خودشان در پیشرفتهای اخلاقی نسبی گذشته بشریت آگهی حاصل کرده و نیز از پیش بینی انبیای اسرائیل و ایده آلهای آنها برای آینده ملی که از حیث تمدن صنعتی پیشرفته ولی دارای خوی جنگی بوده و بالاخره ناچار به خلع سلاح گشته و صلح عمومی برقرار خواهد شد با اطلاع می شدند.

این تغییرات موجب گشتند که بتدریج همبستگی بعضی از افراد جامعه ما در

اثر بی‌اطلاعی از ارزش و اهمیت مذهب خود ضعیف گردد.

گرچه همان وضع مذکوره در بالا برای جوانان یهود سایر کشورهای جهان نیز پیش آمد کرده است ولی ایجاد نهضت‌های گوناگون ملی و مذهبی در بین آنها موجب شد که جوانان آن دیار قسمتی از اوقات مشغولیات تفریحی خود را اختصاص به شرکت در کنفرانسهای پیشوایان نهضت‌های مذکور داده و در نتیجه علاقمندی آنها به جوامع خود حفظ گردد.

لازم است اضافه شود هرگاه افرادی از ملت ما کوشش نمایند فرصتی برای مطالعه تورات بدست آورند و بخواهند در احکام مربوطه به موضوعی کاملاً آشنا شوند، مثلاً احکام راجع به بهداشت خوراک یا بهداشت جسم یا احکام اخلاقی یا اجتماعی و غیره مجبورند به قرائت کلیه تورات که وقت زیادی لازم دارد بپردازند. بمنظور آنکه اشخاص ذینفع بتوانند بهسودت و با صرف اوقاتی کوتاه موضوع علاقه خود را بدست آورند، کلیه احکام مربوط به هر موضوعی در فصل جداگانه جمع‌آوری شده.

ضمناً تذکر این نکته لازم است که چون این کتاب کسب اطلاع از احکام حضرت موسی علیه السلام را آسان ساخته است لذا بعضی از هموطنان مسلمان که تصور میکنند یهودی کافر و یا موحد نیست و حتی نجس میباشد پی خواهند برد که یهودی پیشوای وحدانیت بوده است.

در خاتمه امیدوار است که افرادی از ملت ما کوشش نمایند سایر کتب مذهبی یهود را ترجمه و بصورتی در آورند تا مطالعه آنها برای اشخاص علاقمند با صرف اوقاتی کوتاه میسر باشد.

دکتر حبیب لوی

اطلاعاتی چند راجع به موسویت و یهودیت

با اینکه تمدن اخلاقی و توجه به صلح دوستی و لزوم اجرای عدل و انصاف و مراعات آزادی و آسایش اقلیتهای مذهبی و ملی و انجام بهداشت و وضع قوانین مفیدگونگون برای نظم اجتماع و اجتناب از اوهام و خرافات، در بین ساکنین کشورهای اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی و استرالیا و قسمتی از آسیا و آفریقا مدیون موسویت و یهودیت میباشد و حتی ملت اسرائیل سهم بزرگی در پیشرفت علوم مختلف جدید خصوصاً در فیزیک و شیمی و روانکاوی و در طب و کشف داروهای حیات بخش برای بشریت دارد، متأسفانه به استثنای محققین و علمای بزرگ تاریخ و اجتماع جهان، توده‌های بزرگ این کشورها و قاره‌ها اطلاعی از این خدمات و ریشه تمدن و معتقدات خود ندارند. (۱)

(۱) منظور از بیان این مقدمه تبلیغ مذهب حضرت موسی بین غیر یهودیان نیست زیرا نه فقط موسویت از بدو امر در صدد تبلیغ از راه تحجیب و یا تهدید برای جلب افراد پیروان سایر ادیان برنیاورده است بلکه کوششی هم برای شناساندن مذهب خود نکرده در نتیجه افسانه‌های عجیب و توهّمات بی‌جا در اطراف او قرار گرفت و موجب آن همه تجاوزات نسبت به وی گردید. بسیاری از افراد یهود جهان قصور فوق را به پیشوایان قوم خود بجا یا بیجا نسبت میدهند اما باید دانست که دو موضوع موجب این جریان گشت:

نخست آنکه هنگامی که در عصر حضرت موسی و بعد از رحلت وی که هنوز بنی اسرائیل قوم کوچکی بود و سرتاسر جهان و خصوصاً اطراف او را ملل بت پرست و منحرف در محاصره داشتند، تبلیغ بوسیله فشار یا تحجیب موجب کثرت جلب این گونه مردمان به موسویت ←

همچنین در بعضی ممالک که قوانین وسطح دانش افراد پیشرفته تر است از ایده آل‌های یهودیت اکثراً بی‌خبرند و حتی عده‌ای از مردم کشورهای پیرو توحید، یهودی را که پیشوای موحدین بوده کافر دانسته و آنهائیکه اهل ختنه هستند وقتی اطلاع حاصل کردند که یهودی قبل از آنها ختنه می‌کرده است انگشت حیرت بدنشان گزیدند.

یا اگر مردم شنیدند که مراعات بهداشت جسم و خوراک، بر اساس علمی، از ۳۳ قرن قبل در موسویت استوار است، برای آنها باور نکردنی بود و یا نپنداندند که لزوم اجرای عدل و انصاف و آزادی افراد بشر از هر طبقه‌ای که باشند، حتی برای برده، و یا دستورات اخلاقی و تأکید در علاقمندی به صلح جهانی و خلع سلاح همگانی و تشکیل یافتن سازمان ملل و کمک به بیوه زنان و یتیمان و فقرا و تأمین آسایش زحمت‌کشان و کارگران، جملگی از افکار و ایده آل‌های انبیا و بزرگان ملت یهود از هزاران سال قبل به این طرف بوده و تازگی ندارند. این

→ می‌گشت تا بعدی که موسویان اولیه در اقلیت میماندند و یهودیان وقتی اکثریت ملی خود را از دست میدادند پیرو عقاید منحرف آنها میشدند و برگشت به دستورات حضرت موسی امری مشکل گشته و تأکیدات آن حضرت در تورات در برگشتن به بت پرستی و معتقدات همسایگان غیر عملی میگردید مع الوصف نفوذ پدهمسایگان در موسویان تأثیر کرد اما در اثر حفظ اصالت قومی خود، پیمبران بعدی بنی اسرائیل توانستند بار دیگر ملت خود را متوجه احکام حضرت موسی بنمایند.

دوم آنکه با وجود اشکالاتی که در راه ورود به موسویت وجود داشت گاه‌گاه عده‌ای از پیروان ادیان خارجی قبول موسویت میکردند. کمی قبل از ظهور حضرت عیسی مردی (ادومی) موسوی گشت تا بالاخره بعد از سالیان دراز فرزند او بنام هرود پادشاه یهود شد (برخلاف دستور تورات سفر تثئیه باب ۱۷ آیه ۱۰)

آن زمان عصری بود که نهضت مسیحیت در اسرائیل شروع شده بود و رومیان برای استعمار قطعی یهودیه تلاش کرده و یهودیان استقامت مینمودند. این پادشاه خارجی بارومیان ساخت و حضرت یحیی را که بشارت عصر مسیحیت ملکوتی را میداد به خیال آنکه منظور او مسیح پادشاه یا ناجی زمینی یهود میباشد یعنی شخصی که برای مبارزه با دشمنان یهود قیام و جنگ خواهد کرد، سر برید و بدبختانه در اثر بی‌خبری و عدم فهم اکثریت افراد بشر، هرود را یهودی دانسته و ظلم و ستم به این ملت را روا داشتند. از آن تاریخ علما و پیشوایان یهود قبول بیگانه را به مذهب حضرت موسی تابع شرایطی سخت قرار دادند.

بی‌خبرها موجب ایجاد افسانه‌ها و نرفتهای گوناگون نسبت به اولادان اسرائیل را فراهم ساخته است. (۱)

عجیب‌تر آنکه حتی عده‌ای از جوانان یهود نیز از آنچه در قسمت بالا گذشت بی‌اطلاع می‌باشند و فقط توجه به ذلت‌های گذشته یهود می‌کنند (۲) و اگر احياناً جملاتی از آن آیده‌آلها را بشنوند، تصور می‌کنند از افکار عالی افراد سایر ملل است و یا اگر به آنها بگویند فلسانی که غیر یهودی بود چنین دستورات

(۱) در بسیاری از کشورهای جهان علمی‌الخصوص در نتیجه حسادتهای کسبی نسبت‌های بی‌اساس گوناگونی به او داده‌اند و همچنین بواسطه بی‌خبری از تاریخ و مقررات یهود، این ملت را کشنده حضرت مسیح دانسته‌اند، با وجودیکه ژان لیست و سوم در آخرین شورای پیشوایان مسیحیت منعقد در سال ۱۹۶۲ در رم، با رأی اکثریت کذب این فکر را برای جهانیان اعلام داشتند و ملت یهود را تبرئه کردند مع الوصف این افسانه در مخیله اکثریت افراد بشر و عالم مسیحیت به‌ارث باقی مانده است.

(۲) ذلت و بدبختی و ضعف یهود دلیل حقارت وی نمی‌باشد و هیچ قدرتی دلیل عظمت ملی نمی‌گردد. آنچه‌هایی که بنظر شما مردود میرسد بنظر خداوند دارای عالیت‌ترین ارزش است. آنچه در نظر مسیحیان و حواریون موجب عظمت حضرت مسیح می‌باشد فقر و خفتی است که بروی وارد گردید و نه قدرت او. بنابراین حقارتی که یهودیان دارند دلیل خفت و پستی آنها نمی‌باشد.

یهودیان از تمام ملل جهان بیشتر صدمه دیده و مورد تحقیر واقع گردیده‌اند زیرا مقام اسرائیل در جامعه بشریت مانند مقامی است که قلب در بدن داراست. همان قسم که قلب انسان از تمام مصائب و رنجهای وارده بر بدن آزرده میشود همانطور هم یهود بطور غیرمنصفانه هدف کلیه اتهامات و بدبختی‌ها واقع گردیده است. اما با وجود کلیه این مصائب ملت یهود همواره زنده است. یهود مانند مریضی است که توسط اطباء ترك شده و منتظر ظهور معجزه‌ای برای شفای خود می‌باشد و مانند استخوانهای خشکی است که پیغمبر فرموده (حزقیال نبی باب ۳۷) به اسرائیل روح تازه دمیده و حیات و قدرت سابق را بدست خواهد آورد.

خداوند اولادان یعقوب را در دنیا، باین منظور پراکنده کرده است تا بهتر بتوانند مأموریت خود را انجام دهند (منظور آشنا نمودن بشریت به مبانی وحدانیت و اخلاق است). هنگامیکه دانه‌های گندم در زیر خاك است، مدتی از انظار مخفی است و در محیطی که گل و لای وی را احاطه کرده است بسر میرد و چنین تصور میشود که برای همیشه از بین رفته ولی بتدریج سبز شده گل داده و حالت اولی خود را بدست آورده بارور خواهد گردید. ملت یهود نیز مانند همان دانه گندم است. هنگامیکه بشریت بوسیله اسلام و مسیحیت اصلاح گردید آنوقت به ارزش حقیقی ملت یهود پی خواهد برد. از فرمایشات هارام‌بام (ابن میمون) فیلسوف، طیب و دانشمند یهودی.

اخلاقی را داده است، باور کرده و تصور مینمایند مبتکر این افکار عالی همان شخص است و در نتیجه این جریان و عوامل دیگر، عده‌ای از آنها با نظر بی‌علاقه‌گی به جامعه خود نگر بسته بسری سرگردانی یا اختلاط سوق داده شده‌اند. موضوع دیگری که برای بسیاری از افراد خودی و بیگانه روشن نیست آنست: جمعیتی که بنام اسرائیل یا یهود در اکثر ممالک جهان زندگانی مینمایند، آیا آنها جزو مذهبی هستند که فقط پیرو حضرت موسی بوده یا آنکه ملتی بخصوص و متفرق و یا نژادی معین و یا هر سه جنبه را دارا میباشند و این همه دلبستگی آنها به مذهب حضرت موسی یا قومیت خود از کجا سرچشمه گرفته و مخلوط نگردیدن ایشان با سایر مذاهب و اقوام جهان، با وجود ناراحتی‌ها و قتل و کشتارها و تحمل ظلم‌ها و ناعدالتی‌ها و تجاوزات گوناگون، چه علت دارد و چرا حاضر نیستند این علاقمندی و هم پیوستگی گسسته شده و در بین سایر دسته‌های بشری مستهلک گردند و بالاخره چه افکار و نهضت‌هایی در بین همکیشان یا برادران آنها وجود دارد.

عقاید و افکار و نهضت‌های مختلفی که در بین یهودیان وجود دارد: بقرار زیر میباشد:

۱- صیونیسیم

۱ - اکثر یهودیان جهان معروف به صیونیست‌ها، بدون آنکه کلیه آنها تعصب نژادی یا تعصب مذهبی داشته باشند معتقدند که یهودیان در هر کشوری که زندگانی مینمایند متعلق به ملت بنی اسرائیل هستند و مانند سایر ملل دارای هم پیوستگی ملی، تاریخی، مذهبی و سرگذشت و سنن مشابه و یکنواخت دارند. زیرا بعد از انقلاب کبیر فرانسه و بلند شدن ندای آزادی و برادری، اکثر یهودیان اروپای غربی کوشش کردند که گذشته و همبستگی‌های ملی یا نژادی را فراموش کرده و در هر کجا ساکنند زبان و عادات و رسوم و سنن ملی کشور اقامت خود را پذیرفته و جزو ملت محل اقامت خویش در آیند و فقط به حفظ مذهب حضرت موسی قناعت نمایند. ولی هر روزی تحت بهانه‌ای بی‌اساس، اکثر

اهالی کشور و حتی بعضی از زمامداران، (در اثر کینه‌های ارثی) آنها را از خود رانده و تجاوزات و بی‌عدالتی‌های گوناگون برایشان روا داشتند. بنابراین وقتی دکتر تهودور هرتسل در اواخر قرن نوزدهم در پایتخت کشور فرانسه ملاحظه کرد که بواسطه مرسوی بودن کاپیتان دریفوس چه حملات و تجاوزاتی در مهد تمدن و آزادی جهان بر علیه کلیه هم‌مذهبان دریفوس بی‌گناه انجام میشود و چه نسبت‌های بی‌اساس به آنها داده و چگونه انزجار و نفرت عمومی را بر علیه جامعه مذهبی که در اقلیت است برانگیخته‌اند و هیچ‌یک از خدمات گذشته و حاضره مردان بزرگ یهود، اعم در قسمت مذهبی مانند حضرت موسی و پیغمبران بنی اسرائیل یا حضرت عیسی و حواریون او و نه خدمات حیاتی گوناگون که جوامع بشری مدیون علمای یهود میباشد (۱) مورد توجه قرار نگرفته است، در نتیجه این فکر برای او ایجاد گشت:

بر فرض آنکه کشورهای اروپای شرقی و بعداً کشورهای عقب افتاده دیگر که تجاوزاتشان وحشیانه است، پس از قرن‌ها، تمدن و آزادی‌خواهی آنها نیز به پایه ملت فرانسه برسند، باز هم مسئله یهود حل نخواهد گردید (۲)

دکتر تهودور هرتسل در جای دیگر مینویسد: یهودیان، سازمان یک ملت زنده‌ای را ندارند و در همه جا بیگانه بحساب می‌آیند و به همین جهت اکثریت اهالی کشورشان از آنها تنفر دارند.

تأمین آزادی سیاسی و اجتماعی در کشور اقامت ایشان نمیتواند توجه ملل را برای احترام آنها جلب نماید.

تنها راه علاج مؤثر، ایجاد یک ملت یهود زنده در کشور اجدادی است. نباید تصور نمود که پیشرفت و ترقی مداوم بشریت میتواند علاج مؤثری برای مشکلات و دردهای ملت ما باشد. احترام و اعتماد ملی، از طرف خود ما و تشبثات لازمه بمنظور تشکیل یک واحد سیاسی برای مقاومت در مقابل مخالفین احیای ملی، واجب است. اگر مایل نیستیم که همواره از این کشور به کشور

(۱) توضیحات مفصّلی بعداً در این مورد داده خواهد شد.

(۲) ۳۰ سال بعد از آن نظریه هرتسل با عملیات وحشیانه هیتلر ثابت گردید.

دیگری سرگردان باشیم بایستی دارای یک خانه و پناهگاهی از خودمان گردیم. مسئله بین‌المللی یهود، بوسیله نهضتی ملی قابل حل می‌باشد و بایستی وجدان ملی اسرائیل بیدار گردد.

موقعیکه یهود خود را بشناسد، خدای خود را پیدا کرده است و هنگامیکه اسرائیل خود را گم کند و یا بطرف نابودی خود (اختلاط) توجه نماید عملاً منکر خدای خویش شده است.

احیای اسرائیل بطوریکه ملت و تجدید حیات ملی وی در فلسطین و ادامه زندگانی راحت در ارض اقدس، مدت چهار هزار سال است که تشکیل ادبیات ملت ما را داده و عملی شدن آن جلب افکار عمومی بشریت را در شروع سلطنت الهی بر روی زمین مینماید (منظور سلطنت عدل و داد است).

به همین علت هر تسلسل معتقد شد که یهودیان جهان متعلق یک ملت بخصوص می‌باشند که دارای فرهنگ و تمدن و تاریخ و سنن و سرگذشت یکسان و جداگانه نسبت به اکثریت افراد کشور اقامت خود دارند و تمام خواص ملت بخصوص در آنها جمع می‌باشد لذا یهود ملتی است جدا غیر از اکثریت اهالی مملکت خود و هر دسته‌ای که ملتی را تشکیل دهد بدون دولت و وطنی مخصوص بخود، در حال غیرعادی زندگانی مینماید زیرا برحسب افکار و روحیه بشری اختلاف (ولو نژادی یا ملی نبوده و مذهبی باشد) تولید کینه میکند و زندگانی ملتی بطور اقلیت در میان اکثریت در محیطی نامتناسب، نتیجه آن برخوردها و مورد تجاوزات و نفرت قرار گرفتن می‌باشد که یهودیان در مدت چند هزار سال دچار آنها بوده و هنوز هم در بعضی کشورها ادامه دارد.

دکتر تهودور هر تسلسل افکار و منطق خود را بصورت کتابی بنام «دولت یهود» برشته تحریر در آورد و نهضتی را بنام صهیونیسم ایجاد کرد و این جنبش مورد قبول توده‌های یهود اروپا و آمریکا قرار گرفت.

و درست از تاریخ انتشار کتاب دولت یهود در ۱۸۹۷، ۵۰ سال بعد در

نباید تصور کرد که یهودیان پیرو این نهضت، که علاقمند به کشوری که در آن زندگانی مینمایند و تبعیت آنرا دارند همگی مایل بترك وطن خود میباشند بلکه وجود دولت یهود را برای آن لازم می‌شمارند تا یهودیانی که از گوشه و کنار جهان رانده میگردند، یا زندگانی در آن ممالک برای آنها دشوار و غیر قابل تحمل میشود، محلی برای پناه و سکنی داشته باشند و هرگاه در کشوری، تجاوز به یهود شروع گردد، مانند زمان هیتلر به کوره‌های آدم‌سوزی روانه نگردند، و چنانچه در هر کشوری برای یهودیان تساوی حقوق وجود داشته باشد ساکنین و اتباع با وفائی نسبت به دولت و هموطنان خود باقی بمانند و در مملکتی که به دنیا آمده‌اند و هزاران سال است اجداد آنها در آن کشور بخابك سپرده شده‌اند ادامه اقامت داده و در غم و شادی هموطنان خود (اگر بگذارند) شریک بوده و بالاخره در کنار اجداد خود بخوابند.

این جمعیت معتقد است که مسئله یهود را بطور دسته‌جمعی باید حل نمود و

(۱) دکتر تهودور هرتسل، اسرائیل سابق یا فلسطین عصر خود را برای ایجاد دولت یهود انتخاب نمود یعنی کشوری که تورات و انبیای اسرائیل وعده رجعت ملت اسرائیل را به آن سرزمین داده بودند.

علت دیگری هم وجود داشت، عبارت از آنکه قبل از ورود یهودیان به فلسطین این کشور صحرای لم‌یزرعی بیش نبود و سراسر آن در اثر وجود باطلاقتها، پشه‌های مالاریائی و تراخم خرمن هستی ساکنان آنرا درو میکردند و در اثر عدم بهداشت فقط ۲۵۰ هزار جمعیت عرب داشت.

ولرد بایرون شاعر معروف انگلیسی گفته بود:

(گنجشک‌ها آشیانه‌ای و شغالها لانه‌ای دارند

اما ملت خدا بی‌خانمان و سرگردان است.

و بهتر است کشور بدون جمعیت را به ملتی بی‌وطن بدهید.)

بعد از ورود یهودیان به فلسطین آنها شروع به خشک کردن باطلاقتها و مبارزه با امراض و توجه به بیماران بدون فرق نژاد و مذهب نمودند تا به اندازه‌ای که جمعیت عرب بسرعت رو به ازدیاد رفت.

چون اکثریت ملت به علل مختلف تمایل به اختلاط ندارد و اختلاط یا فرار فرد یا افرادی از بین جامعه نه فقط مسئله دشواریهای این ملت را حل نمیکند، بلکه فرار از جبهه، مبارزه، خیانتی به مظلومان و طریقتی است عاری از اخلاق انسانی. بعلاوه آنها معتقدند که هر فرد بشر بر اساس احساسات طبیعی، موظف است اول دلبستگی و مساعدت به اقوام نزدیک مانند پدر، مادر و یا برادر و خواهر خود داشته و بعد به نزدیکان درجه دوم و سپس به اقوام بزرگ که ملت خویش میباشد و بعد به بشریت و اگر فردی بخواهد این راه را برعکس طی نماید معقول نیست.

۲- مذهب یون یهود:

عده ای دیگر از یهودیان جهان که علاقمندی کامل در اجرای وظایف و سنن مذهبی دارند و در بین جوامع بشری، خود را مشعل دار تمدن اخلاقی از ۳۴ قرن قبل دانسته و پراکندگی اسرائیل را در بین ملل جهان در اثر آن میدانند که از یکطرف خداوند اجداد آنها را بواسطه گناهانشان همانقسم که در کتب تورات و انبیای اسرائیل نوشته است متفرق و دچار نفرت و انزجار نمود و از طرف دیگر صاحب جهان آفرینش، این پراکندگی را که برای هیچ ملتی چنین واقع نگردید، بمنظور آن انجام فرموده تا اصول اخلاقی و صلح دوستی و برقراری سازمان ملل را بین ممالک گیتی توسط یهودیان ترویج نموده و در مقابل دشمنان صلح و انسانیت و اخلاق مقاومت کرده و دوستی بین گرگ و بره را برقرار (اشعانی باب ۱، آیه ۶) و بالاخره با راهنمایی های علمی و طبی و بهداشتی (چون باران و شنبه بر نباتات باشد) (تثنیه ۳۲ آیه ۲ و ۳).

مذهب یون یهود در انتظار فرا رسیدن روزی میباشد که ناجی آنها حضرت مسیح، (یعنی آن مسیحی که انسان است و در این جهان خاکی اقتدار کامل دارد) ظهور کرده آرمانها و خواسته های بشر دوستان را عملی کرده و به تجاوزات و ظلم های گوناگون و بند و بست های غیر عادلانه سیاسی پیشوایان بعضی از ملل جهان، که منافع اقتصادی را بر وظایف اخلاقی ترجیح میدهند و برای رسیدن به هدفهای خود از خونریزیها و کشت و کشتارهای مستقیم و غیر مستقیم و سکوت

در مقابل تجاوزات امتناعی ندارند خاتمه دهد و اجرای عدل و تساوی حقیقی را بین ملل کوچک یا بزرگ، قوی یا ضعیف و افراد بشر از هر ملیت و نژاد و مذهب و رنگی که باشند برقرار سازد، و جامعه یهود را در مملکت اجدادی استقرار دهد و کشوری نمونه ایجاد کند تا برای جهانیان از کلیه جنبه های سازمانی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی سرمشق باشد و در سیاست کشورداری اخلاق را وارد سازد. و با جمع آوری اقلیتهای یهود از اکناف عالم، طبقه اکثریت کشورهای متجاوز، با عدم مشاهده دسته ای در اقلیت و ضعیف در مقابل خود، عادت بزورگوئی و تجاوزات آنها فراموش نماید.

بنابر آنچه گفته شد مذهب یون بنی اسرائیل، حل مسئله یهود را از جنبه ملی و صیونیسم یعنی در اثر اقدامات سیاسی و عملی و از راه حقوق بین المللی نمیدانند مگر دسته ای از آنها که بنام میزراحی موسوم میباشند.

۳- رفورمیست ها

دسته ای دیگر از یهودیان که بهتر است بگوئیم موسویان، وجود دارند که هنوز عقیده وافکار دکتر هرتسل، برای اکثریت آنها مسلم نمیشد و پیرو طریقه و سنن مذهبی بطرز مشروحه بالا هم نمیشدند.

آنها نمازها را کوتاه کرده و به زبان محلی خود میخوانند و مراسم انجام وظایف مذهبی در کنیسه را، طبق رسوم کلیسا اجرا میدارند یعنی کلاه بر سر نمیگذارند و زن و مرد کنار یکدیگر می نشینند و سرودها را با ساز (ارگ) میسرایند و سنن مذهبی را رفورم کرده و یهود را ملتی بخصوص نمیدانند و از رسوم و عادات کشوریکه در آن زندگانی مینمایند پیروی میکنند.

علاقتمندی آنها به موسویت براساس آنست که این مذهب را عاری از موهومات و سرچشمه سایر مذاهب دانسته و آنرا آئینی میدانند که دستورات آن برای نظم و آسایش زندگانی در این جهان خاکی است و معتقدند که موسویت همواره پیشرو تمدن اخلاقی بشر بوده و افتخار میکنند که یهودیان جهان در طول مدت ۳۴ قرن در رشته های مختلف حیاتی، عامل و راهنمای انسانها بوده اند.

موسویان رفورمیست در هر کشوریکه زندگانی میکنند آن مملکت را تنها

وطن خود دانسته و معتقدند که بالاخره سطح اخلاق و دانش حقیقی هموطنان آنها بالا رفته تا بجائیکه موسویت را خواهند شناخت و از خدمات وی به عالم بشریت آگهی حاصل کرده و در نتیجه برای این دسته از بشریکه سمت معلمی آنها را داشته اند احترام و افتخار قائل گردیده و به نامهربانیها و نسبتهای بی اساس خاتمه خواهند داد. با وجودیکه رویه این دسته از موسویان رفورمیست، دوری از سنتهای عتیق مذهبی یهود است و به اختلاط نزدیک شده اند، مایل هم نیستند ترك جامعه و مذهبی را بنمایند که آنهمه، بتصدیق طبقه عالم و متفکر جهان، افتخار خدمات گوناگون به عالم بشریت داشته و آنهمه ایدآلهای زیبا برای آتیه آسانها دارد.

رویه مرفته هیچ یک از سه دسته مذکور احساسات نژاد پرستی که مغایر دستورات حضرت موسی است و یا تنفر از سایر نژادها و مذاهب و ملیتهای دیگر را ندارند و با اینکه تبلیغی برای جلب اشخاص از سایر ملل و مذاهب نمیکند مخالفی هم برای پیوستن افرادی از خارج به جامعه مذهبی خود ندارند به دلیل آنکه در عصر خشایار شاه در ایران به شهادت کتاب استر، و خصوصاً در زمان اشکانیان نیز در ایران و بالاخره در قرن هشتم میلادی کلیه ملت خزر به موسویت پیوستند و در یهودیت مستهلک گردیدند. منتهی به دلایل مذکوره در زیر نویس صفحه ۱۱، خارجی ها را بسختی میپذیرند. یعنی پس از اطمینان به صحت ایمان آنها، در بین خود قبول میکنند.

بنابر توضیحات بالا عده ای، یهودیان را ملتی بخصوص و جمعی آنرا مذهبی جدا و برخی هم او را نژادی غیر و بالاخره دسته ای هم، هر سه جنبه را در این ملت موجود میدانند.

پس از آگاهی از نظریات گوناگون فوق الذکر و آشنائی نسبت به افکار و عقاید سه دسته ذکر شده، لازم است توجهی به دسته زیر نمود:

۴- طرفداران اختلاط با سایر ملل یا مذاهب: (۱)

این طبقه بنا بر دلایل زیر متمایل به اختلاط گشته یا میگردند:

آ- بی اطلاعی از فرهنگ و مذهب اجدادی و گم کردن امیدهای فرا رسیدن روز خاتمه نفرت بعضی از افراد بشر نسبت به یهود.

ب- ترس و وحشت تخیلی و مقایسه قرون آتیه را با قرون تاریک گذشته و در نتیجه با عمل اختلاط تصور مینمایند که میتوانند ثروت خود را حفظ کنند یا ثروتی بدست آورند.

ج- پیش آمدهای عشقی یا توجه به بی بند وباری بمنظور استفاده از لذات متنوع این جهان

د- با خبری از تراژدی تاریخ ملت خود و بی خبری از اینکه سایر ملل جهان نیز مصیبت ها و تلفات فراوانی نیز داشته اند.

راهی را که طرفداران اختلاط در پیش گرفته یا میگیرند از دو قرن قبل بعضی از یهودیان اروپای غربی در پیش گرفتند ولی نه فقط مشکل فردی آنها که حفظ احترام و مورد تجاوز قرار نگرفتن خود یا احفاد آنها بود حل نگردید بلکه ضد یهودیت بصورت حاد و متشکلی که صحبت از خون و نژاد بود در آمد که نتیجه آنرا دیدیم و بالاخره عکس العمل آن به ایجاد دولت اسرائیل منتهی گشت. مثل آنکه اراده الهی در این جریانات مداخله داشته و خداوند مایل است که موسویت و یهودیت باقی بماند. در موضوع عواملی که موجب اختلاط گشتند لازم است بحث طولانی تری بشود.

ولی بهتر است قبلا از عواملی که موجب جلوگیری از اختلاط شدند صحبت شود.

(۱) این جریان را عاموس نبی پیش بینی فرموده و در باب نهم آیه ۹ از قول خداوند فرموده است. «زیرا اینک من اسر فرموده خاندان اسرائیل را در میان همه امتها خواهم بیخت چنانکه غله در غربال بیخته میشود و دانه بر زمین نخواهد افتاد.

عواملی که موجب جلوگیری از اختلاط شدند

۱ — با سواد بودن اقلا ۹۰٪ از افراد ملت یهود در قرون متمادی (۱) ویکاربردن این سواد در راه تحصیل علوم دینی و غیره.

۲ — عکس العمل‌های حاصله از توهین‌ها، فشارها، تجاوزات و قتل عام‌ها که موجب تشدید علاقه آنها نسبت به قومیت و مذهب حضرت موسی علیه السلام میگردید.

۳ — قوانین محدودکننده‌ای که پیشوایان درجه سوم سایر مذاهب برای جلوگیری از معاشرت افراد پیروان خود با یهودیان وضع کرده بودند (۲) و محرومیت یهودیان از حقوق مدنی و جدا بودن مدارس آنها با هموطنان خود که نتیجه آن نیز عدم معاشرت و دوستی بین دو دسته شده بود.

۴ — عدم وجود بهداشت خوراک بین سایر ملل و مذاهب، و بالعکس وجود بهداشت خوراک در بین یهودیان، بوسیله معاینه حیوانات ذبح شده که دچار سل و سرطان و سیاه زخم و عفونت نبوده یا در اثر ذبح کردن باخسونت، در حیوان تولید توکسین Toxine نکرده باشد یا مصرف گوشت شکاری و این نیز موجب جلوگیری از هم غذایی و معاشرت میگردید.

۵ — بالا بودن سطح تمدن اخلاقی یهودیان در گذشته نسبت به مللی که در بین آنها میزیستند و بدیهی است که یک تمدن اخلاقی ضعیف‌تر و لایق‌یکه پیروانش زیادتر باشند نمیتواند اقلیت متمدن‌تری را در بین خود جذب و هضم نماید.

۶ — بالاخره آگاهی افراد یهود اعم از جوان و سالمند از کلیه احکام حضرت موسی و اطلاع از عدم آلودگی آن قوانین به خرافات و موهومات و وجود مقررات اخلاقی و بهداشتی و اطلاع از مأموریت ملت یهود در میان ملل جهان

(۱) با اینکه پراکندگیها و فشارها تأثیر در محدود نمودن دانش و معلومات دارد حتی یهودیان ایران در گذشته از حیث معلومات بسیار پیشرفته بودند. مراجعه شود به صفحات ۳۹۵ و ۳۹۷ جلد دوم و ۹۵۵ جلد سوم تاریخ یهود ایران.
(۲) مراجعه شود به جلد سوم کتاب تاریخ یهود ایران صفحه ۲۲۴ و ۲۱۹

برای راهنمایی و هدایت آنها بطرف آزادی و عدالت‌خواهی و آگاه نمودن ایشان از قبح تجاوز و ظلم و بی‌عدالتی‌های گوناگون و کوششی در رسیدن به ایده‌آل‌های بزرگ انبیای خود که عبارت از تساوی حقوق بشر (۱) و زندگانی گرگ با بره که منظور همان زندگانی مسالمت‌آمیز بین اقوام و ملل متخاصم است و صلح عمومی و ترك جنگها و تبدیل اسلحه‌ها (تانگها) به ابزار شخم (تراکتور) و اجرای عدالت و انصاف بین ملل، عواملی بودند که هر فرد یهودی را سربلند و دل‌بسته به مذهب اجدادی و ملت خود مینمود تا بجائیکه حتی بزور شمشیر و محدودیتهای اجتماعی و مالی هم مشکل بود که وی را بطرف اختلاط بکشانند.

بعد از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی بتدریج تحولات و انقلابات فکری و اجتماعی گوناگون در اکثر ممالک جهان رخ داد و درهم‌زیستی افراد ملل و مذاهب تغییرات شگرفی حاصل گردید و شرایط ششگانه بالا را دگرگون ساخت و نتیجه آن شد که عده‌ای از یهودیان آماده اختلاط در بین سایر ملل و مذاهب شدند.

عوامل دیگری که موجب اختلاط گشتند بدین قرار است:

۱ — گرچه باسواد یهودیان حتی بیشتر از سابق گشته ولی در گذشته سواد را برای تحصیل تورات و تلمود و اخلاق و اطلاع از مقررات مذهبی بکار میبردند و در نتیجه علمای دینی برای راهنمایی پیروان مذهب حضرت موسی علیه‌السلام فراوان بودند، اما از بعد انقلاب کبیر فرانسه بتدریج تحصیل و سراد برای تحصیل علوم مادی و متخصص شدن در آن رشته‌ها منحصرگشت و

(۱) در هر نهضت که توجه به آزادی ملاحظه گردد، افکار افراد یهود و یا پیشوائی معنوی آنها در آن قیام مشاهده میشود. حضرت موسی اولین فرد یهودی بود که نخستین بار برای سرکوبی استبداد و استرداد آزادی قد علم کرد و ملت خود را از قید اسارت فرعون نجات داده و آنها را بطرف آزادی و استقلال ملی رهبری فرمود.

برنامه‌های وسیع تحصیلات این قرن، دیگر فرصتی برای مطالعه اکثریت افراد در علوم دینی باقی نگذاشت. در نتیجه عده‌ای غیر عالم خصوصاً در شرق که در کار و کسب خود موفقیتی نداشتند شغل قاری را پیشه خود کرده و خویشان را بجای علمای مذهبی جا زدند و جوابهای بیجا و غیرمنطقی آنها به‌سؤال‌کنندگان جوان، موجب نفرت و گمراهی با سرگردانی عده‌ای از افراد یهودگشت.

۲ — تمسخرها، توهینات، فشارها، تهدیدات و تجاوزات و قتل عامها خصوصاً بعد از جنگ دوم بین‌المللی نسبتاً پایان یافته و در نتیجه عکس‌العمل‌های مربوطه در بین یهودیان ضعیف‌گردیده است.

۳ — ارتقای معلومات افراد ملل و پی‌بردن به مضرات کثافت و میکرب و علل تولید امراض و تسلط بر حقایق علوم و آشنا شدن به بازیهای سیاسی، نکات تاریک گذشته را که مسئول مرگ و میرها در اثر جادوگری یهودیان، و یا آنکه گفته‌های پیشوایان آنها که (برای فرار از خشم ملت) علل بحرانهای سیاسی و اقتصادی را نیز متوجه یهودیان می‌ساختند، اکنون نسبتاً روشن شده و ضمناً بدست‌آمدن حقوق مدنی برای یهودیان و فزونی یافتن حکما و فضلا و کاشفین و تجار بزرگ و بانک‌داران و صاحبان صنایع در بین این ملت و اختلاط دانش‌آموزان یهودی و غیریهودی، تمام عوامل گوناگون اختلاط و دیگر در این عصر هیچ عاملی نمیتواند طرفین را قانع به عدم معاشرت نماید.

۴ — امروزه ملل مختلفه توجه به بهداشت خوراک داشته و دکترهای دامپزشک در کشتارگاهها نظارت دارند و حیوانات را معاینه مینمایند. گرچه هنوز خوراکهای سایر ملل دارای بهداشت کامل نبوده و خوردن خون‌گوشت را که موجب ایجاد خشونت در انسان میگردد از بین نمیرند و یا پی را که مصرف آن تولید کلسترول در بدن مینماید در خوراکهای آنان باقی است و نمیتوان اغذیه آنها را صد درصد (کاشر) دانست، مع الوصف بهداشت نسبی خوراکهای سایر ملل موجب شده که عده‌ای از جوانان یهود حتی سالمندان، در اثر حاضر شدن برای خوردن خوراکهای غیرکاشر و دنباله آن که همپیل‌شدن

است موجب رام شدن با یکدیگر گشته و مقدمه وصلت‌ها و اختلاط‌ها را فراهم نموده‌اند.

ه — بدون تردید سطح فرهنگ و تمدن اخلاقی ملل نسبت به قرون گذشته بسیار ترقی کرده، هر چند تمدن فعلی بیشتر جنبه صنعتی دارد و استفاده‌های مالی و سیاسی هر واقعه‌ای را مقدم بر جنبه اخلاقی آن میدانند و همین اشتباه موجب بی‌عدالتی‌ها و اختلافات و جنگ‌های امروزی است ولی با کمی دقت، معلوم میگردد که این رویه بیشتر از طرف دولتها و پیشوایان احزاب تعقیب میشود، در حالیکه اخلاق و روحیه افراد بشر پیشرفته، عرق کلی با نظریات فوق‌الذکر دارد و این خود نیز، نزدیکی بزرگی بین یهودیان و غیریهودیان ایجاد کرده و کمک به اختلاط نموده است.

۶ — با وجود تمام عوامل پنج‌گانه فوق‌الذکر و علی‌که در بالا ذکر شد، چنانچه افرادی که بطرف اختلاط متمایل یا در اثر بی‌خبری تحت تأثیر تبلیغات گوناگون قرار میگیرند از احکام تورات حضرت موسی بطور واقعی با خبر بودند و میدانستند که آن قوانین عاری از اوهام و خرافات و کهنه پرستی است و به مفهوم بسیاری از مقررات و سنن ملی که برای آنها روشن نیست آشنائی داشتند و از فلسفه وضع آنها که ارتباطی با مذهب ندارند و برای حفظ ملت یا رفع خطر از افراد جامعه در قرون گذشته وضع گردیده‌اند آگاهی حاصل میکردند و خصوصاً از ایده‌آل بزرگ انبیای اسرائیل در راه صلح و خلع سلاح و لزوم اتفاق ملل با اطلاع میشدند، و میدانستند که ملت آنها چه فداکاریهای برجسته‌ای برای بالا بردن سطح اخلاقی بشریت در گذشته نموده و در قرون اخیر صدها علمای یهود که بنام کشورشان معروفند (۱) چه خدمات بزرگی در علوم مختلفه

(۱) از کریستوف کلمب کاشف آمریکا که او را اسپانیولی یا اینشتین که او را آلمانی یا شاین کاشف پنی سیلین که او را انگلیسی و صدها یهودیان خادمین بشریت که بنام کشورشان خوانده میشوند. چنانچه همین اشخاص از اولادان ناخلف اسرائیل بودند (مانند سایر ملل که بین آنها مردمان ناخلفی وجود دارد)، قطعاً همین‌ها را یهودی یا جهود میخواندند بدون آنکه آنها را منتسب به کشورشان بنمایند.

به انسانیت نموده‌اند و نیز اگر با خبر میشدند جملات دلنوازی که ازگفته پیشوایان اخلاقی سایر ملل میگویند ریشه آنها از فرمایشات انبیاء و بزرگان خودشان است و بالاخره چنانچه آگهی حاصل میکردند که بشر مرفی و تحصیل کرده و عالم در آتیه، از تجاوزاتی که در گذشته نسبت به اجداد آنها نموده شرمند شده قدردان گشته و افتخاراتی برای یهودیت قائل خواهد گردید، با غرور فراوان حاضر نمیگردیدند با اختلاط خود، احفاد خویش را از این افتخارات و سعادت‌های آتی محروم سازند.

اختلاط‌هایی که در اروپا و آمریکا اتفاق میفتد، علت آنها بیشتر مربوط به جنبه تعلق عشقی پسران یا دختران است و کمتر جنبه مذهبی دارند.

اما در شرق و خصوصاً در ایران عده‌ای از یهودیان ازین طبقه‌ای که دانش آنها در امور مذهبی و اجتماعی سطحی و ضعیف است و لی کمپلکس احترام ایشان بسیار قوی است که در اثر محرومیت‌های گوناگون حاصل شده، طبعاً تحت تأثیر محبت‌ها و گفتارهای مختلف واقع میگردند بدون آنکه از سرچشمه آن گفتارها یا از نتیجه عمل خود واقعاً با خبر باشند، آنها به امید آنکه با پیوستن به جبهه‌ای جدید و ترك یهودیان كمكى به نقصان اختلافات بشری مینمایند علاقه مخصوص به آن عقاید پیدا کرده و در راه هدف جدید از هیچگونه فداکاری و ابراز تعصب مضایقه ندارند ولی فراموش میکنند که با این رویه یک دسته جدید و یک اختلاف تازه‌ای فراهم شده و تجربیات سالیان دراز، موضوع اخیر را مسلم داشته است. بهر جهت بایستی دانست که اختلاف درك و یا سلیقه در امور عقیدتی نمیتواند و نباید موجب ترك یهودیت گردد زیرا موسویت و پیروی از دستورات اساسی آن یا دستورات حفاظتی آن بحثی جدا است و یهودیت که موضوعی است فامیلی و ملی موضوعی دیگر.

با توجه به موضوع‌هایی که از نظرگذشت خصوصاً در قسمت ششم اخیرالذکر و پس از آنکه دانستیم از طرفی اطلاع از احکام حضرت موسی برای نسل جدید لازم و خصوصاً احتیاج مبرم است تا از عظمت اخلاقی و علمی و کهنه

نبودن (۱) آن قوانین نسبت به زمان و مکان آگهی حاصل نمایند، (و از طرف

(۱) ایراد به اینکه مقررات و احکام حضرت موسی علیه السلام کهنه و برای قرن بیستم قابل اجرا نباشد! نمیتواند بهانه‌ای برای جلب و یا انحراف افراد یهود گردد. قوانین اخلاقی و بهداشتی همواره قابل اجرا بوده هیچ گاه کهنه نمیشوند خصوصاً موضوع توحید و اگر منظور قوانین جنائی، حقوقی و جزائی است بایستی گفت که قوانین ۱۳۰ و حتی ۵۰ سال قبل هم کهنه شده‌اند و حضرت موسی در تورات سفر تثبیه فصل ۱۷ آیه ۸ الی ۱۳ فرموده‌اند «اگر در میان تو امری که حکم بر آن مشکل شود واقع گردد در میان خون و خون (جنائی) در میان دعوی و دعوی (حقوقی) و در میان ضرب و ضرب (جزائی) از مرافعه‌هاییکه در دروازه‌های (کشورت) واقع شود آنگاه برخاسته به‌مکانیکه خدایت برگزیده برو نزد لایان و کهنه (متصدیان امور کشور در آن زمان و امروزه مجلس قانون‌گذاری) و نزد داورى که در آنروزها باشد (یعنی در هر زمان) رفته مسئلت نما و ایشان ترا از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت. و بر حسب فتوائی که ایشان از مکانی که خداوند برگزیده (منظور پایتخت محل تشکیل پارلمان یا سنه‌درین و مرکز حکومت) برای تو بیان میکنند عمل نما و هوشیار باش موافق هر آنچه بتو تعلیم دهند عمل نمائی.»

با دستور فوق‌الذکر در هر موقع میتوان تغییرات لازمه در امور جنائی، حقوقی و جزائی را توسط هیئت مقننه طبق زمان و مکان وارد نمود و با این ترتیب موضوع کهنه‌گی قوانین منطقی نمیشد. نباید فراموش کرد که لغات و کلمات برای فهماندن موضوع در هر عصر بطریقی مرسوم میباشد. چنانچه بسیاری از لغات ۴ سال قبل، امروزه به‌قسم دیگری مصطلح گردیده ولی مفهوم همان است که در سابق بوده و این تغییر اصطلاحات لغاتی در زمانهای مختلف، نمیتواند ایرادی به مفهوم موضوع داشته باشد مگر آنکه اشخاصی بخواهند استبداد رأی بخرج دهند.

با توجه به مشروحاتی که از نظر گذشت بخوبی روشن شد که تورات قانون اساسی مذهبی یهودیان جهان قرار گرفته و همواره طراوت و تازگی آن محفوظ است.

ضمناً بایستی اضافه نمود که ممکن است برای بعضی‌ها این تصور پیش آید که جمله «اگر در میان تو امری که حکم بر آن مشکل شود بظهور آید جنائی، حقوقی و جزائی... و نزد داورى که در آنروزها باشد رفته مسئلت نما و ایشان ترا از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت» مفهوم دیگری داشته باشد مثلاً فکر کنند که منظور فقط طرز اجرای قانون است و نه فتوا بر تعبیر یا تغییر طبق اوضاع و احوال زمان و مکان.

برای روشن شدن این موضوع لازم است به نکات زیر توجه شود:

چنانچه هدف حضرت موسی علیه السلام فقط اجرای قوانین وضع شده در امور جنائی، حقوقی و جزائی بود، لزومی نداشت امر مراجعه به داوران روز را بدهند همان قسم که برای قوانین غیر جنائی و حقوقی و جزائی نداده‌اند. بعلاوه میفرمایند «اگر امری که حکم بر آن مشکل شود بظهور آید» و لازم است بر دو کلمه مشکل و ظهور دقت کافی بعمل آید، بسیار روشن است، که در آنروزها یعنی بعدها چنانچه اشکالاتی بظهور برسد که سابقاً نداشته و

دیگر با اطلاع از اینکه ضیق وقت و برنامه تحصیلات علوم جدید که تأمین

→

بواسطه وضع روز اجرای حکم مشکل باشد، داوران روز در فتوای قضا آزادند و میتوانند رفع مشکل را بنمایند و کلمه فتوی حق رأی برای داور یا محکمه صلاحیت دار میباشد.

امروزه در اثر انقلابات فکری و بالا رفتن دانش بشر و فراهم شدن وسائل برای برخورد ارگردیدن از انواع آزادیهای قانونی، و تساوی حقوق افراد در اجتماع، لزوم اصلاح قوانین جنائی، حقوقی و جزائی طبق وضع روز و موقعیت افراد در جوامع بشری پیش آمد کرده است و حضرت موسی پیش بینی چنین اوضاعی را برای آینده فرموده بودند و بدین جهت با اینکه برای هر قسمتی در تورات قوانین مفصلی مقرر داشته اند، ولی در امور جنائی، حقوقی و جزائی بر طبق احتیاج عصر خود، به اختصار پرداخته اند و وضع قوانین یا تفسیر مربوطه به سه قسمت فوق الذکر را به داوران یا هیئت مقننه روز واگذار کرده اند تا براساس اوضاع و احوال زمان و مکان فتوی دهند یا بعبارت دیگر رأی دهند و این رویه در سابق نیز مجری بوده است زیرا یهودیان جهان از ۳۴ قرن قبل همواره علاقمند به اجرای روح قوانین و خواسته های واقعی تورات بوده اند و همواره مفسرین معروفی مانند راشی، رمبم، رشبم، ابن عزرا و غیره مبادرت به تفسیر تورات کرده و تفاسیر آنها در زیر نویس توراتهای چاپی منعکس است و مورد علاقه و توجه مؤمنین میباشد برای ثبوت این مدعا دو نمونه ذکر میگردد: در توراتهای چاپی بنام «میقراوت گدولوت» که توسط برادران ایشطین در اورشلیم بیچاپ رسیده راجع به قسمت (شموت) سفر خروج فصل ۲۱ موسوم به میشپاطیم جمله ۲۴ را، یوناتان بن عزریل مفسر معروف، در ۲۰۰ سال قبل چنین تفسیر نموده است:

«راجع به موضوع چشم بجای چشم و دندان بجای دندان و دست بجای دست منظور جرمه پولی میباشد زیرا چنانچه شخص دست یا پائی را بشکند، تلافی بهمان صورت عیناً امکان ندارد».

و مفسر معروف دیگری بنام رمبن در همان قسمت مینویسد: «چشم بجای چشم، پر واضح است که با تأیید علمای روحانی منظور جرم پولی است» بعلاوه هارامبام (ابن میمون) فیلسوف و طبیب و پیشوای روحانی معروف به رمبم که تفسیرات او راجع به تورات مورد توجه و قبول مؤمنین یهود است، در کتاب موره نبوخیم (راهنمای سرگشتگان ترجمه فرانسه جلد دوم صفحه ۲۶۲، نیز موافق نیست که متکلم بوده و روح لغت در نظر گرفته نشود میفرماید: «این رویه موجب انحراف افکار مردم شده و آنها را بطرف لامذهبی سوق داده و موجب انکار اساسی احکام حضرت موسی میگردد».

و علت اینکه سنن ازدواج که موضوع حقوقی میباشد بین یهودیان کشورهای مختلف فرق دارد خود نیز دلیلی در توجه به زمان و مکان است. و فقط طبقه متکلمین یهودیان جهان که بسیار محدودند، مخالف تفسیر بوده ولى نتوانستند پیشرفتی برای جلب توده های یهود بنمایند.

کتاب شولهان آروخ یا بعضی از قسمتهای تلمود که مقررات مذهبی یهود در آن

←

زندگانی افراد فهمیده بدان وابسته است، فرصت‌ها را بسیار محدود کرده) پس

→ توسط (ربی یوسف قارو ۱۴۸۸ - ۱۵۷۵ میلادی) تنظیم شده تا زمانهای اخیر پیشرفته‌ترین مقررات نسبت به عصر خود بوده و بسیاری از آنها حتی برای امروز هم قابل اجرا میباشند. و بدیهی است که بعضی از مقررات حقوقی آن که حدوده قرن قبل تنظیم گردیده خصوصاً راجع به ازدواج و طلاق و ارث با وضع امروزی جوامع یهود مطابقت نمیکند (۱) ولی هرگاه جمله مورد بحث مرقومه در تورات مورد توجه و اجرا قرار گیرند، همان موقعیت ممتازی را که در گذشته یهودیان از حیث مقررات، خصوصاً قوانین حقوقی دارا بودند، حفظ خواهد گردید. اجرای این امر، حکم تورات است و عمل برخلاف آن عملی است نه فقط بر علیه تورات بلکه برخلاف صلاحیت جامعه یهود و عملی است که فقط متکلمین میتوانند بخود اجازه ادامه آنرا بدهند.

مانند آنکه در تورات مرقوم است که در روز کیبورجان خود را برنجانید در حالیکه از عصر حضرت موسی تا به امروز اکثریت قریب به اتفاق یهودیان که جزو دسته مفسرین میباشند در آنروز روزه میگیرند زیرا فهمیده‌اند که منظور روزه است و فقط متکلمین هستند که در آنروز با قبول و اجرای زحمات گوناگون جسمی، جان خود را میرنجانند.

اگر شرح اخیر مورد قبول و توجه قرار میگیرد بایستی نیز گفته شود که در جمله زیر نیز بایستی دقت کرد، در تورات مرقوم است: «چون کسی زنی گرفته بنکاح خود در آورد، اگر در نظر او پسند نیاید از اینکه چیزی، ناشایسته در او بیابد» در دنباله جمله اخیر مرقوم است «آنگاه طلاق نامه نوشته بدستش دهد و او را از خانه اش رها کند» (تثنیه باب ۲۴ آیه ۱ الی ۵).

بعضی از صاحبان محضر ازدواج و طلاق تفسیرات غیر منصفانه در دو جمله فوق مینمایند.

مثلاً تصور میکنند که معنی جمله اول، آزادی شوهر در طلاق دادن است و فراموش میکنند که علتی برای آن ذکر شده و توجه به جمله «چیزی ناشایسته در او بیابد» را نمیکند. و در قسمت دوم متکلم شده و فقط به جمله «طلاق نامه نوشته بدستش دهد» توجه دارند، در حالیکه قطعاً منظور این نیست که حتماً شوهر بایستی طلاق نامه را بدست زن دهد زیرا در بسیاری از موارد، مردی بمنظور بدست آوردن ثروت فامیل عیال خود، وی را آزار میدهد و رئیس محکمه ازدواج و طلاق، تشخیص میدهد که بایستی زن طلاق خود را بگیرد ولی شوهر حاضر نمیشود که طلاق نامه را بدست زن دهد یا آنکه سالها است که شوهر زن خود را ترك کرده به مسافرت رفته یا عمداً یا غیر عمد وظائف و تعهدات شوهری خود را که شرع و عرف مقرر داشته انجام نمیدهند، و به شهر اقامت زنش هم ننمایند و یا وی را بنزد خود نمی‌خواند و حاضر هم نیست طلاق بدهد، بنابراین تکلیف زن چیست؟ و آیا این رویه برخلاف ←

(۱) متأسفانه به بسیاری از مقررات شولهای آروخ هم که با وضع امروز مطابقت دارند از طرف صاحبان محاضر عقد و طلاق یهودیان مخصوصاً در شرق توجه نمیشود.

بمنظور رفع این دو مشکل نویسنده در نظر گرفت که:

اولا - احکام تورات حضرت موسی علیه السلام را که بتدریج طبق احتیاج روز وضع گردیده‌اند براساس موضوع‌های مربوط در فصول جداگانه تنظیم نماید تا دسترسی به هر موضوعی سهل گردیده بعلاوه مندرجات هر فصل، مربوط به عنوان آن باشد.

ثانیاً - توضیحاتی راجع به وضع بعضی از مقررات و تفسیرهایی از برخی قوانین که برای مردم بسیار نامفهوم است داده شود تا ابهامات مرتفع گردند و با افزایش اطلاعات و دانش در این زمینه موسویت بهتر شناخته گردد و مخصوصاً جوانان ما از مقام بلند اخلاقی و عظمت قوانین عملی و مفید گوناگون مذهب اجدادی آگاهی حاصل، و بدین ترتیب پرده از روی بعضی گفته‌های بی پایه برداشته شده و اطلاع حاصل نمایند که ترك ملتی که هزاران سال موفق به دفع تجاوز شده و نگذاشته است ظلم و زورگوئی فاتح گردد و بشریت بدان عادت نماید و در نتیجه حق و عدالت از بین برود، کار مردان شریف نباید باشد و بدانند نه فقط یهودیت به فرزندان خود احتیاج دارد بلکه ابقاء یهودیت و موسویت احتیاج عالم بشریت میباشد و ایده‌آلهای انبیای اسرائیل که تا کنون بصورت‌های گوناگون بوسیله علمای اجتماعی‌اش در بین جوامع بشری ارائه داده شده (بدون آنکه افراد آن جوامع ترك بستگان بزرگ و کوچک خود را بنمایند) بایستی همچنان تا روزی که آن افکار بلند کاملاً عملی شوند ادامه یابد.

→ امر تورات که مکرر فرموده «قوم را به حکم عدل داوری نما» یا آنکه «انصاف کامل را پیروی نما» نمیشود؟

بنابراین مراتب فوق طبق فرمان تورات که در بالا ذکر شد، قوانین جنائی، حقوقی و جزائی در صورتیکه مشکلی بر آن بظهور رسد، داور روز میتواند رفع مشکل را بنماید. و باز هم طبق حکم تورات که «قوم را بحکم عدل داوری نمائید» و داور «انصاف کامل را پیروی نماید»، همان قسم که در قرون گذشته پیشوایان دانشمند مذهبی یهود این رویه را بانجام رسانده‌اند و به همین علت مقررات مذهبی یهود توانسته است در هر عصری طراوت و پیشروی خود را حفظ کند، بایستی رویه ین دانشمندان بزرگ پیروی گردد.

اگر علمای روحانی یهود قرون گذشته «یعنی بعد از حضرت موسی علیه السلام» بخود اجازه دادند که مقررات و قوانینی بتفصیل در امور حقوقی و جزائی وضع نموده یا بطور تفسیر آنها را پایه گذاری و مورد اجرا قرار دهند تا طبق اوضاع و احوال روز خود نسبت به قوانین سایر ملل پیشرفته تر باشد و آن قوانین و مقررات مورد قبول محافل روحانی محافظه کار امروزی عالم یهود میباشند، بنابراین یک شورای روحانی مجاز که اعضای آن از علمای روحانی برجسته باشند، در این عصر هم میتواند درباره امور حقوقی (که مربوط به جوامع یهود کشورهای پراکندگی که مقررات مذهبی یهود مورد قبول دولت محل است) طبق همان حکم حضرت موسی مشکلات روز را مرتفع نماید.

مشروحات بالا هیچگونه خللی به احکام تورات وارد نمیسازد زیرا بایستی در نظر داشت که احکام تورات عبارتند از ده ها رشته های مختلف دستورات که در هر عصر و هر مکانی قابل اجرا میباشند. بحث فوق الذکر منحصراً راجع به احکام حقوقی - جزائی و جزائی است که بایستی طبق خواسته حضرت موسی علیه السلام مطابقت با وضع هر عصر داشته و داوران یا مقنین مجاز اشکالات روز را مرتفع نمایند و البته منظور از این مشروحات آن نیست که هر فرد غیر مجازی بتواند مقرراتی راجع به ۳ موضوع فوق الذکر برقرار دارد.

برای تکمیل این بحث لازم است نظریه مخالف علمای روحانی غیر (رفورمیست) تجدیدطلب و بسیاری از حقوق دانان مشهور و وارد به امور اجتماع و حتی بعضی از روان کاوان را اضافه نمود، و آنها براین عقیده اند که:

قضاوت داوران ارتباط با اوضاع و احوال محیط دارد و تحت تأثیر عادات و رسوم اقتباسی عصر خود و دید اکثریت اجتماع (که نمیتوان به حقانیت آن اعتراف نمود)، احکام خود را صادر مینمایند و شاید هم تحت تأثیر عواملی، مانند آزادی در صدور حکم؛ حتی از طریق عدل و انصاف خارج گردند. بنا بر دلایل فوق الذکر، مخالف وضع قوانین متغیر بوده و اجرای احکام ثابت الهی را بهترین راه برای نظم جوامع بشری (با وجود شدت مجازاتهای مقرر) دانسته و

اجرای آنها را بهترین وسیله برای ترس ناظرین و شنوندگان و متجاوزین و یا محکومین از تکرار، اعمال خلاف احکام الهی میدانند.

استقامت و ایستادگی افراد یهود در ردیف ملت، خدمتی است به آزادی و آسایش انسانها چنانچه در گذشته انجام شد و خالی نمودن جبهه یهودیت تشویقی است به موافقین تجاوز و مخالفین آزادی و عدالت. کدام ملت بیشتر از یهودیان مورد آزار و تجاوز قرار گرفته است؟ تنها مظلوم و محروم شده‌ای از آزادی و برابری میتواند درک این نقصان اخلاقی بشری را بینماید فقط اوست که روی حقیقت قادر بتعلیم انسانهای خشن بوده و ایشان را برای اجرای دادگستری و مراعات ادب و اخلاق تشویق نماید.

اولادان اسرائیل از عصر فرعون تا خاتمه هیتلر و حتی بعد از او تا امروز، گاهی در این گوشه از جهان و زمانی در گوشه دیگر دچار حملات ناروا و تجاوز بوده و در عین حال مأموریت خود را که عبارت از مبارزه با جهل و زورگویی بوده فراموش نکرده است.

شما که افتخار پیش‌آهنگی مقابله با افکار مردود ابتدائی بشر و اوهام و خرافات پرستی را داشته‌اید و نقش معلم و رهبری بشریت را ایفا کرده‌اید نباید هنگام ظهور شفق تحقق یافتن ایده‌آلها هزاران ساله، از میدان مبارزه برای عملی نمودن قطعی این تمدن اخلاقی فرار نمائید.

ملتی که بیش از ۳۳ قرن است در بین اقیانوس جهل و بی‌سوادی و عقب ماندگی بشر، مشعل دانش اخلاقی و قانون را با وجود تمام مصائب وارده براو همچنان فروزان نگهداشته است، بایستی باقی بماند زیرا بشری که هنوز هم در تاریکی جهل بسر میبرد به‌او احتیاج دارد. و توای یهودی سرگردان یکی از افراد این ملت هستی.

بایستی اضافه کرد که در گذشته و حتی امروز بسیاری از مردم، لزوم اجرای قوانین و مقررات مذهبی را تنها از نقطه نظر کمک به خواسته‌های الهی بمنظور شناختن او و ادای احترام نسبت به مقام مقدسش لازم میدانند و کمتر به

این عقیده‌اند که پروردگار عالم مستغنی و احتیاجی به بشر ندارد و خواسته‌های خداوند، همان مراعات قوانین و مقررات برای نظم اجتماع و توجه به اخلاق و بهداشت است که برای خود افراد بشر مفید می‌باشد.

اگر در گذشته بطور عموم و امروزه بطور نسبی، بعضی از قوانین مذهبی غیرقابل درك، مورد قبول بوده و هستند، در عصر کنونی، اکثر مردم تحصیل کرده مایلند که هر موضوع مربوط به قوانین و مقررات دینی از طریق علمی و منطقی درك و حل گردد و لازم میدانند که علت وضع آنها روشن و قابل فهم باشند و طبقه تحصیل کرده نمیتواند غیر از این، طریق دیگری را در پیش گیرد.

بدین مناسبت نویسنده سعی مینماید در حدود اطلاعاتی که دارد کوشش کند، قوانینی که وضع آنها بنظر بعضی‌ها روشن نیست، بر اساس دانش امروزی روشن شوند. شکی نیست که وضع قوانین در زمان خود بر اساس علمی و منطقی بوده و اگر در آن عصر تفسیری بطور وضوح داده نشده علت آنست که جامعه آن عصر در اثر عقب افتادگی علمی قادر بدرك آن نبود یا آنکه غیر از طریق ترس از مجازات الهی علیرغم منافع شخصی خویش مبادرت به انجام و اجرای آن مقررات نمیکرد.

بدون تردید مشروحات مندرجه در مقدمات این کتاب و توضیحات داده شده نمیتوانند کامل باشند زیرا بسیاری از مقررات یهودیت که افتخار ملت اسرائیل میباشد در این کتاب نوشته نشده‌اند و از این جهت امید است که روحانیون عالم اسرائیل بتوانند بطور کامل تر تألیفات جدیدی برای راهنمایی جوانان ما و آشنائی بیگانگان نسبت به فرهنگ مذهبی و تمدن هزاران ساله یهود انتشار دهند.

مختصری از آنچه که راجع به موسویت و یهودیت لازم بدانستن است

ملت یهود در حدود ۴ هزار سال سابقه تاریخی دارد یعنی از حوالی ۱۷۵۰ ق. م.، اولین شخصیت تاریخی که ندای توحید را بلند نمود و

فرزندان خود را به کسب علم و دانش و حقیقت‌جوئی رهبری فرمود حضرت ابراهیم جد بنی اسرائیل می‌باشد.

اما تعلیمات حضرت موسی که براساس توحید و دوری از موهومات و خرافات و توجه به تعلیم و تربیت اخلاقی و طهارت جسم و روان و اجرای انصاف و عدالت و نظم اجتماع و توجه به حال یتیمان و بیوه‌زنان و کارگران و برده‌ها و مراعات بهداشت و کسب دانش و اجرای قوانین است، از حدود ۳۳ قرن قبل می‌باشد.

اکنون بررسی کوتاهی بنمائیم و بینیم که در عصر حضرت ابراهیم و تا زمان حضرت موسی ملل شرق نزدیک یا ملل اطراف بنی اسرائیل که آنها ملل متمدن عصر محسوب میشدند دارای چه معتقداتی بوده‌اند.

تنها قوانینی که قبل از حضرت موسی تدوین گردیده، قوانین حمورابی در بین‌النهرین بود که در حدود ۳ - ۴ قرن قبل از حضرت موسی وضع شد اما این قوانین بر اساس عدالت و انصاف و توجه به حال یتیمان و کارگران و آزادی افراد بشر نبود. موهومات زیادی را در بر داشت، رفتار ظالمانه اربابان بر زرخریان تا به پایه مجاز بودن اربابان در کشتن آنها، ایمان به خدایان متعدد و مراسمی را که بایستی برای رضایت خاطر آنها انجام داد، بر مشکلات افراد آن دیار می‌افزود.

هر مملکتی خدایان بخصوصی داشت. مردوک و انلیل و آنو و ایشتار و بل در عراق، بل و ادونیس در سوریه، ایزیس و گاواییس در مصر و غیره، خلاصه آنکه خدایان آنها تا تعداد ۶ هزار میرسید (۱)

آنچه بسیار زننده و مشمئزکننده بود مراسم خلاف اخلاق بود که آنها برای رضای خاطر خدایان خود انجام میدادند (۲) آنها معتقد بودند که خدایان آنها

(۱) تاریخ تمدن بقلم ویل دورانت صفحه ۲۹۴

(۲) حتی تا امروز این رویه در اغلب کشورهای آسیائی مانند تبت و بعضی از قسمتهای اندونزی و هندوستان که معابدی بنام شیوا وجود دارد، برخورداریهای جنسی را در

در بین بشر زندگانی کرده و در معابد با اشتها غذا میخورند و با هم خوابگی با زنانی که در خدمت معابد هستند اولادانی به جامعه آنها میدهند.

ایشثار رب النوع شهوت بابلها و فنیقیها مانند ایزیس مصریان و افرودیت یونانیها مشوق عملیات خلاف اخلاق دسته جمعی بطور علنی در معابد بودند و این رویه در کلیه کشورهای بابل - سوریه - فنیقی - لیدی و قبرس انجام میشد. تمام زنهای کشور، موظف بودند اقلایک مرتبه در دوره حیات خود به معبد رفته و روابط جنسی با یکی از غربای شهر حاصل نمایند.

بسیاری از زنان و دختران، بعنوان خدمه یا صیغه خدایان، در معابد زندگانی میکردند و پدرانی که دختران آنها برای تسکین شهوت کاهنان بنام خدایان در این معابد بودند دارای افتخار شده و جهیزه آنها را تقدیم معابد مینمودند، دادن قربانیهای انسانی از وظائف مؤمنین باین معتقدات سخیف بود.

ایمان به موهومات گوناگون، فالگیری، جادوگری و ایمان به اجنه و غول و دیو، از معتقدات عمومی بود. ملت یهود که همسایه و احاطه شده با چنین خرافات و رویه های دور از اخلاق و انسانیت بود، در حالیکه در زیر فشار ظلم و تجاوزات فراعنه مصر مینالید و میرفت به بردگی و تحمل ظلم و ستم عادت نماید، حضرت موسی ابن عمرام برای نجات ملت خود قد علم نمود و پس از مبارزه ای سخت و دشوار، بنی اسرائیل را نجات داد و آنها را بطرف آزادی و استقلال رهبری فرمود و علاقه به آزادی را به بشریت آموخت و با اعطاء کتب مقدس تورات (۱)، قوانین جدید و بی سابقه ای را برای هدایت بشر بطرف برابری و آزادی و اخلاق و اجرای عدل و انصاف و تساوی حقوق ارائه نمود.

اما مکتب موسویت با موجودیت تورات خاتمه نیافت. بعد از حضرت موسی

این معابد نوعی عبادت محسوب میدارند و فرزندان حاصله از این اعمال را بسمت کاهن منصوب میدارند.

(۱) تورات را به زبان عبری (ترا) گویند و ترا بمعنی قانون است و تورات را بایستی قانون اساسی موسویت محسوب داشت.

پیغمبران دیگری از بنی اسرائیل برای تعلیم و تربیت قوم یهود و رهنمائی سایر ملل جهان ظهور فرمودند و برسیله بیانات آنها فرهنگ اخلاقی و قوانین و خصائل بشر دوستی غنی شد و به پیروی از سخنان حکیمانه آنان، نور امید فرا رسیدن روزی که کلیه ملل جهان بطرف صلح عمری و ترک جنگ و خونریزی و خلع سلاح و زندگی آرام گرگ با بره و تشکیل سازمان یا اتفاق ملل هدایت شوند، ایجاد گشت. این افکار تازگی ندارد بلکه ۲۷ قرن است که در قلب یهودیان جهان حتی در تاریک‌ترین ادوار قرون وسطی تجلی داشته است. (۱)

بعد از پیغمبران اسرائیل علمای یهود که سرچشمه کلیه بدبختیهای بشری را از بی علمی و بی سوادی تشخیص داده بودند همواره برای تنویر افکار ملت خود کوشیدند تا اینکه در تمام قرون گذشته، کمتر یهودی یافت میشد که بی سواد باشد.

موقعیکه تیتوس امپراطور رم معبد اورشلیم را آتش زد و آن شهر را خراب و به استقلال یهودیان در سال ۷۰ میلادی خاتمه داد، یوحنا بن زکای (۲) فقط یک تمنای کوچکی از او نمود، و آن اجازه افتتاح یک مدرسه در شهر (یبهه) بود و از همان سرچشمه تعلیم و تربیت، مربیان علم و دانش و اخلاق و بهداشت ظهور نمودند، و این مربیان در تمام ادوار پراکندگی یهود، ملت را رهبری فرمودند.

در مذهب موسی، بی سوادی گناه است و در تورات تأکید شده است، (فرزندان خود را تعلیم دهید).

تحصیل و مطالعه قوانین در ردیف مقدم وظائف مذهبی یهود قرار گرفته است.

- (۱) به فصل دوم کتاب اشعیا نبی و باب ۴ میکا نبی و همچنین به باب ۶۵ آیه ۲۵ کتاب اشعیا نبی مراجعه فرمائید تا اطلاع حاصل شود که پیغمبران بنی اسرائیل از ۲۷ قرن قبل پیش بینی صلح جهانی و ترک جنگها و خلع سلاح را نموده بودند. ارزش مبنکر هیچگاه کم نمیشود همان قسم که مرحوم کندی در نطق ژانویه ۱۹۶۳ خود مردم جهان را دعوت کرد و گفت (بیائید راهی را که اشعیا نبی دستور فرمود پیروی نمائیم)
- (۲) برای اطلاع از شخصیت بزرگ یوحنا بن زکای به صفحه ۱۷۱ جلد دوم تاریخ یهود ایران مراجعه فرمائید.

در کتب تلمود (۱) که حتی در این عصر مورد مطالعه قضات عالیمقام یا فلاسفه بزرگ و استادان علم، ادب و اخلاق می باشد، صرف نظر از مطالب مهم قضائی و فلسفی و بهداشتی و پند و اندرز، دستورات جالبی برای توجه به لزوم اجرای عدل و انصاف و مراعات ادب و اخلاق دارد.

بطور نمونه اشاره ای به بعضی از گفته های تلمود در زیر میشود، تا آنانی که یهودیت را از جنبه های ظاهری آن و یا از رسومات اقتباسی اش قضاوت مینمایند، واقف گردند که در چه اشتباه بزرگی بوده اند و بدانند که آنگهی از افکار و ایده آلهای یهودیت وقت بسیار و مطالعات عمیقانه ای لازم دارد.

تلمود راجع به لزوم و اهمیت تحصیل و مراعات اجرای قوانین و اخلاق و ادب مینویسد:

«خداوند و قوانین مانند فرد واحدی میباشند و در تمام کائنات، پروردگار غیر از محل تنگ مدرسه جائی ندارد» (۲)

«چنانچه پدری نسبت به تحصیل فرزند خود غفلت کرده باشد خود احتیاج به تحصیل دارد» (۳)

«کلیه استادان علم و ادب موظفند دانش آموزان را در اطراف خود جمع نموده آنها را تعلیم دهند» (۴)

«هر فردیکه قوانین را به فرزند خود تعلیم دهد مانند آن است که قوانین الهی مستقیماً از کوه سینا بدست او رسیده باشد» (۵)

«دارا بودن دانش و تربیت و وظیفه هر فرد یهودی خواه فقیر و یا غنی و حتی سائل و یا سالم و مریض و یا پیر و جوان و طفل و نسران است» (۶)

«اورشلیم بواسطه آن خراب شد که در فرستادن اطفال به مدارس

(۱) دو نوع تلمود وجود دارد یکی تلمود یروشلمی که در اواسط قرن دوم میلادی در اورشلیم نوشته شد و دیگری که بسیار مفصلتر است و در ابتدای این مقدمه کتاب اشاره به آن شد معروف به تلمود بابلی است که از ابتدای قرن سوم شروع به تألیف آن گردید و چند قرن برای تکمیل آن وقت صرف شد. مراجعه شود به صفحات ۱۹۹ و ۲۱۰ از جلد دوم تاریخ یهود ایران تألیف دکتر حبیب لوی.

(۲) (۳) و (۴) از تلمود قسمت شبات ۱.۳

(۵) و (۶) از تلمود قسمت قید و شیم

غفلت گردید» (۱)

«برای ساختن خانه مقدس (معبد اورشلیم) مدارس را نباید خراب کرد» (۲)

«هر کس موجب شود که طفلی از تحصیل باز ماند مانند آن است که

میراث آن طفل را بدزد» (۳)

«یک حرامزاده تحصیل کرده از یک کاهن بی علم بالاتر است و پس از

مرگ، قبل از آنکه در اعمال انسانی قضاوت گردد در مورد تحصیلات وی قضاوت

خواهند نمود» (۴)

«تقدس مقام مدرسه از معبد بالاتر است»

«احترام معلم مانند احترام به والدین و حتی احترام به خداوند میباشد» (۵)

هنگام استقلال گذشته اسرائیل علمای یهود میگفتند: بایستی بوسیله

فرهنگ، سطح اخلاق و معرفت و قضاوت و تربیت بشر را بالا برد تا از حالت

حیوانی خارج شده و نزدیک به صفات و افکار الهی گردد. در حالیکه ملل آن

زمان خدا را بصورت انسانی، که قربانی انسانی طلب مینماید و زنان زیبا را

میخواهد، یعنی خداوند را بصورت و افکار انسانی در میآوردند.

همین اختلاف فکر و هدف معنوی، موجب کینه توزیهای گوناگون بر علیه

بنی اسرائیل گردید که هنوز هم بعد از طی قرون زیادی به ارث رسیده، بدون آنکه

مخالفین امروزی اسرائیل، از سرچشمه عداوت و بی مهری های خود نسبت به این

ملت باخبر باشند.

راجع به ادب و تربیت و اخلاق و طهارت فکر

در موضوع ادب و تربیت نیز بسیار تأکید شده و گفته اند هر فرد یهودی که

گفتار و کردار و پندار بدی داشته باشد مانند آن است که بر علیه قوانین الهی قیام

(۱ و ۲): تلمود قسمت شبات ۱۱۹ ب

(۳): » » سنهدرین ۹۱ ب

(۴): » » قیدوشین ۴۰ ب

(۵): » » معیلا ۲۶

کرده یا ترك يهوديت نموده باشد و اضافه شده که اجتناب و گریز از انجام وظائف اخلاقی و طهارت فکر، جنایت است چنانچه در تورات وارد است: خداوند در بین ملل، بنی اسرائیل را بطور قوم مقدس خویش انتخاب نمود (۱) بنابراین، افکار و کردار آنان بایستی پاک و منزه باشد.

«آن شخص که مورد محبت مردم است مورد علاقه خداوند نیز میباشد» (۲)
«هر فردی که به فرزند خود صنعتی را نمیآموزد مانند آن است که راهزنی را به فرزند خویش آموخته باشد» (۳) «هر کس در خفا بخیرات پردازد از حضرت موسی بزرگتر است.»

راجع به لزوم فعالیت و کار و خدمت به اجتماع (۴)

«آسایش در این جهان و تأمین آخرت در احترام به والدین، کمک بیزیردستان، تحصیل علوم، مهمان نوازی، رسیدگی به بیماران، ذکر نام مردگان با احترام، صلح طلبی و تحصیل و مطالعه دقیق تورات است» (از میشنا)
«مستمند، ولو بت پرست باشد لازم است به او کمک شود» (عبودازارا)
«آنچه برخود نمی پسندی بر دیگران روا مدار» (از هیلل)
«صلح دوست و صلح طلب باش، مردم را دوست بدار و آنها را بمطالعه قوانین تشویق نما.» (از گملیل)

«کار را دوست بدار و از جاه طلبی بگریز» (از شمعی)

(۱) هنگامی که اسرائیل توحید و اجرای قوانین را قبول کرد و آماده انجام آن گردید عالم بشریت پیرو ظلم و ستم و اجرای مراسمی دور از اخلاق بود و چون اسرائیل اولین ملتی بود که پیرو توحید و اخلاق و بهداشت گشت عنوان قوم مقدس و منتخب را یافت و قطعاً این عنوان او را تشویق و موظف میداشت که گفتار و رفتار خود را طبق قوانین بنماید.

(۲) تلمود قسمت آבות ۳ - ۱۳

(۳) تلمود قیدوشین ۳۰ ب

(۴) مفصل است و بایستی به تلمود قسمتهای این ها از ۲ - ۸۰ و کتویوت ۵۹ ب

و آבות ۲ - و براخوت ۵۳ ب و آבות ۳ - ۱۷ مراجعه کرد.

«دنیا بر سه اصل استوار است: حقیقت، عدالت و صلح» (از شیمون سوم)
 «عاقل آنکسی است که از تعلیمات هیچ فردی نگریزد، نیرومند آنکه بر شهوت خرد فائق آید، و شایسته احترام آنکس که همسر خود را احترام بگذارد»
 (از بن زویا)

«در برابر همه فروتن باش» (از ربی مئیر)
 راجع به خودداری از تکبر یا رفتارهای زننده و اجتناب از عصبانیت و قهر و غضب و مستی و مسخره‌گی و سبک رفتاری و مراعات احترام علما و پیران و پاکی اخلاق و مراعات بهداشت، دستورات مفصل و جالبی داده شده است (۱)

در مورد نسوان

«زیبائی و دلربائی زن، فریبنده و بیهوده است فقط زن خدا ترس لایق ستایش می‌باشد» (۲)

«ارزش زن صالحه از جواهرات بالاتر و تاج سر شوهر خود می‌باشد» (۳)

«دارا بودن زن، علامت توجه خداوند به دارنده آن است»

«داشتن زن خوب، در اثر اعمال نیک مرد می‌باشد و اجری است که از طرف خداوند به وی عطا شده» (۴)

«همواره به بانوی خود احترام بگذارید تا سعادتمند گردید زیرا تبرک و سعادت، فقط بواسطه بانوی انسان است که وارد خانواده می‌گردد. با همسر خود راجع به کلیه امور مشورت نمائید و اگر کوتاه‌تر از شما است برای حرف زدن با وی خم شوید» (۵)

«کمتر از قدرت ثروت خود بخورید و بنوشید و بپوشید اما رضایت خاطر

(۱) آبوت ۴ - ۲۸ و ۱۰ - ۱ و ۴

(۲) امثال سلیمان ۳۱ - ۱۰

(۳) امثال سلیمان ۱۲ - ۴۰

(۴) مزامیر ۱۲۸

(۵) از تلمود قسمت بابا سزیا ۵۹ - ۱

بانوی خود را پیش از توانائی خویش فراهم سازید» (۱)

«سوءعیکه مردی زن خود را طلاق میدهد معبد خدا زاری میکند» (۲)

«فقر در جائی است که زن علاقمند به شوهر خود نباشد» (۳)

میمونید (ابن میمون یا هارامبام) فیلسوف و طیب معروف یهودی دستور میدهد که: «لازم است مرد پیش از خویش بیشتر از خود احترام گذارد و هیچگاه موجب ترس و اذیت او را فراهم نسازد و در مقابل او خود را مغموم نشان ندهد.»

«طلاق دادن زن زناکار از واجبات است»

«اگر زن تا ده سال بعد از عروسی بدون طفل بماند طلاق او جایز است» (۴)

«زن باید خود را برای شوهرش آرایش دهد نه برای سایر مردان»

«در صورتی که مرد خشن بوده یا به عللی عاجز در هم خوابگی باشد یا

بوی عفونت دهد زن حق دارد طلاق خود را تقاضا نماید»

«هر شخصی زن بد داشته باشد هیچگاه روی جهنم را نخواهد دید.»

همچنین راجع به وظائف زنان نسبت به شوهران خود، دستورات مفصل و مکملی داده شده است.

در اثر همین سوابق درخشان تمدن اخلاقی بود که در تمام ادوار قرون وسطی که جهل و نادانی و ظلم و ستم و خونریزی و اعتقاد بموهومات و خرافات سرتاسر اروپا و قسمت بزرگی از جهان آنروز را فراگرفته بود، تنها جوامع یهود، تمدن اخلاقی را حفاظت کردند تا اینکه بشریت بتواند در راه بسط و توسعه علم و دانش قدم بردارد.

(۱) از تلمود قسمت شولن ۸ ب — مراعات احترام و توجه به آسایش نسوان در بین ملت یهود سابقه دارد و قضیه تازه ای نیست.

(۲) از تلمود قسمت سینین ۹۰ ب (۳) از تلمود قسمت شبات ۲۲

(۴) همان قسم که مشاهده شده بعضی اوقات نداشتن اولاد در اثر نازائی زن بوده در بسیاری از موارد هم ملاحظه گردیده که زن بظاهر نازا و بعد از گرفتن طلاق و شوهر کردن با دیگری دارای فرزند گشته است. لذا در این گونه موارد جدائی بعد از ده سال به سود طرفین میباشد.

باوجود تمام ناراحتی‌ها و پراکندگی‌ها و مصائب و انتشارات و شایعات خالی ازحقیقت درباره وی، نه فقط یهودیان به خدمات خود در راه ترویج و ارتقاء تمدن و تحکیم مبانی اخلاقی کوشیدند، بلکه در تمام رشته‌های علوم مادی که تمدن امروزی را تشکیل میدهد اکثر علما و استادان برجسته، یهودی بوده و هستند و از این طریق نیز خدمات بزرگی به بشریت نموده‌اند.

چنانچه در کتاب میکا نبی باب ه آیه ۶ چنین فرموده است: «و بقیه یعقوب (یعنی بازماندگان خاندان اسرائیل در کشورهای پراکندگی آنها) در میان قومهای بسیار، مثل شبنم از جانب خداوند خواهند بود و بارشی که بر گیاه می‌آید».

بزرگان و خادمین یهود نسبت به بشریت

بمنظور آگاهی خوانندگان محترم از خدمات افراد یهود به عالم بشریت مختصر ذکری از بزرگان و خادمین این ملت، مستخرج از کتاب «یهودیان» Les Juifs که نویسنده آن روزه پیرفیت Roger Pierrefitte یکی از مخالفین یهودیان میباشد مینماید:

کریستوف کلمب Christophe colombe کاشف آمریکا — انشتین Ensteine فیزیسین معروف — اوپنهم Oppenheim اتم شناس معروف — ایفل Eiffel سازنده برج ایفل — نیسر Neisser کاشف میکرب سوزاک — واسرمان Wasserman کاشف طریق تشخیص سفلیس‌های مخفی — ارلیخ Ehrlich کاشف سالوارسان — واکسمان Waxman کاشف استرپتومیسین — لاندستینر Landsteiner کاشف درجه بندی خون — فروید Freud روانکاو و بزرگ — متچینکوف Metchinkuff کاشف فاکوسیت — هلاندر Hollander کاشف دندان مصنوعی — فونک Funk کاشف ویتامین — سابین Sabin کاشف واکسن پولیومیلیت — هافکین Haffkin کاشف واکسن وبا و طاعون که موجب نجات میلیونها نفر در سال از مرگ حتمی شد — شاین Chain کاشف پنی سیلین که همچنین موجب رهایی میلیونها نفر از افراد بشر، هر ساله از مرگ گردید — شیک schik کاشف سروم دیفتری

— کخ و مارمورك Koch & Marmorek که باسایل مرض سل را کشف نمودند
 فلکسner Flexner کاشف باسایل دیسانتری — سالک Salk سازنده سروم پولیو.
 همچنین بسیاری از کاشفین مواد شیمیائی و داروئی که در اثر کشفیات
 آنها پزشکان توانستند میلیونها افراد بشر را از دردهای گوناگون و مرگ حتمی
 نجات دهند و شرح نام آنها بدرازی میانجامد.

در بین موسیقی دانان: ماندلسون Mendelsohn — منوچیم Menuhim —
 روبنشتین Robinstein — هالوی Halevy و هیفتز Heifetz
 در بین نویسندگان که چند نفر را اسم میرد: مورو Maurois — ریناک
 Reinach — هنری هن Henri Hein — فلک Fleg — زامنهوف Zamenhoff — اسکریب
 Scribe — ویکتور باخ Victor Basch — لاپ Lape — وگا Vega — کسل Kessel
 — ارتور میلر Arthur Miller — براندس G. Brandes — توماس مان Thomas Mann —
 لاندو Landau.

در بین پیشوایان مذهبی: حضرت موسی — حضرت عیسی — و نفر دیگر از
 پیمران بنی اسرائیل — و حواریون حضرت مسیح.

از هنرپیشگان تئاتر و سینما، چند نفر اسم برده میشوند: هاری بور Harry Baur
 سارا برنارد Sarah Bernard — راشل Rachel — دنی کی Danny Kaye — مارکس برودر
 Marx Brothers — آل ژونسون Al Johnson — چارلی چاپلین Charlie Chaplin
 — مارت براندس Marth Brandes — دوگلاس فربانک Douglas Fairbanks — پل
 مونی Paul muni — ادی کانتور Eddie Cantor — کرک دوگلاس Kirk Douglas.
 از سیاسیون درجه اول: لئون بلوم Leon Blum نخست وزیر سابق فرانسه —
 ماندس فرانس Mendes France نخست وزیر سابق فرانسه — دیزرائلی Disraeli
 نخست وزیر سابق انگلیس — لرد ردینگ Lord Reding نایب السلطنه سابق
 هند — هور بلیشا Hore Belisha وزیر جنگ سابق انگلیس — رنه مایر Rene Mayer
 سیاستمدار معروف فرانسه — برنارد باروخ Bernard Baruch سیاستمدار و بانکدار
 آمریکا — استفن وایز Stephen Weis مشاور سیاسی ویلسون رئیس جمهور سابق

آمریکا — کرمیو Cremieux سیاستمدار سابق فرانسه — هیمانس Hymans نخست‌وزیر سابق بلژیک — هربرت ساموئل Herbert Samuel سیاستمدار معروف انگلیس. واز پیشوایان سوسیالیسم: کارل ماکس Karl Max — تروتسکی Trotsky — لاسال Lassale — کامنف Kamenev — زینوویو Zinoviev — لیتوینوویو Litvinov — رادک Radek میباشند.

از فلاسفه: اسپینوزا Spinoza و برکسون Bergson. و اما از ذکر نام نقاشان، صاحبان صنایع، اقتصادیین و بانکداران معروف، نظریه‌این که عده آنها زیاد است صرف‌نظر میشود. با توجه باین که گرد آورنده اساسی بالا، از نقطه نظر حسادت و مخالفت با عالم یهود مبادرت به ذکر نام این اشخاص نموده ولی آنچه غیرقابل انکار میباشد آنست که اکثر اشخاص نامبرده جزو خادمین عالم بشریت بوده خصوصاً کاشفین قسمت اول، که به میلیونها تلفات سالیانه بشر خاتمه داده‌اند. بسیاری از یهودیان جهان، قیافه جهان بشریت را تغییر داده‌اند از جمله: حضرت موسی که موجب گردید قوانین سابق که براساس سوهوم پرستی و ظلم و ستم و بی‌عدالتی و تجاوز به ضعفا و بینوایان تدوین شده و عاری از جنبه‌های اخلاقی بودند، از بین بود.

حضرت عیسی که از جمعیت حسیدیم یهود بود و به پیروی از میراث اجدادی خود، اساس محبت بین بشریت را تشویق فرمود. کریستوف کلمب که با کشف خود دنیای جدیدی را برای بشریت آورد. کارل ماکس که موجب بهبود زندگانی مادی‌توده‌های زحمت‌کش بشر گردید. انشتین که با کشفیات خود جهان جدیدی را به انسانها ارائه داد و فروید که علم روانکاوی را به انسانها آموخت.

گرچه بعضی از ملل و یا افرادی از جوامع بشری، نه فقط قدردانی از ملت یهود نکرده و خدمات فرزندان وی را نادیده گرفتند بلکه نسبت به این ملت کینه‌توزی نموده و حتی در غرب و شرق در صدد از بین بردن برادران موسی و

عیسی و هافکین و شاین و انشتین و کریستوف کلمب و فروید برآمدند تا بدینوسیله به نوا راحتی های حسادتی و عقده های خرد تسکین داده و میراث اجدادی عصر تبرخش را تقویت کرده و یا بدین وسیله رفع مسئولیت غفلتها و خیانت های خرد را در مقابل توده های بی خبر و بی علم بنمایند.

ولی بایستی امیدوار باشیم که این تقیصه دور از اخلاق و این میراث دوره جاهلیت، روزی در اثر بالا رفتن سطح تمدن علمی و اخلاقی (نه تمدن صنعتی) مرتفع گردد و این همان است که پیغمبران اسرائیل پیش بینی زندگانی گرگ با بره و صلح جهانی و تبدیل اسلحه ها به گاو آهن را نموده اند. یهودیان جهان همواره علاقه ویژه ای نسبت به کشوری که در آن زندگی نموده و مینمایند و حفظ قوانین مذهبی که هادی آنها در این رهگذر بوده است از خرد نشان داده اند.

یکی از نقاشان معروف تابلویی ساخته که فرار جمعی از یهودیان را هنگام یک حمله وحشیانه دسته جمعی به قوم اسرائیل نشان میدهد. در حالیکه در زیر برف و سرما دردشتهای پراز برف مرد و زن و کودک و جوان و پیر در حال گریز و فرارند، تنها چیزیکه برداشته و فرار کرده اند یکی تورات یا مجموعه انواع احکام و مقررات برای آسایش و نظم جوامع بشری است که با وجود بزرگی و سنگینی، آنرا محکم در بغل دارند و دیگری (صیصیت) میباشد که خود آن مظهر ملیت آنها و چهاربندگوشه های آن مظهرایمان به وحدانیت است میباشد و این تابلو علاقه و دلبستگی آنها را به مراعات و اجرای قانون و حفظ مذهب و ملیت مجسم میسازد.

با وجود شرح مختصری که از گفته های علمای مذهبی یهود داده شد و ایده آل و خدمات یهودیت نسبت به فرهنگ و تمدن بشریت که از نظر گذشت، مع الوصف ظاهر موسویت و خصوصاً یهودیت، بنظر طبقه بی اطلاع یا آنتهاییکه اطلاعات سطحی دارند طبر دیگری جلوه میکند و همین ظاهربینی غیر حقیقی است که در این عصر در حالیکه لازمه آن درک حقیقت و مطالعه و تحقیق و

تعمق است و بایستی هرگونه اقتباس عقیده و ایمانی با دلایل متقن همراه باشد، در اثر عدم توجه و مطالعه دقیق که شاید در اثر بی سوادى یا کمى وقت باشد، موجب گمراهى و بدبینى عده کثیری از خودى و بیگانه گردیده است. بنابراین آنچه که گذشت برای آگهى از کلیات موسویت و یهودیت، توضیحات زیر داده میشود:

توضیحاتی چند راجع به حضرت موسی و یا مقررات دیگر علمای یهود یا سنی که یهودیان مؤمن بدان عمل مینمایند.

احکام حضرت موسی و یا مقررات دیگر علمای یهود یا سنی را که یهودیان مؤمن بدان عمل مینمایند را میشود به پنج قسمت تقسیم نمود:

اول - احکام حضرت موسی مندرجه در تورات و تأییدات پیغمبران اسرائیل مشروحه در کتب انبیای اسرائیل براساس مراتب زیر است:

ده احکام که راجع به وحدانیت و توجه به اینکه خداوند دارای جسم نمیشد و لزوم مراعات کلیه قوانین اخلاقی است و بقیه قوانین دیگر مندرجه در تورات راجع به کمک به یتیمان و یتیمان و بیوه زنان و کارگران و حتى توجه به حیوانات میباشد همچنین دوست داشتن نوع بشر و رعایت اجرای کامل عدل و انصاف و تساوى حقوقى و آزادى در مورد خودى و بیگانه ترك موهومات و خرافات از قبیل ایمان به جن و غول و دیو و تفال زدن و جادوگرى.

رعایت بهداشت خوراك و جسم و مراعات نظافت و پاکیزگى.

تعطیل هفته ای يك روز برای آسایش جسم و روان خصوصاً برای طبقه کارگر و زحمتکش و حتى برای حیوانات اهلى.

روشن نمودن آتش در روز شنبه تا اجباراً کلیه کارها تعطیل شود و طبقه کلفت و نوکر و کارگر نیز استراحت نمایند.

انجام مقررات فلاحى و نظامى و حقوقى و جزائى و جنائى.

نظم امور اجتماع و تشکیل انجام داوران برای قضاوت و حل مشکلات روز از جنبه حقوقى و جنائى و جزائى و غیره که موجب سازگارى قوانین در هر

مقرراتی جهت حفظ قومیت اسرائیل بمنظور آنکه ایمان به وعده‌انیت و مقررات اخلاقی فراموش نگردد و خرافات و موهومات جای گیر آن نشود و ملت یهود که پراکندگی او را حضرت موسی پیش‌بینی کرده بود، بتواند در بین ملل جهان ایمان به وحدانیت و توجه به مقررات اخلاقی را تا روزی که مریبان سایر ملل موفق به عملی نمودن واقعی آنها گردند حفظ نماید.

رعایت تشریفات و مقررات اعیاد ملی و مذهبی اسرائیل، تا موسویت برای آیندگان محفوظ گردد و قومیت یهود برقرار و پایدار بماند (۱)

دوم - قسمت دیگری از احکام حضرت موسی، که توجه مخصوصی برای درك آن لازم است تا روح حقیقی گفته‌ها و خواسته‌های آن حضرت برای منقدین بیگانه و حتی عده کثیری از یهودیان روشن گردد، زیرا همین عدم توجه موجب گمراهی آنها میشود یا عمداً بی خبران را بدینوسیله گمراه مینمایند مانند موضوع بزوزا و صیصیت و تقیلین (۲) یا قضیه قربانی (۳) و یا موضوع میخی

(۱) حفظ و اجرای اعیاد ملی و مذهبی در تمام جهان متمدن مراعات میگردد و طبقه بیخبران نایستی این سنن را جزو مراسم کهنه و موهوم بدانند. برای تکمیل اطلاعات خود بایستی به متن این کتاب مربوط به مقررات سنن ملی مراجعه نمود.

(۲) به تفسیر مربوطه به این دو موضوع در فصل ۱۲ همین کتاب مراجعه فرمائید.

(۳) قربانیها بجای جرم پولی و یا حبس، بمناسبت تجاوز از مراعات قانون بوده‌اند زیرا در عصر حضرت موسی که قوم را در بیابان رهبری میفرمود، حبس و جرم پولی نبوده که بشود متجاوزین را بدان وسائل جرم نمود و فصل اول کتاب اشعیا نسی و میکا نبی باب ششم اجرای دستورات اخلاقی را تقاضا و قربانی را در واقع خاتمه یافته میدانند. بنابراین میتوان دلیلش را همان مراتب بالا دانست بعلاوه در تفسیر تورات (حقوق اسرائیل - قبیعوت روز ۳ شبیه هلاخا پسوقا) از گفته هارامبام نینویسد: (کلیه مقررات قربانیها که در کتاب حزقیال فصل ۴۰ الی آخر نوشته شده، راجع به طرز قربانیها و مراسم انجام وظائف کاهن بزرگ تماناً موقتی (میلوئیم) میباشد و این مراسم برای کلیه ادوار مجری نیست و پیغمبر فقط طرز اجرای آنرا دستور داده است که چگونه در عصر بنای خانه سوم و زمان ناجی بایستی انجام شود و آنچه که اجرای آن بایستی مداوم باشد علوم تورات (قوانین) است. به فصل ۱۱ هم مراجعه شود.

که در بیابان لازم بود هر فردی داشته باشد (۱)

سوم - دستورات و فرمایشات پیغمبران بنی اسرائیل است که بعد از حضرت موسی برای تأیید تورات ظهور نمودند و ملت را بطرف صلح و صفای عمومی و ترك جنگ و خلع سلاح و رعایت عدل و انصاف و اجرای مقررات اخلاقی و ترحم بر یتیمان و بیوه زنان و توجه به آزادی خریدی و بیگانه و ایمان کامل به وحدانیت تشویق و رهبری نموده اند.

و بالاخره ایده آلهای انبیای اسرائیل براساس اینکه بایستی صلح عمومی برقرار شده جنگها پایان یابند، سازمان ملل حقیقی بدون توجه به بند و بستهای سیاسی و یا توجه به منافع مادی خود، تشکیل شده و احکام او بدون چون و چرا از طرف کلیه ملل جهان اجرا گردد و خلع سلاح عمومی عملی شود (۲)

سه قسمت بالا مربوط به مقررات موسسیت بود.

چهارم - مقررات و دستورات دیگری وجود دارند (۳) که بوسیله علما و پیشوایان مذهبی یهود در طول مدت پراکندگی این ملت در بین ملل جهان، خصوصاً در قرون تاریک وسطی بمنظور حفظ ایمان به وحدانیت و علاقه به قومیت یا بمنظور آنکه حفاظتی برای از بین نرفتن قوانین اساسی موسسیت و تورات باشند وضع کرده اند، مانند مفصل نمودن نمازها یا ادای جملات شکرانه برای خداوند (بر اखाها) در موارد مختلف نرسیدن یا خوردن، تا همواره در میان اقیانوس صنم پرستی، وحدانیت، فراموش نگردد یا روی اصل مقتضیات روز، و

(۱) به تفسیر این دستور که در فصل ۳ است مراجعه فرمائید این کار جزو دستورات نظامی بود که هنوز هم برای نظامیان ملل متمدن مورد اجرا میباشد.

(۲) بکتاب انبیای اسرائیل و فصل دوم اشعیا نبی مراجعه شود.

(۳) مقررات و دستورات با قوانین فرق کلی دارند قبلاً گفته شد که احکام حضرت موسی، قوانین اساسی مذهب یهود و غیر قابل تغییر بوده و با آشنائی کامل به منظور مقنن و تفسیرهایی که بجای خود داده خواهد شد هیچگاه کهنه نشد و همواره قابل اجرا میباشد. ولی نباید مقررات موضوعه پیشوایان مذهبی که ضمناً مسئول حفظ جامعه خود بوده اند جزو قوانین اساسی تورات محسوب داشت (با اینکه بجا و بموقع این مقررات وضع گردیدند و هنوز هم بسیاری از آنها لازم الاجرا میباشد).

توجه به کینه توزیهای ملی که در بین آنها زندگانی میکردند مانند موضوع (نسخ).

تمام این مقررات تأثیر فراوانی در اجرای منظور وضع کنندگان آن داشته‌اند. و بعضی دیگر از آنها جنبه بهداشتی یا ترحم دارند مانند (شحیطا) یا ذبح که هم جنبه ترحم و هم بهداشتی دارد (۱) و یا معاینه (بدیقا) که صد درصد اسروزه سرورد قبول جهانیان واقع گشته است و یا موضوع نخوردن گوشت با لبنیات در یک موقع (۲) بدیهی است که یهودیان مؤمن هنوز مراعات کلیه این مقررات را مینمایند. شکی نیست طولی نخواهد کشید که شورائی از علمای دین یهود تشکیل شده و بعضی از مقررات سرقتی را که اوضاع و احوال زمان، وضع و اجرای آنها را ایجاب نمود اصلاح خواهد کرد. بنابراین آنچه را که علمای یهود به منظور حفظ مذهب و قومیت سرقتی وضع کرده‌اند و نتایج مفیدی هم در قرون مشوالی برای هدف خود بدست آوردند نمیتواند سرورد ایراد طبقه روشنفکر و بااطلاع گردد و آنچه هم مربوط به بهداشت و اخلاق وضع شده اگر در اثر عدم آشنائی از نتایج سرمدند آن کسی نداند ایرادی به اصل موضوع نمیتواند باشد.

حضرت سوسی و علمای یهود از ابتدای قرون تاریک بشریت به وجود انتقال امراض و (استریلیزاسیون) و (ایزولاسیون) و تشخیص هاری و سل و سرطان با اطلاع بودند. (۳)

(۱) حیوانی را که با زجر میکشند ثابت شده که یک نوع (Toxine) یا سمی در بدن او ایجاد میگردد. و همچنین خوردن حیوان یا مرغی که استخوانش شکسته ممنوع است زیرا محل شکستگی در بدن نقطه ضعفی برای نمو میکرب میباشد.

(۲) مراجعه شود به تفسیر مربوطه فصل ۳ تا از دلیل طبی آن آگهی حاصل گردد.

(۳) یکی از دستورات بهداشتی هارابام (ابن بيمون) در ۸ قرن قبل آنست که چنانچه حیوانی وحشی به گله‌ای حمله کند بایستی تا مدت ۴ روز از ذبح گوسفند یا گاو مربوط به این گله خودداری کرد و این دستور مربوط به خطر مرض هاری است و اسروزه معلوم گردیده که دوره کمون هاری ۴ روز است.

پنجم - رسوم و عادات و سنتی است که ملت یهود، ازمللی که در بین آنها
 قرن‌ها است زندگانی کرده متدرجاً اخذ نموده، در حالیکه این رسومات و سنن
 ربطی نه به موسویت دارد و نه به یهودیت، مانند طرز رفتار شوهران
 یهودی کشورهای شرق با زنان خویش، که مانند شوهران غیریهودی کشور خود
 رفتار مینمایند یا موضوع جهیزه دادن و یا ندادن یا ترتیب ارث بردن دختران،
 یا عقیده به اجنه و غول و پری که تا این اواخر مورد اعتقاد بعضی از یهودیان
 شرقی بود و یا تصوراتی راجع به عملیات شیطان یا و هم از بعضی موضوع‌های
 بی‌اساس و یا تقال‌زدن و انجام بسیاری از مراسم جهت مردگان و دهها
 موضوع‌های دیگر که با تعلیمات صریح موسویت در خصوص مبارزه با سوهم-
 پرستی مغایرت کامل دارد و حتی بسیاری از مراتب خوداریهای پیشوایان
 مذهبی شرقی در مراعات آسایش نسوان و حفظ حقوق آنها که موجب بدبختی
 طبقه‌ای از زنان بی‌گناه یهود را در بعضی از کشورهای آسیائی فراهم کرده
 تمام ناشی از همان اقتباسات افکار پراکندگی است و ربطی به موسویت و یا
 به یهودیت ندارند.

برای فضلا و دانشمندان جهان مسلم است که افتخار و ارزش هرگفتار و
 یا عمل مفید و یا ابتکار و یا موفقیت در کشفی، متعلق به شخص اولیه‌ای
 است که آن گفتار یا ابتکار و کشف را نموده باشد (۱) اما توده‌های بزرگ بشری
 کمتر به این موضوع توجه دارند و جای تأسف است که حتی ملیونها از پیروان
 مذاهب مختلفه که با تلاوت آیاتی تسلی‌دهنده دردهای درونی خود را تسکین
 داده‌اند و ناراحتی‌های خود را فراموش مینمایند و روح خود را به صفا و حقیقت و
 صفات آسمانی نزدیک مینمایند، اکثراً نمیدانند که خود آن بیانات و تلاوتها یا
 اقلاً ریشه آنها از گفته‌های پیشوایان مذهبی یهود سرچشمه گرفته‌اند.

بایستی اضافه نمود که در تورات، صرفنظر از قوانین و مقررات، قسمت بزرگی از

(۱) مانند پیش‌گوئی حضرت اشعیا نبی راجع به صلح عمومی و خلع سلاح و غیره.

تاریخ ملل قبل از حضرت موسی و معاصر ایشان نوشته شده که مورد استفاده سررخین قرار گرفته. همچنین مشروحاتی راجع به معجزات گوناگون آن حضرت داده شده که مورد قبول عده‌ای از طبقات مختلف غیر مؤمنین جهان نمیباشد ولی یکی از علمای معروف هیئت شناس موسوم به ایمانوئل ولیکوسکی Immanuel Velikosky با مدارك متقن که براساس علم هیئت‌شناسی و شهادت کتبی و تاریخی بعضی از ملل دنیای جدید و قدیم استوار است، در کتاب خود موسوم به *Monde en collision* تمام معجزات مندرجه در تورات و سایر کتب انبیای اسرائیل و حتی حادثه توقف آفتاب مرقومه در کتاب یروشح بن نون را مورد بحث قرار داده و در حالیکه وقوع آنها را بر اساس مذکوره بالا تأیید مینماید، ولی این حوادث را منتسب به انقلابات ارضی و جوی دانسته و نه تنها وقوع آنها را در ارض مقدس و مصر میداند بلکه با مدارك خود بروز آنها را در کشورهای دیگر یا کلیه نقاط کره ارض و در همان زمانها که در مصر و اسرائیل وقوع یافته‌اند، تأیید میکند.

ثبوت وقوع آن حوادث بر اساس مدارك علمی از طرف یکی از علمای هیئت، قدم بزرگی برای تقویت ایمان مؤمنین میباشد. گرچه عالم مذکور وقوع این حوادث را منتسب به انقلابات ارضی و سماوی دانسته ولی این سؤال پیش میآید که به چه علت این حوادث و انقلابات درست در مواقعی که مورد نیاز بوده پیش‌آمد کرده است. نظر باینکه بحث در اینگونه موارد از برنامه و هدف این کتاب خارج میباشد بهتر است که آنرا واگذار به نظریه و مباحثه علمای مذهبی و عالم مذکور بنمائیم.

در زیر نویس، مختصری از مطالعات ایمانوئل ولیکوسکی از نظر قارئین محترم گذرانده میشود (۱)

(۱) در کتاب خود فصل دوم صفحه ۴۳ مینویسد:

«خروج بنی اسرائیل هنگام انقلابات ارضی بزرگی که بر مصر و عربستان وارد شد بوقوع پیوست. مدارك مصری مربوط به هنگام ظهور حوادث ضربتهای وارده بر مصر و خروج بنی اسرائیل، همان خرابیها را شرح میدهد، و گفتارهای سینه به سینه اهالی عربستان نیز مشروحات مشابهی را

بالاخره بایستی اضافه نمود که تنظیم قوانین را در فصول جداگانه تدوین نموده (۱) و تفسیرهای مختصری هم از بعضی مقررات که برای بسیاری از مردم جهان و حتی طبقه‌ای از همکیشان امروزی دانستن آنها واجب می‌باشد داده است تا شاید به حل مشکل آنها کمکی شده باشد.

امید است که انتشار این کتاب با مشروحاتی که در این مقدمه داده شده، برای طبقه بی‌طرف خالی از تعصب، و برای روش‌شناسان ضمیر جوانان یهود و

→ داده است. طبق مدارک بسیاری، در آن ایام ستاره دنباله‌دار جدیدی بسیار نزدیک زمین شد و زمین در دم قرمز خونی رنگ آن قرار گرفت و در نتیجه رنگ آبها بصورت خون در آمد. در نوشته‌های (کیش Quiche) قوم مایاس Mayas (یکی از اقوام بومیان آمریکا) وارد است، هنگام انقلابات ارضی، آب رودخانه‌ها به رنگ خون در آمد (ایپوور Ipuwer) مصری که خود شاهد آن انقلابات بوده، بر روی کاغذ پاپیروس، با زاری شرح وقوع حوادث را می‌دهد و مشروحاتی وی مشابه مشروحات تورات است.

در افسانه‌های یونانی و بابلی و فنلندی نیز اشاره به چنین وقایعی گردیده است و اسم بحر احمر یا دریای قرمز در حالیکه آب آن آبی سیر است به همین مناسبت می‌باشد. (مشروحات مفصلی نیز راجع به وقوع امراض و سایر بلاها در اثر آن انقلابات داده است همچنین مشروحات کاملی راجع به سایر ضربتهای وارده بر مصر و موضوع عبور بنی اسرائیل از دریا داده شده و در قسمت دوم کتاب مفصلاً راجع به وقوع حوادثی که در کتب انبیای اسرائیل خصوصاً کتاب اشعیا نبی مربوط به محاصره اورشلیم توسط آشوریها و تلفات ۱۸۵۰۰ نفر از سربازان آنها نیز داده است که بواسطه مفصل بودن آن مشروحات و خارج بودن از برنامه این کتاب از شرح آنها صرف‌نظر می‌شود. آنچه بسیار جالب می‌باشد مشروحات مربوط به توقف آفتاب و ماه در عصر فتوحات یهوشوعه بن نون است که در فصل اول صفحه ۳۰ کتاب مذکور و بطور اختصار بدین قرار نوشته است):

«موضوع توقف آفتاب و ماه در اثر ترمز شدن زمین در چرخیدن یا کاسته شدن چرخش که بواسطه اثر مانیتیک ستاره دنباله‌دار می‌باشد حاصل گردیده است. ملل آمریکای مرکزی (مکزیک) نوشته‌اند که قرنهای بسیار قبل، شبی به درازی انجامید» (بدیهی است وقتی در اسرائیل ناحیه شرقی مدیترانه روز به درازی انجامد مصادف با شب آمریکا می‌باشد) بالاخره ایمانوئل و لیکوسکی شواهد تاریخی زیادی راجع به این موضوع آورده است.

(۱) در مدت ۲۰ سال که حضرت موسی، بنی اسرائیل را در بیابان رهبری می‌فرمود طبق زمان و مکان و فصول، اسریه‌ای راجع به مقررات و قوانین صادر میشد و آن حضرت به منشی یا وقایع نگار خود دستور نوشتن میداد. تدوین قوانین در قسمتهای جداگانه در این کتاب براساس موضوعهای مربوطه، بمنظور صرفه‌جویی زمان برای مردم کم‌وقت این عصر است.

آگاهی طبقه بی‌خبران، و همچنین در آشنا نمودن بشریت به معتقدات یهودیان و رفع نسبت‌های بیجا و بی‌مورد و کم‌لطفی‌ها که از قرون چهار و تاریک به بعضی از طبقات مختلف بشری به ارث رسیده، کمکی شده و بسیاری از نسکات تاریک مربوط به موسویت و معتقدات قوم اسرائیل روشن شود.

شکی نیست که برای اطلاع کامل از موسویت و معتقدات یهود مطالعات مفصلتر و عمیقانه‌تری لازم است.

رجاء واثق دارد توضیحاتی که گذشت راه را برای علاقمند نمودن طبقه بی‌اطلاع و سرگردان جامعه ما، در تفحصات بیشتر باز نموده باشد. با آگاهی از مراتب مذکوره امید می‌رود مردمی که از میراث و انتشارات غلط گذشته نسبت به یهود برخورد دارند، ترك آنها نموده و دسته‌هایی از یهودیان که بواسطه فشارها و یا در اثر بی‌اطلاعی، نه فقط ترك خانواده خود را نموده و آنها را تنها گذارده و از انجام وظائف خویش در ادای دین خود به یهودیت کوتاهی کرده‌اند، بلکه کینه‌توزی و تعصبات بی‌جا هم بر علیه برادران قدیمی نیز بخرج داده‌اند، براه منطقی و عاقلانه‌تری رهبری گردیده، صلح و صفا و خصوصاً حسن تفاهم و محبت بین همگی مستقر و برقرار گردد.

دکتر حبیب لوی

مختصری از تاریخ حضرت موسی علیه السلام و نظریات

مصر شناسان در این مورد

تا قرن اخیر اطلاعات مردم درباره حضرت موسی علیه السلام یا فراغنه و عصر آن حضرت، فقط از منابع تورات مقدس بود و آنهم، از سن ۸۱ سالگی به بعد که اقدامات آن ناجی بزرگ برای آزادی بنی اسرائیل شروع گردید. اما در زمان اخیر خصوصاً، مصر شناسان توانستند با مدارك بدست آمده از حفريات، واقعات باستانی مصر را نسبتاً روشن، و نکات تاریک گذشته را معلوم نمایند در نتیجه بسیاری از جریانات تاریخی مصر، از هنگام ولادت حضرت موسی تا عصر خروج روشن گردیده است.

هر چند هنوز هم نمیتوان گفت که هرچه گفته شده خالی از تنقید یا تردید نیست (۱) مع الوصف بایستی اذعان نمود که آنچه تا کنون از بناهای مربوط به مقبره های فراغنه خوانده اند، نکات بسیاری از تاریخ تاریک گذشته مصر

(۱) بعضی از نویسندگان، تاریخ حضرت موسی را بصورت (رمان) در آورده اند مانند (هاوار فارست) که بمنظور جلب خواننده و فروش کتاب خود مطالب بسیاری، خالی از حقیقت و جنبه تاریخی در کتاب خود گنجانند.

را آشکار کرده و قطعاً هنوز هم آثار زیادی باقی مانده که هنوز از نظر مصرشناسان نگذشته و بعدها با کشف و مطالعات آنها نکات تاریک دیگری روشن خواهند شد.

حضرت موسی پیشوای ملی و مذهبی ملت اسرائیل یا یهود و پیش آهنگ قانون گذاران جهان براساس اخلاق و عدالت و بهداشت، شخصیتی است که پیمبران و بزرگان اقوام جهان از او همواره تمجید و تعریف بسیاری نموده و نام او را به بزرگی یاد کرده اند.

حضرت موسی عملیاتی انجام داد و آثاری از خود باقی گذاشت که پس از تقریباً ۳۳ قرن که از وفات آن حضرت میگذرد هنوز در تمام محافل قضائی جهان متمدن، صحبت از افکار و ابتکارات او در قانون گذاری، شهادت و اراده قوی و عملیات شگفت انگیزش در هدایت اجتماعی بزرگ، و در شرایطی بسیار سخت بوده است و بالاخره او را یکی از بزرگترین نوایغ تاریخ بشریت دانسته اند.

میشل آنجلو ایتالیائی معروف، پیکره ای از حضرت موسی علیه السلام ساخته که در کلیسای سان پیترو و نیکولسی در شهر رم میباشد و قیافه و قد و قامت این پیکره اراده قوی فرمانده و نایب ای بزرگ و دانشمند و مقتنی بسیار مهم و حکیم و پزشکی بی نظیر و بالاخره پیغمبری عظیم الشان را مجسم میسازد. هر ساله میلیونها نفر افراد بشر برای دیدن این شاهکار تاریخی به کلیسای مذکور میروند.

همچنین یک نقاش یهودی تصویری روحانی از حضرت موسی کشیده که السواح ده احکام را در دست دارد و تمام احکام کتاب پنجم تورات سفر تشبیه (دباریم) با خط ریز عبری خطوط این تصویر را تشکیل میدهند.

در اناجیل از قول حضرت مسیح با احترام از حضرت موسی صحبت شده و مینویسد: من نیامده ام که تغییری حتی در کوچکترین حرف تورات (یود) (۱)

(۱) در الفبای عبری (یود) کوچکترین حرف الفبا از نقطه نظر شکل ظاهری حروف است.

بدهم. و جملاتی دیگر که در ابتدای این کتاب ذکر شده.

حضرت محمد (ص) پیغمبر اسلام در قرآن کریم مکرر راجع به قدرت و شخصیت و نبوغ حضرت موسی صحبت فرموده‌اند. دادگستری‌های جهان همواره در مقررات و احکام صادره خود اشاره به احکام حضرت موسی نموده‌اند. در جلو بسیاری از عدالت خانه‌های دنیا مجسمه‌ای از حضرت موسی نصب شده که آن مجسمه را مظهر عدالت و قانون و اخلاق دانسته‌اند.

گذشت زمان نمیتواند در بین محافل علم و ادب و دانش و اخلاق و دوستداران عدل و انصاف و آزادی و ضعیف‌پروری یا میان قضات و مورخین جهان نام حضرت موسی را بدست فراموشی بسپارد، زیرا حضرت موسی نه فقط ناجی قوم خود اسرائیل از بردگی بود و آنها را بطرف استقلال و مراعات نظم و قانون و اخلاق و آزادی و رعایت حال ضعیفا و بینوایان هدایت و رهبری کرد، بلکه در عصری که جهل و خرافات و موهومات و تجاوزات بحقوق افراد بشر و عدم بهداشت و اخلاق سرتاسرگیتی را فراگرفته بود و بردگی عملی مجاز و قانونی بشمار میرفت و ظلم و بیدادگری و قربانی‌های انسانی، از عملیات عادی و مقدس افراد بشر محسوب میگردید و آنچه گفته شد جزو عادات و خصلتهای خانواده‌های بشری قرار گرفته و اجتناب از آنها برای ایشان امری مشکل بنظر میرسید، حضرت موسی یکی از فرزندان بزرگ ملت اسرائیل و نابغه بشری، با ارائه قوانینی که برخلاف کلیه قوانین جاری آن عصر بود، انقلابی بس عظیم پدیدار نمود که آثار آن حتی در قرنهای بعدی آشکار خواهد گردید و در واقع ریشه اصلی تمدن اخلاقی بشری را استوار ساخت.

حضرت موسی راه دلبستگی به حیات و زندگانی و آسایش در این جهان و طریق نظم اجتماع را ارائه داد.

خط بطلان بر ترس از ده‌ها هزار خدایان ظالم و وحشتناک که خون و قربانیهای انسانی را دوست داشتند و تقاضای بی‌عفتی در معبدهای خود میکردند کشید. غول و جن و سایر معتقدات و موهومات و فالگیری و غیره را جزو تخیلات

خداوند یکتای نامرئی را که غیر از سعادت بشر و اجرای عدل و انصاف و آزادی بردگان و ترحم بر فقرا و بینوایان و رفاه حال کارگر و زحمت‌کش و حتی ترحم بر حیوانات هدف دیگری ندارد به بشر شناساند و برای اولین دفعه هفته‌ای یکروز تعطیل و توجه به نظم اجتماع و مراعات بهداشت جسم و روان و حفظ حیات و جان را از مقررات واجب شمرد. ده فرمان او برای بشریت امری تازه بود و مبارزه و قیام حضرت موسی بر علیه پر قدرت‌ترین سلاطین عصر یعنی فرعون برای نجات و آزادی ششصد هزار برده نمونه‌ای برای قیام‌های بعدی بر علیه پیدادگران گشت. عصری که حضرت موسی ظهور فرمود ۳ قرن از وضع قوانین همورابی که بر اساس ظلم و موهوم پرستی و تجاوز به حقوق بشری و تشویق بردگی بود، می‌گذشت. عصری بود که بعد از ۶ قرن به آمدن زرتشت و ۶ قرن به ظهور برهما و ۷ قرن به زمان بودا باقی بود. (دو نفر اخیر در قطب مخالف حضرت موسی قرار داشتند و دستورات و مقررات آنها عدم توجه به این جهان خاکی بود) (۱)

حدود ۱۳ قرن به عصر حضرت عیسی و ۲ قرن به ظهور حضرت محمد (ص) مانده بود. جهل و نادانی در سرتاسر جهان وجود داشت. برای آشنائی نسبی به معتقدات و موهوم پرستی آن زمان که بیش از ۳۳ قرن از آن می‌گذرد مسافرتی به بعضی ممالک آسیای جنوبی و مرکزی می‌تواند نسبتاً به وضع رقت‌بار مخصوصاً به موهوم پرستی بشر عصر حضرت موسی آشنائی حاصل نمود و به این نتیجه رسید که در صورت عدم ظهور حضرت موسی و بعداً پیشوایان بزرگ مسیحیت و اسلام، اوضاع و احوال کشورهای غرب الی آمریکا حتی در این عصر نمیتوانست بهتر از کشورهای نامبرده بالا باشد (۲) راجع به تاریخ ولادت حضرت موسی یا عصر

(۱) مراجعه شود به صفحه ۷۳ کتاب «بودا چه می‌گوید» تألیف محمد مهین پور و صفحه

۸ کتاب «سرچشمه تصوف» تألیف استاد سعید نفیسی.

(۲) عقاید و افکار و عملیات وحشیانه و دور از اخلاق سلال معاصر حضرت موسی، بطور اختصار در صفحه ۶ جلد اول کتاب تاریخ یهود ایران مندرج است.

خروج بنی اسرائیل از مصر، و اینکه آن حضرت در زمان کدام یک از فراعنه تولد یافته یا با کدام یک از فراعنه مبارزه نموده است، از قرون گذشته تا کنون مطالب زیادی نوشته اند و نظریات مختلفی داده شده و در سالهای اخیر، در اثر حفاریهای که در مصر بعمل آمده و یافتن توارخ فراعنه و سلسله آنها، این اختلافات و تضاد گوئی ها ناچیز گردیده و روز بروز به تاریخ و وقایع سندرجه در تورات نزدیک تر شده اند، بطوریکه حالیه اختلاف بین آخرین نظریه مصرشناسان و محاسبه تاریخی بر اساس تورات بیش از ۳۴ سال باقی نمانده و این اختلاف ناچیز ممکن است در اثر اختلاف تقویمی بین مصریان و بنی اسرائیل حاصل شده باشد (۱)

طبق محاسبه کتاب تاریخ یهود ایران حضرت موسی در سال ۱۳۹۲ ق. م. متولد شده (۲) و نظر باینکه مصرشناسان سال خروج بنی اسرائیل را که در سن ۸۱ سالگی آن حضرت واقع گردیده بسال ۱۳۴۶ ق. م. میدانند، بنابراین طبق نظریه آنها ولادت ناجی اسرائیل در سال ۱۴۲۶ ق. م. (۳) که سال چهاردهم سلطنت فرعون موسوم به Amenophis II آمnofیس دوم است واقع گردیده (۴).

بدین ترتیب این فرعون همان فرعونی است که حکم به کشتار فرزندان ذکور اسرائیل داد (۵) شرح قلدری و تجاوز این فرعون در امور گوناگون، مؤید

(۱) این جریان مسلم بنظر میآید زیرا در کتاب مصر باستانی صفحه ۹۱ چنین مینویسد: «در یازدهمین سال سلطنت Khian (یکی از پادشاهان قوم Hyksos ۱۷۶۷ ق. م. تقویم را اصلاح کردند.»

(۲) مراجعه شود به کتاب تاریخ یهود ایران جلد اول از صفحه ۳۲ تا ۳۷.

(۳) این فرق سال در اثر ۳۴ سال اختلاف است که در بالا توضیح داده شد.

(۴) آزار نسبت به بنی اسرائیل در ۱۴۲۶ ق. م. موقع ولادت حضرت موسی شروع نشده بلکه ۱۵۰ سال قبل از آن در حدود ۱۵۷۶ ق. م. بعد از خروج هیکسوس ها از اول سلطنت Amosis فرعون اموسیس اولین فرعون سلسله هیجدهم شروع شده.

(۵) بسیاری از مورخین، رعمسس دوم را فرعون ظالم و برخی او را فرعون خروج میدانند و این نظریه بر اساس آن است که در تورات سفر خروج باب اول آیه ۱۱ مرقوم است که بنی اسرائیل شهرهای پیتوم و رعمسس را بنا کردند. در تورات نوشته نشده که رعمسس آنها را مجبور به بنای این دوشهر نمود، بنابراین بایستی گفت که منظور از رعمسس سندرجه در تورات فقط اسم محل ساخته شده بوده و بعداً دو نفر از فراعنه، رعمسس اول و دوم، این نام را بر خود

→
گذارده‌اند.

ضمناً لازم است توضیح داده شود که در کتاب تاریخ یهود ایران جلد اول در صفحات ۳۵ و ۳۶ رمسس دوم را فرعون ظالم هنگام ولادت حضرت موسی بحساب آورده و بطوریکه در همان صفحات تذکر داده شده اختلاف نظر زیادی بین مورخین راجع به این موضوع وجود داشته و چون در سنوات اخیر مصرشناسان مدارك تازه و مستندتری بدست آورده‌اند که آنها با واقعات مندرجه در تورات مطابقت میکند، لذا نظریات مصرشناسان مذکور، نسبتاً مورد قبول واقع گردید و تنها اختلاف ما با آنها ۴۴ سالی است که مصرشناسان تاریخ عصر حضرت موسی را بالاتر میگیرند و آنهم بطوریکه گفته شده، ممکن است از اختلاف تقویمی بین مصریان و بنی اسرائیل ایجاد شده باشد. با وجود ۴۴ سال اختلاف بایستی تأیید نمود که ولادت آن حضرت همان در عصر فرعون امنوفیس دوم واقع گردیده است.

توضیحات زیر را نیز اضافه میکند: اگر بخواهیم رمسس اول را رمسس تاریخی بدانیم، طبق مدارك مصرشناسان چون این فرعون در تاریخ ۱۳۱۷ ق. م. بر تخت فرعون نشست (و سلسله نوزدهمین دوره فراعنه را تشکیل داد) — (صفحه ۱۵۸ مصر باستانی بقلم Arthur Weigall) و پیرمردی بود که بیش از یکسال سلطنت نکرد، نمیتواند فرعون متجاوز ظالم عصر ولادت حضرت موسی باشد. و اگر بخواهیم ولادت حضرت موسی را در عصر سلطنت رمسس دوم بدانیم این مشکل، سخت‌تر میگردد زیرا طبق نظریه مصرشناسان، رمسس دوم در سال ۱۲۹۵ ق. م. فرعون شد، و محاسبات براساس تورات که حضرت موسی در سال ۱۳۹۲ ق. م. متولد شده موجب یک اختلاف ۹۷ ساله میگردد و این اختلاف با شرح زیر حل شده و مسلم میشود که حضرت موسی حدود یک قرن قبل از دور رمسس مذکور به بالابدنیا آمده است: زیرا فرزند رمسس دوم موسوم به مرنپتاح Merenptah که در سال ۱۲۲۹ ق. م. بسلطنت رسید بلافاصله برای خاموش کردن انقلابی که در سوریه بر علیه مصر شروع شده بود لشگر کشی نمود و در مشروحات تاریخی که این فرعون باقی‌گذارده نوشته است: «اسرائیل تساراج شد و دیگر زراعت ندارد» (به صفحه ۱۶۹ تاریخ مصر باستانی مراجعه شود) این جمله بخوبی نشان میدهد که در این عصر ملت اسرائیل در خاک اجدادی استقرار و رسمیت یافته بود پس تاریخ ولادت حضرت موسی یک قرن قبل از این واقعه بوده. بنابراین ولادت حضرت موسی در عصر رمسس نبوده و همان در سال ۱۳۹۲ ق. م. تولد یافته است.

در کتاب مصر باستانی در صفحه ۱۶۶ نیز مینویسد:

شهرهای Peritem یا پیتوم (که بمعنای خانه اتون و اتون نام خدای آفتاب بوده و Per-rhmesou یا رمسس در تورات (پیر رمسس بمعنای خانه رمسس است) این دو محل خیلی زودتر از عصر رمسس وجود داشتند یعنی از عصر سلسله هیجدهم فراعنه (رمسس متعلق بسلسله نوزدهم بوده است) با این ترتیب ساختن شهرهای پیتوم و رمسس ذکر شده در تورات، بعد از فوت حضرت یوسف و ابتدای تجاوزات مصریان نسبت به بنی اسرائیل میباشد.

ولادت حضرت موسی (۱) در تسورات شرح داده شده، و مورد آگاهی جهانیان است. پدر حضرت موسی، عمرام از سبط لاوی و مادرش یوخبداست. بعد از ولادت فرزند، چون بحکم فرعون در خانه های بنی اسرائیل تفتیشاتی بعمل میآوردند تا متولدین ذکور را بکشند، ناچار یوخبدا بمنظور آنکه کشتن طفل خود را نبیند ناچار فرزند را در سبدی قیراندود قرار داده و بر روی رود نیل به امید خدای یکتای خود رها نمود. بتیا دختر فرعون متوجه سبدگشته و خادمین، آنرا نزد وی آورده و چون طفل را دید محبت او در قلبش جای گرفت و به پسریت خود قبولش نمود.

بدین ترتیب، حضرت موسی در دربار مصر بزرگ شده و در زمره شاهزادگان قرار گرفت. از آنجائیکه مادر حضرت موسی از دوران شیرخوارگی بسمت دایه آن حضرت معین شد و از طرف دختر فرعون شناخته نشده بود قطعاً در دوره شباب هم در دربار رفت و آمد داشته و با فرزند خویش تماس میگرفت و یوخبدا آن حضرت را از وضع رقت بار اسرائیل و ایمان و معتقدات اجدادی با خبرش میساخت.

باینکه حضرت موسی دارای امتیازات درباری، قدرت و ثروت و نعمت فراوان بود هیچگاه نتوانست که مانند سایر درباریان فرعون، طرفداری از تجاوز و ظلم و ستم نماید و حال زار بینوایان را ندیده پندارد، بنابراین رویه ابراهیم و اسحق و یعقوب اجداد خود را در پیش گرفت و مقام و ثروت و آسایش این جهان را نادیده گرفته و برای کمک به اجتماعی محروم قد علم کرد تا به جائی که برای اصلاح اخلاق و عقاید مصریان و اصلاح مذهب آنها نیز کوشش فرمود.

قبلا گفته شد که حضرت موسی در سال چهاردهم سلطنت امنوفیس دوم

(۱) نظرباین که در تورات مرقوم است که پس از رها کردن سبد قیراندودی که حضرت موسی در آن قرار گرفته بود، از طرف دختر فرعون هنگام آب تنی در ساحل رود نیل نجات یافت، لذا بایستی معتقد شد که پدر و مادر آن حضرت در پایتخت مصر ساکن بوده اند، در حالیکه توده بنی اسرائیل در ناحیه (گوشن) سکنی داشتند و چون بنی اسرائیل را برای بیگاری بکار و امیداشتند ممکن است عده ای را به پایتخت برده بودند.

متولد گردید، یازده ساله بود که امنوفیس پدر نامادری حضرت موسی فوت نمود و **Touthmosis** توت‌موسیس چهارم فرعون جدید شد که مدت ۹ سال سلطنت کرد و در هنگام فوت فرعون اخیرالذکر، حضرت موسی ۲ سال داشت و چون امنوفیس سوم فرعون گشت، دوپشت از فرعون پدر نامادری حضرت موسی گذشته و دیگر بتیا نامادری آن حضرت نفوذ اولیه خرد را در دربار از دست داده بود.

از طرف دیگر در تاریخ مصر باستانی، مشاهد می‌شود، در عصر امنوفیس سوم که حضرت موسی جوانی ۲ ساله می‌باشد، نهضت برعلیه ایمان به خداوند یکتا (اتون یا ادون) در مصر شروع گردیده و امنوفیس سوم نسبت به این ایمان، بمبارزه برخاسته است و بخوبی میدانیم که در آن عصر تنها ملت موحد جهان، بنی اسرائیل بوده‌اند و بعید نیست اگر گفته شود که حضرت موسی بتبلیغ در میان درباریان و ملت مصر پرداخته و عده‌ای را برای ایمان به وحدانیت وابسته و علاقمند ساخته است. (۱)

با این ترتیب، امنوفیس سوم از تبلیغات حضرت موسی بی‌خبر نبوده و نظر مخالف نسبت به او را داشته است و بایستی بهمین علت باشد که وقتی آن حضرت، شخص مصری متجاوز به یهودی را میزند و آن مصری فوت میکند، این واقعه مدرك بزرگی برای فرعون برعلیه حضرت موسی میگردد و بهمین علت حضرت موسی از مصر مهاجرت کرده به مدیان می‌رود. امنوفیس سوم غیر از دوره ناخوشی خود که ۶ سال بطول انجامید ۳۵ سال سلطنت نمود و مراجعت حضرت موسی از مدیان، بایستی بعد از فوت این فرعون در سال ۱۳۷۰ ق. م. (۲) باشد زیرا در آیه ۲۳ باب دوم سفر خروج تورات مرقوم است (و واقع شد بعد از ایام بسیار که پادشاه بمرد).

(۱) مشروحات بعدی این عقیده را تقویت مینماید.

(۲) نظر باینکه محاسبه تاریخ یهود ایران با تاریخ مصرشناسان زمان اخیر، ۳۴ سال اختلاف دارد بنابر این ۱۳۷۰ ق. م. مصرشناسان مطابق با سال ۱۳۳۶ تاریخ یهود ایران است که بر اساس تورات مقدس محاسبه شده اما این اختلاف ۳۴ ساله وضع واقعات را در عصر هیچ یک از فراعنه نسبت به اختلاف دو نوع تاریخ مذکور عوض نمیکند.

فرزند جوان امنوفیس سوم که بجای پدر نشست و موسوم به اختاتون گشت، در ردیف مقدم طبقه‌ای که معتقد به اتون بود (نام خدای واحد) قرار گرفت. اختاتون در سال چهارم سلطنت خود با ایمانی راسخ ملت مصر را دعوت به پیروی از وحدانیت نمود.

رسم فراغنه براین بود که با خواهر خود ازدواج نمایند ولی اختاتون به این امر مبادرت نکرد و با دختری دور از خانواده سلطنتی ازدواج کرد. موقعی که تصمیم گرفت که در خانه مقدس آمون خدای بزرگ مصریان قدیم در شهر کارناک، برای خدای اتون خانه مقدس بسازد موجب رنجش پیشوایان روحانی مذهب آمون را فراهم ساخت بنابراین در سال چهارم سلطنت، تصمیم گرفت که پایتخت (شهر طبس Thebes) را ترک نموده و پایتخت جدیدی که تنها مذهب اتون یا ادون در آن مورد پرستش باشد بین شهرهای ممفس و طبس بسازد. این پایتخت موسوم به افق اتون Horizon D'aton گشت و سرعت، شهرآباد و زیبائی شد و معبد اتون به اتمام رسید. مذهب جدید براساس دستورات اخلاقی و دوری از موهوم پرستی پایه گذاری شده بود و معتقد بودند که خداوند اتون را نمیتوان دید و صورتی از او بطور مجسمه یا نقاشی نباید ساخت و او آفریننده آفتاب است که سرچشمه حیات بر روی زمین میباشد. نیکی و حقیقت و محبت و نیک بختی از او سرچشمه میگردد و تمام نعمتهای روی زمین از آن اومیباشد. اوزب Eusebe (۱) و مانتئون Manethon (۲) سررخین باستانی یونانی معتقدند که انقلاب مذهبی عصر اختاتون بتشریف حضرت موسی بوده است و برخی از مصرشناسان از جمله ارتوروگال Arthur Weigall نیز پیرو این نظریه میباشد.

چنانچه بخواهیم ما نیز این نظریه را بپذیریم، در ابتدای سلطنت اختاتون

(۱) اوزب ۳۴۰ - ۲۶۵ ق. م. کشیش شهر سزاره Cezaré و مؤلف کتاب ذیقیمی در تاریخ مذهبی است.

(۲) مانتئون در سال ۳۰۰ ق. م. مؤلف تاریخ مصر و سایر ملل میباشد.

حضرت موسی ۵۰ سال داشته و در شروع دعوت از ملت مصر برای پیروی از وحدانیت توسط اختاتون ۹۰ ساله و هنگام فوت اختاتون آن حضرت ۷۲ سال داشته‌اند. بعد از دوازدهمین سال سلطنت اختاتون یعنی ۵۰ سال قبل از فوت او، انقلابی بتحریک روحانیون آمون در مصر وقوع یافت و اختاتون حکم کرد که نام آمون را از کلیه بناهای مصر حذف نمایند. بدیهی است که عکس‌العمل این قضیه بسیار شدید بود و موقعیکه توتانخامون فرزند جوان اختاتون بمقام فرعون رسید، با مشاهده قدرت روحانیون آمون، فرعون جدید تصمیم به بازگشت به پایتخت قدیم یعنی محلی که معبد آمون در آن قرار داشت گرفت و مصمم شد مذهب اجدادی را تقویت و ترضیه خاطر طرفداران آمون را فراهم سازد. هینجان مصریان در برگشت به ایمان اجدادی حدی نداشت. آرتور ویگال از آثار و نوشته‌های مصر قدیم نقل قول کرده میگوید «در عصر توتانخامون دلتای شرقی مصر پر از دسته‌های بزرگ آسیائی‌ها شده بود» (و این جمله اشاره‌ای به بنی اسرائیل میباشد).

چون فرعون جوان به سن مردانگی رسید (۱) شخصاً مبارزه نظامی را بر علیه این دسته‌جات شروع نمود و در نوشته‌های آن عصر صحبت از روزگشتار آسیائی‌ها وجود دارد. «باید بدانیم که در حجارها و مشروحات تاریخی مصریان برای خوش آمد فراغنه حتی الامکان اشاره‌ای بشکستها و عدم موفقیت‌های فراغنه نمیکردند، و حتی تا امروز هم مشاهده میشود که مصریها شکستهای خود را فتح محسوب داشته و حتی جشن فتح میگیرند (۲). شاهد دیگری هم وجود دارد که وقتی اختاتون طرفدار اتون شد، نام آمون را از روی آثار حجاری شده حک میگرد و هنگامیکه توتانخامون و طرفداران آمون روی کار آمدند نام اتون را

(۱) توتانخامون دهساله بود که فرعون شد و منظور از سن مردانگی ۱۹ سالگی است زیرا در آخرین سال سلطنتش واقعه خروج بنی اسرائیل رخ داد که مطابق با ۸۱ سالگی حضرت موسی و ۱۳۶۶ ق. م. مصر شناسان یا ۱۳۱۲ محاسبه تورات است.

(۲) منظور شکست ناصر در سال ۱۹۵۶ در صحرای سینا و ۱۹۶۷ میباشد.

حک کردند.

بحث دیگری که مورد توجه است آن می باشد که چون در تورات جزئیات وقعات تاریخی را شرح نمیدهد و به کلیات پرداخته اغلب تصور میکنند که خروج بنی اسرائیل در همان سالی است که حضرت موسی برای اولین مرتبه از مدیان مراجعت فرمود در حالیکه طبق مشروحات بالا که براساس تاریخ مصر شناسان است، برحسب قرائن حضرت موسی اقبلا دو مرتبه از مصر غیبت فرموده اولین دفعه در سن ۵۰ سالگی از مدیان مراجعت و در مدت ۱۷ سال دوره سلطنت اختاتون برای تبلیغ مصریان به ایمان وحدانیت اقدام فرمود و پس از فوت اختاتون مدت ۸ سال در عصر توتانخامون (فرعون مخالف وحدانیت)، بار دیگر از مصر خارج شده و در سن ۸۰ سالگی مراجعت و بلافاصله مبارزه با توتانخامون را شروع و در آخرین سال سلطنت او خروج بنی اسرائیل را انجام فرمود. (۱) شروع مبارزات حضرت موسی با فرعون که طبق نظریه بالا در عصر توتانخامون بوده، مفصلاً در ابتدای سفر خروج در تورات مرقوم و مسلم است که خروج بنی اسرائیل و فوت توتانخامون در یک سال و ممکن است گفته شود که در یک موقع واقع شده باشد. (۲) در تورات مرقوم است که حضرت موسی با ششصد هزار نفر از مصر خارج شد. این عده بنظر بسیاری از مردم جهان اغراق آمیز است موافقت برای قبول این عده کثیر مشکل بنظر میرسد اما مشروحات بعدی این مشکل را حل مینماید. از طرف دیگر راجع به مدت اقامت بنی اسرائیل در مصر طبق باب ۱۲ آیه ۴ کتاب خروج ۴۳۰ سال است و در باب ۱۵ آیه

(۱) اوزب Eusebe و Manethon مانتهون نیز خروج بنی اسرائیل را از مصر در زمان فرعون توتانخامون میدانند و معتقدند که حضرت موسی یکی از سر دسته های انقلابیون در عصر این فرعون بوده است (صفحه ۱۰۱ مصر باستانی)

(۲) نویسنده مصر باستانی آرتور ویگال اضافه میکند که در کتاب اول تاریخ ایام فصل ۶ عصر خروج را از مصر تا زمان سلطنت حضرت داود که در سال ۱۰۰۰ ق. م. بوده مینویسد یازده دوره گذشته، و چون رسم است که هر ۳ دوره یک قرن محسوب میگردد. بنابراین درست واقعه خروج در زمان توتانخامون میشود.

۱۳ سفر پیدایش . . ۴ سال مذکور می‌باشد.

علت اختلاف . . ۴ سال با . ۳ سال را بر اثر آن میدانند که غیر از اقامت اقوام بنی اسرائیل (۱)، حضرت یوسف مدت . ۳ سال در مصر اقامت نمود تا پدر و برادرانش به مصر آمدند و این . ۳ سال بر . . ۴ سال اضافه شده.

از طرف دیگر وقتی مدت اقامت بنی اسرائیل را در مصر از هنگام ورود یوسف طبق تورات حساب کنیم . ۴۴ سال میشود و از ورود یعقوب . ۲۱ سال. (۲)

آرتوروینگال مؤلف کتاب مصر باستانی در صفحه ۸۹ و ۹۱ کتاب خود مینویسد: اقامت بنی اسرائیل در مصر . ۲۴ سال است و علت اختلاف . ۳ سال مذکوره در تورات را با . ۲۴ سال چنین میدانند:

در سال ۱۸۵۷ ق. م. در عصر فرعون نفرهوتپ Neferhotep، هیکسوسها (۳) در قسمتی از مصر استقرار یافته بودند و بتدریج بقدرت رسیدند و در همین سال اخیر الذکر Salati سالاتی از طرف آنها به مقام فرعونی رسید اما تسلط هیکسوسها بر کلیه مصر در عصر خیان Khian در سال ۱۷۷۸ ق. م. واقع گردید و این تسلط تا ابتدای سلسله هیجدهم زمان فرعون آموسیس که در سال ۱۵۷۶ ق. م. بتخت سلطنت رسید خاتمه یافت و هیکسوسها از مصر خارج شدند و از این موقع است که تجاوز بر بنی اسرائیل شروع گردیده است.

با در نظر گرفتن ۳۴ سال اختلاف تقویمی (۴) و اقامت . ۲۴ ساله بنی اسرائیل در مصر نظریه آرتوروینگال درست در می‌آید.

اما موضوع اینکه در تورات اقامت بنی اسرائیل را در مصر . ۴۳ سال مرقوم داشته، آرتوروینگال چنین اظهار عقیده نموده است: در صفحه ۹۱ کتاب خود مینویسد: اقامت . ۲۴ ساله از ورود یوسف است که عده مختصری از اولادان

(۱) به مشروحات بعدی مراجعه شود.

(۲) مراجعه شود به جلد اول کتاب تاریخ یهود ایران صفحه ۳۷.

(۳) ملتی سامی بودند نزدیک به قوم بنی اسرائیل.

(۴) این اختلاف ۳۴ ساله نسبت به تاریخ‌های معینه در کتاب یهود ایران جلد اول

است.

يعقوب بمصر آمدند و اقامت ۳۰ ساله براساس آنست که عده کثیرتری از اقوام سامی نزدیک به اولادان اسرائیل قبل از عصر سلطنت خیام که عصر قدرت هیکسوسها بود به مصر مهاجرت کرده بودند یعنی در حوالی سال: ۱۷۷۸ ق.م.

و چون خروج بنی اسرائیل در سال:

۱۳۴۶ ق. م.

است لذا مدت اقامت کلیه اقوام اسرائیل:

۴۳۲ سال

بحساب میاید و اگر ورود این اقوام نزدیک به

بنی اسرائیل را در سال دوم

خیان Khian بحساب آوریم نتیجه اقامت در مصر همان:

۴۳۰ سال

میشود که مطابقت با نوشته تورات دارد)

با مشروحات فوق الذکر مشکل ۶۰۰ هزار همراهان حضرت موسی موقع

خروج از مصر که قبل از آن اشاره شد نیز حل میگردد.

حضرت موسی پس از خروج بنی اسرائیل از مصر، ملتی را که در اواخر قرنهای

بردگی، اغلب محاسن اخلاقی خود را از دست داده و استعداد او در مبارزه و

شایستگی ملیت و استقلال از بین رفته بود، در مدت ۴۰ سال تسریت و

آماده ساخت و در این مدت در بیابان بی آب و علف سینا احتیاجات غذائی

و پوشاکی و درمانی او را برآورده کرد و قوانین اخلاقی، حقوقی، جنائی،

جزائی، اجتماعی، بهداشتی، زراعتی، نظامی و غیره را براساس حقیقت بینی

و بدون تخیلات گوناگون، برای انسانهای عقب مانده ای که در این

جهان زندگانی می کنند و احتیاج به قوانین همه جانبه و جامعی برای

برقراری نظام گوناگون جهت آسایش دارند، آورد. و با دستور آیه ۸ الی ۱۳

فصل ۱۷ سفر تثئیه تازگی دایمی بتورات داد و ملت یهود، تورات را قانون

اساسی خود ساخت و قرنهای بعد، بسیاری از ملل جهان در اساس، تقریباً بهمان

طریق رفتند که موسویت قدم برداشت ولی تحت عناوین دیگری اینک با مطالعه

متن کتاب و دقت در روح و اهمیت قوانین و دستورات موضوعه، بخوبی مشاهده

خواهد شد که حضرت موسی چه اساس و شالوده های محکم و ارزنده ای را برای

بشریت خصوصاً طبقه ضعفا و بینوایان و زحمت کشان برقرار فرموده و موجودیت تاریخی این مرد بزرگ و آثار و عملیاتش چه افتخار عظیمی برای ملت اسرائیل درین طبقه دانشمندان حقیقی و خالی از تعصب و کینه توز بشر فراهم ساخت.

اطلاعاتی چند راجع به تورات

کتابی که بنام تورات حضرت موسی (احکام حضرت موسی) خوانده میشوند. عبارتند از ه کتب بنامهای زیر:

- ۱- کتاب برشیت که بزبان فارسی آنرا کتاب پیدایش گفته اند.
- ۲- « شموت » « خروج »
- ۳- « وئقرا » « لاویان »
- ۴- « بمیدبار » « اعداد »
- ۵- « دباریم » « تثئیه »

این پنج کتب، چاپی آنها به زبان عبری گاهی در یک مجلد و بعضی اوقات هم جدا بطبع رسیده اند. اما تورات بزرگ که در هزاران سال قبل دستگاه چاپ وجود نداشت، کلیه پنج قسمت را بر روی پوست با خطی زیبا بوسیله متخصصین نوشته میشد و چنانچه نقطه یا کلمه ای اشتباه میگشت یا نقطه و کلمه ای از آن میریخت (چون با مرکب صمغ مخصوص بود) از آن تورات استفاده نمیشد.

تورات را در محفظه زیبایی حفظ مینمودند و هنوز هم همان رویه باقی است و حتی در موقع قرائت تورات در کنیسه های جهان، شخص دیگری که او نیز به مندرجات تورات آگاهی دارد در کنار قاری می ایستد تا اگر قاری حرف یا لغتی را اشتباه گوید به او تذکر دهد تا بار دیگر بطور صحیح ادا نماید.

یهودیان بعد از حضرت موسی ۳ مرتبه به پراکندگی سوق داده شدند، دفعه اول به اسارات آشور در حدود ۲۸ قرن قبل، دفعه دوم به اسارت کلدانیان در ۲۵ قرن پیش و دفعه سوم به اسارت روم در حدود ۲ قرن قبل. در پراکندگی اول و دوم همگی به وطن مراجعت نمودند آنها که از زیر قطب تا جنوب خط استوا پراکنده بودند همواره در حفظ تورات کوشش بسیار نموده هر کجا رفتند

در سرما و گرما، قبل از آنکه بفکر اشیاء قیمتی خود باشند بفکر تورات بودند زیرا این کتاب مقدس، همدم شبهای تاریک و روزهای سیاه آنها بود و تنها تورات و کتب انبیا بنی اسرائیل بود، که با وجود تجاوزات گوناگون، ایشان را تسلی داده و نوید روز آزادی و اتفاق ملل و ترک جنگها و خونریزیها را میداد.

کتب تورات، اعم از تورات هائی که در ممالک پراکندگی ۲۸ قرن قبل وجود دارند، یا ۲۵ قرن پیش و یا ۲۰ قرن قبل و یا کتب انبیای اسرائیل که در کوزه های محفوظ و متعلق به قبل از میلاد در غارهای شرق اردن یافت شده اند اختلافی با یکدیگر ندارند.

کتب تورات از تواریخ قبل از حضرت موسی، از منشاء نژادها و ملل، از واقعات مربوط به اجداد بنی اسرائیل و عصر حضرت موسی و احکام معظم الیه حکایت فرموده و بالاخره از سرگذشت هائی که بعداً بر سر ملت اسرائیل وارد خواهد شد صحبت مینماید و کلیه نوشته های تورات به زبانی است که مفهوم بشر بوده و میباشد.

اما در این کتاب، فقط قوانین و مقررات تورات منعکس شده (به غیر از احکام مربوط به قربانیها که طبق فرمایشات اشعیا نبی باب اول موقوف گردید) و هر یک از قوانین به فصول مربوطه منتقل شده اند. بایستی اضافه کرد، قوانینی که مکرر بمنظور تأکید، در تورات نوشته شده مانند بعضی قوانین تکراری، در این کتاب مرقوم نگردیده اند از طرف دیگر به اطلاع قارئین محترم میرساند که استخراج قوانین تورات از ترجمه فارسی (فاضل خانی) بعمل آمده با اصلاحاتی که مطابقت با متن تورات عبری مینماید.

دکتر حبیب لوی

پیشکش "راد" به تناسف
www.tabarestan.info

احكام و مقررات حضرت موسی علیه السلام

تدوین شده براساس موضوعهای مربوطه در فصول جداگانه



پیشکش "راد" به تبرستان
www.tabarestan.info

فصل اول

ده احکام

- ۱- من هستم یهوه خدای تو که تو را از زمین مصر از بردگی و اسارت رهایی بخشیدم.
- ۲- تو خدایان دیگر غیر از من نباشد.
- هیچگونه صنم یا بت و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پائین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است برای خود مساز. نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما زیرا من که یهوه خالق تو میباشم خدای غیور هستم. گناه پدران را بر فرزندان تا پشت سوم و چهارم از آنانیکه مرا دشمن دارند بیاد خواهم آورد. و تا هزار پشت بر آنانیکه مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند رحمت میکنم. (۱)
- ۳- نام یهوه خدای خود را بباطل مبر زیرا خداوند از کسی که اسم او را بباطل برد صرفنظر نخواهد کرد.
- ۴- روز شنبه را بتقدیس بودن آن یاد کن تا آنرا تقدیس نمائی. شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور. اما روز هفتمین روز استراحت بخاطر خدای تو است. در آن هیچ کار مکن، تو و بسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و غریب تو که درون دروازه های تو سکونت دارد. زیرا که در شش روز خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت و در روز هفتم آرام گرفت از این سبب خداوند روز هفتم را مبارك خوانده آنرا تقدیس نموده. (۲)
- ۵- پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت بتو میبخشد دراز شود. (۳)
- ۶- قتل مکن.
- ۷- زنا مکن.
- ۸- دزدی مکن.
- ۹- بر همنوع شهادت دروغ مده.
- ۱۰- بخانه همنوع خود حسادت مکن و بز ن همنوع خود و غلامش و کنیزش و گاویش و الاغش و بهیج چیزی که از آن همنوع تو باشد حسادت موز. (۴)

«توضیحات مربوط به ده فرمان»

(۱) منظور آنست که تأثیر عمل و رفتار و اخلاق پدر تا پشت سوم و چهارم در بدناسی بین اجتماع مؤثر است و منظور ابداً مربوط به انتقام گرفتن که در ترجمه فارسی تورات شده است نمیباشد زیرا در سفر تثئیه باب ۲۴ آیه ۱۶ چنین مینویسد:

(پدران بعوض پسران کشته نشوند و نه پسران بعوض پدران کشته شوند هرکس برای گناه خود کشته شود)

(۲) تا عصر حضرت موسی تعطیل هفته‌ای یک روز وجود نداشت و برده‌ها و کارگران تحت فشار دایم بودند و با فرمان این جمله استراحت هفته‌ای یک روز مسلم گشت.

رسم مؤننین آنست که در ۲۴ ساعت شنبه دست بهیچ گونه کاری نزنند ولی چنانچه جان شخصی یا مریضی در خطر باشد، انجام هر کاری که برای رفع خطر مفید باشد مجاز است. بطوریکه مشاهده شده است استراحت کامل هفته‌ای یک روز بطریقی که مؤننین یهود انجام میدهند اثر فوق‌العاده‌ای در تقویت اعصاب و حتی طول عمر دارد. روزی شخصی ضد یهودی در خیابان به پیله‌وری یهودی برخورد کرد و به او گفت از جهود بودن خود چه خبری دیدی که از آن دست بردار نیستی؟ پیله‌ور که لباس مندرسی در برداشت جواب داد: هفتاد سال دارم که ده سال آن شنبه بوده (غیر از اعیاد) در این مدت بهترین لباس را پوشیدم و بهترین خوراک را خوردم و کسی در روز شنبه مطالبه طلبش را از من نکرده است.

(۳) بطوریکه ملاحظه شده است گاهی بعضی از اولادان که احترام به پدر و مادر نگذارده‌اند عمری نسبتاً طولانی داشته‌اند، اما طولانی بودن عمر در وضع و شرایطی بد و تلخ بحساب عمر حقیقی محسوب نمیگردد.

(۴) حسادت موجب ایجاد و بروز بسی اسراض عصبی و قلبی میگردد.

بنی اسرائیل و ده فرمان حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام با سپردن ده فرمان و احکام تورات به بنی اسرائیل این ملت را پیشوای موحدین نمود و این پیشوائی موجب نفرت ملل معاصر که معتقد به هزاران خدایان سنگی و چوبی و فلزی بودند و اولادان خود را قربانی آن اصنام می‌کردند گشت تا آنجائی که با وجود اینکه بعدها احفاد آنها پیرو توحید شدند این نفرت و کینه اثری ادامه یافت. بطوریکه در ابتدای این کتاب ملاحظه نمودیم حضرت موسی به بنی اسرائیل امر اکید فرمود که هیچ گونه تغییری در احکام تورات وارد ن سازند و به راست یا چپ منحرف نگردند و احکام تورات، برای احفاد بنی اسرائیل که در آن زمان حضور نداشتند مسود قبول باشد و فرمودند این شریعت میراث جماعت یعقوب است.

حضرت عیسی که از بنی اسرائیل بود نیز فرمودند که نیامده است که نقطه یا (یودی) از تورات را تغییر دهد.

بر اساس اوامر فوق‌الذکر و به منظور حفظ وحدانیت و قوانین اخلاقی و بهداشتی و احکام مفید دیگر بوده که یهودیان جهان با استقامت کامل نسبت به تورات حضرت موسی وفادار ماندند و احکام آن را قانون اساسی شریعت خود میدانند و مؤننین به طریق زیر در

→ اجرای احکام تورات دل‌بستگی کامل دارند:

- ۱- فرمان اول- ایمان به‌خدای یکتا. (۱)
۲- فرمان دوم- نپرستیدن اصنام گوناگون.

در اثر توجه و اعتقاد به‌این فرمان و احتراز از موهوم‌پرستی بود که یهودیان جهان در مدت حیات ملی خود مورد تجاوز و نفرت ملل جهان حتی مللی که بعدها موحدگشتند (ولی نفرت از یهود را ارث برده بودند) قرار گرفتند بنی‌اسرائیل ایمان به‌توحید را حفظ نمودند تا روزی که پیشوایان بزرگ دیگری ظهور کرده و صدها میلیون افراد بشر را به‌این طریقتی که آسایش انسانها را در بردارد جلب فرمودند.

۳- فرمان سوم: اجتناب از قسم دروغ: یک یهودی مؤمن نه فقط از قسم دروغ قطعاً اجتناب دارد بلکه حتی برای یک موضوع حقیقی هم قسم یاد نمی‌کند.

۴- فرمان چهارم: تعطیل و تقدیس روز شنبه: یهودیان مؤمن همواره روز شنبه را تقدیس نموده نه فقط خود مبادرت به‌هیچ‌گونه کاری ننموده و در استراحت و آسایش کامل بسر برده‌اند بلکه برای کارمندان و کارگران و حتی برای حیوانات اهلی خود نیز استفاده از این نعمت و آسایش را فراهم ساخته و بدین وسیله بیش از یک هفتم عمر آنها در خوشی گذشته‌است.

۵- فرمان پنجم: احترام نسبت به‌پدر و مادر: توجه به‌این امر هیچگاه فراموش نشده‌است.

۶- فرمان ششم: قتل مکن: توجه به‌دستورات اخلاقی احکام تورات و عدم وجود افراد بی‌سواد در بین یهودیان و بالا بودن سطح دانش بیشتر افراد و بالاخره توجه به‌دستورات بهداشت خوراک که مؤمنین با نخوردن خون و پی و گوشت ناسالم توجه کامل دارند، موجب گشته که قاتل در بین یهودیان بندرت یافت می‌شود و احصائیه قاتلین در زندانها دلیل قاطع این برهان است.

۷- فرمان هفتم: زنا مکن: یک یهودی مؤمن هیچ‌گاه پیرو زنا نمی‌شود.

یک یهودی مؤمن هیچ‌گاه پیرو زنا نمی‌شود. علاقمندی و همبستگی‌های فاسیلی زن و شوهرها و کمی طلاق و نقصان امراض تناسلی در بین یهودیان مسلم میدارد که مراعات این فرمان بطور نسبی بین آنها بیشتر از سایر ملل می‌باشد.

۸- فرمان هشتم- دزدی مکن: بین یهودیان کمتر دزد وجود دارد و احصائیه‌های زندانها دلیل مسلم این مدعا است.

۹- فرمان نهم: برای هم‌نوع خود شهادت دروغ مده: این فرمان همواره مورد

توجه افراد یهود بوده و کم‌تر دیده شده‌است که شهادت دروغ برای خودی و یا برای پیگانه بدهند.

۱۰- فرمان دهم: نسبت به‌هیچ‌چیز هم‌نوع خود حسادت موز: حسادت کسه

دنباله آن کینه‌توزی است در بین یهودیان کم‌تر وجود دارد و با توجه به‌اینکه در تورات سفر خروج ۲۲ آیه ۴ و ۵ حکم شده‌است که حتی به‌دشمنان خود کمک بنما ام‌ری است برخلاف کینه‌توزی و براساس همین اوامر است، با وجود آنکه بنی‌اسرائیل در مدت بیش از

(۱)- بایستی به‌تاریخ یهود جهان مراجعه نمود تا معلوم گردد بمنظور حفظ این فرمان

چه قربانی‌هایی در راه حفظ ایمان به وحدانیت داده‌اند.

←

→ ۲۵ قرن پراکندگی در کشورهای مختلف و با وجود مورد تجاوز گوناگون قرار گرفتن از طرف اکثریت ملل کشور محل اقامت خود، هیچ‌گاه یهودی نسبت به قدرت و ثروت دشمنان خود حسادت نورزیده و کینه‌ورزی را در خود راه نداده است بلکه بر عکس هرگونه کشیفات مهم و مفیدی را که به دست آورده است در اختیار هموطنان متجاوز خود قرار داده است. همچنین نه فقط در ایام بدبختی و جنگها، شریک غم اهالی کشور بوده بلکه در ایام خوشی هم در زمینه‌های فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی و پزشکی و اخلاقی از مساعدت به هموطنان نامهربان خود مضایقه نکرده.

آنچه را که ملل اروپای شرقی و ملت آلمان هیتلری بر سر ملت یهود وارد ساختند همه ملل جهان به خوبی بیاد دارند و یهودیان جهان هیچ یک از این ملل را در ردیف دشمنان خود قرار نداد و نسبت به آنها حسادت یا کینه‌توزی ننموده و نخواهد نمود.

برای درک کامل ارزش و اهمیت احکام تورات لازم است نسبت به قوانینی که قبل از حضرت موسی علیه السلام در کشورهای آن عصر مورد قبول و اجرا بوده مراجعه گردد تا بسیاری از نکات تاریک معتقدات و مظالم گذشته نسبت به هم‌نوع ملل جهان روشن گردیده و معلوم شود که موسویت و یهودیت در اثر استقامت و فداکاری که در راه حفظ و اجرای دستورات و احکام حضرت موسی نمود، چه خدمات مهم و برجسته‌ای به عالم بشریت کرده است و چنانچه بشر سرگشته امروزی توجه به دستورات و اوامر انبیای اسرائیل مانند اشعیای نبی بنماید چگونه از جنگها و مخارج تسلیحات که بایستی به مصرف آسایش مستمندان برسد نجات خواهد یافت.

یکی از مأموریت‌های یهود در بین ملل جهان جلب افکار آنها برای اجرای ایده‌آل زیبای اخیرالذکر میباشد.

فصل دوم

آداب و دستورات اخلاقی و اجتناب از دروغگویی و پرهیز از رشوه‌خواری و دوری از خرافات و مبارزه با موهومات و منع رباخواری و لزوم توجه به اجرای قوانین بهداشتی، کشاورزی و کیفری، جنائی و جزائی که ارتباط با جنبه‌های اخلاقی دارند

۱ - زن جادوگر را زنده مگذار. هر که با حیوانی مقاربت کند هر آینه

کشته شود (۱)

(۱) بعضی از منقدین بی‌طرف ولی کم اطلاع یا برخی اشخاص بمنظور پیش‌بردن بعضی مقاصد، موضوع مجازاتهای مقرر در تورات را بسیار شدید و برای عصر کنونی نامتناسب و غیرقابل اجرا جلوه‌گر می‌سازند، اینان برای از پیش بردن هدف خود آنرا مستمسک قرار داده و گاهی اتفاق افتاده است که بدین وسیله جوان بی‌اطلاعی را با عرضه نمودن سخنانی دلیپذیر که اصل آن از گفتار بزرگان یهود سرچشمه گرفته بطرف هدف خود مجذوب و بدین ترتیب ایجاد اختلاف در خانواده جوان نموده و خرابکاری در دل‌بستگی وی به ملت او کرده یا حتی او را بهر ایمان و عقیدتی مردود و متزلزل نموده‌اند. بنابراین به توضیحات زیر مبادرت می‌ورزد.

اولاً قوانین اخلاقی و بهداشتی مقرر در تورات یا موضوع ایمان به وحدانیت و یا لزوم کمک بحال ضعیف و فقرا و تاکیدات راجع به تأمین آزادی خودی و بیگانه اصولی هستند که در هیچ قرن و زمانی نمیتوانند کهنه و ملغی گردند و پیشوایان سایر ادیان همواره این اصول و قوانین را تأیید فرموده‌اند.

در ثانی راجع به مجازاتهای مقرر در تورات که آنها را شدید و در خور این عصر نمیدانند، هر چند بسیاری از اشخاص وارد به امور قضائی و اجتماعی معتقدند که اجرای اشد مجازات موجب تخفیف تجاوزات میگردد بطوریکه در سفر تثنیه باب ۱۷ آیه ۱۳ هم مینویسد که «و

←

۲ - غریب را اذیت مرسانید و بر او ظلم مکنید زیرا که در زمین مصر غریب بودید. بر بیوه‌زنی یا یتیمی ظلم مکنید و هرگاه بر او ظلم کردی و او نزد من فریاد برآورد البته فریاد او را مستجاب خواهم فرمود. و خشم من مشتعل شده و شما را به شمشیر خواهم کشت. و زنان شما بیوه شوند و پسران شما یتیم شوند. اگر تو بفردی از افراد قوم من بیک نفر فقیر که نزد تو است پول قرض دهی نسبت با او چون طلبکار رفتار مکن و از او سود یا ربا دریافت مدار. (۲)

→ تمامی قوم چون این را بشنوند خواهند ترسید و بار دیگر از روی تکبر رفتار نخواهند نمود» مع الوصف بایستی یادآور گردید که در سفر تثئیه باب ۱۷ آیه ۸ تا ۱۳ و در مقدمه کتاب هم توضیح داده شد که حضرت موسی پیش‌بینی مقتضیات زمان و مکان را نیز فرموده. و در تمام ادواری که یهودیان در کشور اسرائیل حکومت داشته‌اند و حتی میتوان گفت حکومت مذهبی داشته‌اند، تشکیل «سنه‌درین» یا مجلس دارالشوری ملی داده و مقرراتی طبق مقتضیات زمان خودشان وضع نموده‌اند و در این عصر هم «کنست» که جای‌گزین همان سنه‌درین در اورشلیم است، مجازات اعدام را طبق اصول پیشرفته‌ترین ممالک امروزی جهان ملغی کرده و از این نقطه نظر است که بمقررات کیفری تورات، ایرادی وارد نیست و ایرادات وارده مردود است زیرا حکم داوران روز، قاطع و قایل اجرا است.

توضیح دیگری که لازم است داده شود آن میباشد که یکی از مجازاتهای مقرر در تورات جمله «از میان قوم خود منقطع شود» که اکثراً آنرا اعدام تصور میکنند مفهوم آن اخراج از قومیت یا نفی بلد است.

توضیح دیگری که لازم است اضافه شود آنست که بسیاری از مردم ایراداتی نسبت بمقررات ارث و ازدواج و طلاق بین یهودیان بعضی ممالک از جمله ایران را دارند. بدون تردید آنچه اکنون اجرا است با هدف و قصد تورات موافقت ندارد، مقرراتی که مورد اجرا میباشد بمرور زمان با اوضاع و احوال گذشته یهودیان هر کشوری وضع گردیده و برخی از آنها هم بر اساس تفسیرهای پیشوایان مذهبی قرون گذشته استوار میباشند و امروزه بصورت سنن مذهبی یا ملی درآمده و متأسفانه پیشوایان مذهبی مجاز کنونی، شهادت و قدرت برای تغییر این سنن را که با خواسته تورات مغایرت دارد ندارند و حتی در مواقعی که عدل و انصاف که یکی از مهم‌ترین تأکیدات تورات است حکم به فتوا و لزوم طلاق میکند از اجرای آن خودداری مینمایند.

بدیهی است که این‌گونه عملیات و رفتار، ارتباطی با قوانین تورات ندارد و نمیتواند اسلحه برای تبلیغات قرار گیرد.

(۲) باید دانست که رباخواری نه فقط بین اقوام یهود ممنوع است بلکه ربا و سود

اگر رخت هم نوع خودت را به گروگرفتی آنرا قبل از غروب آفتاب بدورد کن. زیرا که آن فقط پوششی او و لباس برای بدن اوست پس در چه چیز بخوابد و اگر نزد من فریاد برآورد هر آینه اجابت خواهم فرمود زیرا که من کریم هستم. (بعضی از مقررات بهداشتی که با امور اخلاقی ارتباط دارند در این فصل مندرج هستند.)

۳ - خبر باطل انتشار مده و با شیران هم دست مشو که شهادت دروغ

دهی. تو هیچگاه به پیروی از اکثریت تن بعمل بد درمده و در مرافعه محض متابعت اکثریت سخنی برای انحراف حق مگو. و در مرافعه فقیر با وی مساعدت و تعاون خلاف حق و عدالت منما. اگر گاو یا الاغ دشمن خود را یافتی که گم شده است البته آنرا نزد او باز بیاور. اگر الاغ دشمن خود را زیر بارش خوابیده یافتی و از گشادن او روگسران هستی البته آنرا همراه او بایند بگشائی. حق فقیر را در دعوی او صلب منما. از سخن دروغ اجتناب نما و بیگناه و صالح را بقتل مرسا زیرا که ظالم را عادل نخواهم شمرد. رشوه مخور زیرا که رشوه بینایان را کور میکند و بر روی سخن صدیقان پرده میپوشاند. و بر شخص غریب ظلم منما زیرا که در سرزمین مصر خودتان غریب بودید. شش سال مزرعه خود را بکار و محصول را جمع کن. لیکن در هفتمین آنرا بگذار و ترک کن تا فقیران قوم تو از آن بخورند و آنچه از ایشان باقی ماند حیوانات صحرا بخورند. همین عمل را با تاجکستان و درختان زیتون خود عمل نما. شش روز بشغل خود پرداز و در هفتمین آرام کن تا گاو و الاغ آرام گیرند و پسر و کنیزت و مهمانت استراحت کنند. و آنچه را به شما گفتم نگاه دارید و نام معبودان غیر را ذکر نکنید و از دهانت شنیده نشود.

۴ - شش روز کار کرده و در روز هفتم حتماً آرامش و استراحت اختیار کنید چون تقدیس شده خداوند است هر که در روز سبت کار کند هر آینه کشته شود. پس بنی اسرائیل سبت را نگاه بدارند نسلا بعد نسل سبت را بعهد ابدی مرعی

→ از غیریهود نیز اکیداً ممنوع و در این مورد در سفر لایوان باب ۲۰ آیه ۳۵ و ۳۶ تأکید شده است. متمنی است به تفسیر قسمت ۱۴ همین فصل نیز مراجعه فرمائید.

این در میان من و بنی اسرائیل عهدی ابدیست زیرا که در شش روز خداوند آسمان و زمین را ساخت و در روز هفتمین آرام فرموده و استراحت یافت. (۱)
 ه — اگر کسی خطا ورزد در اینکه در مقابل فتوی قاضی بعنوان شاهد آنچه را که دیده است یا میداند گزارش ندهد گناهکار خواهد بود.

۶ — هیچکس با حدی از اقربای خویش نزدیکی ننماید (وصلت) تا کشف عورات او بکند من یهوه هستم (۲)
 عورت پدر خود و عورت مادر خود را کشف منما او مادر تست کشف عورت او مکن. عورت زن پدر خود را کشف مکن آن عورت پدر تست. عورت خواهر خود خواه دختر پدرت خواه دختر مادرت چه مولود در خانه چه مولود بیرون عورت ایشان را کشف منما.

عورت دختر پسر و دختر دخترت عورت ایشان را کشف مکن زیرا که اینها عورت‌های توهستند. عورت دختر زن پدرت که از پدر تو زائیده شده باشد او خواهر تست کشف عورت او را مکن. عورت خواهر پدر خود را کشف مکن او از اقربای پدر تست. عورت خواهر مادر خود را کشف مکن او از اقربای مادر تست. عورت برادر پدر خود را کشف مکن و زن او نزدیکی منما او زن عمومی تست. عورت عروس خود را کشف مکن او زن پسر تو است عورت او را کشف

(۱) دستور اکید تعطیل هفته‌ای یکروز بمنظور اولاً استراحت کلیه افراد است که در ازدیاد قدرت جسمی و روحی و عصبی آنها اثرات بسزائی دارد و در ثانی مخصوصاً بمنظور آسایش طبقه زحمت کش میباشد. استراحت هفته‌ای یک روز برای اولین دفعه توسط حضرت موسی اعلام شد.

(۲) مفهوم واضح این جمله، غدغن اکید از وصلت با هر نوع از اقربای و خویشان نزدیک میباشد و در جملات بعدی بطور مثال عده‌ای از آنها را نام میبرد و نایستی برای اقربای نزدیکی که اسم برده نشده‌اند وصلت را مجاز دانست. مضار وصلت‌های نزدیک که نتیجه آن بوجود نیامدن نسل سالم است اخیراً ثابت گشته و مسلم گردیده که اکثر فرزندان حاصله از این گونه وصلت‌ها از حیث جسم و روان ناقصند. بنابراین وصلت با دختر برادر و دختر خواهر بطریق اولی خلاف این حکم حکیمانه میباشد.

مکن. عورت زن برادر خود را کشف مکن آن عورت برادر تو است. عورت زنی را با دخترش کشف مکن و دختر پسر او یا دختر دختر او را مگیر تا عورت او را کشف کنی اینان از اقربای او میباشند و این فجور است.

و نیز زنی را با خواهرش مگیر تا هوی او بشود و تا عورت او را با وی مادامیکه او زنده است کشف نمائی.

و به زنی در قاعدگی نزدیکی منما تا عورت او را کشف کنی. و با زن هم نوع تو هم بستر مشو تا خود را با وی پلید سازی. و کسی از ذریت خود را برای مولک از آتش مگذران و نام خدای خود را بی حرمت مساز من بیهوه هستم (۱) و با ذکور بمثل زن هم خواب نشو زیرا که این فجور است. و با هیچ بهیمه جماع مکن تا خود را بآن نجس سازی و زنی پیش بهیمه نایستد تا با آن جماع کند زیرا که این فجور است. بهیچکدام از اینها خویشتن را پلید مسازید زیرا بهمه اینها امتهائی که در انظار شما از پیش شما خواهم راند پلید شده اند. و زمین نجس شده است و گناهان وی را جزا خواهم داد و زمین ساکنان خود را بشدت از خود دفع و خارج خواهد کرد.

پس فرایض و احکام مرا نگاه دارید و هیچکدام از این مکروهات بعمل نیاورید نه متوطن و نه غریبی که در میان شما مأوا گیرند. زیرا مردمان آن زمین که قبل از شما بودند جمیع این فجور را کردند و زمین نجس شده است.

مبادا زمین شما را نیز بشدت از خود دفع و خارج کند اگر آنرا نجس سازید چنانکه امتهائی را که قبل از شما بودند بشدت از خود دفع و خارج کرده است. زیرا هر کسی که یکی از این مکروهات را بکند همه کسانی که کرده باشند از میان قوم خود منقطع خواهند شد. (۲)

پس فرمان مرا نگاهدارید و از این رسوم زشت که قبل از شما بعمل

(۱) مولک. بت و خدای اهالی سوریه و آرام همسایگان کشور اسرائیل بودند که اهالی این کشورها اولادان عزیز و دلبنده خود را در مقابل آن باتش میسوزاندند.
(۲) مفهوم جمله اخیر اخراج از میان ملت خود است.

آورده شده است عمل نمائید و خود را بآنها نجس مسازید من یهوه خدای شما هستم.

۷ - خداوند موسی را خطاب کرده گفت: تمامی جماعت بنی اسرائیل را خطاب کرده بایشان بگو مقدس باشید زیرا که من یهوه خدای شما مقدس هستم، هر یکی از شما مادر و پدر خود را احترام نماید و سبتهای مرا نگاهدارید من یهوه خدای شما هستم.

۸ - و چون حاصل زمین خود را درو کنید تا انتهای حدود آن درو نکنید و کلیه محصول درو را تماماً جمع نکنید و تا کستان خود را دانه چینی شما و خوشهای ریخته شده تا کستان خود را بر مچینی آنها را برای فقیر و غریب بگذار من یهوه خدای شما هستم. دزدی نکنید و حاشا نمائید و به ممنوع خود دروغ مگوئید، و بنام من قسم دروغ مخورید که نام خدای خود را بی حرمت نموده باشی من یهوه هستم. مال ممنوع خود را غصب منما و ستم مکن و مزد مزدور نزد تو تا صبح نماند. کر را نفرین مکن و بیش روی کور سنگ لغزش مگذار و از خدای خود بترس من یهوه هستم. در داوری رعایت عدالت را بکن. حتی فقیر را طرفداری منما و غنی را خوش خدمتی مدار و درباره ممنوع خود با انصاف داوری بکن. در میان قوم خود برای رسوائی و افتضاح بار آوردن، گردش مکن و از خون ممنوع خودت دفاع کن من یهوه هستم. برادر خود را در دل خود دشمن مدار و ممنوع خود را توییخ کن باین منظور که خطای او را بعهده نگیری. از ابنای قوم خود انتقام مگیر و کینه مورز و ممنوع خود را مثل خویشتن دوست بدار من یهوه هستم.

۹ - هیچ چیز را با خون مخورید و تفال مزیند و سحر و جادوگری نکنید. (۱)

(۱) خوردن خون، خوی درندگی و وحشیانه ایجاد مینماید که نتیجه آن شرارها و چاقو کشی است که در بین اکثر ملل هر روزه مشاهده میگردد در حالیکه در کلیه کشورهای پنج قاره دنیا کمتر چنین عملیاتی از طرف یهودیان سر میزند زیرا نه فقط خون را نمی خورند بلکه گوشت را چند ساعتی در نمک خوابانده تا کلیه خون محتوی گوشت خارج گردد. بعلاوه ممکن است این فرمان دلیل پزشکی هم داشته باشد.

۱. — بدن خود را بجهت مرده جراحی وارد نیاورید و هیچ صورتی را بریدن خود منقوش ننمائید من یهوه هستم. دختر خود را بی عصمت مساز و او را به فاحشگی و امدار مبادا زمین مرتکب زنا شود و زمین پر از فجور گردد. سبتهای مرا نگاهدارید و مکان مقدس مرا محترم دارید من یهوه هستم. با صاحب اجنه توجه مکنید و از جادوگران پرسش ننمائید تا خود را بایشان نجس سازید من یهوه خدای شما هستم. در پیش ریش سفید برخیز و روی پیر مرد را محترم دار و از خدای خود بترس من یهوه هستم. و چون غریبی با تو در زمین شما مأوا گیرند او را مغبون نکنید. غریبه که در میان شما مأوا گیرند او را مثل متوطن از شما باشد و مثل خود دوست بدار زیرا که شما در زمین مصر غریب بودید من یهوه خدای شما هستم. در عدل هیچ بی انصافی مکنید یعنی در اندازه یا در وزن یا در پیمانه، ترازوی درست و سنگهای درست و پیمانه درست و هین (۱) صحیح داشته باشید من یهوه خدای شما هستم که شما را از زمین مصر بیرون آوردم پس جمیع رسومات و فرائض مرا نگاه دارید و آنها را بجا آورید من یهوه هستم.

۱۱. — و کسیکه بسوی صاحبان اجنه و جادوگران توجه نماید تا در عقب ایشان زنا کند من روی خود را بضد آن شخص خواهم گردانید و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت؛ (۲) پس خود را تقدیس نمائید و مقدس باشید زیرا من یهوه خدای شما هستم؛ و فرائض مرا نگاه داشته آنها را بجا آورید من یهوه هستم که شما را تقدیس مینمایم.

۱۲. — و هر کسیکه پدر یا مادر خود را نفرین کند البته کشته شود چونکه پدر و مادر خود را لعنت کرده است خویش بر خود او خواهد بود؛ و کسیکه با

(۱) هین پیمانه است مخصوص آب و روغن و غیره.

(۲) اجتناب از خرافات و موهومات یکی از پایه های محکم و اساسی توازن است مانند مجسم نساختن خدا به هر شکلی که باشد و همچنین عدم ایمان به اجنه و غول و جادوگری و تفال زدن و غیره. بعضی از افراد بی اطلاع در کشورهای شرقی اظهار میدارند، اگر ذکر از جن و غول شده بنابراین آنها وجود دارند!! بسیاری از موجودات واهی که در اثر وهم و تخیلات بی جا ایجاد شده در فکر انسان ایجاد میشود ولی دلیل موجودیت آنها نمیشد.

زن دیگری زنا کند یعنی هر که با زن ممنوع خود زنا نماید زانی و زانیه البته کشته شوند؛ و کسیکه با زن پدر خود بخوابد و عورت پدر خود را کشف نماید هر دو البته کشته شوند خون ایشان بر خود ایشان است و اگر کسی با عروس خود بخوابد هر دو ایشان البته کشته شوند فاحشگی کرده اند خون ایشان بر خود ایشان است و کسیکه با ذکور چون با زن همخوابی بکند عمل مکروهی انجام داده هر دوی آنها کشته شوند خون آنها بگردن خودشان است و اگر کسی زنی و مادرش را بگیرد این قباح است او و هر دو ایشان بآتش سوخته شوند تا در میان شما قباحی نباشد. و مردیکه با بهیمه جماع کند البته کشته شود و آن بهیمه را نیز بکشید. (۱)

و زنی که به بهیمه نزدیک شود تا با آن جماع کند آن زن و بهیمه را بکش البته کشته شوند خون آنها بر خود آنهاست و کسیکه خواهر خود را خواه دختر پدرش خواه دختر مادرش باشد بگیرد و عورت او را ببیند و او عورت وی را ببیند این رسوائی است در پیش چشمان پسران قوم خود منقطع شوند چونکه عورت خواهر خود را کشف کرده است و او چشمه خون خود را کشف نموده است هر دوی ایشان از میان قوم خود منقطع خواهند شد؛ و عورت خواهر مادرت یا خواهر پدرت را کشف مکن آنکس نزدیک خود را عریان ساخته است ایشان متحمل گناه خود خواهند بود؛ و کسیکه با زن عموی خود بخوابد عورت عموی خود را کشف کرده است متحمل گناه خود خواهند بود و بدون فرزند خواهند مرد؛ و کسیکه زن برادر خود را بگیرد این نجاست است عورت برادر خود را کشف کرده است و بدون فرزند بمیرند.

۱۳ — مرد و زنی که جن گیر یا جادوگر باشد البته کشته شوند ایشانرا بسنگ سنگسار کنید خون ایشان بر خود ایشان است.

(۱) منظور از کشته شدن بهیمه بمنظور آن است که گفته نشود که این همان بهیمه است که فلان شخص با او جماع کرد و بدین وسیله وسوسه ای در افکار طبقاتی که نمی توانند بر شهوت خود فائق آیند ایجاد گردد.

۱۴ — اگر برادرت فقیر شده نزد تو تهی دست باشد او را دستگیری نما و غریب و بومی هم با تو زندگی نماید. و از او ربا و سود مگیر (۱) و از خدای خود بترس تا برادرت با تو زندگی نماید. نقد خود را باو برپا مده و خوراك خود را باو بسود مده. من یهوه خدای شما هستم کسه شما را از زمین مصر بیرون آوردم تا زمین کنعان را بشما دهم و خدای شما باشم.

۱۵ — برای شما که اهل جماعت هستید و برای غریبی که نزد شما مأواگزیند همان فرایض باشد فریضه ابدی در نسلهای شما چه شما و چه غریب یک قسم در مقابل خدا هستند و یک قانون و یک حکم برای شما و برای غریبی که در میان شما مأواگزیند خواهد بود. (۲)

۱۶ — بجهت کسیکه سهواً خطا کند خواه متوطن از بنی اسرائیل و خواه غریبی که در میان ایشان ساکن باشد یک قانون خواهد بود؛ و اما کسیکه در ملاء عام چه متوطن و چه غریب او بخداوند کفر کرده باشد پس آن شخص از میان قوم خود منقطع شود و گنااهش بر وی خواهد بود.

۱۷ — قاضی ها و داورها در جمیع دروازه‌هاییکه یهوه خدایت بتو میدهد برحسب اسباط خود برایت تعیین نما تا قوم را بحکم عدل داوری نمایند. داوری را منحرف مساز و طرفداری ننما و رشوه مگیر زیرا که رشوه چشمان حکماء را کور میسازد و سخنان عادلانرا کج مینماید. عدالت کامل را پیروی نما تا زنده مانی و زمینی را که یهوه خدایت بتو میدهد بارث ببری.

(۱) از جملات بالا بخوبی درك میگردد که غریب و بومی کشور، ولو غیر برادر باشد بایستی مانند برادر با او رفتار کرد بنابراین رباگرفتن از آنها نیز مانند برادر ممنوع میباشد.

(۲) موضوع تساوی حقوق غیریهودیان در کشور اسرائیل قسمی مورد توجه مخصوص میباشد که حتی در کتاب حزقیال نبی فصل ۴۷ آیه ۲۱ مینویسد:

(پس این زمین را برای خود برحسب اسباط اسرائیل تقسیم خواهید نمود. و آنرا برای خود و برای غریبی که در میان شما مأواگزیند و در میان شما اولاد بهم رسانند به قرعه تقسیم خواهید کرد و ایشان را نزد شما مثل مقیمان (هموطن) بنی اسرائیل خواهند بود و با شما در میان اسباط اسرائیل میراث خواهند یافت و خداوند یهوه میفرماید در هر سبط که شخصی غریب در آن ساکن باشد در همان محل ملک خود را خواهد یافت.)

۱۸ — چون به زمینی که یهوه خدایت بتومیدهد داخل شوی یاد مگیر که مطابق اعمال مکروه و شنیع آن امتهای عمل نمایی. و در میان تو کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند و نه فالگیر و نه غیب‌گو و نه افسونگر و نه جادوگر و نه ساحر و نه سؤال‌کننده از اجنه و نه رمال و نه کسی که از مردگان مشورت میکند. زیرا هر که این کارها را کند نزد خداوند مکروه است و بسبب این اعمال مکروه و شنیع یهوه خدایت آنها را از حضور تو اخراج میکند. نزد یهوه خدایت کامل باش. زیرا این امتهایی که تو آنها را بیرون میکنی بغیب‌گویان و فالگیران گوش میگیرند و اما یهوه خدایت چنین کارهایی را برای تو مقرر نداشته است.

۱۹ — اگر گاو یا گوسفند برادر خود را سرگردان ببینی از او رومگردان آنرا البته نزد برادر خود برگردان؛ و اگر برادرت نزدیک تو نباشد یا او را شناسی آنرا بخانه خود بیاور و نزد تو بماند تا برادرت آنرا طلب نماید آنگاه آنرا باو رد نما؛ و بالاغ او چنین کن و بلباسش چنین عمل نما و بهر چیز گم شده برادرت که از او گم شود و یافته باشی چنین عمل نما نمیتوانی از او چشم‌پوشی کنی؛ اگر الاغ یا گاو برادرت در راه افتاده باشد از آن رومگردان البته آنرا باو برگردان؛ لوازم مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد (۱) زیرا هر که این کند مکروه یهوه خدای تو است؛ اگر اتفاقاً آشیانه گنجشک در راه بنظر تو آید خواه بر درخت یا بر زمین و در آن بچه‌ها یا تخمها باشد و مادر بر بچه‌ها یا تخمها نشسته مادر را با بچه‌ها مگیر؛ مادر را البته رها کن و بچه‌ها را برای خود بگیر تا برای تونیکو شود و عمر دراز کنی؛ (۲) چون خانه نو بنا کنی بر پشت‌بام خود دیواری بساز مبادا کسی از آن بیفتد و خون برخانه خود بیاوری؛ در تا کستان

(۱) لباس خلاف جنس خود پوشیدن، موجب انحراف فکری و سبکی مرد یا زن میگردد.

(۲) منظور از این قانون آنست که با چنین برخوردی مادر که باز هم تخم‌گذارده و یامیگذارد و جوجه‌هایی ببار خواهد آورد از بین‌رود تا نسل باقی‌ماند زیرا اگر مادر را صید کرده بخورند قطعاً جوجه‌ها هم از بین می‌روند و قطع نسل میشوند.

خود دو قسم تخم مکارمبادا تمامی آن یعنی که تخمی کاشته و هم محصول تا کستان مقدس اعلام گردد؛ گاو و الاغ را با هم برای شخم زدن بهم نبند؛ پارچه مختلط از پشم و کتان با هم مپوش؛ بر چهارگوشه رخت خود که خود را بآن میپوشانی رشته‌ها بساز.

۲۰ - غلامی را که از آقای خود نزد تو بگریزد باقایش مسپار با تو در میان تو در مکانی که برگزیند دریکی از شهرهای تو که بنظرش پسند آید ساکن شود و او را مغبون منما؛ در میان دختران اسرائیل فاحشه نباشد و در میان پسران اسرائیل لواطی نباشد؛ اجرت فاحشه و قیمت سگ را برای هیچ گذری بخانه یهوه خدایت میاور زیرا که این هر دو نزد یهوه خدایت مکروه است؛ در قرض دادن برادر خود هیچگونه سودی دریافت مکن نه سود نقد نه سود آذوقه نه سود هر چیزی که بسود داده میشود؛ بیگانه را میتوانی بسود قرض بدهی (۱) اما برادر خود را بسود قرض مده تا یهوه خدایت در زمینی که برای تصرفش داخل آن میشود ترا بهره‌ر چه دستت را بر آن دراز میکنی برکت دهد.

۲۱ - چون به تا کستان همنوع خود درآئی از انگور هرچه میخواهی بسیری بخور اما در ظرف خود هیچ مگذار؛ چون به کشتزار همنوع خود داخل شوی خوشه‌ها را بدست بچین اما داس بر کشت همسایه خود مگذار.

۲۲ - هیچکس آسیا یا سنگ بالائی آنرا بگرو نگیرد زیرا که جانرا بگرو گرفته است.

۲۳ - چون به همنوع خود هر قسم قرض دهی برای گرفتن گرو بخانه‌اش

(۱) بیگانه به معنی افراد یا جمعیتی خارج از اهالی کشور است. هر ملتی در مقابل هموطنان خود وظایفی اخلاقی دارد که بایستی آنها را انجام دهد مخصوصاً وقتی تمام افراد کشور مراعات این نکته را بنمایند یک تعادل اجرای وظائف بعمل آمده در حالیکه اجرای چنین وظائف اخلاقی نسبت به ساکنین کشورهای خارج بطور یکطرفه نمی‌تواند اجباری باشد حتی به اهالی کشور در صورتیکه آنها دارای چنین دستوری نباشند و خود را به رعایت آن مکلف ندانند بطور یکطرفه جایز و عادلانه نیست. بهر جهت و بطور خلاصه منظور از بیگانه مردمان خارج از کشور است و نه افراد ساکن کشور که غیر موسوی میباشند.

داخل مشو؛ بلکه بیرون بایست تا شخصیکه باو قرض میدهی گرو را نزد تو بیرون آورد؛ و اگر مرد فقیر باشد درگرو او بخواب؛ البته بوقت غروب آفتاب گرو را باو پس بده تا در رختخواب خود بخوابد و ترا برکت دهد و بحضور یهوه خدایت عدالت شمرده خواهد شد؛ بر مزدوری که فقیر و مسکین باشد خواه از برادرانت و خواه از غریبانیکه در اندرون دروازه‌های تو باشند ظلم منما؛ در همان روز مزدش را بده و آفتاب بر آن غروب نکند چونکه او فقیر است و دل خود را بآن بسته است مبادا بر تو نزد خداوند فریاد برآورد و برای تو گناه باشد.

۲۴ — داوری غریب و یتیم را منحرف مساز و بجاهم بیوه را بگرو مگیر.

۲۵ — چون محصول خود را در مزرعه خویش درو کنی و در مزرعه دسته‌ای گندم فراموش کنی برای برداشتن آن بر مگرد برای غریب و یتیم و بیوه زن باشد تا یهوه خدایت ترا در همه کارهای دستت برکت دهد؛ چون زیتون خود را بتکانی بار دیگر شاخه‌ها را متکان برای غریب و یتیم و بیوه باشد؛ چون محصول تاکستان خود را بچینی بار دیگر آنرا مچین برای غریب و یتیم و بیوه باشد.

۲۶ — دهن گاو را هنگامیکه خرمن را خورد میکند مبنده.

۲۷ — اگر دو شخص با یکدیگر منازعه نمایند و زن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زننده‌اش رها کند و دست خود را دراز کرده بیضه او را بگیرد؛ پس دست او را قطع کن و چشم تو بر او ترحم نکند.

۲۸ — ملعون باد کسی که پدر و مادر خود را سبک نماید و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که حدهمنوع خود را تنگ نماید و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که نابینا را از راه منحرف سازد و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که داوری غریب و یتیم و بیوه را منحرف سازد و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که با زن پدر خود هم‌بستر شود چونکه دامن پدر خود را کشف نموده است و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که با هر قسم بهایمی بخوابد و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که با خواهر خویش چه دختر پدر خود و چه دختر مادر خویش بخوابد و تمامی قوم بگویند آمین؛

ملعون باد کسی که با مادر زن خود بخوابد و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که ممنوع خود را در پنهانی بزند و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که رشوه گیرد تا خون بیگناهی ریخته شود و تمامی قوم بگویند آمین؛ ملعون باد کسی که کلمات این شریعت را برای عملی کردن اثبات ننماید و تمامی قوم بگویند آمین.

پیشکش "راد" به تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوم

قوانین بهداشتی و بهداشت خوراک

بعضی از مقررات بهداشتی که با امور اخلاقی ارتباط دارند در فصل دوم درج گردیده‌اند

۱ — مردمان مقدس باشید و گوشتی را که در صحرا دریده شود نخورید
آنرا نزد سگ بیندازید. (۱)

۲ — این قانون ابدی در تمام ادوار شما و در تمام محل‌های اقامت شما
باشد که هیچ نوع پیه و خون را نخورید. (۲)

(۱) حیوان دریده شده بر اثر وحشت و اضطراب و خوف از مرگ، دچار مسمومیت و عفونت میشود لذا مصرف گوشت حیوان دریده شده مضر و زیانبخش است.

(۲) با پیشرفت علوم پزشکی و بهداشتی، امروزه کلیه محافل طبی و بهداشتی جهان عقیده‌مندند که خوردن پیه موجب تشکیل و ازدیاد کلسترول شده و خطرات مهلکی را برای سلامت و بهداشت در بر دارد، راجع به منع خوردن خون که ۳۳ قرن از دستور آن میگذرد کلیه جوامع یهودیان جهان اکثراً این دستور را با نهایت شدت و مراقبت تا باسروز اجراء مینمایند تا جائیکه برای دفع خون موجود در گوشت ذبح شده، با نمک‌سوز کردن آن، بکلی آنرا از خون عاری میسازند، با وجود این، طبقه بی‌سواد و عاری از اطلاع ملل جهان، در طی قرون متمادی یهودی را متهم به خونخواری و ریختن خون در فطیر نموده و بدین بهانه ناروا فجایع ناگواری به بار آورده‌اند.

برای اطلاع از چگونگی این تراژدی غم‌انگیز بتاریخ یهود ایران تألیف دکتر حبیب لوسی جلد دوم و جلد سوم مراجعه فرمائید. اما از نقطه نظر بهداشتی علاوه بر مضرات

۳ - کسیکه هر چیز نجس (۱) را لمس کند خواه لاشه وحوش نجس و خواه لاشه نجس بهیمة خواه لاشه خزندگان نجس و آنرا مخفی دارد پس نجس و مجرم میباشد؛ یا اگر سهواً نجاست آدمیرا لمس کند ازهر نوع نجاست که با آن نجس میشود و بعداً متوجه آن گردد بزهکار خواهد شد.

۳ آ - هیچ پیه گاو و گوسفند و بز را مخورید؛ پیه مردار و پیه حیوان دریده شده برای هر کاری استعمال شود لیکن هرگز خورده نشود.

۴ - هیچ نوع خون را خواه از مرغ خواه از بهایم در همه مسکنهای خود مخورید هر کسی از هر قسم خون بخورد آنکس از قوم خود منقطع خواهد شد. (۲)

ه - و خداوند هارون را خطاب کرده گفت؛ تو و پسرانت با تو چون بخیمه میعاد داخل شوید (عبادتگاه) شراب و مسکری منوشید مبدا بمیرید؛ (۳) این فریضه ای ابدی برای نسل اندر نسل های شما است؛ تا میان مقدس و غیر مقدس و نجس و طاهر تمیز دهید.

۶ - بنی اسرائیل را خطاب کرده بگوئید اینها حیواناتی هستند که میباید بخورید از همه بهایمی که بر روی زمین اند؛ هر شکافته سم که شکاف تمام دارد و نشخوار کننده از بهایم آنرا بخورید؛ اما از نشخوار کنندگان و شکافتگان سم اینها را مخورید، یعنی شتر را چون نشخوار میکند لیکن شکافته سم نیست و آن

بیشماری که برای بهداشت و سلامت آدمی دارد، خون کم و بیش ایجاد روحیه تند و خشن و حالت سببیت نموده و اغلب حوادث ناگوار و بیمار میاورد (به سفر لاویان باب هفتم آیه ۲۶ و ۲۷ رجوع شود).

(۱) با مطالعه دقیق توراۃ مفهوم کلمه نجس به عنصری اطلاق میشود که تولید عفونت نموده و موجب مرض میشود.

(۲) در صفحه ۸۰ توضیحاتی در این باره داده شد.

(۳) با این فرمان استعمال مسکرات و ورود در مکان مقدس بحال مستی گرچه برای اولادان هارون (کاهن) ذکر شده ولی بهر جهت ورود بحال مستی در مکانهای مقدس برای کلیه افراد، قبح آن مسلم است و با این ترتیب نیز قبح خود مستی نزد هر کس و در هر جا و مکانی نیز ثابت میگردد.

برای شما نجس (۱) است؛ و نوعی موش صحرائی زیرا نشخوار میکند اما شکافته سم نیست این برای شما نجس است؛ و خرگوش زیرا نشخوار میکند ولی شکافته سم نیست این برای شما نجس است؛ و خوک زیرا شکافته سم است و شکاف تمام دارد لیکن نشخوار نمیکند این برای شما نجس است؛ از گوشت آنها مخورید و لاش آنها را لمس نکنید اینها برای شما نجس اند؛ از همه آنچه در آب است اینها را بخورید هرچه بال فلس دارد در آب خواه در دریا خواه در نهرها آنها را بخورید؛ و هرچه بال و فلس ندارد در دریا یا در نهرها از همه خزندگان آبی و همه جانورانی که در آب زندگی میکنند اینها نزد شما مکروه باشند؛ البته نزد شما مکروه اند از گوشت آنها مخورید و لاشهای آنها را مکروه دارید؛ هرچه در آبها بال و فلس ندارند نزد شما مکروه خواهد بود و از مرغان اینها را مکروه دارید و خورده نشوند زیرا مکروه اند؛ عقاب و استخوان خوار (عقاب البحر) و کرکس؛ و انواع لاشخور و شاهین؛ و انواع کلاغ؛ و شتر مرغ و جغد و مرغ دریائی و باز با همجنسان آن؛ جغد، بوتیمار، بوف؛ لک لک و مرغ مردار خوار، لک لک و کلنگ و انواع آنها با همجنسان آن و هدهد و خفاش؛ و همه حشرات بالدار که بر چهار پا میروند برای شما مکروه اند.

لیکن اینها را بخورید از همه حشرات بالدار که بر چهار پا میروند هر کدام که بر پاهای خود ساقها برای جستن بر زمین دارند از آن قسم اینها را بخورید؛ ملخ با همجنسان آن و دبا با همجنسان آن و حرجوان با همجنسان آن و جیرجیرک دشتی با همجنسان آن؛ و سایر حشرات بالدار که چهار پا دارند برای شما مکروه اند؛ از آنها نجس میشوید هر که لاش آنها را لمس کند تا شام نجس باشد؛ و هر که چیزی از لاش آنها را بردارد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد و هر بیهی که شکافته سم باشد لیکن شکاف تمام ندارد و نشخوار نکند اینها برای شما نجسند و هر که آنها را لمس کند نجس است؛ و هر چه بر کف پا رود از همه جانورانی که بر چهار پا میروند اینها برای شما نجس اند هر که لاش آنها را

(۱) نجس به مفهوم واقعی و امروزه یعنی عفونی.

لمس کند تا شام نجس باشد؛ و هر که لاش آنها را بردارد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد. اینها برای شما نجس اند راسو، موش و مارمولک و همجنسان آن، موش پوزه دراز، حربا، سمندر، مارمولک سبز و موش کور؛ از جمیع خزندگان اینها برای شما نجس اند هر که لاش آنها را لمس کند تا شام نجس باشد و بر هر چیزی که یکی از اینها بعد از موتش روی آن بیفتد نجس است. ظرف چوبی، لباس، پوست، کیسه و هر ظرفی که در آن کار کرده شود در آب گذاشته شود و تا شام نجس باشد سپس طاهر خواهد بود؛ و هر ظرف سفالین که یکی از اینها در آن بیفتد آنچه در آن است نجس باشد و آنرا بشکنید؛ از هر خوراکی که خورده شود اگر از آن آب بر آن ریخته شود نجس باشد و هر مشروبی که آشامیده شود که در چنین ظرف است نجس باشد؛ بر هر چیزیکه پاره از لاش در آنها بیفتد نجس باشد خواه تنور خواه اجاق، شکسته شود اینها نجس اند و نزد شما نجس خواهند بود؛ ولی چشمه و حوض که مجمع آب باشد طاهر است لیکن چون با لاشه یا مردار تماس حاصل نمایند نجس خواهند بود. و اگر پاره از لاش آنها بر تخم کاشتنی که باید کاشته شود بیفتد طاهر است. لیکن اگر آب بر تخم ریخته شود و پاره از لاش آنها بر آن بیفتد این برای شما نجس باشد. و اگر یکی از بهایمیکه برای شما خوردنی است بمیرد هر که لاش آنرا لمس کند تا شام نجس باشد. و هر که لاش آنرا بخورد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد و هر که لاش آنرا بردارد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد. و هر خزندگانی که بر زمین میخزد مکروه است خورده نشوند. و هر چه بر شکم راه رود و هر چه بر چهارپا راه رود و هر چه پایهای زیاده دارد، یعنی همه خزندگانی که بر زمین میخزند آنها را مخورید زیرا که مکروه اند. خویشتن را بهر خزندگانی که میخزد مکروه مسازید و خود را بآنها نجس مسازید مبادا از آنها ناپاک شوید؛ زیرا من یهوه خدای شما هستم پس خود را تقدیس نمائید و مقدس باشید زیرا من قدوس هستم پس خویشتن را بهمه خزندگانی که بر زمین میخزند نجس مسازید، زیرا من یهوه هستم که قدوس هستم.

اینست قانون بهایم و مرغان و هر حیوانی که در آنها حرکت میکند و هر حیوانی که بر زمین میخزد. تا در میان نجس و طاهر و در میان حیواناتی که خورده شوند و حیواناتی که خورده نشوند امتیاز بشود. (۱)

۷- چون زنی کامیاب گردد اولاد ذکور بزاید آنگاه هفت روز نجس باشد مطابق با دوران قاعده گیش ۷ روز نجس باشد؛ و در روز هشتم بچه ختنه شود (۲) و زن سی و سه روز در خون تطهیر خود بماند و هیچ چیز مقدس را لمس ننماید و بمکان مقدس داخل نشود تا ایام طهارتش تمام شود؛ و اگر دختری بزاید دو هفته مطابق با دوران قاعدگی خود نجس باشد و شصت و شش روز در خون تطهیر خود بماند. (۳)

۸- «راجع به بیماری برص و جذام و چگونگی جدا نگاهداشتن اینگونه بیماران از سایرین و اجتماع و تطهیر بیمار و اماکن و جایگاه آنها در باب سیزدهم سفر لایوان از آیه ۱ الی ۹ و باب چهارم به تفصیل گفته شده است.»

۹- «راجع به بیماری عفونی و دمل و سوزاک و انواع آن و چگونگی جدا نگاهداشتن بیمارانی که باینگونه امراض مبتلا میشوند و تطهیر آنها به سفر لایوان باب پانزدهم آیه ۱ الی ۱۰ رجوع شود.»

۱۰- چون منی از کسی درآید تمامی بدن خود را بآب غسل دهد تا شام نجس باشد؛ و هر رخت و هر چیزیکه منی بر آن باشد شسته شود و تا شام

(۱) لازم است دانسته شود که حیوانات معینه حلال، از خوردن گیاههای مسموم یا هرگونه کثافات خودداری میکنند بنابراین خوردن حیوانات حرام که با خوردن هر قسم کثافتاتی خود را آلوده میسازند مصرف آنها برای انسان دور از بهداشت میباشد. ضمناً خوردن گوشت حیواناتی که مریض بوده و قبل از مردن آنها را ذبح کرده اند منافی بهداشت میباشد. و ضد عفونی نمودن دستها و لباس و ظروف آلوده به حیوانات مریض، با گوشت آنها، از اصول مسلم بهداشتی است که در قرن حاضر بعضی از ملل جهان به لزوم آن پی برده اند.

(۲) خطنه در روز هشتم موجب التیام سریع زخم طفل است و ضمناً کمتر دچار خونریزی و عوارضات آن گردیده و نوزاد کمتر حس درد میکند.

(۳) همان قسم که علت طبی اجتناب ۱۴ روزه مرد با زن هنگام قاعده گی، در سنوات اخیر کشف گردید قطعاً علت این فرمان نیز معلوم خواهد شد.

نجس باشد؛ و هر زنیکه مرد با او بخوابد و انزال کند بآب شسته شود و تا شام نجس باشند و اگر زنی جریان دارد و جریانیکه در بدنش است خون باشد هفت روز در حیض خود بماند و هر که او را لمس نماید تا شام نجس باشد. و بر هر چیزیکه در حیض خود بخوابد نجس باشد و بر هر چیزیکه بنشینند نجس باشد؛ و هر که بستر او را لمس کند رخت خود را بشوید و بآب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و هر که چیزی را که او بر آن نشسته بود لمس نماید رخت خود را بشوید و بآب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و اگر آن بر بستر باشد و یا هر چیزیکه او بر آن نشسته باشد چون آنچه را لمس کند تا شام نجس باشد؛ و اگر مردی با او هم‌بستر شود و حیض او بر وی باشد تا هفت روز نجس خواهد بود و هر بستری که بر آن بخوابد نجس خواهد بود؛ و زنیکه روزهای بسیار غیر از زمان حیض خود جریان خون دارد یا زیاده از زمان حیض خود جریان دارد تمامی روزهای جریان نجاستش مثل روزهای حیضش خواهد بود او نجس است. و هر بستری که در روزهای جریان خود بر آن بخوابد مثل بستر حیضش برای وی خواهد بود و هر چیزیکه بر آن بنشیند مثل نجاست حیضش نجس خواهد بود (۱)؛ هر که این چیزها را لمس نماید نجس می‌باشد پس رخت خود را بشوید و بآب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و اگر از جریان خود طاهر شده باشد هفت روز برای خود بشمارد و بعد از آن طاهر خواهد بود (۲).

(۱) بطوریکه قبلاً هم گفته شد کلمه نجس به مفهوم اسروزه از نقطه نظر پزشکی عفونت یا Infection می‌باشد. البته منظور مقنن تحقیر نمودن نسوان نمی‌باشد بلکه کلیه مقررات سخت‌گیری بالا به منظور اجتناب مرد از زن خود هنگام قاعده‌گی است که ممکن است عفونت‌های گوناگون برای زن یا مرد تولید نماید مخصوصاً آنکه در آن هنگام زمینه برای ازدیاد و تقویت میکرب آماده است و اگر این نزدیکی قبل از چهاردهمین روز شروع قاعده‌گی که هنگام (اوولاسیون) زن است باشد، اثرات ناروایی در خود نسل نیز خواهد داشت.

(۲) مفهوم جمله اخیر این است که پس از خاتمه دوره طمث هفت روز دیگر هم باید از نزدیکی با مرد اجتناب کند و این دستور نتایج بهداشتی بسیاری را داراست که بحث پزشکی طولانی دارد بعلاوه در سنوات اخیر بوسیله پروفیسور اوژینو ژاپنی ثابت گشته که عمل ←

۱۱ — هر کس از خاندان اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما مأواگزینند هر قسم خونرا بخورد من روی خود را بر آن شخصیکه خون خورده باشد برمیگردانم و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت؛ زیرا هر موجود ذی روح، در خونی که در نفس او است و من آنرا بر مذبح بشما داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره کند زیرا خون است که برای جان کفاره میکند. بنابراین بنی اسرائیل را گفته‌ام هیچکس از شما خون نخورد و غریبی که در میان شما مأواگزیند خون نخورد (۱)، و هر شخص از بنی اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما مأواگزیند، هر جانور یا مرغی را که خورده میشود بدام اندازد، پس خون آنرا بریزد و بخاک بپوشاند، زیرا روح هر موجود ذی روح در خونی است که در نفس او است. پس بنی اسرائیل را گفته‌ام خون هیچ ذی روح را نخورید زیرا جان هر ذی جسد خون آنست هر که آنرا بخورد منقطع خواهد شد.

۱۲ — چون میل داشته باشید ذبیحه سلامتی نزد خداوند بگذرانید آنرا با رضایت و طیب خاطر خود ذبح نمائید. در روزیکه آنرا ذبح می‌نمائید و در فردای آنروز خورده شود و اگر چیزی از آن تا روز سوم بماند با آتش سوخته شود (۲). و اگر در روز سوم خورده شود مکروه میباشد مقبول نخواهد شد، و هر که آنرا بخورد متحمل گناه خود خواهد بود، زیرا چیز مقدس خداوند را بی حرمت کرده است آنکس از قوم خود منقطع خواهد شد (۳).

۱۳ — و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را امر فرما که

→ لقا (برخورد نطفه و تخمک) (اول) درست بعد از چهاردهم طمث انجام میگردد و برخورد به موقع این دو عوامل تولید، در جسم و روان طفل اثرات مفید گوناگونی را دارا میباشد. (۱) باز هم تساوی حقوق و بهداشت برای غریب و بیگانه قائل شده است و راجع به خوردن خون در صفحه ۸۰ توضیحاتی داده شد.

(۲) گوشت مانده آنهم تا ۳ روز حتی در یخچال بطور نسبی تولید عفونت کرده و خوردن آن مسمومیت نسبی میدهد و از عصر پاستور از یک قرن قبل لزوم سوزاندن چیزهاییکه دچار عفونت شده‌اند مسلم گردید.

(۳) بطوریکه قبلا هم گفته شده جمله (از قوم منقطع خواهد شد) به معنی از ملیت اخراج خواهد شد میباشد.

مبروص را و مبتلایان به سوزاک یا خونریزیهای زنانه را و هر که از میتة نجس شود از اردو خارج کنند، خواه مرد و خواه زن ایشانرا اخراج نمائید بیرون از اردو، تا اردوی خود را جائیکه من در میان ایشان ساکن هستم نجس نسازند.

۱۴ — هر کس که با جسد مرده تماس حاصل کند هفت روز نجس باشد، و آنشخص در روز سوم خویشتن را با آب پاک کند و در روز هفتم طاهر باشد و اگر خویشتن را در روز سوم پاک نکرده باشد در روز هفتم طاهر نخواهد بود و هر که میتة هر آدمی را که مرده باشد لمس نموده و خود را با آب پاک نکرده باشد او مسکن خداوند را ملوث کرده است و آن شخص از اسرائیل منقطع شود چونکه آب تنزیه بر او پاشیده نشده است نجس خواهد بود و نجاستش بر وی باقی است. این است قانون برای کسیکه در خیمه بمیرد هر که داخل آن خیمه شود و هر که در آن خیمه باشد هفت روز نجس خواهد بود (۱) و هر ظرف سرگشاده که سرپوش بر آن بسته نباشد نجس خواهد بود. و هر که در بیابان، کشته شمشیر یا میتة یا استخوان آدمی یا قبری را لمس نماید هفت روز نجس باشد و برای شخص نجس، از خاکستر آتش ذبح قربانی بگیرند و آب روان بر آن در ظرفی بریزند و شخص طاهر، زوفا (۲) گرفته در آن آب فرو برد و بسر خیمه و همه اسباب و کسانیکه در آن بودند و هر شخصیکه استخوان یا مقتول یا میتة یا قبر را لمس کرده باشد، پیاشند. (۳)

(۱) جمله هر کس در خیمه (منزل) بمیرد و هر که داخل آن خیمه شود و هر که در آن خیمه (منزل کرده) باشد هفت روز نجس خواهد بود، تعبیر به رسم اقامت ۷ روز عزاداران در خانه نیست ولی میتوان این قسم تعبیر کرد: که چون داخل اطاق فوت شده شوند و ممکن است میت در اثر مرضی عفونی فوت کرده باشد و شخص داخل شده در اثر دست زدن به اساسیه و یا مرده به میکروب مرض آلوده شده باشد، مقن ۷ روز را نوعی قرنطینه برای خاتمه دوره کمون مرض دانسته که خارج نشده و موجب ابتلای دیگران را فراهم نسازد.

(۲) زوفا دارویی ضد عفونی بوده است.

(۳) منظور ضد عفونی کردن است و با این جمله بخوبی معلوم میگردد که نظر مقن به منظور جلوگیری از توسعه میکرب است.

و آن شخص طاهر، آبرا بر آن شخص نجس در روز سوم و در روز هفتم بپاشد و در روز هفتم خویشتن را تطهیر کرده رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و در شام طاهر خواهد بود.

و اما کسیکه نجس شده خویشتن را تطهیر نکند، آن شخص از میان جماعت منقطع شود چونکه عبادتگاه مقدس خداوند را ملوث نموده و آب تنزیه بر او پاشیده نشده است او نجس است و برای ایشان فریضه ابدی خواهد بود و کسیکه آب تنزیه را بپاشد رخت خود را بشوید و کسیکه آب تنزیه را لمس کند تا شام نجس باشد. و هر چیزی را که شخص نجس لمس نماید نجس خواهد بود و هر کسیکه آنرا لمس نماید تا شام نجس خواهد بود.

۱۵ — چون یهوه خدایت حدود ترا بطوریکه ترا وعده داده است وسیع گرداند و بگوئی که گوشت خواهم خورد زیرا که دل تو بگوشت خوردن مایل است پس موافق همه آرزوی دلت گوشت را بخور. و اگر مکانیکه یهوه خدایت برگزیند تا اسم خود را در آن بگذارد از تو دور باشد آنگاه از رمه و گله خود که خداوند بتو دهد ذبح کن چنانکه بتو امر فرموده ام و از هرچه دلت بخواهد در دروازه‌های بخور، چنانکه غزال و گوزن خورده شود آنها را چنین بخور شخص نجس و شخص طاهر از آن هر دو بخورند، لیکن هوشیار باش که خورا نخوری زیرا خون جان است و جان را با گوشت نخوری، آنرا مخور بلکه مثل آب بر روی زمین بریز، آنرا مخور تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت نیکو باشد هنگامیکه آنچه در نظر خداوند شایسته باشد بجا آوری.

۱۶ — شما مانند پسران یهوه خدای خود هستید پس بخاطر مرده بر بدن خود جراحی وارد نیآورید (۱) و موهای مابین چشمان خود را تراشید؛ زیرا تو برای یهوه خدایت قوم مقدس هستی و خداوند ترا برای خود برگزیده است تا از جمیع امتهائیکه بر روی زمین اند بجهت او قوم برگزیده باشی.

۱۷ — و اگر کسی گناهی را که مستلزم موت است کرده باشد و کشته شود

(۱) عزاداری طبق این دستور بایستی با آرامش و سکوت و سنگین باشد.

و او را بدار کشیده باشی بدنش در شب بردار نماند او را البته در همان روز دفن کن (۱) زیرا آنکه بر دار آویخته شود ملعون خدا است تا زمین را که یهوه خدایت ترا بملکیت میدهد نجس نسازی.

۱۸ - چون در اردو بمقابله دشمنانت بیرون روی خویشتن را از هر چیز بد نگاهدار، اگر در میان شما کسی باشد که از احتلام شب نجس شود از اردو بیرون رود و داخل اردو نشود؛ چون شب نزدیک شود با آب غسل کند و چون آفتاب غروب کند داخل اردو شود؛ و ترا مکانی بیرون از اردو باشد تا بانجا بیرون روی؛ و در میان فانوسخه تو بیلچه‌ای باشد و چون بیرون می‌نشینی با آن بکن و برگشته فضله خود را از آن بپوشان (۲)

۱۹ - در باره بلای برص هوشیار باش که بر هرآنچه لایوان و کهنه شما را تعلیم دهند بدقت توجه نموده عمل نمائید و موافق آنچه بایشان امر فرمودم هوشیار باشید که عمل نمائید.

۲۰ - بزغاله را در شیر مادرش میز (۳)

(۱) نعشی که تمام روز در زیر آفتاب مانده و دچار عفونت شده بایستی بخاك سپرده شود تا موجب انتشار امراض نشود.

(۲) اشخاصی که منظورهائی برای انحراف جوانان یا افراد بی اطلاع جامعه ما را دارند این جمله را بطور غلط تفسیر کرده میگویند که همین دستور دلیل (دیده) بودن قوانین تورات برای قرن بیستم میباشد زیرا در این عصر که چنان توالتهای لوکس و زیبایی وجود دارند برای چه با میخ زمین را بکنی تا فضله خود را در آن بپوشانی. وقتی شخصی بی اطلاع حتی بخود زحمت نمیدهد که مقدمه این دستور را بخواند ناچار به کهنه بودن این دستور ادعا میکند.

این دستور مربوط به باب ۲۳ آیه ۱۳ سفر تثئیه است. اما در این باب از آیه ۶ راجع به نظامیان دستوراتی داده شده که تا آیه ۱۳ که موضوع میخ مورد بحث است ادامه دارد و بطوریکه در بالا آیه ۱۳ هم ملاحظه میشود مینویسد: (و ترا مکانی بیرون از اردو باشد) بدین ترتیب مسلم گردید که دستور مربوط به سربازانی که در جبهه جنگ و در حرکت میباشند بوده است و این دستور حتی در این عصر برای متمدنترین نظامیان جهان مورد اجرا میباشد و یکی از مقررات بهداشتی قرن حاضر برای اردوهای نظامی و میادین جنگ است.

(۳) صرفنظر از جنبه اخلاقی، در سالهای اخیر گفته شده است که اولاد جوشاندن بچه بزغاله در شیر مادر یک نوع مسمومیتی ایجاد میکند. و اما خوردن گوشت و لبنیات با هم، و ←

→ بدون فاصله که یهودیان از آن خودداری میکنند بطوریکه در سالهای اخیر کشف گردیده علت بر آنست که مغذی بودن گوشت در اثر پروتئین آن است و وقتی لبنیات با گوشت مخلوط شد پروتئین گوشت تجزیه و بی اثر میگردد بطوریکه دیده میشود گوشت های کبابی را که بعضی ها در ماست میخوابانند پوسیدگی پیدا کرده نرم میشوند و این نیز کمکی به نظریه اخیر میکند. مؤمنین یهود که به این دستور رفتار میکنند اگر گوشت بخورند بعد از ۳ ساعت فاصله لبنیات میخورند و اگر اول لبنیات بخورند یک ساعت بعد گوشت میخورند و در این اواخر ثابت شده که هضم گوشت در معده ۳ ساعت طول دارد و هضم لبنیات یک ساعت. آقای دکتر موسی برال استاد دانشگاه نیز در نشریه «تغذیه بشر غلط است» در صفحه ۹ نیز این نظریه را تأیید نموده اند.

فصل چهارم

قوانین اجتماعی

۱ — «دستورات راجع به اثبات وفاداری یا خیانت زن نسبت بشوهر خود و رفع هرگونه بدگمانی و یا سؤطن شوهر نسبت بزن و نفی یا اثبات خیانت در این مورد درسفر اعداد باب پنجم از آیه ۱۱ الی ۳۱ بطور جامع بیان شده است» (۱)

۲ — پس رؤسای اسباط شما را که مردان حکیم و معروف بوده اند گرفته ایشانرا بر شما روسا ساختیم تا سروران هزارها و سروران صدها و سروران پنجاهها و سروران دهها و ناظران اسباط شما باشند. در آنوقت داوران شما را امر کرده گفتم دعوی برادران خود را بشنوید و در میان هر کس و برادرش و غریبی که نزد وی باشد بانصاف داوری نمائید (۲) و در داوری طرفداری مکنید کوچک را مثل

(۱) با مراجعه به متن دستور مربوطه برای طبقه وارد خصوصاً دکترهاییکه در رشته روحی متخصص میباشند مسلم میگردد که انجام مراسم مذکوره یک نوع اثرات روحی یا Psychique دارد که بدان وسیله میتوان به حقیقت اتهام یا رد آن پی برد.

(۲) موضوع حقوق بشر که امروزه این همه در جهان مورد بحث و در اطراف آن کنگره ها تشکیل میشود در همین جمله کوتاه که مکرر حضرت موسی راجع به تساوی حقوق غریبان مقیم کشور در آن بحث کرده منظور شده است. اما بسیاری از ملل جهان حتی در عصر کنونی که موضوع سازمان ملل به حساب وجود دارد، طرز دیگری غیر از انصاف و عدالت حتی با هموطنان خود که در اقلیت هستند رفتار میکنند.

بزرگ بشنوید و از روی انسان مترسید زیرا که داوری از آن خداست و هر دعوی که برای شما مشکل است نزد من بیاورید تا آنرا بشنوم.

۳ - قاضی ها و داوران در جمیع دروازهائیکه یهوه خدایت بتو میدهد برحسب اسباط خود برایت تعیین نما تا قوما را بحکم عدل داوری نمایند؛ داوری را منحرف مساز و طرفداری منما و رشوه مگیر زیرا که رشوه چشمان حکام را کور میسازد و سخنان عادلانرا کج مینماید؛ انصاف کماثل را پیروی نما تا زنده مانی و زمینرا که یهوه خدایت بتو میدهد مالک شوی.

۴ - اگر در میان تو امریکه حکم بر آن مشکل شود بظهور آید در میان خون و خرن (امور جنائی) و در میان دعوی و دعوی (امور حقوقی) و در میان ضرب و ضرب (امور جزائی) از مرافعه هائیکه در دروازه ایت واقع شود آنگاه برخاسته بمکانیکه یهوه خدایت برگزیند برو؛ و نزد لایان کهنه و نزد داوریکه در آن روزها باشد رفته مسئلت نما و ایشان ترا از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت؛ و برحسب فتوائیکه ایشان از مکانیکه خداوند برگزیند برای تو بیان میکنند عمل نما و هوشیار باش تا موافق هر آنچه بتو تعلیم دهند عمل نمائی؛ موافق مضمون شریعتیکه بتو تعلیم دهند و مطابق حکمیکه بتو گویند عمل نما و از فتوائیکه برای تو بیان میکنند بطرف راست یا چپ تجاوز مکن؛ و شخصی که از روی تکبر رفتار نماید و کاهنیرا که بحضور یهوه خدایت بجهت خدمت در آنجا میایستد یا داور را گوش نگیرد آن شخص کشته شود پس بدی را از میان اسرائیل دور کرده؛ و تمامی قوم چون اینرا بشنوند خواهند ترسید و بار دیگر از روی تکبر رفتار نخواهند نمود؛ (۱)

(۱) متن قسمت چهارم، دستوری است بسیار عادلانه و منطقی که مشکلات بسیاری که مربوط به زبان و مکان میباشد حل میکند و جنبه تجدد خواهی و عدل و انصاف به قوانین تورات میدهد ولی بدیهی است داوریکه بایستی حکمی ویا تفسیری صادر کند بایستی شخصیت علمی و حقوقی غیر قابل انکار داشته باشد. طبقه ایکه از طریق ادعای کهنه بودن احکام حضرت موسی خواهند افراد یهود را منحرف و نظم اجتماع ما را متزلزل سازند باید بدانند که

ه — چون بزمینی که یهوه خدایت بتو میدهد داخل شوی و در آن تصرف نموده ساکن گردی و بگوئی مثل جمیع استهائیکه باطراف منند پادشاهی برخود نصب نمایم؛ البته پادشاهیرا که یهوه خدایت برگزیند برخود نصب نما یکی از برادرانت را برخود پادشاه بساز و مرد بیگانه را که از برادرانت نباشد، نمیتوانی برخود مسلط نمائی (۱) لکن او برای خود اسبهای بسیار بگیرد و قومرا بمصر پس نفرستد تا اسبهای بسیار برای خود بگیرد چونکه خداوند بشما گفته است بار دیگر بآن راه برنگردید؛ و برای خود زنان بسیار بگیری مبادادلش منحرف شود و سیم و زر برای خود بسیار زیاده نیندوزد؛ و چون بر تخت مملکت خود بنشینند نسخه این شریعت را از آنچه از آن نزد لایوان و کهنه است برای خود در طوماری بنویسد؛ و آن نزد او باشد و همه روزهای عمرش آنرا بخواند تا بیاموزد که از یهوه خدای خود بترسد و همه کلمات این شریعت و این فرایض را نگاه داشته بعمل آورد؛ مبادا دل او بر برادرانش افراشته شود و از این اوامر بطرف چپ یا راست منحرف شود تا آنکه او و پسرانش در مملکت او در میان اسرائیل روزهای طویل داشته باشند.

۶ — شخصیکه کوبیده بیضه و آلت بریده باشد داخل جماعت خداوند

→ اگر کهنه بودن دلیل رد فرامین باشد دستوراتی که حتی در یکصد و پنجاه و یکصد سال قبل و حتی کمتر هم صادر شده باشند برای این عصر اتم که این همه در امور پزشکی و بهداشتی کشفیات تازه بعمل آمده کهنه میباشند. دستورات و فرامین براساس بهداشت (و مطابقت با اصول پزشکی کشف شده زمان اخیر) و بالاخره دستورات اخلاقی و تربیتی و نوع دوستی و طرفداری از صلح و خلع سلاح که اساس قوانین یهودیت را تشکیل میدهد، ارزش و تازگی دادیم قوانین را معین میسازد.

بالاخره بایستی گفته شود که همین فرمان مراجعه به داوران روز برای اسور جنائی و حقوقی و جزائی است که تجدد خواهی حضرت موسی را مسلم داشته و فرامین آنرا همواره تازه (مدرن) برای هر قرن ساختن است.

(۱) به مقدمه کتاب مراجعه شود که در اثر پادشاهی هرود (ادوسی) بر اسرائیل، چگونه موجب بدبختی های گوناگون برای ملت یهود فراهم گشت.

نشود (۱). حرام زاده داخل جماعت خداوند نشود حتی تا پشت دهم احدی از او داخل جماعت خداوند نشود (۲).

پیشکش "راد" به تبرستان
www.tabarestan.info

(۱) بنظر میرسد که چون اینگونه اشخاص ناقص الاعضا نسبت به افراد سالم دارای عقده حقارت و حس خود کم بینی بودند و بر اثر آن امکان فساد و تحریکاتی میرفت لذا حضور آنها را در میان جماعت حرام و ممنوع کرده و ضمناً بمنظور جلوگیری از عمل خارج از اخلاق و برهم زدن نظم و قوانین این قرار صادر شده است.

(در روزگاران پیشین اشخاصی وجود داشتند که برای ورود در دربار سلاطین یا حکام که حرسرا داشتند خود را در اختیار جراح میگذاشتند تا بیضه آنها را خارج سازد یا بعبارت دیگر بکسود و سپس آزادانه داخل حرسراها و حتی حمام آنها شده و دلال فسق و فساد میشدند و تورات ورود این دسته را بداخل جماعت ممنوع داشت.)

(۲) وقتی فردی از شدت مجازات حتی نسبت به احفاد خود مطلع گردید از انجام عمل خلاف خودداری مینماید.

فصل پنجم

دستورات کشاورزی

(بعضی از مقررات کشاورزی که جنبه اخلاقی نیز دارند در فصل دوم درج گردیده)

مقررات سال یوبیل و قوانین مربوطه در معاملات املاك و مزدوران و غلامان
۱ - و چون بآن زمین داخل شوید و هر قسم درخت را برای خوراك نشانديد
پرمیوه آنرا، چون میوه های ختنه نشده بنگريد سه سال برای شما ناميختون باشد
خورده نشود، و در سال چهارم همه میوه آنرا برای تمجيد خداوند مقدس خواهد
بود، و در سال پنجم میوه آنرا بخوريد تا محصول خود را برای شما زياد کند من
یهوه خدای شما هستم.

۲ - شش سال مزرعه خود را بکار و شش سال تاكستان خود را هرس
كن و محصولش را جمع كن، و در سال هفتم سبت آرامی برای زمین باشد یعنی
سبت برای خداوند مزرعه خود را مكار و تاكستان خود را هرس منما و آنچه
از مزرعه تو خودرو باشد درو مكن و انگورهای موهرس ناكرده خود را مچین
سال تعطیلی برای زمین باشد.

محصول زمین در سال هفتم خوراکی جهت شما خواهد بود برای تو و
غلامت و کنیزت و مزدورت و غریبی که نزد تو مأواگزیند، و برای بهایمت و برای
جانورانی که در زمین تو باشند همه محصولش خوراك خواهد بود. و برای خود
هفت سبت سالها بشمار یعنی هفت سال هر مرتبه، و مدت هفت سبت سالها برای تو

چهل و نه سال خواهد بود. و در روز دهم از ماه هفتم در روز کفاره کرنای بلند آواز را بگردان در تمامی زمین خود بوق (از شاخ میش) را بگردان. سال پنجاهم را تقدیس نمائید و در زمین برای جمیع ساکنانش آزادی را اعلان کنید، این برای شما یوبیل (۱) خواهد بود و هر کس از شما بملک خود برگردد و هر کس از شما بقیله خود مراجعت کند. این سال پنجاهم برای شما یوبیل خواهد بود زراعت نکنید و حاصل خود روی، آنرا مچینید و انگورهای موپازش^۱ ناکرده آنرا مچینید، چونکه یوبیل است برای شما مقدس خواهد بود. محصول آنرا در مزرعه بخورید. در این سال یوبیل هر کس از شما بملک خود برگردد.

و اگر چیزی به همنوع خود بفروشی یا چیزی از دست همنوعات بخری یکدیگر را مغبون مسازید. برحسب شماره سالهای بعد از یوبیل از همنوع خود بخر و برحسب سالهای محصولش بتو بفروشد. برحسب زیادتى سالها، قیمت آنرا زیاده کن و برحسب کمی سالها قیمتش را کم نما زیرا که شماره حاصلها را بتو خواهد فروخت و یکدیگر را مغبون مسازید و از خدای خود بترسید من یهوه خدای شما هستم. پس فرايض مرا بجا آورید و احکام مرا نگاه داشته آنها را بعمل آورید تا در زمین به امنیت ساکن شوید. و زمین بار خود را خواهد داد و به سیری خواهید خورد و به امنیت در آن ساکن خواهید بود.

و اگر گوئید در سال هفتم چه بخوریم زیرا اینک نمیکاریم و حاصل خود را جمع نمی کنیم پس در سال ششم برکت خود را بر شما خواهیم فرمود و زمین محصول سه سال خواهد داد. و در سال هشتم بکارید و از محصول کهنه تا سال نهم بخورید تا حاصل آن برسد کهنه را بخورید. و زمین بفروش ابدی نرود زیرا زمین از آن من است و شما نزد من غریب و ساکن هستید.

و در تمامی کشور شما حق باز خرید املاک را برای زمین ها در نظر خواهید

(۱) هر پنجاه سال یک سال یوبیل است و در سال یوبیل زمینها و املاک فروخته شده بصاحب اولیه برمیگردد و بدین ترتیب حضرت موسی وسیله تعادل ثروت بین افراد یا جلوگیری از فقر را فراهم فرموده است.

گرفت. اگر برادر توفقی‌زاده بعضی از املاک خود را بفروشد آنگاه ولی او که خویش نزدیک او باشد بیاید و آنچه را که برادر توفقی‌زاده می‌فروشد باز خرید نماید. و اگر کسی ولی ندارد و بر خوردار شده قدرت و استطاعت باز خرید آنرا پیدا نماید، آنگاه سالهای فروش آنرا بشمارد و آنچه را که زیاده است بآنکس که فروخته بود رد نماید و او بملک خود برگردد. و اگر نتواند برای خود پس بگیرد آنگاه آنچه فروخته است بدست خریدار آن تا سال یوبیل بماند و در یوبیل رها خواهد شد. و او بملک خود خواهد برگشت. اگر کسی خانه سکونت در شهر حصاردار بفروشد تا یک سال تمام بعد از فروختن آن حق انفکاک آنرا خواهد داشت مدت انفکاک آن یکسال خواهد بود. و اگر در مدت یکسال تمام آنرا انفکاک ننماید پس آن خانه که در شهر حصاردار است برای خریدار آن نسل بعد نسل برقرار باشد و در یوبیل رها نشود. لیکن خانه‌های دهات که حصارگرد ندارد با مزرعه‌های آن زمین شمرده شود برای آنها حق انفکاک هست و در یوبیل رها خواهد شد.

و اما شهرهای لاویان، خانه‌های شهرهای ملک ایشان حق انفکاک آنها همیشه برای لاویان است. و اگر کسی از لاویان بخرد پس آنچه فروخته شده است از خانه یا از شهر ملک او در یوبیل رها خواهد شد زیرا خانه‌های شهرهای لاویان در میان بنی اسرائیل ملک ایشان است. و مزرعه‌های حوالی شهرهای ایشان فروخته نشود زیرا که این برای ایشان ملک ابدی است.

۳- و اگر برادر توفقی‌زاده خود را بتو بفروشد بر او مثل غلام خدمت مگذار. مثل مزدور یا مستخدم نزد تو باشد (۱) و تا سال یوبیل نزد تو خدمت نماید. آنگاه از نزد تو بیرون رود خود او و پسرانش همراه وی و بخاندان خود برگردد و بملک پدران خود رجعت نماید. زیرا که ایشان بندگان منند که ایشانرا از زمین مصر بیرون آوردم مثل غلامان فروخته نشوند (۲)، بر او بسختی حکمرانی

(۱) با وضع این قانون اولین قدم در الغای بردگی برداشته شد.

(۲) جمله اخیر ممنوعیت بردگی را ثابت میکند و چون در قسمت چهارم ده احکام تعطیل و آسایش و مراعات عدالت را برای این طبقه حکم فرموده لذا در واقع بردگی آن عصر

منما و از خدای خود بترس و اما غلامانت و کنیزانت که برای تو خواهند بود از امتهاییکه باطراف تو میباشند از ایشان غلامان و کنیزان بخريد. و هم از پسران مهمانانیکه نزد شما مأوا گیرند و از قبیله های ایشان که نزد شما باشند که ایشانرا در زمین شما تولید نمودند بخريد و مملوک شما خواهند بود. و ایشانرا بعد از خود برای پسران خود واگذارید تا ملک موروثی باشند و ایشانرا تا باید مملوک سازید (۱) و اما برادران شما از بنی اسرائیل هیچکس بر برادر خود بسختی حکمرانی نکند و اگر غریب یا مهمانی نزد شما برخوردار گردد و برادرانت نزد او فقیر شده بآن غریب یا مهمان تو یا بنسل خاندان آن غریب خود را بفروشد بعد از فروخته شدنش برای وی حق انفکاک میباشد یکی از برادرانش او را انفکاک نماید یا عمویش یا پسر عمویش او را انفکاک نماید یا یکی از خویشان او از خاندانش او را انفکاک نماید یا خود او اگر برخوردار گردد خویشانش را انفکاک نماید، و یا آنکس که او را خرید از سالیکه خود را فروخت تا سال یوبیل حساب کند و نقد فروش او برحسب شماره سالها باشد موافق روزهای مزدور نزد او باشد اگر سالهای بسیار باقی باشد برحسب آنها نقد انفکاک خود را از نقد فروشی خود پس بدهد و اگر تا سال یوبیل سالهای کم باقی باشد با وی حساب بکند و برحسب سالهایش نقد انفکاک خود را رد نماید. مثل مزدوریکه سال بسال اجیر باشد نزد او بماند و در نظر تو بسختی بروی حکمرانی نکند. و اگر باینها انفکاک نشود پس در سال یوبیل رها شود هم خود او و پسرانش همراه

→
را بنوعی کارگری آنها با مراعات حقوق آنها تبدیل نموده است و در جمله بعدی هم گرچه برای غیر جماعت خود آثرا مجاز دانسته ولی با توجه به مراعات آسایش و اجرای عدل و انصاف و آزادی سال هفتم آنها، و دادن سهمی از حاصل کار او در واقع اولین قدم در راه آزادی بردگان از طرف حضرت موسی برداشته شد، بعلاوه موضوع بردگی موضوعی است حقوقی و چون موضوع قوانین حقوقی، جنائی و جزائی را طبق آیه ۸ از باب ۱۷ سفر تثئیه منوط به حکم داوران روز فرسوده لذا بحثی در این مورد باقی نمی ماند.

(۱) چون موضوع اخیر جنبه حقوقی دارد مشمول امریه حضرت موسی راجع به زمان

است.

وی. زیرا بنی اسرائیل عابد و خدمتگزاران من هستند ایشان من را عبادت میکنند که ایشانرا از زمین مصر بیرون آوردم من یهوه خدای شما هستم.

ع - و چون حاصل زمین خود را درو کنید گوشه های مزرعه خود را تمام نکنید و محصول خود را خوشه چینی نکنید. و تا کستان خود را دانه چینی ننما و خوشه های ریخته شده تا کستان خود را بر مچینی و آنها را برای فقیر و غریب بگذار من یهوه خدای شما هستم. دزدی نکنید و حاشا نمائید و با یکدیگر دروغ مگوئید. و بنام من قسم دروغ مخورید که نام خدای خود را بی حرمت نموده باشی من یهوه هستم. سال همنوع خود را غصب مکن و ستم مکن و مزد مزدور نزد تو تا صبح نماند. کر را نفرین مکن و پیش روی کور، سنگ لغزش مگذار و از خدای خود بترس من یهوه هستم.

در داوری بی انصافی مکن حتی از فقیر طرفداری مکن و برای غنی خوش- خدمتی مکن و در باره همنوع خود با انصاف داوری بکن. در میان قوم خود برای سخن چینی گردش مکن و در باره خون همنوع خودت شهادت دروغ نده من یهوه هستم. برادر خود را در دل خود دشمن مدار و همنوع خود را توییح کن تا خطای او را بعهدہ مگیری. از اینای قوم خود انتقام مگیر و کینه مورز و همنوع خود را مثل خویشتن دوست بدار من یهوه هستم. (۱).

(۱) نظر باین که این قسمت ع بالا مقداری از مقررات آن مربوط به امور کشاورزی بود در اینجا تکرار شده است.

فصل ششم

قوانین نظامی و قوانین سرشماری

۱ - حساب تمامی جماعت بنی اسرائیل را برحسب خانواده‌ها و دودمان‌های آب‌آب و اجدادی آنها مطابق شمارش سرهای افراد ذکور بگیرید. از بیست ساله و زیاده هر که از اسرائیل قادر بجنگ رفتن است تو و هارون ایشانرا برحسب افواج ایشان بشمارید.

۲ - چون برای مقابله با دشمن خود بیرون روی و اسبها و عرابها و قومیرا بالاتر از خود بینی از ایشان مترس زیرا یهوه خدایت که ترا از زمین مصر برآورده است با تو است. و چون بجنگ نزدیک شوید آنگاه کاهن پیش آمده قومرا مخاطب سازد، و ایشان را گوید ای بنی اسرائیل بشنوید شما امروز برای مقابله با دشمنان خود پیش میروید دل شما ضعیف نشود و از ایشان ترسان و لرزان و هراسان مباشید، زیرا یهوه خدای شما با شما می‌رود تا برای شما با دشمنان شما جنگ کرده شما را نجات دهد. و علمای شریعت قوم را خطاب کرده گویند کیست که خانه‌ای نو بنا کرده آنرا تخصیص نکرده است او روانه بخانه خود برگردد مبادا در جنگ بمیرد و دیگری آنرا تخصیص نماید. و کیست که تاکستان غرس نموده و از آن استفاده نکرده است او روانه شده بخانه خود برگردد مبادا در جنگ بمیرد و دیگری از آن استفاده کند. و کیست که زنی نامزد کرده بنکاح

در نیاورده است او روانه شده بخانه خود برگردد مبادا در جنگ بمیرد و دیگری او را بنکاح در آورد. و علمای شریعت نیز قوما خطاب کرده بگویند کیست که ترسان و ضعیف دل است او روانه شده بخانه اش برگردد مبادا دل برادرانش مثل دل او گداخته شود. و چون علمای شریعت از تکلم نمودن بقوم فارغ شوند بر سر قوم سرداران لشکر مقرر سازند. چون بشهری نزدیک آئی تا با آن جنگ نمائی آنرا برای صلح ندا بکن، و اگر ترا جواب صلح بدهد و دروازه ها را برای تو بگشاید آنگاه تمامی قومیکه در آن یافت شوند بتو جزیه دهند و ترا خدمت نمایند و اگر با تو صلح نکرده با تو جنگ نمایند پس آنرا محاصره کن. و چون یهوه خدایت آنرا بدست تو بسپارد. لیکن زنان و اطفال و بهائم و آنچه در شهر باشد یعنی تمامی غنیمتش را برای خود به تاراج ببرد و غنائم دشمنان خود را که یهوه خدایت بتو دهد بخور. بهمه شهرهائیکه از تو بسیار دورند که از شهرهای این مملکت نباشد چنین رفتار نما. اما از شهرهای این امتهائیکه یهوه خدایت ترا بملکیت میدهد هیچ ذی نفس را ازنده مگذار، بلکه ایشانرا یعنی حیتیان و اموریان و کنعانیان و فری زیان و حویان و یبوسیانرا چنانکه یهوه خدایت ترا امر فرموده است بالکل هلاک ساز، (۱)

تاشما را تعلیم ندهند که موافق همه رجاستیکه با خدایان خود عمل نمائید و با یهوه خدای خود گناه کنید. (۲) چون برای گرفتن شهری با آن جنگ

(۱) بطوریکه از مندرجات قبلی و بعدی مفهوم میگردد، این شدت عمل مربوط به زمان عهد حضرت موسی بوده است زیرا هفت ملت از قبیل حیتی، اموری، کنعانی، فریزی و غیره تصمیم به نابودی بنی اسرائیل داشتند.

(۲) از آیه ۱۳ به بعد شدت عمل و مجازات شدیدی که مقرر گردید اولاً بخاطر این بوده که اقوام آنروزی جملگی بت پرست و فاقد اخلاق انسانی بوده و بمنظور آن بوده که مبادا بنی اسرائیل پیرو افکار آنها گردند، بطوریکه در آیه ۱۸ واضحاً مرقوم است (تاشما را تعلیم ندهند که موافق همه رجاستیکه ایشان با خدایان خود عمل مینمودند عمل نمائید و با یهوه خدای خود گناه کنید). ثانیاً با مراجعه به تاریخ سایر ملل معاصر مشاهده میشود که اصولاً در فتوحات خود حتی به زن و اطفال ترحم نمیشده و بار دیگر با مراجعه به دستور حضرت موسی در سفر تثبیه فصل ۱۷ آیه ۸ الی ۱۷ قوانین جنائی، جزائی، حقوقی بایستی طبق زمان و مکان توسط داوران روز وضع گردد.

کنی و آنرا روزهای بسیار محاصره نمائی تبر بر درختهایش مزن و آنها را تلف مساز چونکه از آنها میخوری پس آنها را قطع منما زیرا آیادرخت صحرا انسان است تا آنرا محاصره نمائی (۱) و اما درختیکه میدانی درختی نیست که از آن خورده شود آنرا تلف ساخته قطع نما و سنگری بر شهری که با تو جنگ میکند بنا کن تا منهدم شود.

۳ - چون در اردو بمقابله دشمنانت بیرون روی خویشتن را از هر چیز بد نگاهدار.

۴ - چون کسی زن تازه بگیرد در لشگر بیرون رود و هیچ کار باو تکلیف نشود تا یکسال در خانه خود آزاد بماند و زنی را که گرفته است مسرور سازد.

(۱) بسیاری از مللی که دعوی های گوناگون دارند بهر جا که پاگذارند درختهای ثمردار را از بین میبرند!!

فصل هفتم

قوانین حقوقی و شرعی و مدنی و مقررات جزائی و کیفری و جنائی

بعضی از کیفرها که ارتباط به تجاوزات اخلاقی دارند در فصل دوم درج شده اند

۱ - هر که انسانی را بزند و او بمیرد هر آینه کشته شود. اما اگر قصد عمدی نداشت بلکه تصادفاً خدا ویرا بدستش رسانید، آنگاه مکانی معین کن تا بدانجا فرار کند. لیکن اگر شخصی عمداً بر همنوع خود آید تا او را بمکر بکشد آنگاه او را از مذبح من (ازبست) کشیده بقتل برسان. و هر که پدر یا مادر خود را زند، هر آینه کشته شود. هر که آدمی را بدزدد و او را بفروشد یا در دستش یافت شود هر آینه کشته شود. هر که پدر یا مادر خود را لعنت کندهر آینه کشته شود. و اگر دو مرد نزاع کنند و یکی دیگری را بسنگ یا بمشت زند و او نمیرد لیکن بستری شود. اگر برخیزد و با عصا بیرون رود آنگاه زننده او بی گناه شمرده شود اما عوض بیکاریش را اداء نماید و خرج معالجه او را بدهد.

۲ - و اگر مردم جنگ کنند و زنی حامله را بزنند و اولاد او سقط گردد و ضرری دیگر نشود البته غرامتی بدهد موافق آنچه شوهر زن بدو گذارد و مطابق رأی داوران اداء نماید. و اگر خطری حاصل شود آنگاه جان بعوض جان و چشم بعوض چشم و دندان بعوض دندان و دست بعوض دست و پا بعوض پا و سوختگی بعوض سوختگی و زخم بعوض زخم و لطمه بعوض لطمه.

۳ - و هرگاه گاوی بشاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد گاو را البته سنگسار کنند و گوشتش را نخورند و صاحب گاو بیگناه باشد. ولیکن اگر گاو قبل از آن شاخ زن میبود و صاحبش آگاه بود و آنرا نگاه نداشت و او مردی یا زنی را کشت گاو را سنگسار کنند و صاحبش را نیز بقتل برسانند (۱). و اگر مبلغی برای بازخرید جان خود بر او گذاشته شود (بر صاحب گاو) آنگاه برای فدیة جان خود هر آنچه بر او مقرر شود ادا نماید. خواه پسر خواه دختر را شاخ زده باشد بحسب این حکم با او عمل کنند و اگر گاو غلام یا کنیز را بزند (۲). ۳۰ مثقال نقره به صاحب او داده شود و گاو سنگسار شود (۳).

۴ - و اگر کسی چاهی گشاید یا کسی چاهی حفر کند و آنرا بپوشاند و گاوی یا الاغی در آن افتد، صاحب چاه عوض او را بدهد و قیمتش را بصاحب اداء نماید و میته از آن او باشد. و اگر گاو شخصی گاو شخص دیگر را بزند و آن بمیرد پس گاو زنده را بفروشد و قیمت آنرا تقسیم کنند و میته را نیز تقسیم نمایند. اما اگر معلوم بوده باشد که آن گاو قبل از آن شاخ زن میبود و صاحبش آنرا نگاه نداشته البته گاو بعوض گاو بدهد و میته از آن او باشد.

ه - اگر کسی گاوی یا گوسفندی بدزد و آنرا بکشد یا بفروشد بعوض گاو پنج گاو و بعوض گوسفند چهار گوسفند بدهد (۴). اگر دزدی در رخنه کردن گرفته شود و او را بزنند بطوری که بمیرد بازخواست خون برای او نباشد. اما اگر آفتاب بر او

(۱) تهدیدی برای صاحب گاو است تا گاو خود را خوب نگاهدارد یا از بین ببرد و گاو شاخ زن را در میان جمعیت رها نکند.

(۲) منظور ضربه زدن است نه کشته شدن.

(۳) بمنظور آنست که گاو مکرر افراد دیگری را نزند.

(۴) نظر به اینکه در آن زمان و نیز در این عصر گاو در امور کشاورزی و فلاحات رل عمده داشته لذا جریمه آنرا شدیدتر پیش بینی نموده اند.

«و در تلمود بنویسد: خداوند حتی حرمت دزد را هم بحکم اینکه گرچه دزد است ولی انسان است از بین نبرده. چون گاو با پشای خودش راه رفته و لسی گوسفند را شخص دزد ناچار بسوده بدوش بکشد، پس در دزدی، گوسفند یکسک درجه تخفیف داده شده زیرا انسانی (گرچه دزد) باری حمل کرده».

طلوع کرد بازخواست خون برای او هست البته مکافات باید داد و اگر چیزی ندارد، بعوض، اموال مسروقه او فروخته شود (۱). اگر چیزی دزدیده شده از گاو یا الاغ یا گوسفند زنده در دست او یافته شود و مقابل بهای آنرا رد کند. اگر کسی در مرتعی یا تاکستانی بچراند یعنی مواشی خود را براند تا مرتع دیگری را بچراند از نیکوترین مرتع و از بهترین تاکستان خود عوض بدهد. اگر حریق بوقوع پیوندد و خارها را فراگیرد و دسته‌های گندم یا خوشه‌های نادروده یا مزرعه سوخته گردد هر که آتش را فروخته است البته غرامت آنرا بدهد.

اگر کسی پول یا اسباب نزد ممنوع خود امانت گذارد و از خانه آن شخص دزدیده شود هرگاه دزد پیدا شود دوچندان رد نماید. و اگر دزد گرفته نشود آنگاه صاحبخانه را بحضور حاکم بیاورند تا حکم شود که آیا دست خود را بر اموال ممنوع خویش دراز کرده است یا نه. در هر خیانتی از گاو و الاغ و گوسفند و رخت و هر چیز گم شده که کسی بر آن ادعا کند امر هر دو بخانه مقدس برده شود و برگناه هر کدام که خدا حکم کند دوچندان به ممنوع خود رد نماید. (۲) اگر کسی الاغی یا گاوی یا گوسفندی یا جانوری دیگر به ممنوع خود امانت دهد و آن بمیرد یا پایش شکسته شود یا دزدیده شود و شاهی نباشد، قسم خداوند در میان هر دو نهاده شود که دست خود را بمال ممنوع خویش دراز نکرده است پس مالکش قبول بکند و او عوض ندهد. لیکن اگر از او دزدیده شد بصاحبش عوض باید داد. و اگر دریده شد شهادت بیاورد و برای دریده شدن عوض ندهد. و اگر کسی حیوانی از ممنوع خود عاریت گرفت و پای آن شکست یا مرد و صاحبش همراهش نبود البته عوض باید داد، اما اگر صاحبش همراهش بود عوض نباید داد. اگر کسی دختری را که نامزد نبوده فریب داده با او

(۱) چنین بنظر میرسد که در روز، تشخیص دزد از دشمن یا قاتل آسانتر باشد در صورتیکه در تاریکی شب تشخیص دزد از دشمن یا کسی که آماده کشتن افراد خانواده است مشکل است.

(۲) منظور از رفتن بحضور خداوند رفتن به معبد میباشد که حتی امروز نیز هر گناهکاری از حضور حتی در کنیسه بیمناک است.

هم‌بستر شد البته میباید او را زن منکوحه خویش سازد. و هرگاه پدرش راضی نباشد که او را بدو دهد موافق مهر دوشیزگان نقدی بدو باید داد.

۶ - اگر کسی گناه کند و خیانت بخداوند ورزد و به‌همنوع خود دروغ گوید درباره امانت یا رهن یا چیز دزدیده شده یا مال هم‌نوع خود را غصب نماید، یا چیز گمشده را یافته درباره آن حاشا کند و قسم دروغ بخورد در هر کدام از کارهاییکه شخصی در آنها گناه کند، پس چون گناه ورزیده مجرم شود آنچه را که دزدیده یا آنچه را غصب ندوده یا آنچه نزد او امانت سپرده شده یا آنچه گم شده را که یافته است رد بنماید. یا هر آنچه را که در باره آن قسم دروغ خورده هم اصل مال را رد نماید و هم پنج یک آنرا بر آن اضافه کرده آنرا بمالکش بدهد در روزیکه جرم او ثابت شده باشد. و قربانی جرم خود را نزد خداوند بیاورد یعنی قویج بی‌عیب ازگله موافق برآورد برای قربانی جرم نزد کاهن، و کاهن برای وی بحضور خداوند کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد.

۷ - و بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو هر کسیکه کفر خدا را گوید متحمل گناه خود خواهد بود. و هر که اسم یهوه را کفر گوید هرآینه کشته شود تمامی جماعت او را البته سنگسار کنند خواه غریب خواه متوطن چونکه اسم خدا را کفر گفته است کشته شود. و کسیکه آدمی را بزند که بمیرد البته کشته شود و کسیکه بهیمه را بزند که بمیرد عوض آنرا بدهد جان به عوض جان. و کسیکه هم‌نوع خود را عیب رسانیده باشد چنانکه او کرده باشد باو کرده خواهد شد. شکستگی عوض شکستگی چشم عوض چشم دندان عوض دندان چنانکه بآن شخص عیب رسانیده همچنان باو رسانیده شود. (۱) و کسیکه بهیمه را کشت عوض آنرا بدهد اما کسیکه انسان را کشت کشته شود. شما را یک حکم خواهد بود خواه غریب خواه متوطن زیرا که من یهوه خدای شما هستم.

(۱) قبلاً در موضوع قوانین جنائی و جزائی توضیحاتی داده شد و قبلاً هم توضیحاتی راجع به عقیده مفسرین داده شد.

۸ — وقتیکه یهوه خدایت این امتها را که زمین ایشانرا بتو میدهد منقطع سازد و تو وارث ایشان شده در شهرها و خانه های ایشان ساکن شوی، پس سه شهر را برای خود در میان زمینی که یهوه خدایت بجهت ملکیت بتو میدهد جدا کن. شاهراه را برای خود درست کن و حدود زمین خود را که یهوه خدایت برای تو تقسیم میکند سه قسمت کن تا هر قاتلی در آنجا فرار کند. و این است حکم قاتلی که بآنجا فرار کرده زنده ماند هر که ممنوع خود را نادانسته بکشد و قبل از آن از او کینه نداشته است، مثل کسی که با ممنوع خود برای بریدن درخت در جنگل برود و دستش برای قطع نمودن درخت تبر را بلند کند و آهن از دسته بیرون رفته بهممنوع اش بخورد تا بمیرد پس یکی از آن شهرها فرار کرده زنده ماند، مبادا صاحب خون از فرط غضب و عصبانیت قاتل را تعاقب کند و بسبب مسافت راه بوی رسیده او را بکشد و او مستوجب موت نباشد چونکه قبلا کینه او را در دل نداشته. از اینجهت من ترا امر فرموده گفتم برای خود سه شهر جدا کن. و اگر یهوه خدایت حدود ترا بطوریکه بیدرانت قسم خورده است وسیع گرداند و تمامی زمین را بتو عطا فرماید که بدادن آن بیدرانت وعده داده است. و اگر تمامی این اوامر را که من امروز بتو میفرمایم نگاه داشته بجا آوری که یهوه خدای خود را دوست داشته بطریقهای او دائماً سلوک نمائی آنگاه سه شهر دیگر بر این سه برای خود مزید کن، تا خون ییگناه در زمینی که یهوه خدایت برای ملکیت بتو میدهد ریخته نشود و خون برگردن تو نباشد.

لیکن اگر کسی ممنوع خود را بغض داشته در کمین او باشد او را ضرب مهلک بزند که بمیرد و یکی از این شهرها فرار کند، آنگاه مشایخ شهرش فرستاده او را از آنجا بگیرند و او را بدست ولی خون تسلیم کنند تا کشته شود. چشم تو بر او ترحم نکند تا خون ییگناهرا از اسرائیل دور کنی و برای تو نیکو باشد.

۹ — حد ممنوع خود را که پیشینیان گذاشته اند در ملک تو که بدست تو خواهد آمد در زمینی که یهوه خدایت برای تصرفش بتو میدهد منتقل مساز.

يك شاهد برای اثبات گناه کافی نیست بهر تقصیر و هر گناه از جمیع گناهانیکه کرده باشد بگواهی دو شاهد یا بگواهی سه شاهد هر امری ثابت شود. اگر شاهد کاذبی بر کسی برخاسته بمعصیتش شهادت دهد، آنگاه هر دو شخصیکه منازعه در میان ایشان است بحضور خداوند و بحضور کاهنان و داورانیکه در آن زمان باشند حاضر شوند و داوران نیکو تفحص نمایند و اینک اگر شاهد، شاهد کاذب است و بر برادر خود شهادت دروغ داده باشد، پس بطوریکه او خواست با برادر خود عمل نماید با او همان طور رفتار نمایند تا بدی را از میان خود دور نمائی و چون بقیه مردمان بشنوند خواهند ترسید و بعد از آن مثل این کار زشت در میان شما نخواهند کرد و چشم تو ترحم نکند جان بعوض جان و چشم بعوض چشم و دندان بعوض دندان و دست بعوض دست و پا بعوض پا.

۱. — اگر کسی را پسر نامطیع و سرکش باشد که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد و هر چند او را تأدیب نمایند ایشانرا نشنود پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش بدروازه محله اش بیاورند و بمشایخ شهرش گویند این پسر ما نامطیع و سرکش است سخن ما را نمیشنود، عیاش و میگسار است. پس جمیع اهل شهرش او را بسنگ سنگسار کنند تا بمیرد پس بدی را از میان خود دور کرده و تمامی اسرائیل چون بشنوند خواهند ترسید (۱).

۱۱ — اگر کسی یافت شود که یکی از برادران خود از بنی اسرائیل را دزدیده او را برده سازد یا بفروشد آن دزد کشته شود پس بدی را از میان خود باین طریق دور خواهی کرد.

۱۲ — پدران بعوض پسران کشته نشوند و نه پسران بعوض پدران کشته شوند هر کس برای گناه خود کشته شود.

۱۳ — اگر در میان مردم مرافعه باشد و بمحاکمه آیند و در میان ایشان

(۱) بطوریکه در آخر آیه میگوید برای ترساندن اولادان ناخلف است و موضوعی است جزائی که طبق آیه ۸ از باب ۱۷ سفر تثئیه که بروفق زمان قابل تغییر است.

داوری نمایند آنگاه عادل را عادل شمارند و شیر را شیرگویند. و اگر شیر مستوجب تازیانه باشد آنگاه داور او را بخواباند و حکم دهد تا او را موافق شرارتش بحضور خود بشماره بزنند. چهل تازیانه او را بزند و زیادتز نزند مبادا اگر از این زیاد کرده تازیانه بسیار زند برادرت در نظر تو خار شود.

پیشکش "راد" به تبرستان
www.tabarestan.info

فصل هشتم

قوانین مالی

۱ - عشر تمامی محصولات مزرعه خود را که سال بسال از زمین برآید البته بده، و بحضور یهوه خدایت در مکانیکه برگزیند تا نام خود را در آنجا ساکن سازد عشر غله و شراب تازه و روغن خود را و نخست زادگان رمه و گله خویش را ببر تا بیاموزی که از یهوه خدایت برای همیشه بترسی و اگر راه از برایت دور باشد که آنرا نمیتوانی برد و آن مکانیکه یهوه خدایت خواهد برگزید تا نام خود را در آن بگذارد وقتیکه یهوه خدایت ترا برکت دهد از تو دور باشد. پس آنرا بنقره بفروش و نقره را بدست خود گرفته بمکانیکه یهوه خدایت برگزیند برو. و نقره را برای هرچه دلت میخواید از گاو و گوسفند و شراب و مسکرات و هرچه دلت بطلبد بده و در آنجا بحضور یهوه خدایت بخور و خودت با خاندانت شادی نما. و لاوی را که اندرون دروازه‌هایت باشد ترک منما چونکه او را با تو حصه و نصیبی نیست (۱).

(۱) تقسیم اراضی که در عصر حاضر مورد توجه ملل مختلفه جهان واقع گردیده طبق دستورات تورات در ۳۳ قرن و اندی قبل در کشور اسرائیل برای یازده از ۱۲ اسباط اسرائیل مجری گشته باستانای سبط لاوی که آنها به سمت خادمین امور مذهبی و ملی تعیین شده‌اند و در واقع مأمورین دولت خوانده میشدند و چون آنها حصه و نصیبی از زمین نداشتند لذا طبق ←

و در آخر هر سه سال تمام عشر محصول خود را در همان سال بیرون آورده در اندرون دروازه‌های ذخیره نما. و لاوی چونکه با تو حصه و نصیبی ندارد و غریب و یتیم و بیوه‌زنی که درون دروازه‌های باشند بیایند بخورند و سیر شوند تا یهوه خدایت ترا در همه اعمال دستت که میکنی برکت دهد.

۲ — و در آخر هر هفت سال انفکاک نما. و قانون انفکاک این باشد هر طلبکاری قرضی را که به هم نوع خود داده باشد منفک سازد و از هم نوع و برادر خود مطالبه نکند چونکه انفکاک خداوند اعلان شده است. از بیگانه مطالبه توانی کرد (۱) اما هر آنچه از مال تو نزد برادرت باشد دست تو آنرا منفک سازد. تا نزد تو هیچ فقیر نباشد زیرا که خداوند ترا در زمینی که یهوه خدایت برای نصیب و ملک تو میدهد البته برکت خواهد داد. اگر قول یهوه خدایت را به دقت بشنوی تا متوجه شده جمیع این اوامر را که من امروز به تو امر میفرمایم بجا آوری، زیرا که یهوه خدایت ترا چنانکه گفته است برکت خواهد داد و به امتهای بسیار قرض خواهی داد لیکن تو مدیون نخواهی شد و بر امتهای بسیار تسلط خواهی نمود و ایشان بر تو مسلط نخواهند شد. اگر نزد تو در یکی از دروازه‌های در زمینی که یهوه خدایت بتو میبخشد یکی از برادرانت فقیر باشد دل خود را سخت مساز و دستت را بر برادر فقیر خود میند، بلکه البته دست خود را بر او گشاده دار و بقدر کفایت موافق احتیاج او به او قرض بده. با حذر باش مبادا در دل تو فکر زشت باشد و بگوئی سال هفتم یعنی سال انفکاک نزدیک است و چشم تو بر برادر فقیر خود بد شده چیزی باو ندهی و او از تو نزد خداوند فریاد برآورده برایت گناه باشد، البته باو بده و دلت از دادنش آزرده نشود زیرا که به عوض این کار یهوه خدایت ترا در تمامی کارهایت و هر چه دست خود را بر آن دراز میکنی برکت خواهد داد، چون که فقیر از زمینت معدوم نخواهد شد بنابراین من ترا امر فرموده میگویم البته دست

مندرجات مقررات مذکوره بالا، برای تأمین زندگی آنها مقرر شد که از محل عشر محصولات (مالیات) امرار معاش نمایند.

(۱) بیگانه به معنی غیر هموطن قبلا هم توضیح داده شد.

خود را برای مسکین و فقیر خود که در زمین تو باشند گشاده دار.

۳ - در کیسه تو و زنهای مختلف بزرگ و کوچک نباشد. در خانه تو کیللهای مختلف بزرگ و کوچک نباشد. ترا وزن تکمیل و درست باشد و ترا کیل صحیح و راست باشد تا عمرت در زمینی که یهوه خدایت به تو می دهد دراز شود، زیرا هر که این کار کند یعنی هر که بی انصافی نماید نزد یهوه خدایت مکروه است.

۴ - و در سال سوم که سال عشا است چون از گرفتن تمامی عشر محصول خود فارغ شدی آنرا به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن بده تا در اندرون دروازه های تو بخورند و سیر شوند. و به حضور یهوه خدایت بگو موقوفات را از خانه خود بیرون کردم و آنها را نیز به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن موافق تمامی اوامری که به من امر فرمودی دادم و از اوامر تو تجاوز ننموده فراموش نکردم. در هنگام ماتم از آنها نخوردم و در مواقع پلیدی از آنها صرف ننمودم و برای اموات از آنها ندادم بلکه بقول یهوه خدایم گوش داده موافق هر آنچه به من امر فرمودی رفتار نمودم.

فصل نهم

دستورات و مقررات راجع به چگونگی رفتار با غلامان یا خدمتکاران و

مراعات حال آنان و حسن سلوک و خوشرفتاری با اسرای جنگ

۱ - اگر غلام عبری بخری شش سال خدمت کند و در هفتمین سال آزاد بیرون رود. اگر تنها آمده تنها بیرون رود و اگر صاحب زن بوده زنش همراه او بیرون رود. اگر آقایش زنی بدو دهد و پسران یا دختران برایش بزاید آنگاه زن و اولادش از آن آقایش باشند و آن مرد تنها بیرون رود. لیکن هرگاه آن غلام بگوید که هر آینه آقایم و زن و فرزندان خود را دوست می دارم و نمی خواهم که آزاد بیرون روم، آنگاه آقایش او را به حضور خدا بیاورد و او را نزدیک درب یا (مزوزا) برساند و آقایش گوش او را با درفشی سوراخ کند و او وی را همیشه بندگی نماید. اما اگر شخصی دختر خود را به کنیزی بفروشد مثل غلامان بیرون نرود. هرگاه به نظر آقایش که او را برای خود نامزد کرده است ناپسند آید بگذارد که او را فدیہ دهند اما هیچ حق ندارد که او را به قوم بیگانه بفروشد زیرا که بدو خیانت کرده است. و هرگاه او را به پسر خود نامزد کند موافق رسم دختران با او عمل نماید. اگر زنی دیگر برای خود گیرد آنگاه خوراک و لباس و مباشرت او را کم نکند. و اگر این سه چیز را برای او نکند آنگاه بی قیمت و رایگان بیرون رود (۱).

(۱) دستورات حضرت موسی راجع به اصلاح و بهبود وضع زندگی بردگان در آن عصر،

←

۲ - اگر کسی غلام یا کنیز خود را به عصا بزند و او زیر دست او بمیرد هر آینه انتقام او گرفته شود. لیکن اگر یک دو روز زنده بماند از او انتقام کشیده نشود زیرا که زرخیرد اوست.

۳ - و اگر کسی بر چشم غلام یا کنیز خود ضربه ای وارد سازد که چشم او ضایع شود او را به عوض چشمش آزاد کند. و اگر دندان غلام یا دندان کنیز خود را بیندازد او را به عوض دندانش آزاد کند.

۴ - اگر گاو، غلامی یا کنیزی را بزند کسی مثقال نقره به صاحب غلام یا کنیز داده شود و گاو سنگسار شود.

۵ - اگر مرد یا زن عبرانی از برادرانت بتو فروخته شود و او ترا شش سال خدمت نماید پس در سال هفتم او را از نزد خود آزاد کرده رها کن. و چون او را از نزد خود آزاد کرده رها می کنی او را نهی دست روانه مساز.

او را از گله و خرمن و چرخشت خود البته کمک بده به اندازه که یهوه خدایت ترا برکت داده باشد باو بده. و بیاد آور که تو در زمین مصر غلام بودی و یهوه خدایت ترا فدیة داد بنابراین من امروز این را بتو امر می فرمایم. و اگر بتو گوید از نزد تو بیرون نمی روم چون که ترا و خاندان ترا دوست دارم و او را نزد تو خوش گذشته باشد، آنگاه درفش گرفته گوشش را با آن سوراخ کن (۱) تا ترا غلام ابدی باشد و با کنیز خود نیز چنین عمل نما. و چون او را از نزد خود آزاد کرده رها می کنی بنظرت بد نیاید زیرا که دو برابر اجرت اجیر ترا شش سال

→
قائل شدن تسهیلات و تساوی حقوق برای آنان در آن زمان، برای اولین دفعه یکی از قوانین انقلابی برای احیا حقوق بشر بوده است و دستورات اصلاح قوانین حقوقی و جنائی و جزائی در هر زمان و مکان بعدها که قبلا مکرر توضیح داده شد اینگونه قوانین حقوقی را در هر عصری تازه و بدون ایراد نگاه داشته است.

(۱) «سوراخ کردن گوش و حلقه بگوش زدن ننگی بزرگ محسوب میشد و این عمل را به این منظور مقنن وضع فرموده تا غلامان که در اثر احکام شرع دارای تسهیلات و آزادی فراوانی هستند در نتیجه تن پروری حاضر به ادامه غلامی نشوند و بدین وسیله بنیان غلامی سست گردد.

خدمت کرده است و یهوه خدایت در هرچه می کنی ترا برکت خواهد داد. (۱)

۶ — چون بیرون روی تا با دشمنان خود جنگ کنی و یهوه خدایت ایشان را به دست تسلیم نماید و ایشان را اسیر کنی، و در میان اسیران زن خوب صورتی دیده عاشق او بشوی و بخواهی او را به زنی خود بگیری، پس او را بخانه خود ببر و او سر خود را بتراشد و ناخن خود را بگیرد، و رخت اسیری خود را بیرون کرده در خانه تو بماند و برای پدر و مادر خود یکماه ماتم گیرد و بعد از آن با او در آمده شوهر او بشو و او زن تو خواهد بود. و اگر به او دل نبندی او را به خواهش دلش رها کن لیکن او را بنقره هرگز بفروش و با او به مثل برده رفتار مکن به سبب اینکه وی زن تو بوده است.

(۱) این قسمت، با وجود جمله (اگر بتو فروخته شوند) حق کاسلی در آزادی برده در سال هفتم قائل شده است و لزوم کمک به برده در هنگام آزاد شدن از حیث گله و خرمن در واقع نه فقط جنبه بردگی را باطل ساخته بلکه حق یک نوع شرکتی، در ازای کار آن کارگر قائل گردیده است. بعلاوه این قانون چون جنبه حقوقی دارد، مشمول رأی داوران روز میگردد که قبلاً بحث مفصلی در آن شد.

فصل دهم

قانون ارث و ازدواج

۱ - بنی اسرائیل را خطاب کرده بگواگر کسی بمیرد و پسری نداشته باشد ملک او را بدخترش انتقال نمائید و اگر او را دختری نباشد ملک او را به برادرانش بدهید و اگر او را برادری نباشد ملک او را به برادران پدرش بدهید. و اگر پدر او را برادری نباشد ملک او را بهرکس از قبیله که خویش نزدیکتر او باشد بدهید تا مالک آن بشود پس این برای بنی اسرائیل فریضه شرعی باشد. (۱)

(۱) گرچه قانون مذکور در بالا از متن تورات میباشد اما باید توجه نمود که دستور فوق مربوط به ارث، درباره زمین میباشد و نه دارائی از انواع دیگر. وضع این قانون برای آن بود که چون حضرت موسی مقرر داشت که هر سبطی در ایالت مخصوصی سکنی داشته باشد و زمین بین خانواده و اعضای آن سبط منقسم شود لذا بمنظور آنکه چنانچه دختر از سبطی به سبط دیگر شوهر نماید، در اثر میراث زمین، اختلالی بین اسباط و موقعیت ملکی آنها ایجاد نگردد، یعنی دخترانی را که دارای برادر میباشدند از ارث بردن زمین محروم گردیدند و بدیهی است که این محرومیت شامل دارائسی منقول نبوده است، به دلیل آنکه با مراجعه به فصل سی و ششم سفر اعداد و بحث کاملی که از آیه ۱ الی ۱۳ راجع به میراث دختران صلفحاد شده است موضوع روشن میگردد. مخصوصاً در آیه ۶ الی ۹ مرقوم است:

«این است آنچه خداوند درباره دختران صلفحاد امر فرموده است، بهر که در نظر ایشان پسند آید بزنی داده شوند لیکن در قبیله سبط پدران خود فقط بنکاح داده شوند. پس میراث بنی اسرائیل از سبطی به سبط دیگر منتقل نشود بلکه هر یکی از بنی اسرائیل به میراث سبط پدران خود ملحق باشند. و هر دختری که وارث ملکی از اسباط بنی اسرائیل بشود

۳ - و اگر مردی را دوزن باشد یکی محبوبه و یکی منکوحه و محبوبه و منکوحه هر دو برایش پسران بزایند و پسر منکوحه نخست‌زاده باشد. پس در روزی که اموال خود را به پسران خویش تقسیم نماید نمی‌تواند پسر محبوبه را بر پسر منکوحه که نخست‌زاده است حق نخست زادگی دهد. بلکه حصه مضاعف از جمیع اموال خود را به پسر منکوحه داده او را نخست‌زاده خویش قرار دهد

→ به کسی از قبیله سبط پدر خود بزنی داده شود تا هر یکی از بنی اسرائیل وارث ملک اجدادی خود گردند. و ملک از یک سبط به سبط دیگر منتقل نشود». و نیز در شولهان آروخ که مقررات اجرائی یهود است در قسمت (ابن هاعزر) فصل ۱۰۸ و ۱۱۳ مقرر داشته به دختری که جهیزه برده باشد و پدر دارائی از خود باقی گذارده باشد حق دارد ده یک آنچه را که پسر میبرد او هم ببرد و اما چنانچه دختر جهازی بخانه شوهر نبرده باشد (مانند مقررات کشورهایی که به دختر هنگام شوهر کردن جهیزه نمیدهند) نصف آن قدری که پسر میبرد به دختر میرسد. موضوع ارث بردن دختر یکی از مشکلاتی است که در میان جامعه یهود ممالک مختلفه، خصوصاً در کشورهای شرقی نظریات مختلف و گوناگونی وجود دارد از جمله سنت جامعه یهود ایران چنین مقرر داشته که دختران در موقع ازدواج جهیزه‌ای در عوض میراث با خود بخانه شوهر برده و بدین جهت بعد از فوت پدر حق ادعای دیگری ندارند. یکی از دلایلی که موجب شده جامعه یهود ایران پیرو سنت مذکور گردد آن است که ارث بردن دختران بعد از فوت پدر موجب می‌گردد که بسیاری از دامادها که ممکن نیست مانند اولادان ذکور که برای پدر فداکار و علاقهمندند، آنها هم به پدر زن خود ذیعلاقه باشند و حتی بعضی از ایشان که جنبه اخلاقی آنها دارای ضعف می‌باشد همواره در انتظار سرگ پدر زن خود هستند و یا علاقه قلبی و باطنی آنها نسبت به خانواده دختر کم و حتی بعضی اوقات ایجاد خطراتی برای پدر زن نموده‌اند، به دلایل مذکوره، پیشوایان سابق یهودیان شرق این سنت را برقرار نمودند که ارث دختر همان جهیزه ایست که به خانه شوهر میبرد و بدیهی است که این قرار هیچگاه مانع آن نبوده است که چنانچه پدری بعد از ازدواج دختر یا دختران خود ثروتی جدید تحصیل نماید نتواند به میل خود بار دیگر بخششی بدختران خود بنماید یا آنکه در وصیت‌نامه خویش حصه جدیدی برای آنها قائل گردد و هیچگونه منع مذهبی و قانونی وجود ندارند. ضمناً بایستی تذکر داد که در بسیاری از کشورهای جهان دختران جواسع یهود، پس از فوت پدر ارث می‌برند. بهر جهت طبق فرمان تورات (سفر تثئیه باب ۱۷ آیه ۸ به بعد) چون موضوع ارث مسئله‌ای است حقوقی، مجاز است که داوران روز در هر زمان و مکانی طبق مقتضیات زمان و مکان رفتار نموده و در صورت لزوم تغییرات لازمه را بدهند چنانچه اسروزه یهودیان جهان طبق وضع روز و مکان رفتار میکنند. خوشبختانه اخیراً پیشوایان ملی و روحانی یهودیان ایران نیز مقرراتی عادلانه برای ارث بردن دختران وضع نموده‌اند.

زیرا که او ابتداء قوت اوست و حق نخست‌زادگی از آن او میباشد (۱).

۴ — اگر کسی برای خود زنی گیرد و چون بدو در آید او را مکروه دارد. و اسباب حرف بدو نسبت داده از او اسم بد شهرت دهد و گوید این زن را گرفتم و چون باو نزدیکی نمودم او را باکره نیافتم، آنگاه پدر و مادر آن دختر علامت بکارت دختر را برداشته نزد مشایخ شهر نزد دروازه بیاورند، و پدر و مادر دختر به مشایخ بگویند دختر خود را به این مرد بخت داده‌ایم و از او کراهت دارد، و اینک اسباب حرف بدو نسبت داده می‌گویند دختر ترا باکره نیافتم و علامت بکارت دختر من این است پس جامه را پیش مشایخ شهر بکشوراند. پس مشایخ آن شهر آن مرد را گرفته تنبیه کنند. و او را صد مثقال نقره جریمه نموده به پدر دختر بدهند چونکه بر باکره اسرائیل بدنامی آورده است و او زن وی خواهد بود و در تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند. لیکن اگر این سخن راست باشد و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود، آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد چونکه در خانه پدر خود زنا کرده در اسرائیل قباحتی نموده است پس بدی را از میان خود دور خواهید کرد. اگر مردی یافت شود که با زن شوهرداری هم بستر شده باشد پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن کشته شوند پس بدی را از اسرائیل دور خواهید کرد. اگر دختر باکره به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته با او همبستر شود، پس هر دوی ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده ایشان را با سنگها سنگسار کنند تا بمیرد اما دختر را چون که در شهر بود و فریاد نکرد و مرد را چون که زن

(۱) موضوع حصه مضاعف ارث برای نخست‌زاده را میتوان باین منظور دانست که چون نخست‌زاده مسئولیت انجام وظائف پدری را بعد از فوت پدر دارد از قبیل کفن و دفن و چه از نقطه نظر بزرگ نمودن و بجا رساندن اطفال خرد سال پدر و یا پرداخت دین پدر در صورت فقدان دارائی، یا آنکه در دوره حیات پدر تنها او در ازدیاد ثروت پدر سهمی داشته است، لذا امتیازی مضاعف برای نخست‌زاده قائل شده است و در کتاب شولهان آروخ فصل ۲۷۷ و ۲۷۸ هم دلیل اخیر تأیید شده است زیرا مینویسد:

«اول زاد میبرد دوبرابر از اثاثیه پدر بطوریکه در تورات وارد است و برای این است که وی در ازدیاد ثروت پدر خود زحمت کشیده است.»

همنوع خود را ذلیل ساخت پس بدی را از میان خود دور خواهید کرد. اما اگر آن مرد دختری نامزد داری را در صحرا یابد و آن مرد باو زور آورده با او بخوابد پس آن مرد که با او خوابیده تنها کشته شود (۱). و اما با دختر هیچ مکن زیرا بر دختر گناه مستلزم موت نیست بلکه این مثل آن است که کسی بر همنوع خود برخاسته او را بکشد، چون که او را در صحرا یافت و دختر نامزد دار فریاد برآورد و برایش رها ننده نبود. اگر مردی دختر یا کره را که نامزد نباشد بباید و او را گرفته با او هم بستر شود و گرفتار شوند، آنکه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد (۲) و آن دختر زن او باشد چون که او را ذلیل ساخته است و در تمامی عمرش نمی تواند او را رها کند. هیچ کس زن پدر خود را نگیرد و دامن پدر خود را منکشف مسازد.

ه - چون کسی زنی گرفته بنکاح خود در آورد اگر در نظر او پسند نیاید از اینکه چیزی ناشایسته در او بیاید آنگاه طلاق نامه نوشته بدستش دهد و او را از خانه اش رها کند. و از خانه او روانه شده برود وزن دیگری شود (۳) و اگر شوهر دیگر نیز او را مکروه دارد و طلاق نامه نوشته بدستش بدهد و او را از خانه اش رها کند یا اگر شوهری دیگر که او را بزنی گرفت بمیرد، شوهر اول که او را رها کرده بود نمی تواند دوباره او را بنکاح خود در آورد بعد از آن که ناپاک شده است زیرا که این بنظر خداوند مکروه است پس بر زمینی که یهوه خدایت ترا به ملکیت میدهد گناه میاور. چون کسی زن تازه بگیرد در لشکر بیرون نرود و هیچ کار به او تکلیف نشود تا یک سال در خانه خود آزاد بماند و زنی را که گرفته است

(۱) راجع به مجازاتهای جنائی و جزائی مراجعه شود به صفحه ۲۷

(۲) ارزش نقره در آن عصر با امروز فرق زیادی داشته است.

(۳) در بعضی موارد در کشورهای شرقی دیده شده که بعد از ازدواج زنی به دلایلی مورد پسند شوهر واقع نمیگردد یا آنکه بدلائل دیگر زن در خانه شوهر در عذاب است و مرد برخلاف این دستور موجب ناراحتی زن خود را فراهم ساخته تا به جائی که میخواهد از این طریق استفاده مادی بنماید و پیشوایان روحانی مسئول هم کوچکترین اقدامی برای رهایی آن زن و گرفتن طلاق و محکوم نمودن آن مرد به طلاق دادن نمی نمایند و با این رویه برخلاف دستور تورات رفتار می نمایند.

۶ - اگر برادران با هم ساکن باشند و یکی از آنها بی‌اولاد بمیرد پس زن آن متوفی، خارج بشخص بیگانه داده نشود بلکه برادر شوهرش با و درآمده او را برای خود بزنی بگیرد و حق برادرشوهری را با او بجا آورد. و نخست‌زاده که بزاید به اسم برادر متوفای او وارث گردد تا اسمش از اسرائیل محو نشود. و اگر آن مرد به گرفتن زن برادرش راضی نشود آنگاه زن برادرش به دروازه نزد مشایخ برود و گوید برادر شوهر من از برپا داشتن اسم برادر خود در اسرائیل انکار میکند و از بجا آوردن حق برادرشوهری با من ابا مینماید، پس مشایخ شهرش او را طلبیده با وی گفتگو کنند و اگر اصرار کرده بگوید نمی‌خواهم او را بگیرم، آنگاه زن برادرش نزد وی آمده به حضور مشایخ کفش او را از پایش بکند و جلواش آب دهن اندازد و در جواب گوید با کسی که خانه برادر خود را بنانکند چنین کرده شود، و نام او در اسرائیل خانه کفش کنده خوانده شود. (۲)

۷ - هیچ کس با حدی از اقربای خویش نزدیکی ننماید تا کشف عورت

(۱) نظر باینکه حضرت موسی از تغییرات شرایط زمان و مکان قرون بعدی با اطلاع بوده و آسایش جامعه را در نظر داشته و بتازگی مقررات طبق وضع روز در هر مکان علاقمند بوده، فرمان فصل ۱۷ آیه ۸ سفر تثئیه را صادر فرموده و چون اسر ازدواج و طلاق موضوعی است حقوقی مقررات و رسیدگی بدان را طبق وضع زمان و مکان به‌دوران روز واگذار نموده و به همین مناسبت راجع به اسر ازدواج و طلاق دستورات مفصلی نداده‌اند.

(۲) در قانون ماده ۶ بالا، اولاً ذکر است: (اگر برادران با هم ساکن باشند) بنابراین شرطی وجود دارد و در ثانی در شرایط بعدی ذکر نشده ولو برادریکه در حیات است زن داشته باشد موظف است که زن برادر متوفی خود را بنکاح در آورد. در این صورت بدون هیچگونه مانعی میتوان گفت منظور از انجام این وظیفه برای برادری است که اولاً با برادر متوفی هم‌مسکن بوده‌اند و در ثانی برادری موظف به نکاح زن برادر متوفی خود است که بی‌اولاد باشد و زن نداشته باشد.

بنابراین در صورتیکه برادر متوفی اولاد داشته باشد طبعاً گرفتن زن برادر حرام است از طرف دیگر برادر مکلف و مجبور به خانه بردن زن برادر خود نیست و کافی است که در برابر مشایخ بگوید «سایل نیستم».

مخصوصاً به این موضوع بایستی توجه داشت که غیر از مورد بالا و با توجه به شرایط معینی طبق باب ۲۰ آیه ۲۱ سفر لاویان بنکاح در آوردن زن برادر ممنوع میباشد.

او بکند من یهوه هستم. عورت پدر خود یعنی عورت مادر خود را کشف منما او مادر تست کشف عورت او مکن. عورت زن پدر خود را کشف مکن آن عورت پدر تست. عورت خواهر خود خواه دختر پدرت خواه دختر مادرت چه مولود در خانه چه مولود بیرون عورت ایشان را کشف منما. عورت دختر پسر و دختر دخترت عورت ایشان را کشف مکن زیرا که اینها عورت تو است. عورت دختر زن پدرت که از پدر تو زائیده شده باشد او خواهر تو است کشف عورت او را مکن. عورت خواهر پدر خود را کشف مکن او از اقربای پدر تو است. عورت خواهر مادر خود را کشف مکن او از اقربای مادر تو است. عورت برادر پدر خود را کشف مکن و زن او نزدیک منما او (به منزله) عمه تو است. عورت عروس خود را کشف مکن او زن پسر تو است عورت او را کشف مکن عورت زن برادر خود را کشف مکن آن عورت برادر تو است (۱). عورت زنی را با دخترش کشف مکن و دختر پسر او یا دختر دختر او را مگیر تا عورت او را کشف کنی اینان از اقربای او میباشند و این فجور است. و زنی را با خواهرش مگیر تا هوو او بشود و تا عورت او را با وی مادامی که او زنده است کشف نمائی. و به زنی در نجاست حیضش نزدیکی منما تا عورت او را کشف کنی. و با زن ممنوع خود هم بستر مشورت خود را با وی نجس سازی.

(۱) در ابتدای این قسمت مرقوم است «هیچکس باحدی از اقربای خویش نزدیکی ننماید» و بعد از این جمله بطور مثال از عده‌ای اسم برده شده و اگر اسم از دختر خواهر یا دختر برادر برده نشده دلیل بر مجاز بودن نمیباشد زیرا از اقربا هستند. این دستور حکیمانه که حضرت موسی علیه السلام در ۳۴ قرن قبل داده‌اند فقط در قرن اخیر پزشکان توانستند به علت و زیانهای وارده بر اولادان پیوندهای نزدیک پی ببرند.

فصل یازدهم

منع بت پرستی و انجام قربانی برای خدایان موهوم و طرز اجرای مراسم

تقدیم هدایا و موقوفات و بست نشستن و ندور و قربانی

۱- در نزد من خدایان نقره و خدایان طلا برای خود مسازید. مذبحی از خاک برای من بساز و قربانیهای سوختنی خود و هدایای سلامتی خود را از گله و رسته خویش بر آن بگذران در هر جائی که یادگاری برای نام خود سازم نزد تو خواهم آمد و ترا برکت خواهم داد (۱)

۲- هر که برای خدای غیر از یهوه و بس، قربانی گذراند البته هلاک گردد (۲)

۳- با حذر باش که با ساکنان آن زمین که تو بدانجا میروی عهد نبندی مبادا در میان شما دامی باشد. بلکه مذبح های ایشان را منهدم سازید و بت های ایشان را بشکنید و اشیریم (نوعی بت) ایشانرا قطع نمائید. زنهار خدای غیر را عبادت منما زیرا یهوه که نام او غیور است خدای غیور میباشد.

(۱) بشر عقب افتاده و ابتدائی برای خدایان و بت های موهوم خود، اولادان عزیز خویش را قربانی میکرد. آیا ممکن بود برای خدای واحد عظیم قربانی تقدیم نشود؟ حضرت موسی، قربانی انسانی را به قربانی حیوانی که جنبه مالیاتی هم داشت تبدیل فرمود، مراجعه شود به زیرنویس ابتدای فصل یازدهم.

(۲) چون در آن زمان برای خدایان موهوم انسانی قربانی میکردند لذا مجازات اعدام برای آنها مقرر گردیده است.

ع — خدایان ریخته شده برای خویشتن مساز.

ه — بسوی بتها متمایل نشوید و خدایان ریخته شده برای خود مسازید
من یهوه خدای شما هستم.

۶ — خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را بگو هر کس از بنی اسرائیل یا از غریبانی که در اسرائیل مأواگزینند اگر از ذریت خود به مولک بدهد (۱) البته کشته شود قوم زمین، او را با سنگ سنگسار کنند. و من روی خود را به ضد آن شخص خواهم گردانید و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت زیرا که از ذریت خود (بمولک) داده است تا مکان مقدس مرا نجس سازد و نام قدوس مرا بی حرمت کند. و اگر قوم زمین، چشمان خود را از آن شخص بپوشانند و قتی که از ذریت خود (بمولک) داده باشد و او را نشکند، آنگاه من روی خود را بضد آن شخص و خاندانش خواهم گردانید و او را و همه کسانی که در عقب او زنا کار شده در پیروی (مولک) زنا کرده اند از میان قوم ایشان منقطع خواهم ساخت.

۷ — برای خود بتها مسازید و تمثال تراشیده و ستونی به جهت خود برپا نمائید و سنگی مصور در زمین خود مگذارید تا بآن سجده کنید زیرا که من یهوه خدای شما هستم. سبتهای مرا نگاه دارید و مکان مقدس مرا احترام نمائید من یهوه هستم.

۸ — مبادا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده یا تمثال، هر شکلی از شبیه ذکور یا اناث بسازید. یا شبیه هر بهیمه که بر روی زمین است یا شبیه هر نوع بالدار که در آسمان میپرد. یا شبیه هر خزنده بر زمین یا شبیه هر ماهی که در آبهای زیر زمین است. و مبادا چشمان خود را بسوی آسمان بلند کنی و آفتاب و ماه ستارگان و جمیع قشون آسمان را دیده فریفته شوی و سجده کرده آنها را که یهوه خدایت برای تمامی قومهایی که زیر تمام آسمانند تقسیم کرده است عبادت نمائی.

(۳) مولک بت سوریه ای بوده که اهالی سوریه اطفال خود را در مقابل آن قربانی میکردند.

۹ — پس احتیاط نمائید مبدا عهد یهوه خدای خود را که شایسته است فراموش نمائید و صورت تراشیده یا شیهه هر چیزی که یهوه خدایت بتو نهی کرده است برای خودسازی.

۱۰ — وقتی که یهوه خدایت امتهائی را که به جهت گرفتن آنها بانجا میروی از حضور تو منقطع سازد و ایشان را اخراج نموده در زمین ایشان ساکن شوی، آنگاه با خدا باش، مبدا بعد از آنکه از حضور تو هلاک شده باشند، بدام گرفتار شده، ایشان را بیرون نمائی و دربار خدایان ایشان دریافت کرده بگوئی که این امتها خدایان خود را چگونه عبادت کردند تا من نیز چنین کنم. با یهوه خدای خود چنین عمل منما زیرا هر چه را که نزد خداوند مکروه است و از آن نفرت دارد، ایشان برای خدایان خود میکردند حتی اینکه پسران و دختران خود را نیز برای خدایان خود بآتش میسوزانیدند. هر آنچه من بشما امر میفرمایم متوجه شوید تا آنرا بعمل آورید چیزی بر آن میفزائید و چیزی از آن کم نکنید.

۱۱ — (اشیره) از هیچ نوع درخت نزد مذبح یهوه خدایت که برای خود خواهی ساخت غرس منما. و ستونی برای خود نصب مکن زیرا یهوه خدایت آنرا مکروه میدارد.

۱۲ — اگر در میان تودر یکی از دروازه‌های که یهوه خدایت بتو میدهد مرد یا زنی پیدا شود که در نظر یهوه خدایت کار ناشایسته نموده از عهد او تجاوز کند، و رفته خدایان غیر را عبادت کرده سجده نماید خواه آفتاب یا ماه یا هر یک از قشون آسمان که من امر فرموده‌ام، و از آن اطلاع یافته بشنوی، پس نیکو تفحص کن و اینک اگر راست و یقین باشد که این رجاست در اسرائیل واقع شده است، آنگاه آن مرد یا زن را که این کار بد را در دروازه‌های کرده‌است بیرون آور و آن مرد یا زن را با سنگها سنگسار کن تا بمیرند، از گواهی دو یا سه شاهد، آن شخصی که مستوجب مرگ است کشته شود از گواهی یک نفر کشته نشود. اولاً دست شاهدان به جهت کشتنش بر او افراشته شود و بعد از آن دست تمامی قوم پس بدی را از میان خود دور کنید.

۱۳ — چون نذری برای یهوه خدایت میکنی در وفای آن تأخیر منما زیرا یهوه خدایت البته آنرا از تو مطالبه خواهد نمود و برای تو گناه خواهد بود. اما اگر از نذر کردن ابا نمائی ترا گناه نخواهد بود. آنچه را که از دهانت بیرون آید هوشیار باش که بجاآوری و موافق آنچه برای یهوه خدایت از اراده خود نذر کرده و بزبان خود گفته‌ای.

۱۴ — ملعون باد کسی که صورت تراشیده یا ریخته شده از صنعت دست کارگر که نزد خداوند مکروه است سازد و مخفی نگاهدارد و تمامی قوم در جواب بگویند آمین.

۱۵ — اگر در میان تو نبی یا بیننده خواب از میان شما برخیزد و آیت یا معجزه برای شما ظاهر سازد. و آن آیت یا معجزه واقع شود که از آن ترا خبر داده گفت خدایان غیر را که نمیشناسی پیروی نمائیم و آنها را عبادت کنیم، سخنان آن نبی یا بیننده خواب را مشنو زیرا که یهوه خدای شما، شما را امتحان میکند تا بداند که آیا یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود محبت مینمائید. یهوه خدای خود را پیروی نمائید و از او بترسید و اوامر او را نگاه دارید و قول او را بشنوید و او را عبادت نموده به او ملحق شوید، و آن نبی یا بیننده خواب کشته شود زیرا که سخنان فتنه انگیز بر یهوه خدای شما که شما را از زمین مصر بیرون آورد و ترا از خانه بندگی فدیه داد گفته است تا ترا از طریقی که یهوه خدایت بتو امر فرمود تا به آن سلوک نمائی منحرف سازد پس باین طور بدی را از میان خود دور خواهی کرد. و اثر برادرت که پسر مادرت باشد یا پسر یا دختر تو یا زن هم آغوش تو یا رفیقت که مثل جان تو باشد ترا در خفا اغوا کند و گوید که برویم و خدایان غیر را که تو و پدران تو نشناختید عبادت نمائیم، از خدایان امتهائیکه به اطراف شما میباشند خواه بتو نزدیک و خواه از تو دور باشند از اقصای زمین تا اقصای دیگر آن، او را قبول مکن و او را گوش مده و چشم تو بر وی رحم نکند و بر او شفقت منما و او را پنهان مکن، البته او را به قتل رسان دست تو اول به قتل او دراز شود و بعد دست تمامی قوم،

و او را به سنگ سنگسار نما تا بمیرد چونکه می خواست ترا از یهوه خدایت که ترا از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد منحرف سازد، و جمیع اسرائیلیان چون بشنوند خواهند ترسید و بار دیگر چنین امر زشت را در میان شما مرتکب نخواهند شد. اگر درباره یکی از شهرهاییکه یهوه خدایت بتو به جهت سکونت میدهد خبریابی، که بعضی پسران (بلیعال) از میان تو بیرون رفته ساکنان شهر خود را منحرف ساخته گفته اند برویم و خدایان غیر را که نشناخته اید عبادت نمائیم، آنگاه تفحص و تجسس نموده نیکو استفسار نما و بگو اگر این امر صحیح و یقین باشد که این رجاست در میان تو معمول شده است، البته ساکنان آن شهر را بدم شمشیر بکش و آنرا با هرچه در آن است و بهایمش را بدم شمشیر هلاک نما، و همه غنیمت آنرا در میان کوچه اش جمع کن و شهر را باتمامی غنیمتش برای یهوه خدایت بآتش به الکل بسوزان و آن تا به ابد تلی خواهد بود و بار دیگر بنا نخواهد شد. از چیزهای حرام شده چیزی بدست نرسد، تا خداوند از شدت خشم خود برگشته بر تو رحمت و رأفت بنماید و ترا بیفزاید بطوریکه برای پدرانت قسم خورده بود. هنگامیکه قول یهوه خدای خود را شنیده و همه اوامرش را که من امروز بتو امر میفرمایم نگاه داشته تا آنچه در نظر یهوه خدایت راست است بعمل آورده باشی.

۱۶ — «طرز عمل قربانی (۱) و چگونگی انجام تشریقات آن به تفصیل در سفر لاویان

(۱) دستور اجرای انواع قربانی، در ابتدا دلائل گوناگونی داشته است:

اولاً: در مدت ۴ سالی که حضرت موسی بنی اسرائیل را در بیابان رهبری میفرمود موجودی طلا و نقره افراد بسیار کم بود و آنچه هم وجود داشت بیشتر متعلق به خزانه ملی بوده و ثروت افراد عبارت بود از گله و ربه، بنابراین برای متخلفین از قانون، در عوض جریمه پولی که امروزه در کشورهای مختلفه جهان رسوم است جریمه جنسی معین شد و در تورات مکرر راجع به اینکه قربانی را برای جرم باید اجرا کنند صحبت شده است. (باب ۵ لاویان آیات ۶ و ۱۵ تا ۱۹)

ثانیاً: جریمه های وصولی عصر حاضر و مالیاتها، قسمتی از آن برای تأمین زندگانی کارکنان دولت میباشد در زمان حضرت موسی کارکنان ملت عبارت از کاهنان و لاویان

←

باب اول آیه ۱ الی ۱۷ و باب چهارم آیه ۱ الی ۱۷ و باب چهارم آیه ۱ الی -
 ۳۵ و باب پنجم آیه ۶ الی ۱۰ و باب ششم آیه ۸ الی ۱۳ و آیه ۲۴ الی ۳۰ و
 باب هفتم آیه ۱ الی ۲۱ و آیه ۲۸ الی ۳۸ مندرج است.

۱۷ - «طریقه تقدیم هدایا (از محصولات فلاحی) به تفصیل در سفر لایوان باب
 دوم آیه ۱ الی ۱۶ و باب پنجم آیه ۱۱ الی ۱۳ و باب ششم آیه ۱۴ الی ۲۳
 مندرج است.»

۱۸ - «راجع به قربانی در سفر لایوان باب نوزدهم آیه ۶ الی ۸ و باب
 پانزدهم آیه ۲۹ الی ۳۰ و باب شانزدهم آیه ۵ الی ۲۸ و باب هفدهم آیه ۳
 الی ۹ و باب نوزدهم آیه ۲۱ الی ۲۲ مفصلاً ذکر شده است.»

۱۹ - «راجع به قربانی و نذورو هدایا و نوبر در سفر لایوان باب ۲۲ آیه ۱۸
 الی ۳۰ و باب ۲۳ آیه ۷ الی ۲۱ و باب ۲۴ آیه ۲ الی ۹ مفصلاً ذکر شده است.»
 ۲۰ - «راجع به تقدیم هدایا و طرز انجام مراسم آن و تقدیم هدایا و قربانی

در سفر اعداد باب ۱۵ از آیه ۱ الی ۱۴ و آیه ۱۷ الی ۲۸ و باب ۱۸ از آیه ۸ الی
 ۳۲ و باب ۱۹ از آیه ۱ الی ۱۱ و باب بیست و هشتم آیه ۳ الی ۳۱ و باب ۲۹ آیه

→
 بودند و تأمین زندگانی آنها که قسمت مهم آن خوراك است با قسمتی از قربانیها تأمین
 میگردد. (مراجعه شود به همین فصل قدری جلوتر)
 ثالثاً: ملل آن عصر بعضی از حیوانات را می پرستیدند و آنها را خالق خود میدانستند
 و حتی فرزندان خویش را برای معبودهای خود قربانی میکردند و انجام قربانی برای ثبوت
 بطلان عقیده آنها که ممکن بود ملت را منحرف سازد واجب بود همچنین برای جلوگیری از
 قربانی فرزندان معصوم مؤثر، مع الوصف با اینکه اکثریت افراد بشر حتی در عصر حاضر قربانی
 را یکی از خواسته های پروردگار میدانند با وجود این پیغمبران اسرائیل مانند اشعیا نبی در
 باب اول، میکا نبی باب ۱۶، از ۲۷ قرن قبل تا ۲۵ قرن پیش، انجام وظائف اخلاقی را از
 قبیل رعایت انصاف و ترحم و شفقت، فروتنی، کمک به یتیمان و درسندگان و ضعفا و یتیمان
 و بیوه زنان را بجای اجرای قربانی تأکید فرموده اند. بنابراین آنهایی که انجام قربانی را
 کهنه و رعایت مراتب اخلاقی و تربیت را در خور عصر حاضر میدانند لازم است با اطلاع
 شوند که این خواسته قرن کنونی از ۲۷ قرن قبل مسود توصیه و سفارش پیغمبران اسرائیل
 بوده است.

۲ الی آخر آیه ۶ و آیه ۸ الی آخر آیه ۱۱ و آیه ۱۳ الی آخر ۳۴ و آیه ۳۶ الی آخر آیه ۴ به تفصیل ذکر شده است.»

۲۱ - «راجع به نذور در سفر اعداد باب سی ام آیه ۱ الی آخر آیه ۱۶ به تفصیل ذکر شده است.»

۲۲ - «راجع به بست نشستن در سفر اعداد باب سی و پنجم از آیه ۶ الی آخر آیه ۳۴ مراجعه شود.»

۲۳ - «راجع به قربانی و هدایا به سفر تثئیه باب دوازدهم آیه ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ و ۱۸ مراجعه شود.»

۲۴ - «راجع به موقوفات و نذور به سفر تثئیه باب دوازدهم آیه ۲۶ و ۲۷ مراجعه شود.»

۲۵ - «راجع به نخست زاده گله و رمه به سفر تثئیه باب پانزدهم از آیه ۱۹ الی آخر ۲۳ مراجعه شود.»

۲۶ - «راجع به قربانی به سفر تثئیه باب هفدهم آیه ۱ مراجعه شود.»

۲۷ - «راجع به نوبر محصولات به سفر تثئیه باب بیست و ششم از آیه یک الی آخر آیه ۴ مراجعه شود.»

فصل دوازدهم

قوانین مذهبی

- ۱ — بخدا ناسزا مگو و رئیس قوم خود را لعنت مکن.
- ۲ — در هر سال سه مرتبه عید برای من نگاهدار. عید فطیر را نگاهدار و چنانکه ترا امر فرموده ام هفت روز نان فطیر بخور در زمان معین در ماه (آییب) (۱) زیرا که در آن ماه از مصر بیرون آمدی و هیچ کس بحضور من تهی دست حاضر نشود.
- ۳ — شش روز مشغول باش و روز هفتمین سبت را نگاهدار. حتی در هنگام شخم و درو سبت را نگاهدار. و عید هفته ها را نگاهدار یعنی عید نویر و درو گندم و عید برداشتن محصول در آخر سال. سالی سه مرتبه همه ذکورانت بحضور خداوند یهوه خدای اسرائیل حاضر شوند. (۲)
- ۴ — و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: و تو و بنی اسرائیل را مخاطب ساخته بگو البته سبتهای مرا نگاهدارید زیرا که این در میان من و شما در نسلهای شما نشانه ای خواهد بود تا بدانید که یهوه هستم که شما را تقدیس میکنم.
- ۵ — شش روز کار کرده شود و در روز هفتمین سبت آرامش مقدس خداوند برای شماست هر که در آن کاری کند کشته شود. در روز سبت آتش در همه

(۱) آییب بمعنی بهار است.

(۲) منظور سالی ۳ مرتبه رفتن به اورشلیم برای زیارت خانه مقدس بود.

مسکتهای خود میفروزید. و موسی تمامی جماعت بنی اسرائیل را خطاب کرده گفت این است امری که خداوند فرموده و گفته است. (۱)

۶ - و این برای شما فریضه دائمی باشد که در روز دهم از ماه هفتم (۲) جانهای خود را معذب سازید (روزه بگیرید) و هیچ کار نکنید خواه متوطن خواه غریبی که در میان شما مأوا گزیده باشد. زیرا که در آن روز کفاره برای تطهیر شما کرده خواهد شد و از جمیع گناهان خود بحضور خداوند طاهر خواهید شد. این سبب آرامی برای شماست پس جانهای خود را معذب سازید. این است فریضه دائمی. ۷ - گوشه‌های سر خود را تراشید و گوشه‌های ریش خود را بچینید (۳)

۸ - و خداوند به موسی گفت بکاهنان یعنی پسران هارون خطاب کرده به ایشان بگو کسی از شما برای مردگان خود را نجس (۴) نسازد. جز برای

(۱) نظریات متعددی در این باره وجود دارد. برخی معتقدند که چون در آن زمان بعضی اقوام و ملل آتش را مقدس داشته و می‌پرستیدند و از خاموش شدن آن اجتناب و آن را دائم روشن نگاه می‌داشتند لذا برای بی‌اهمیت جلوه دادن و اجتناب از پرستش آن مقرر شد که در هفته یک‌روز آنرا خاموش نگاه دارند. به عقیده نویسنده: بایستی علل زیر را نیز اضافه نمود.

اولاً چون اساساً ممکن است روشن کردن آتش عملی دشوار و زحمت‌افزا بوده لذا برای اینکه زحمتی متوجه کارگران در روز تعطیل نگردد و آنها هفته یک روز را استراحت مطلق نمایند، روشن نمودن آتش را در روز شنبه ممنوع داشته است. ثانیاً آنچه قریب به یقین است آن می‌باشد که اگر آتش روشن نشود قطعاً اکثر امور مربوط به کارگران و مستخدمین خصوصاً آشپزخانه‌ها تعطیل می‌گردد و بدین ترتیب به استراحت طبقه زحمت کش لطمه وارد نمی‌سازد.

(۲) ماه هفتم عبارت است از ماه تشری (حدود مهرماه) ماه تشری بعدها ماه اول سال پذیرفته شد زیرا مال زراعتی از ماه تشری که اول پائیز است شروع می‌گردد.

(۳) عده‌ای عقیده‌مندند که این دستور متضمن اثرات بهداشتی در جسم انسانی است که هنوز علم پزشکی موفق به درک آن نشده است می‌باشد و برخی هم می‌گویند نظر باینکه در آن عصر ملل همسایه که بت پرست بودند و گوشه‌های ریش و سر خود را می‌تراشیدند، لذا این دستور برای وجه تمایز صادر شده است.

(۴) کلمه نجس که کراراً در خلال احکام و عبارات برده شده مفهومی عفونت می‌باشد در اینجا چون در هر خانواده‌ای که فوتی اتفاق افتد ناشی از بیماری و عفونت می‌باشد

خویشان نزدیک خود یعنی برای مادرش و پدرش و پسرش و دخترش و برادرش و برای خواهر باکره خود که قریب او باشد و شوهر ندارد برای او خرد را نجس تواند کرد. چونکه در قوم خود رئیس است خود را نجس نسازد. سرخود را بی‌مونسازند و گوشه‌های ریش خود را نتراشند و بدن خود را مجروح نمایند. برای خدای خود مقدس باشند و نام خدای خود را بی‌حرمت نکنند زیرا این هدایای آتشین خداوند و طعام خانه مقدس خود را ایشان می‌گذرانند پس مقدس باشند. زن زانیه یا بی‌عصمت را نکاح نمایند و زن مطلقه از شهروش را نگیرند زیرا او برای خدای خود مقدس است.

۹ - و دختر کاهنی که خرد را به فاحشگی بی‌عصمت ساخته باشد پدر خود را بی‌عصمت کرده است با آتش سوخته شود (۱).

۱۰ - و آنکه از میان برادرانش رئیس کهنه باشد که بر سر او روغن مسح ریخته شده و تخصیص گردیده باشد تا لباس را بپوشد سری سرخود را نگشاید و گریبان خود را چاک نکند. و نزد هیچ شخص مرده نرود و برای پدر و مادر خود خویشان را نجس نسازد. و از مکان مقدس بیرون نرود و مکان مقدس خدای خود را بی‌عصمت نسازد زیرا که تاج روغن مسح خدای او بر وی میباشد من یهوه هستم. و او زن باکره نکاح کند. و بیره و مطلقه و بی‌عصمت و زانیه اینها را نگیرد فقط باکره از قوم خود را به زنی بگیرد. و ذریت خود را در میان قوم خود بی‌عصمت نسازد من یهوه هستم که او را مقدس می‌سازم. و خداوند سری را خطاب کرده گفت. هارون را خطاب کرده بگو هر کس از اولاد تو در طبقات ایشان که عیب داشته باشد نزدیک نیاید تا طعام خدای خود را بگذرانند. پس هر کس که عیب دارد نزدیک نیاید نه مرد کور و نه لنگ نه ناقص العضو و نه زاید الاغضا. و نه کسی که شکسته پا یا شکسته دست باشد. گوز پشت یا کوتوله

→

لذا کاهن را از معاشرت در آن محل منع نموده باستانی اقوام نزدیک.
(۱) شدت مجازات برای جلوگیری از خلاف عمل دختر پیشوا میباشد کسه قطعاً سرمشق سایر دختران می‌گردد.

و نه کسی که در چشم خود لکه دارد و نه صاحب جرب و نه کسی که گری دارد و نه کسی که بیضه هایش له شده باشد. هر کس از اولادان هارون کاهن که عیب داشته باشد نزدیک نیاید تا قربانیهای که با آتش آماده میشوند برای خداوند بگذرانند چونکه معیوب است برای گذراندن طعام خانه مقدس خود نزدیک نیاید. طعام خدای خود را خواه از آنچه قدس اقداس است و خواه از آنچه مقدس است بخورد. لیکن به حجاب داخل نشود و بمذبح نزدیک نیاید چونکه معیوب است تا مکان مقدس مرا بی حرمت نسازد من یهوه هستم که ایشان را تقدیس میکنم.

۱۱ — و خداوند موسی را خطاب کرده گفت. هارون و پسرانش را خطاب قرار داده تا از موقوفاتی که بنی اسرائیل برای من وقف میکنند و نام قدوس مرا بی حرمت میسازند اجتناب نمایند (۱) من یهوه هستم. بایشان بگو هر کس از همه ذریت شما در نسلهای شما که به موقوفاتی که بنی اسرائیل برای خداوند وقف نمایند نزدیک بیاید و نجاست او بر وی باشد آنکس از حضور من منقطع خواهد شد من یهوه هستم. هر کس از ذریت هارون که مبروص یا دچار جریان باشد تا طاهر نشود از چیزهای مقدس نخورد و کسی که هر چیزی را که از میت نجس شود لمس نماید و کسی که منی از وی در آید و کسی که هر خزندگان را که از آن نجس میشود لمس نماید یا آدمی را که از او نجس میشوند از هر نجاستی که دارد. پس کسی که یکی از اینها را لمس نماید تا شام نجس باشد و تا بدن خود را بآب غسل ندهد از چیزهای مقدس نخورد. و چون آفتاب غروب کند آنگاه طاهر خواهد بود و بعد از آن چیزهای مقدس بخورد چونکه خوراک وی است. میته یا دریده شده را نخورد تا از آن نجس شود من یهوه هستم. پس نصیحت مرا نگاه دارید مبادا به سبب آن متحمل گناه شوند و اگر آن را بی حرمت نمایند بمیرند من یهوه هستم که ایشان را تقدیس مینمایم. هیچ بیگانه چیز مقدس نخورد و

(۱) منظور آن است که سوء استفاده ننمایند.

مهمان کاهن و مزدور او چیز مقدس نخورد. اما اگر کاهن کسی را بخرد زرخیرد او میباشد او از آن بخورد و خانه زاد او نیز، هر دو خوراک او را بخورند. دختر کاهن اگر منکوحه مرد بیگانه باشد از هدایای مقدس نخورد. و دختر کاهن که یا مطلقه بشود و اولاد نداشته بخانه پدر خود مثل طفولیتش برگردد خوراک پدر خود را بخورد لیکن هیچ غریب از آن نخورد. و اگر کسی سهواً چیز مقدس را بخورد پنج یک بر آن اضافه کرده آن چیز مقدس را به کاهن بدهد. و چیزهای مقدس بنی اسرائیل که برای خداوند میگذارند بی حرمت ن سازند. و بخوردن چیزهای مقدس ایشان، ایشانرا متحمل جرم گناه ن سازند.

۱۲ — در دهم این ماه هفتم، روز کفاره است این برای شما محفل مقدس باشد و روزه بگیرید و قربانی که با آتش آماده گردد برای خداوند بگذارانید. و در همان روز هیچ کار نکنید زیرا که روز کفاره است تا برای شما بحضور یهوه خدای شما کفاره بشود. هر کسی که در همان روز روزه نگیرد از قوم خود منقطع خواهد شد. و هر کسی که در همان روز هرگونه کاری بکند آن شخص را از میان قوم او منقطع خواهیم ساخت. هیچکار نکنید. برای نسل اندر نسل های شما در همه مسکنهای شما فریضه ابدی است. این برای شما سبت آرامی خواهد بود پس روزه بگیرید در شام روز نهم از شام تا شام سبت خود را نگاه دارید.

۱۳ — در روز پانزدهم این ماه هفتم عید خیمه ها (۱) هفت روز برای خداوند خواهد بود در روز اول محفل مقدس باشد هیچ کار از شغل نکنید. هفت روز قربانی که با آتش آماده گردد برای خداوند بگذارانید و در روز هشتم جشن مقدس برای شما باشد و قربانی که با آتش آماده گردد برای خداوند بگذارانید این تکمیل عید است هیچ کار از شغل نکنید.

۱۴ — در روز پانزدهم ماه هفتم چون شما محصول زمین را جمع کرده باشید عید خداوند را هفت روز نگاه دارید، در روز اول آرامی سبت خواهد بود و

(۱) عید سایبان.

در روز هشتم آرامی سبت. و در روز اول میوه درختان نیکو (۱) برای خود بگیرید و شاخهای خرما (۲) و شاخهای درختان پر برگ و بیدهای نهر و بحضور یهوه خدای خود هفت روز شادی نمائید. و آنرا هر سال هفت روز برای خداوند عید نگاه دارید برای پشتهای شمایریضه ابدی است که در ماه هفتم آنرا عید نگاه دارید. هفت روز در خیمه ها ساکن باشید همه متوطنان در اسرائیل در خیمه ها ساکن شوند. تا طبقات شما بدانند که من بنی اسرائیل را وقتی که ایشان را از زمین مصر مصر بیرون آوردم در خیمه ها ساکن گردانیدم پس یهوه خدای شما هستم. پس موسی بنی اسرائیل را از عیدهای خداوند خبر داد.

۱۵ — و خداوند موسی را خطاب کرده گفت. بنی اسرائیل را خطاب کرده بایشان بگو چون کسی نذر مخصوصی نفوس نماید (۳)، بر حسب برآورد تو، از آن خداوند باشند. و اگر برآورد تو، به جهت ذکور از بیست ساله تا شصت ساله برآورد تو باشد پنجاه مثقال نقره بر حسب مثقال قدس خواهد بود. و اگر اناث باشد برآورد تو، سی مثقال خواهد بود. و اگر از پنج ساله تا بیست ساله باشد برآورد تو، به جهت ذکور بیست مثقال و به جهت اناث ده مثقال خواهد بود. و اگر از یک ماه تا پنج ساله باشد برآورد تو، به جهت ذکور پنج مثقال نقره و به جهت اناث برآورد تو، سه مثقال نقره خواهد بود. و اگر از شصت ساله بالاتر باشد اگر ذکور باشد آنگاه برآورد تو، پانزده مثقال و برای اناث ده مثقال خواهد بود. و اگر از برآورد تو، فقیرتر باشد پس او را بحضور کاهن حاضر کنند و کاهن برایش برآورد کند و کاهن بمقدار قوه آنکه نذر کرده برای وی برآورد نماید. و اگر بهیمه باشد از آنهایی که برای خداوند قربان میگذرانند هر آنچه را که از آنها به خداوند

(۱) منظور میوه (ایطروق) است که نوعی توسرخ میباشد.

(۲) منظور (لولا ب) شاخه نوعی از درخت مرکبات است.

(۳) منظور نذری است که بعضی افراد خود را وقف در خدمت مذهب و خداوند

می نمودند و با این مقررات یعنی با پرداخت نقدی یا مالی می توانستند از خدمت خود را معاف نمایند.

بدهند وقف خداوند خواهد بود (۱). آنرا مبادله نمائید و خورا بهید یا بد را به خوب عوض نکنید و اگر بهیمه مبادله کنند هم آن و آنچه به عوض آن داده شود هر دو مقدس خواهد بود. و اگر هر قسم بهیمه نجس باشد که از آن قربانی برای خداوند نمی گذرانند آن بهیمه را پیش کاهن حاضر کنند. و کاهن آنرا چه خوب چه بد قیمت کند و بر حسب برآورد تو ای کاهن چنین باشد. و اگر آنرا فدیه دهد پنج یک بر برآورد تو، زیاده دهد. و اگر کسی خانه خود را وقف کند و بخواهد خانه خود را فدیه دهد پس پنج یک بر نقد برآورد تو، زیاده کند و از آن او خواهد بود. و اگر کسی قطعه از زمین ملک خود را برای خداوند وقف نماید آنگاه برآورد تو، موافق زراعت آن باشد زراعت یک حرموجو (حدود ۳۳۳ کیلو) به پنجاه مثقال نقره باشد. و اگر زمین خود را از سال یوبیل وقف نماید موافق برآورد تو برقرار باشد. و اگر زمین خود را بعد از یوبیل وقف نماید آنگاه کاهن نقد آنرا موافق سالهائیکه تا سال یوبیل باقی می باشد برای وی بشمارد و از برآورد تو تخفیف شود. و اگر آن که زمین را وقف کرد بخواهد آن را فدیه دهد پس پنج یک از نقد برآورد تو بر آن بیفزاید و برای وی برقرار شود. و اگر نخواهد زمین را فدیه دهد یا اگر زمین را به دیگری فروخته باشد بعد از آن فدیه داده نخواهد شد. و آن زمین در یوبیل رها شود مثل زمین وقف برای خداوند، مقدس خواهد بود و ملکیت آن برای کاهن است. و اگر زمین را خریده باشد که آن زمین ملک او نبود برای خداوند وقف نماید. آنگاه کاهن مبلغ برآورد ترا تا سال یوبیل برای وی بشمارد و در آن روز برآورد ترا مثل وقف خداوند بوی بدهد. و آن زمین در سال یوبیل به کسی که از او خریده شده بود خواهد برگشت یعنی به کسی که آن زمین ملک موروثی وی بود و هر برآورد تو، موافق مثقال قدس باشد که بیست جیره یک مثقال است. لیکن نخست زاده از بهایم که برای خداوند نخست زاده شده باشد هیچکس آنرا وقف نماید خواه گاو خواه

(۱) منظور از وقف خداوند خواهد بود آنست که متعلق به امور مذهبی خواهد بود.

گوسفند از آن خداوند است. و اگر از بهاییم نجس باشد آنگاه بر حسب برآورد تر باز خرید کند و پنج یک بر آن بیفزاید و اگر فدیة داده نشود پس موافق برآورد تو فروخته شود. اما هر چیزی که کسی حکم تحریم آنرا صادر کند و برای خداوند وقف نماید از کل مایملک خود چه از انسان چه از بهاییم چه از زمین ملک خود نه فروخته شود و نه باز خرید شود زیرا هر چه وقف باشد برای خداوند قدس القدوس است. هر وقتی که از انسان حکم تحریمش صادر شده باشد و وقف خداوند شده باشد باز خرید نگردد و باز خریده آن گشته شود. و تمامی ده یک زمین چه از تخم زمین چه از میوه درخت از آن خداوند است و برای خداوند مقدس میباشد. و اگر کسی از ده یک خود چیزی باز خرید کند پنج یک آنرا بر آن بیفزاید. و تمامی ده یک گاو و گوسفند یعنی هر چه زیر چوبدستی چوپانان بگذرد یک دهم آن برای خداوند مقدس خواهد بود. در خوبی و بدی آن تفحص ننماید و آنرا مبادله نکند و اگر آنرا مبادله کند هم آن و هم بدل آن مقدس خواهد بود (۱) و فدیة داده نشود. اینست اوامری که خداوند به موسی برای بنی اسرائیل در کوه سینا امر فرمود.

۱۶ — هرگاه مردی یا زنی به هر کدام از جمیع گناهان انسان مرتکب شده به خداوند خیانت ورزد آن شخص مجرم شود، آنگاه گناهی را که کرده است اعتراف بنماید و مالی را که به خطا تصرف کرده است پس دهد و خمس آن را بر آن مزید کرده، بکسی که بر او جرم نموده است بدهد. و اگر آن کس را ولی نباشد که موضوع دعوی جرم باو داده شود آنگاه دیه جرمیکه برای خداوند داده میشود از آن کاهن خواهد بود علاوه بر قوچ کفاره که به آن درباره وی کفاره میشود. و هر هدیه تقدیمی از همه موقوفات بنی اسرائیل که نزد کاهن میآورند از آن او باشد و موقوفات هر کس از آن او خواهد بود و هر چه که کسی به کاهن بدهد از آن او باشد.

۱۷ — و خداوند موسی را خطاب کرده گفت. بنی اسرائیل را خطاب

(۱) در این فصل مکرر به جمله (مقدس خواهد بود) برخورد میشود. منظور آن است که متعلق به معبد و خادمین آن است.

کرده بایشان بگو چون مرد یا زن نذر خاص یعنی نذر نذیره بکند و خود را برای خداوند تخصیص نماید. آنگاه از شراب و مسکرات پرهیزد و سرکه شراب و سرکه مسکرات را ننوشد و هیچ عصیر انگور ننوشد و انگور تازه یا خشک نخورد و تمام ایام تخصیصش از هر چیزی که از تانگ انگور ساخته شود از هسته تا پوست نخورد. و تمام ایام نذر تخصیص او، تیغ بر سر او نیاید و تا انقضای روزهاییکه خود برای خداوند تخصیص نموده است مقدس شده موهای سر خود را بلند دارد. و تمام روزهاییکه خود را برای خداوند تخصیص نموده است نزدیک بدن میت نیاید. برای پدر و مادر و برادر و خواهر خود هنگامیکه بمیرند خویشتن را نجس (۱) نسازد زیرا که تخصیص خدایش بر سر وی میباشد. تمامی روزهای تخصیصش برای خداوند مقدس خواهد بود. و اگر کسی دفعه‌تاً ناگهان نزد او بمیرند پس سر خود را در روز طهارت خویش بترشد یعنی در روز هفتم (۲) آنرا بترشد و در روز هشتم دوقمری یا دو جوجه کبوتر نزد کاهن، بدر خیمه اجتماع بیاورد و کاهن یکی را برای قربانی گناه و دیگر را برای قربانی سوختنی گذرانیده برای وی کفاره نماید از آنچه به سبب میت گناه کرده است و سر او را در آن روز تقدیس نماید و روزهای تخصیص خود را برای خداوند (از نو) تخصیص نماید و بره نرینه یک ساله برای قربانی جرم بیاورد لیکن روزهای اول، از درجه اعتبار ساقط خواهند بود چونکه دوران تخصیص او نجس شده است. این است قانون نذیره، چون روزهای تخصیص او تمام شود آنگاه او را نزد دوازده خیمه اجتماع بیاورند، و قربانی خود را برای خداوند بگذرانند یعنی یک بره نرینه یکساله بی عیب بجهته قربانی سوختنی و یک بره ماده یکساله بی عیب به جهته قربانی گناه و یک قوچ بی عیب ذبیحه سلامتی. و یک سبد نان فطیر یعنی گردهای آرد نرم سرشته شده با روغن و قرصهای فطیر مسح شده با روغن و هدیه آردی آنها و

(۱) مکرر تفسیر شد که نجس به معنی عفونت است.

(۲) هفت روزی را که یهودیان برای خویشان نزدیک عزاداری دارند مربوط به همین

اشاره است.

هدیه ریختنی آنها، و کاهن آنها را به حضور خداوند نزدیک آورده قربانی گناه و قربانی سوختنی او را بگذرانند. و قوچ را با سبد نان فطیر به جهت ذبیحه سلامتی برای خداوند بگذرانند و کاهن هدیه آردی و هدیه ریختنی او را بگذرانند. و آن نذیره تخصیص، سر خود را نزد در خیمه اجتماع بتراشد و موی سر تخصیص را گرفته آن را بر آتشی که زیر ذبیحه سلامتی است بگذارد. و کاهن سر دست بریان شده قوچ را با یک گرده فطیر از سبد و یک قرص فطیر گرفته آن را بر دست نذیره بعد از تراشیدن سر تخصیص بگذارد.

و کاهن آنها را به جهت هدیه جنبانیدنی بحضور خداوند بجنباند این با سینه جنبانیدنی و ران جدا شده برای کاهن مقدس است و بعد از آن نذیره شراب بنوشد. این است قانون نذیره که نذر بکند و قانون قربانی که به جهت تخصیص خود برای خداوند باید بگذرانند علاوه بر آنچه دستش به آن میرسد موافق نذری که کرده باشد و همچنین بر حسب قانون تخصیص خود باید بکند.

۱۸ — خداوند موسی را خطاب کرده گفت. هارون و پسرانش را خطاب کرده بگو به اینطور بنی اسرائیل را برکت دهید و بایشان بگوئید. یهوه ترا برکت دهد و ترا محافظت نماید. یهوه روی خود را بر تو تابان سازد و بر تو رحمت کند. یهوه روی خود را بر تو برافرازد و ترا سلامتی بخشد. و نام مرا بر بنی اسرائیل بگذرانند و من ایشان را برکت خواهم داد.

۱۹ — «راجع به خدمت و وظائف لاویان سفر اعداد باب هشتم آیه ۵ الی

۰۲۶»

۲۰ — و خداوند موسی را خطاب کرده گفت. بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو که برای خود برگوشه های رخت خویش برای نسل اندر نسل خود صیصیت (۱) بسازند و رشته به رنگ آسمانی بر هر گوشه صیصیت بگذرانند و به جهت

(۱) صیصیت همان قسم که شرح داده شد از پارچه ای است که خطوط پهن متعددی به رنگ آبی آسمانی بر آن وجود دارد و در چهار طرف آن رشته هایی دیگر بافته شده که بترتیب

شما صیصیت خواهد برد تا بر آن بنگرید و تمام اوامر خداوند را بیاد آورده بجا آورید و در پی دلها و چشمان خود که شما در پی آنها زنا میکنید منحرف نشوید تا تمامی اوامر مرا بیاد آورده بجا آورد. و به جهت خدای خود مقدس باشید.

پیشکش "راد" به تبرستان
www.tabarestan.info

→
گره‌های ۱۰ - ۵ - ۶ - ۵ که مساوی با نام تهجی نام خداوند میباشد. در واقع صیصیت با رنگ خطوط آبی مظهر ملت اسرائیل و چهار رشته ها گوشه ها مظهر وحدانیت و مذهب موسویت میباشد. در مواقع نماز در کنیسه یهودیان صیصیت را بر سر خود میندازند.

فصل سیزدهم

مقررات مربوط به سنت تاریخی و ملی یهود

۱ — خداوند موسی و هارون را در زمین مصر مخاطب ساخته گفت. این

ماه برای شما سر ماهها باشد این اول از ماههای سال برای شما است (۱)

۲ — و آن روز شما را برای یادگاری خواهد بود و در آن

عیدی برای خداوند نگاه دارید و آنرا فریضه ابدی نسل اندر نسل به عنوان عید نگاه دارید. هفت روز نان فطیر بخورید در روز اول خمیر مایه را از خانه های خود بیرون کنید زیرا هر که از روز نخستین تا روز هفتمین چیزی خمیر شده بخورد آن شخص از اسرائیل منقطع گردد و در روز اول محفل دینی و در روز هفتم محفل مقدس برای شما خواهد بود و در آنها هیچ کار کرده نشود (۲) بنابراین این روز را در نسلهای خود به فریضه ابدی نگاه دارید. در ماه اول در روز چهاردهم ماه در شام نان فطیر بخورید تا شام بیست و یکم ماه. هفت روز خمیر مایه در خانه های شما یافت نشود زیرا هر که چیزی خمیر شده بخورد آن شخص از جماعت اسرائیل منقطع گردد.....

۳ — و اگر غریبی نزد تو وارد شود و بخواد فسخ را برای خداوند

(۱) ماه نisan اول ماه بهار است.

(۲) اشاره به عید (پسح) که روز ۱۵ ماه نisan آغاز میشود میباشد.

مرعی بدارد تمامی ذکورانش مختون شوند و بعد از آن نزدیک آمده آن را نگاه دارد و مانند بومی زمین خواهد بود و اما هر نامختون از آن نخورد. یک قانون خواهد بود برای اهل وطن و به جهته غریبی که در میان شما وارد شود (۱)

(۴) بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو اگر کسی از شما یا از اعقاب شما از میت نجس شود یا در سفر دور باشد معهذا فسخ را برای خداوند بجا آورد. در روز چهاردهم ماه دوم آن را در وقت عصر بجا آورند و آن را با نان فطیر و سبزی تلخ بخورند. چیزی از آن تا صبح نگذارند و از آن استخوانی نشکنند برحسب جمیع فرایض فسخ آن را معمول دارند. اما کسی که طاهر باشد و در سفر نباشد و از بجا آوردن فسخ باز ایستد آن کس از قوم خود منقطع شود چونکه قربانی خداوند را در موسمش نگذرانیده است آن شخص گناه خود را متحمل خواهد شد. و اگر غریبی در میان شما مأواگزیند و بخواد که فسخ را برای خداوند بجا آورد برحسب فریضه و حکم فسخ عمل نماید برای شما یک فریضه میباشد خواه برای غریب خواه برای متوطن.

۵ - در ماه اول در روز چهاردهم ماه بین العصرین فسخ خداوند است. و در روز پانزدهم این ماه عید فطیر برای خداوند است هفت روز فطیر بخورید. در روز اول محفل مقدس برای شما باشد هیچ کار از شغل مکنید.

۶ - خداوند موسی را خطاب کرده گفت. بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو در ماه هفتم در روز اول ماه آرامی سبت برای شما خواهد بود یعنی یادگاری نواختن کرناها و محفل مقدس (۲). هیچ کار از شغل مکنید و قربانی که با آتش آماده میگردد برای خداوند بگذرانید.

(۱) منظور آن است که غیر یهودی هرگاه بخواد موسوی گردد و بخواد مراسم عید فسخ را مرعی دارد باید ختنه نماید.

(۲) منظور عید اول تشری (روشحشانا) میباشد یا اول سال عبری، سال عبری اول پائیز میباشد و علت آنکه اول پائیز برای اول سال انتخاب شده آن است که در آن موقع اکثریت اهالی کشور که کشاورز بودند کارهای امور فلاحی آنها خصوصاً درو و جمع آوری محصولات خاتمه یافته میتوانستند براحته جشن سال جدید را شروع نمایند.

فصل چهاردهم

قدغن اکید در کم یا زیاد کردن قوانین تورات

و لزوم اجرای کامل آن

- ۱ - بر کلامی که من به شما امر میفرمایم چیزی میفزائید و چیزی از آن کم نمائید تا اوامر یهوه خدای خود را که بشما امر میفرمایم نگاه دارند.
- ۳ - پس توجه نمائید تا آنچه یهوه خدای شما به شما امر فرموده است بعمل آورید و بر است و چپ انحراف نمائید در تمامی آن طریقی که یهوه خدای شما بشما امر فرموده است سلوک نمائید تا برای شما نیکو باشد و ایام خود را در زمینی که به تصرف خواهید آورد طویل نمائید.
- ۴ - پس بنی اسرائیل بشنو و در عمل نمودن آن متوجه باش تا برای تونیکو باشد و بسیاری افزوده شوی از زمینی که به شیروشهد جاریست چنانکه یهوه خدای پدرانت ترا وعده داده است. ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه یکتا است. پس یهوه خدای خود را با تمامی قلب با تمامی جان و تمامی ثروت خود دوست بدار. و این سخنانیکه من امروز ترا امر میفرمایم بردل تو باشد. و آنها را به پسرانت بدقت تعلیم نما و درباره آنها چه در موقع نشستنت در منزل چه در موقع رفتن تو به مسافرت و چه در موقع خوابیدن و چه در موقع برخاستن با او سخن بگو. و

آنها را بردست خود برای علامت ببند (۱) و در میان چشمانت چون (تفیلین) باشد (۲) و آنها را بر چهارچوب درب منزل در خانه ات و بر دروازه های بنویس (۳) و چون یهوه خدایت ترا به زمینی که برای پدرانت ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورد که بتو بدهد در آورد و به شهرهای بزرگ و خوشنمائی که تو بنا نکرده ای و به خانه های پر از نعمت ها که پرنکرده ای و حوضهای کنده شده که نکرده ای و تاکستانها و باغهای زیتونی که غرس نموده ای و از آنها خورده و سیر شدی، آنگاه با حذر باش مبادا خداوند را که ترا از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد فراموش کنی از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما و بنام او قسم بخور. خدایان دیگر را از خدایان طوایفی که به اطراف تو میباشند پیروی منمائید، زیرا یهوه خدای تو که در میان تو است خدائی غیور است مبادا غضب یهوه خدایت بر تو افروخته شود و ترا از روی زمین هلاک سازد. یهوه خدای خود را میازمائید چنانکه او را در (مسا) آزمودید. توجه نمائید تا او اسر یهوه خدای خود را و شهادت و فرایض او را که به شما امر فرموده است نگاه دارید.

و آنچه در نظر خداوند راست و نیکو است به عمل آور تا برای تو نیکو شود و داخل شده آن زمین نیکو را که خداوند برای پدرانت قسم خورد بتصرف

۱ و ۲ و ۳ — مؤمنین یهود جنبه صبری و لغوی سه موضوع مورد بحث را مراعات و مورد توجه قرار داده اند بدین معنی که آیات فوق را نوشته و هنگام اقامه نماز و ادای مراسم مذهبی بر بازوی خود بسته یا بر پیشانی خود بین دوچشمان خویش قرار داده یا آنرا در محفظه نهاده و بر سر لوحه درب خانه خود نصب نموده در صورتیکه منظور به معنی واقعی آن بوده که بدین طریق همواره قوانین تورات را نصب العین و مد نظر قرار داده و بازوهای ایشان بدانها عمل نماید و هنگام خروج یا دخول به خانه تذکاری برای یادآوری این قوانین وجود داشته باشد و یا بطور اختصار همواره در هر حال و زمان و در هر وضع و حالتی که هستند آنها را بیاد داشته و به موقع خود بدانها عمل نمایند.

بدون تردید مؤمنین یهود با تفسیر بالا موافقت ندارند بهر جهت بایستی اذعان نمود که اجرای هر روزه جنبه صبری و لغوی ۳ موضوع مورد بحث در طول قرنهای پراکندگی یهودیان در اکثر ممالک جهان در مد نظر قرار دادن حکم توحید در مقابل انظار کمک بزرگی به حفظ موسویت و وحدانیت و یهودیت نموده است.

آوری. و تا جمیع دشمنانت را از حضورت اخراج نماید چنانکه خداوند گفته است. چون پسر تو در ایام آینده از تو سؤال نموده گوید که مراد از این شهادت و فرایض و احکامی که یهوه خدای ما به شما امر فرموده است چیست پس به پسر خود بگو ما در مصر غلام فرعون بودیم و خداوند ما را از مصر با دست قوی بیرون آورد و خداوند در مصر بر علیه فرعون و تمامی اهل خانواده او اعمال شگفت آور مهیب و معجزات بزرگی بخطر ما نمود و ما را از آنجا بیرون آورد تا ما را به زمینی که برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد در آورد. و خداوند ما را مأمور داشت که تمام این فرایض را بجا آورده از یهوه خدای خود بترسیم تا برای ما همیشه نیکو باشد و ما را زنده نگاه دارد چنانکه تا امروز شده است و برای ما عدالت خواهد بود که متوجه شویم که جمیع این اوامر را به حضور یهوه خدای خود بجا آوریم چنانکه ما را امر فرموده است.

۵ — تمامی اوامری را که من امروز بشما امر میفرمایم حفظ داشته بجا آورید تا زنده مانده زیاد شوید و به زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورده بود داخل شده آن را به ارث ببرید.

۶ — و اوامر یهوه خدای خود را نگاه داشته در طریقهای او سلوک نما و از او بترس.

۷ — پس با حذر باش مبادا یهوه خدای خود را فراموش کنی و اوامر و احکام و فرایض او را که من امروز بتو امر میفرمایم نگاه نداری. مبادا خورده سیر شوی و خانه های نیکو بنا کرده در آن ساکن شوی. و ربه و گله تو زیاد شود و ثمره و طلا برای تو افزون شود و مایملک تو افزوده گردد. و دل تو مغرور شده یهوه خدای خود را که ترا از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد فراموش کنی. که ترا دریابان بزرگ و خوفناک که در آن مارهای آتشین و عقربها و زمین تشنه بی آب بود رهبری نمود که برای تو آب از سنگ خارا بیرون آورد. که ترا دریابان (مان) را خورانید که پدرانت آن را ندانسته بودند، تا ترا عذاب دهد و ترا بیازماید و بر تو در آخرت احسان نماید. مبادا در دل خود بگوئی قوت من توانائی دست

من و این توانائی دست من این توانگری را از برایم پیدا کرده است. بلکه یهوه خدای خود را بیاد آور زیرا او است که بتوقوت میدهد تا توانگری پیدا نمائی تا عهد خود را که برای پدرانت قسم خورده بود استوار بدارد چنانکه امروز شده است. و اگر یهوه خدای خود را فراموش کنی و پیروی خدایان دیگر نموده آنها را عبادت و سجده نمائی امروز بر شما شهادت میدهم که البته هلاک خواهید شد. مثل قومهایی که خداوند پیش روی تو هلاک میسازد شما همچنین هلاک خواهید شد از این جهت که قول یهوه خدای خود را نشنیدید.

۸ — پس الان ای اسرائیل یهوه خدایت از تو چه می خواهد جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقههایش سلوک نمائی و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمائی. و او امر خداوند و فرایض او را که من امروز ترا برای خیریت امر میفرمایم نگاه داری. اینک فلک و فلک الافلاک از آن یهوه خدای تو است و زمین هر آنچه در آن است. لیکن خداوند به پدران تو رغبت داشته ایشان را محبت می نمود و بعد از ایشان یعنی شما را از همه قوم ها برگزید چنانکه امروز شده است. پس آلودگیها را از دل خود بزدائید و دیگر گردن کشی ننمائید.

زیرا که یهوه خدای شما خدای خدایان سرور کل کائنات و خدای عظیم و جبار و مهیب است که طرفداری نمی کند و رشوه نمیگیرد. یتیمان و بیوه زنان را دادرسی میکند و غریبان را دوست داشته خوراک و پوشاک به ایشان میدهد. پس غریبان را دوست دارید زیرا که در زمین مصر غریب بودید. از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما و به او ملصق شو و بنام او قسم بخور. او فخر تو است او خدای تو است که برای تو این اعمال عظیم و مهیبی که چشمانت دیده بجا آورده است. پدران تو با هفتاد نفر بمصر فرود شدند و الان یهوه خدایت ترا مثل ستارگان آسمان کثیر ساخته است.

۹ — پس یهوه خدای خود را دوست بدار و شریعت و فرایض و احکام و اوامر او را در همه وقت نگاه دار. و امروز بدانید زیرا که به پسران شما سخن

نمی‌گویم که ندانسته‌اند و تسادیب یهوه خدای شما را ندیده‌اند و نه عظمت و دست قوی و بازوی افراشته او را. و اعمال شگفت‌آور او را که در میان مصر به‌فرعون پادشاه مصر و به تمامی زمین او به‌ظهور آورد. و آنچه را که به‌لشگر مصریان به‌اسبها و بعربه‌های ایشان کرد که چگونه آب بحر قلزم (۱) را بر ایشان جاری ساخت وقتی که شما را تعاقب می‌نمودند و چگونه خداوند ایشان را تا به‌امروز هلاک ساخت. و آنچه را که برای شما در بیابان کرد تا شما به‌اینجا رسیدید. و آنچه را که به‌داناتان و ایبرام پسران الیاب‌بن راوین کرد که چگونه زمین دهان خود را گشوده ایشان را و خاندان و خیمه‌های ایشان را و هرذی حیات را که همراه ایشان بود در میان تمامی اسرائیل بلعید. لیکن چشمان شما تمامی اعمال عظیمه خداوند را که کرده بود دیدند. پس جمیع اواسری را که من امروز برای شما امر می‌فرمایم نگاه دارید تا قوی شوید و داخل شده زمینی را که برای گرفتن آن عبور می‌کنید به‌تصرف آورید.

و تا در زمینی که بشیر و شهد جاریست. زیرا زمینی که تو برای وارث شدن آن داخل میشوی مثل زمین مصر که از آن بیرون‌آمدی نیست که در آن تخم خود را می‌کاشتی و آن را به‌مثل باغ سبزی کاری با پاهایت آبیاری میکردی (۲). لیکن زمینی که شما برای گرفتنش به‌آن عبور می‌کنید زمین کوهها و دره‌ها است که از بارش آسمان آب می‌نوشد. زمینی است که یهوه خدایت بر آن التفات دارد و چشمان یهوه خدایت از اول سال تا آخر سال پیوسته بر آن است. و چنین خواهد شد که اگر اواسری را که من امروز برای شما امر می‌فرمایم بشنوید و یهوه‌خدای خود را دوست بدارید و او را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمائید. آنگاه باران زمین شما یعنی باران اولین و آخرین را در موسمش خواهد بخشید تا غله و شراب تازه و روغن خود را جمع نمائی. و در صحرای تو برای بهایمت علف

(۱) مقصود دریای احمر است.

(۲) اشاره‌ایست به رودخانه نیل که در اثر طغیان آب آن زمین‌های حاصلخیز بوجود می‌آیند و زمین بدون احتیاج به بارندگی محصول می‌دهند.

خواهم داد تا بخوری و سیر شوی. با حذر باشید مبادا دل شما فریفته شود و برگشته خدایان دیگر را عبادت و سجده نمائید. و خشم خداوند بر شما افروخته شود تا آسمان را مسدود سازد و باران نبارد و زمین محصول خود را ندهد و شما از زمین نیکوئی که خداوند به شما می دهد بزودی هلاک شوید. پس این سخنان مرا در دل و جان خود جا دهید و آنها را بر دستهای خود برای علامت ببندید و در میان چشمان شما جایگزین باشد. و آنها را به پسران خود تعلیم دهید و حین نشستنت در خانه خود و رفتنت و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نمائید. و آنها را بر چهار چوب های درخانه خود و بر دروازه های خود بنویسید. تا ایام شما و ایام پسران شما بر زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که به ایشان بدهد کثیر شود مثل ایام افلاک بر بالای زمین. زیرا اگر تمامی این اوامر را که من بجهتته عمل نمودن به شما امر میفرمایم نیکو نگاه دارید تا یهوه خدای خود را دوست دارید و در تمامی طریقه های او رفتار نموده و به او ملصق شوید.

۱. — اینها است فرایض و احکامی که شما در تمامی روزهایی که بر زمین زنده خواهید ماند میباید متوجه شده بعمل آورید. در زمینی که یهوه خدای پدرانت به تو داده است تا در آن به ارث بیری. جمیع اماکن (۱) استهائی که در آنها خدایان خود را عبادت می کنید و شما آنها را اخراج مینمائید خراب نمائید خواه بر کوه های بلند خواه بر تلها و خواه زیر هر درخت سبز، مذبحهای ایشان را بشکنید و ستونهای ایشان را خورد کنید و اشیره های ایشان را به آتش بسوزانید و بتهای تراشیده شده خدایان ایشان را از آنجا محو سازید (۲).

۱۱. — با حذر باش که لایوان را در تمامی روزهایی که در زمین خود باشی ترك نمائی.

۱۲. — متوجه باش که همه این سخنانی را که من بتو امر میفرمایم بشنوی تا برای تو بعد از تو برای پسرانت هنگامیکه آنچه در نظر یهوه خدایت نیکو و راست است بجا آوری تا ابد نیکو باشد.

(۱) منظور از اماکن معبدها یا بت خانه ها است.

(۲) منظور خرابی اصنام و نابودی بتها میباشد.

فصل پانزدهم

مجازات و مکافات در عدم تمکین از فرامین تورات و پیش‌بینی‌های

حضرت موسی راجع به آینده بنی اسرائیل

۱ - اگر در فرایض من سلوک نمائید و اوامر مرا نگاه داشته آنها را بجا آورید، آنگاه بارانهای شما را در موسم آنها خواهم داد و زمین محصول خود را خواهد آورد و درختان صحرا میوه خود را خواهد داد. و کوفتن خرمن شما تا چیدن انگور خواهد رسید و چیدن انگور تا کاشتن تخم خواهد رسید و نان خود را به سیری خورده و در زمین خود به امنیت سکونت خواهید کرد. و به زمین، سلامتی خواهم داد و خواهید خوابید و ترساننده نخواهد بود و حیوانات مودی را از زمین نابود خواهم ساخت و شمشیر از زمین شما گذر نخواهد کرد. و دشمنان خود را تعاقب خواهید کرد و ایشان پیش روی شما از شمشیر خواهند افتاد. و پنج نفر از شما صد را تعاقب خواهند کرد و صد از شما ده هزار را خواهند راند و دشمنان شما پیش روی شما از شمشیر خواهند افتاد. و بر شما التفات خواهم کرد و شما را بارور گردانیده شما را کثیر خواهم ساخت و عهد خود را با شما استوار خواهم نمود. و غله کهنه‌تر را خواهید خورد و غله نو را جانشین غله کهنه خواهید کرد. و مسکن خود را در میان شما برپا خواهم کرد و شما را مکروه نخواهم داشت. و در میان شما خواهم خرامید و خدای شما خواهم بود و شما

قوم من خواهید بود. من یهوه خدای شما هستم که شما را از زمین مصر بیرون آوردم تا ایشان را برده نباشید و بندهای یوغ شما را شکستم و شما را راست روان ساختم. و اگر مرا نشنوید و جمیع این اوامر را بجا نیاورید و اگر فرایض مرا رد نمائید و دل شما احکام مرا مکروه دارد تا تمامی اوامر مرا بجا نیاورده عهد مرا بشکنید، من این را بشما خواهم کرد که وحشت وسل و تب را که قوای چشمان را تحلیل برده و جان را تلف نمایند، بر شما مسلط خواهم ساخت و تخم خود را بی فایده خواهید کاشت و دشمنان شما آن را خواهند خورد. و روی خود را به ضد شما خواهم داشت و پیش روی دشمنان خود منهنزم خواهید شد و آنانی که از شما نفرت دارند بر شما حکمرانی خواهند کرد و بدون تعاقب کننده فرار خواهید نمود و اگر با وجود این همه، مرا نشنوید آنگاه شما را برای گناهان شما هفت مرتبه زیاده سیاست خواهم کرد. و فخر و قوت شما را خواهم شکست و آسمان شما را مثل آهن و زمین شما را مثل مفرغ خواهم ساخت. و قوت شما در بطالت صرف خواهد شد زیرا زمین شما حاصل خود را نخواهد داد و درختان زمین میوه خود را نخواهند آورد و اگر برخلاف من رفتار نموده از شنیدن من ابا نمائید آنگاه بر حسب گناهانتان هفت چندان بلایای زیاده بر شما عارض گردانم. و وحوش صحرا را بر شما فرستم تا شما را بی اولاد سازند و بهایم شما را هلاک کنند و شما را در شماره کم سازند و شاهراههای شما ویران خواهد شد. و اگر این همه از من متنبه نشده برخلاف، رفتار کنید آنگاه من نیز برخلاف شما رفتار خواهم کرد و شما را برای گناهانتان هفت چندان سزا خواهم داد. و بر شما شمشیری خواهم آورد که انتقام عهد مرا بگیرد و چون به شهرهای خود جمع شوید، طاعون در میان شما خواهم فرستاد و به دست دشمن تسلیم خواهید شد و چون عصای نان شما را بشکنم ده زن نان شما را در یک تنور خواهند پخت و نان شما را به شما به وزن پس خواهند داد و چون بخورید سیر نخواهید شد. و اگر با وجود این مرا نشنوید و به خلاف من رفتار نمائید، آنگاه به غضب برخلاف شما رفتار خواهم کرد و من نیز برای گناهانتان شما را هفت چندان سیاست خواهم کرد و گوشت پسران خود

را خواهید خورد و گوشت دختران خود را خواهید خورد. و مکانهای بلند شما را
 خراب خواهیم ساخت و اصنام شما را قطع خواهیم کرد و لاشهای شما را بر لاشهای
 پتهای شما خواهیم افکند و جان شما را مکروه خواهیم داشت و شهرهای شما را
 خراب خواهیم ساخت و مکانهای مقدس شما را ویران خواهیم کرد و بوی عطرها
 خوشبوی شما را نخواهم بوئید. و من زمین را ویران خواهم ساخت بعدی که
 دشمنان شما که در آن ساکن باشند متحیر خواهند شد، و شما را در میان امتهای
 پراکنده خواهیم ساخت و شمشیر را در عقب شما خواهیم کشید و زمین شما ویران و
 شهرهای شما خراب خواهند شد. آنگاه زمین در تمامی روزهای ویرانیش حینی که
 شما در زمین دشمنان خود باشید از سبتهای خود تمتع خواهد برد پس زمین آرامی
 خواهد یافت و از سبتهای خود تمتع خواهد برد. تمامی روزهای ویرانیش آرامی
 خواهد یافت یعنی آن آرامی که در سبتهای شما حینی که در آن ساکن میبودید
 نیافته بود. و اما در دلهای بقیه شما در زمین دشمنان شما ضعف خواهیم فرستاد
 و آواز برگ رانده شده، شما را خواهد گریزانید و بدون تعاقب کننده مثل کسی
 که از شمشیر فرار کند خواهند گریخت و خواهند افتاد. و به روی یکدیگر از دم
 شمشیر خواهند ریخت با آنکه کسی تعاقب نکند و شما را یارای مقاومت با دشمنان
 خود نخواهد بود. و در میان امتهای هلاک خواهید شد و زمین دشمنان شما، شما
 را خواهد خورد و بقیه شما در زمین دشمنان خود در گناهان خود فانی خواهید
 شد و در گناهان پدران خود نیز فانی خواهید شد پس به گناهان خود و به گناهان
 پدران خود در خیانتی که به من ورزیده و سلوکی که برخلاف من نموده اند اعتراف
 خواهند کرد. از این سبب من نیز برخلاف ایشان رفتار خواهم نمود و ایشان را
 به زمین دشمنان ایشان خواهم آورد پس اگر دل نامختون ایشان متراضع شود و سزای
 گناهان خود را بپذیرند، آنگاه عهد خود را با یعقوب بیاد خواهم آورد و عهد
 خود را با اسحق نیز و عهد خود را با ابراهیم نیز به یاد خواهم آورد و آن زمین
 را به یاد خواهم آورد. و زمین از ایشان ترك خواهد شد و چون از ایشان ویران باشد
 از سبتهای خود تمتع خواهد برد و ایشان سزای گناه خود را خواهند پذیرفت

به سبب اینکه احکام مرا رد کردند و دل ایشان فرایض مرا مکروه داشت. با وجود این همه نیز چون در زمین دشمنان خود باشند من ایشان را رد نخواهم کرد و ایشان را مکروه نخواهم داشت تا ایشان را هلاک کنم و عهد خود را با ایشان بشکنم زیرا که من یهوه خدای ایشان هستم. بلکه برای ایشان عهد اجداد ایشان را به یاد خواهم آورد که ایشان را در نظر امتها از زمین بیرون خواهم آورد تا خدای ایشان باشم من یهوه هستم. اینست فرایض و احکام و شرایعی که خداوند در میان خود و بنی اسرائیل در کوه سینا بدست موسی قرار داد.

۲ — و چون پسران و پسران پسران را تولید نموده و در زمین مدتی ساکن باشید اگر فاسد شده بت و شبیه هر چیزی را بسازید و آنچه در نظر یهوه خدای شما بد است بجا آورده او را غضبناک سازید. آسمان و زمین را امروز بر شما شاهد میآورم که از آن زمینی که برای تصرف آن از اردن بسوی آن عبور میکنید بطور حتم بزودی هلاک خواهید شد و روزهای خود را در آن طویل نخواهید ساخت بلکه تماماً هلاک خواهید شد. و خداوند شما را در میان قومها پراکنده خواهد نمود و شما در میان طوایفی که خداوند شما را به آنجا میبرد قلیل العدد خواهید ماند. و در آنجا خدایان ساخته شده دست انسان از چوب و سنگ را عبادت خواهید کرد که نمی بینند و نمی شنوند و نمی خورند و نمی بویند لیکن اگر از آنجا یهوه خدای خود را بطلبی او را خواهی یافت به شرطی که او را به تمامی جان خود تفحص نمائی. چون در تنگی گرفتار شوی و جمیع این وقایع بر تو عارض شود در ایام آخر به سوی یهوه خدای خود برگشته آواز او را خواهید شنید. زیرا که یهوه خدای تو رحیم است ترا ترك نخواهد کرد و ترا هلاک نخواهد نمود و عهد پدرانت را که برای ایشان قسم خورده بود فراموش نخواهد کرد. زیرا که از ایام پیشین که قبل از تو بوده است از روزی که خدا آدم را بر زمین آفرید و از یک کناره آسمان تا به کناره دیگر پیرس که آیا مثل این امر عظیم واقع شده یا مثل این شنیده شده است. آیا قومی هرگز آواز خدا را که از میان آتش متکلم شود و زنده بمانند چنانکه تو شنیدی و آیا خداوند عزیمت کرد که برود و قوم برای خود از

میان قوم دیگر بگیرد، با تجربه ها و آیات و معجزات و جنگ و دست قوی و بازوی افراشته شده و ترسهای عظیم موافق هر آنچه یهوه خدای شما برای شما در مصدر نظر شما بعمل آورد. این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خدا است و غیر از او دیگری نیست. از آسمان آواز خود را به تو شنوایند تا ترا تأدیب نماید و بر زمین آتش عظیم خود را به تو نشان داد و کلام او را از میان آتش شنیدی و از این جهت که پدران ترا دوست داشته ذریت ایشان را بعد از ایشان برگزیده بود ترا به حضرت خود با قوت عظیم از مصر بیرون آورد. تداستها بزرگتر و عظیم تر از تو را پیش روی تو بیرون نماید و ترا در آورده زمین ایشان را برای ملکیت بتو دهد چنانکه امروز شده است. لهذا امروز بدان و در دل خود نگاهدار که یهوه خدا است بالا در آسمان و پائین بر روی زمین و دیگری نیست.

۳ — زیرا که تو برای یهوه خدایت قوم مقدس هستی یهوه خدایت ترا برگزیده است تا از جمیع قومهایی که بر روی زمین اند قوم مخصوصی برای خود او باشی. خداوند دل خود را با شما نه بست و شما را برگزید از این سبب که از سایر قومها کثیرتر بودید زیرا که شما از همه قومها قلیلتر بودید. لیکن از این جهت که خداوند شما را دوست میداشت و میخواست قسم خود را که برای پدران شما خورده بود بجا آورد پس خداوند شما را با دست قوی بیرون آورد و از خانه بندگی از دست فرعون پادشاه مصر رهانید. پس بدان که یهوه خدای تو همانا پروردگار است. خدای امین که عهد و رحمت خود را با آنانی که او را دوست میدارند و اوامر او را بجا میآورند تا هزار پشت نگاه میدارد و آنانی را که او را دشمن دارند، بر روی ایشان مکافات رسانیده ایشان را هلاک میسازد و بهر که او را دشمن دارد تأخیر نموده او را بر رویش مکافات خواهد رسانید پس اوامر و فرایض و احکامی را که من امروز به جهت عمل نمودن به تو امر میفرمایم نگاهدار. پس اگر احکام مرا بشنوید و آنها را نگاهداشته بجا آورد آنگاه یهوه خدایت عهد و رحمت را که برای پدرانت قسم خورده است با تو نگاه خواهد داشت. و ترا دوست داشته برکت خواهد داد و خواهد افزود و میوه بطن تو و میوه زمین ترا و غله و شراب تازه و

روغن ترا و نتایج رسه ترا و بچه های گله ترا از زمینی که برای پدرانیت قسم خورد که بتو بدهد برکت خواهد داد. از همه قومها مبارك تر خواهی شد و در میان شما و بهایم شما نریا ماده نازاد نخواهد بود. و خداوند هر بیماری را از تو دور خواهد کرد و هیچکدام از مرضهای بد مصر را که میدانی، بر تو عارض نخواهد گردانید بلکه بر تمامی دشمنانت آنها را خواهد آورد.

ع — یهوه خدایت نبی را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید. موافق هر آنچه در حوریب دور از اجتماع از یهوه خدای خود مسئلت نموده گفتمی آواز یهوه خدای خود را دیگر نشنوم و این آتش عظیم را دیگر نبینم مبادا بمیرم. و خداوند بمن گفت آنچه گفتند نیکو گفتند. نبی را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد. و اما نبی که جسارت نموده به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرمودم یا به اسم خدایان غیر سخن گوید آن نبی البته کشته شود. و اگر در دل خود گوئی سخنی را که خداوند نگفته است چگونه تشخیص نمائیم. هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد این امریست که خداوند نگفته است بلکه آن نبی آنرا از روی تکبر گفته است پس از او ترس.

ه — و اگر آواز یهوه خدای خود را بدقت بشنوی تا هوشیار شده تمامی اوامر او را که من امروز بتو امر میفرمایم بجا آوری آنگاه یهوه خدایت ترا بر جمیع استهای جهان بلند خواهد گردانید. و تمامی این برکتها به تو خواهد رسید و ترا خواهد دریافت اگر آواز یهوه خدای خود را بشنوی. در شهر مبارك و در صحرای مبارك خواهی بود. میوه بطن تو و میوه زمین تو و میوه بهایمت و بچه های گاو و بره های گله تو برکت داده خواهد شد سب و ظرف خمیر تو مبارك خواهد بود.

وقت در آمدنت مبارك و وقت بیرون رفتنت مبارك خواهی بود. و خداوند دشمنانت را که با تو مقاومت نمایند از حضور تو منهزم خواهد ساخت و از یک

راه بر تو خواهند آمد و از هفت راه پیش تو خواهند گریخت. خداوند در انهارهای تو و به هر چه دست خود را به آن دراز میکنی بر تو برکت خواهد فرسود و ترا در زمینی که یهوه خدایت بتو میدهد مبارك خواهد ساخت. و اگر اوامر یهوه خدای خود را نگاهداری و در طریقه های او سلوك نمائی خداوند ترا برای خود قوم مقدس خواهد گردانید چنانکه برای تو قسم خورده است. و جمیع امت های زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده شده است و از تو خواهند ترسید. و خداوند ترا در میوه بطن و ثمره بهایمت و محصول زمینت در زمینی که خداوند برای پدرانت قسم خورد که بتو بدهد به نیکوئی خواهد افزود. و خداوند خزینه نیکوی خود یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود تا باران زمین ترا در سوسمش بباراند و ترا در جمیع اعمال دست مبارك سازد و به امت های بسیار قرض خواهی داد و تو قرض نخواهی گرفت. و خداوند ترا سر خواهد ساخت نه دم و توقف بلند خواهی بود و نه پست اگر اوامر یهوه خدای خود را که من امروز بتو امر می فرمایم بشنوی و آنها را نگاه داشته بجا آوری. و از همه سخنانی که من امروز به تو امر میکنم بطرف راست یا چپ میل نکنی تا خدایان غیر را پیروی نموده آنها را عبادت کنی. و اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده همه اوامر و فرایض او را که من امروز بتو امر می فرمایم بجا آوری آن گاه جمیع این لعنتها بتو خواهد رسید و ترا خواهد دریافت.

در شهر ملعون و در صحرا ملعون خواهی بود. سبب و ظرف خمیر تو ملعون خواهد بود. میوه بطن تو و میوه زمین تو و بچه های گاو و بره های گله تو ملعون خواهد بود. وقت در آمدن ملعون و وقت بیرون رفتن ملعون خواهی بود. و به هر چه دست خود را برای عمل نمودن آن دراز میکنی خداوند بر تو لعنت و اضطراب و سرزنش خواهد فرستاد تا بزودی هلاک و نابود شوی به سبب بدی کارهایت که به آنها مرا ترك کرده. خداوند طاعون را بر تو ملبق خواهد ساخت تا ترا از زمینی که برای تصرفش به آن داخل میشوی هلاک سازد. و خداوند ترا با سل و تب و التهاب و حرارت و شمشیر و باد سموم و یرقان خواهد

زد و ترا تعاقب خواهند نمود تا هلاک شوی. و فلک تو که بالای سر تو است چون مس خواهد شد و زمینی که زیر تو است چون آهن. و خداوند باران زمینت را شن گرد و غبار خواهد ساخت که از آسمان بر تو نازل شود تا هلاک شوی. و خداوند ترا پیش روی دشمنان منهزم خواهد ساخت از یک راه بر ایشان بیرون خواهی رفت و از هفت راه از حضور ایشان خواهی گریخت و در تمامی ممالک جهان به تلاطم خواهی افتاد. و بدن شما برای همه پرندهگان هوا و بهایم زمین خوراک خواهد بود و هیچ کس آنها را دور نخواهد کرد. خداوند ترا بدنبال مصر و یواسیر و جرب و خارشی که تو از آن شفا نتوانی یافت مبتلا خواهد ساخت. خداوند ترا به دیوانگی و نایبانی و پریشانی دل مبتلا خواهد ساخت. و در وقت ظهر مثل کوری که در تاریکی لمس نماید کورانه راه خواهی رفت و در راههای خود کامیاب نخواهی شد، بلکه در تمامی روزهایت مظلوم و غارت شده خواهی بود و نجات دهنده نخواهد بود. زیرا نامزد خواهی کرد و دیگری با او خواهد خوابید. خانه بنا خواهی کرد و در آن ساکن خواهی شد تا کستانی غرس خواهی نمود و میوه اش را نخواهی خورد. گاو در نظرت کشته شود و از آن نخواهی خورد الاغت پیش روی تو به غارت برده شود و باز به دست تو نخواهد آمد گوسفند تو به دشمنت داده میشود و برای تو رهاننده نخواهد بود. پسران و دختران بامت دیگر داده میشوند و چشمانت نگریسته از آرزوی ایشان تمامی روز کاهیده خواهد شد و در دست تو هیچ قوه نخواهد بود. میوه زمینت و مشقت ترا استی که نشناخته ای خواهند خورد و همیشه فقط مظلوم و کوفته شده خواهی بود. به حدی که از چیزهایی که چشمت می بیند دیوانه خواهی شد. خداوند زانوها و رانهای پای تو را بدنبال بد که از آن شفا نتوانی یافت مبتلا خواهد ساخت. خداوند ترا و پادشاهی را که بر خود نصب مینمائی به سوی استی که تو و پدرانت نشناخته اید خواهد برد و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ عبادت خواهی کرد. و در میان تمامی استهائی که خداوند شما را به آنجا خواهد برد عبرت و مثل و سخریه خواهی شد. تخم بسیار به سزرعه خواهی برد و اندکی جمع خواهی کرد چونکه

ملخ آن را خواهد خورد. تا کستانها غرس نموده خدمت آنها را خواهی کرد اما شراب را نخواهی نوشید و انگور را نخواهی چید زیرا کرم آن را خواهد خورد. ترا در تمامی حدودت درختان زیتون خواهد بود لکن خویشتن را به روغن زیت تدهین نخواهی کرد زیرا زیتون تنواریس ریخته خواهد شد. پسران و دختران خواهی آورد لیکن از آن تو نخواهند بود چونکه به اسیری خواهند رفت. تمامی درختانت و محصول زمین را ملخ به تصرف خواهد آورد. غریبی که در میان تو است بر تو بی نهایت رفیع و برافراشته خواهد شد و تو بی نهایت پست و متزلزل خواهی گردید. او به تو قرض خواهد داد و تو به او قرض نخواهی داد او سر خواهد بود و تو دم خواهی بود. و جمیع این لعنتها بتو خواهد رسید و ترا تعاقب نموده دامنگیر تو خواهند شد تا هلاک شوی از این جهت که قول یهوه خدایت را گوش ندادی تا او امر و فرایضی را که به تو امر فرموده بود نگاهداری. و ترا و ذریت ترا تا به ابد آیت و شکفت خواهد بود. از این جهت که یهوه خدای خود را به شادمانی و خوشی دل برای فراوانی همه چیز عبادت نمودی. پس دشمنانت را که خداوند بر تو خواهد فرستاد در گرسنگی و تشنگی و برهنگی و احتیاج همه چیز خدمت خواهی نمود و یوغ آهنین برگردنت خواهد گذاشت تا ترا هلاک سازد. و خداوند از دور یعنی از اقصای زمین امتی را که مثل عقاب میپرد بر تو خواهد آورد امتی که زبانش را نخواهی فهمید. امتی مهیب صورت، که طرف پیران را نگاه ندارد و بر کودکان ترحم ننماید.

و نتایج بهایم و محصول زمینت را بخورد تا هلاک شوی و برای تو نیز غله و شراب تازه و روغن و بچه های گاو و بره های گوسفند را باقی نگذارد تا ترا هلاک سازد. و ترا در تمامی دروازه های محاصره کند تا دیوارهای بلند و حصین که بر آنها توکل داری در تمامی زمینت منهدم شود و ترا در تمامی دروازه های در تمامی زمینی که یهوه خدایت به تو میدهد محاصره خواهند نمود. و میوه بطن خود یعنی گوشت پسران و دخترانت را که یهوه خدایت بتو میدهد در محاصره و تنگی که دشمنانت ترا به آن زبون خواهند ساخت خواهی خورد. مردی

که در میان شما نرم و بسیار متنعّم است چشمش بر برادر خود و زن هم آغوش
 خویش و بقیه فرزندانیش که باقی میمانند بد خواهد بود. به حدی که به احدی از
 ایشان از گوشت پسران خود که میخورد نخواهد داد زیرا که در محاصره و تنگی
 که دشمنان ترا در تمامی دروازه‌های به آن زبون سازند چیزی برای اویاقی
 نخواهد ماند. و زنی که در میان شما نازک و تنعم است که به سبب تنعم و نازکی
 خود جرأت نمی‌کرد که کف پای خود را به زمین بگذارد چشم او بر شوهر هم
 آغوش خود و پسر دختر خویش بد خواهد بود. و بر مشیمه که از میان پایهای
 او درآمد و بر اولادی که بزاید زیرا که آنها را به سبب احتیاج همه چیز در محاصره
 و تنگی که دشمنان در دروازه‌های به آن ترا زبون سازند به پنهانی خواهد خورد.
 اگر به عمل نمودن تمامی کلمات این شریعت که در این کتاب مکتوبست هوشیار
 نشوی و از این نام مجید و مهیب یعنی یهوه خدایت نترسی. آنگاه خداوند
 بلایای تو و بلایای اولاد ترا عجیب خواهد ساخت یعنی بلایای عظیم و مزمن و
 مرضهای سخت و مزمن. و تمامی بیماریهای مصر را که از آنها می‌ترسیدی بر تو
 باز خواهد آورد و بتو خواهد چسبید. و نیز همه مرضها و بلایائیکه در طومار این
 شریعت مکتوب نیست آنها را خداوند بر تو مستولی خواهد گردانید تا هلاک
 شوی و گروه قلیل خواهید ماند بر عکس آنکه مثل ستارگان آسمان کثیر بودید
 زیرا که آواز یهوه خدای خود را نشنیدید. و واقع میشود چنانچه خداوند بر شما
 شادی نمود تا به شما احسان کرده شما را بیفزاید همچنین خداوند بر شما شادی
 نخواهد نمود تا شما را هلاک و نابود گرداند و ریشه شما از زمینی که برای تصرفش
 در آن داخل میشوید کنده خواهد شد. و خداوند ترا در میان جمیع امتهای از کران
 زمین تا کران دیگرش پراکنده سازد و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ که
 تو و پدرانت شناخته‌اید عبادت خواهی کرد. و در میان این امتهای استراحت
 نخواهی یافت و برای کف‌پایت آرامی نخواهد بود و در آنجا یهوه ترا دل لرزان
 و کاهیدگی چشم و پشیمانی جان خواهد داد. و جان تو پیش رویت معلق خواهد
 بود و شب و روز ترسناک شده بجان خود اطمینان نخواهی داشت. بامدادان

خواهی گفت کاش که شام می بود و شامگاهان خواهی گفت کاشکه صبح می بود به سبب ترس دلت که به آن خواهی ترسید و به سبب رویت چشمت که خواهی دید. و خداوند ترا در کشتیها از راهی که به تو گفتم آن را دیگر نخواهی دید به مصر باز خواهد آورد و خود را در آنجا به دشمنان خویش برای غلامی و کنیزی خواهی فروخت و مشتری نخواهد بود.

۶ - و من این عهد و این قسم را با شما تنها استوار نمی نمایم. بلکه با آنانی که امروز با ما به حضور یهوه خدای ما در اینجا حاضرند و هم با آنانی که امروز در اینجا با ما حاضر نیستند. زیرا شما میدانید که چگونه در زمین مصر سکونت داشتیم و چگونه از میان استهائی که عبور نمودید گذشتیم و رجاسات و بتهای ایشان را از چوب و سنگ و نقره و طلا که در میان ایشان بود دیدید. تا در میان شما مرد یا زن یا قبیله یاسبطی نباشد که دلش امروز از یهوه خدای ما منحرف گشته برود و خدایان این طوایف را عبادت نماید مبادا در میان شما ریشه باشد که حنظل و افسنتین بار آورد و مبادا چون سخنان این لعنت را بشنود در دلش خویشتن را برکت داده گوید هر چند در سختی دل خود سلوك مینمایم تا سیراب و تشنه را با هم هلاک سازم مرا سلامتی خواهد بود. خداوند او را نخواهد آمرزید بلکه در آن وقت خشم و غیرت خداوند بر آن شخص دود افشان خواهد شد و تمامی لعنتی که در این کتاب مکتوبست بر آن کس نازل خواهد شد و خداوند نام او را از زیر آسمان محو خواهد ساخت. و خداوند او را از جمیع اسباط اسرائیل برای بدی جدا خواهد ساخت موافق جمیع لعنتهای عهدی که در این طومار شریعت مکتوبست. و طبقه آینده یعنی فرزندان شما که بعد از شما خواهند برخاست و غریبانی که از زمین دور می آیند خواهند گفت هنگامی که بلایای این زمین و بیماری هائی را که خداوند به آن میرساند بینند، و تمامی زمین آن را که گوگرد و شوره و سوخته شده نه کاشته میشود و نه حاصل می روید و هیچ علف در آن نمو نمی کند و مثل انقلاب سدوم و عموره و ادمه و صبرئیم که خداوند در غضب و خشم خود آنها را واژگون ساخت گشته است. پس جمیع امتهای خواهند

گفت چرا خداوند با این زمین چنین کرده است و شدت این خشم عظیم از چه سبب است. (۱)

۷ - و چون جمیع این چیزها یعنی برکت و لعنتی که پیش روی تو گذاشتم بر تو عارض شود و آنها را در میان جمیع استهائی که یهوه خدایت ترا به آنجا خواهد راند به یادآوری، و تو با فرزندان با تمامی دل و تمامی جان خود به سوی یهوه خدایت بازگشت نموده قول او را موافق هر آنچه که من امروز به تو امر می‌فرمایم اطاعت نمائی، آنگاه یهوه خدایت اسیری ترا برگردانید بر تو رحم خواهد کرد و رجوع کرده ترا از میان جمیع استهائی که یهوه خدایت ترا به آنجا پراکنده کرده است جمع خواهد نمود. (۲) اگر آوارگی تو تا کران آسمان بشود یهوه خدایت ترا از آنجا جمع خواهد کرد و ترا از آنجا خواهد آورد. و یهوه خدایت ترا بر مبنی که پدران مالک آن بودند خواهد آورد و مالک آن خواهی شد و بر تو احسان نموده ترا بیشتر از پدران خواهد افزود. و یهوه خدایت دل تو و دل ذریه ترا مختون خواهد ساخت تا یهوه خدایت را به تمامی دل و تمامی جان خود دوست داشته زنده بمانی. و یهوه خدایت جمیع این لعنتها را بر دشمنان و بر خصمانت که ترا آزرده نازل خواهد گردانید. و تو بازگشت نموده قول خداوند را اطاعت خواهی کرد و جمیع اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بجا خواهی آورد. و یهوه خدایت ترا در تمامی اعمال دست و در میوه بطن و نتایج بهایمت و

(۱) بطوریکه از متن تورات و کتب تاریخی دیگر معلوم است، کشور فلسطین یا اسرائیل در عهد حضرت موسی و بعد از آن، کشوری بسیار آباد بوده و نوشته شده زمینی است که شهد و شیر و عمل از آن جاری می‌باشد. و بعد از پراکندگی آخری بنی اسرائیل در سال ۷۰ میلادی، به قسمی که در متن تورات طبق شرح بالا پیش بینی گشته، کشور رو به خرابی و خشکی گذاشت تا بجائیکه در کتب جغرافیائی صد سال قبل نوشته اند: (فلسطین کشوری است بی آب و علف که هرگز گیاه در آن نرود) اما از حدود ۱۰۰ سال قبل که مجامع یهودی جهان تصمیم به آبادی و مهاجرت بدان سرزمین را گرفتند بتدریج سرزمین اسرائیل تبدیل به باغ وسیعی گشته و می‌گردد.

(۲) موضوع پیش بینی‌های فوق اکنون مدت ۳۰ سال است که بعد از استقرار دولت اسرائیل بتدریج عملی می‌گردد.

محصول زمینت به نیکوئی خواهد افزود زیرا خداوند بار دیگر بر تو برای نیکوئی شادی خواهد کرد چنانکه بر پدران تو شادی نمود. اگر آواز یهوه خدای خود را اطاعت نموده اوامر و فرایض او را که در طومار این شریعت مکتوبست نگاه داری و به سوی یهوه خدای خود با تمامی دل و تمامی جان بازگشت نمائی، زیرا این حکمی که من امروز به تو امر می فرمایم برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست، نه در آسمان است تا بگوئی کیست که به آسمان برای ما صعود کرده آن را نزد ما بیاورد و آن را به ما بشنوند تا به عمل آوریم، و نه آن طرف دریا که بگوئی کیست که برای ما به آن طرف دریا عبور کرده آن را نزد ما بیاورد و به ما بشنوند تا به عمل آوریم، بلکه این کلام بسیار نزدیک تو است و در دهان و دل تو است تا آن را به جا آوری. بین امروز حیات و نیکوئی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم. چونکه من امروز ترا امر می فرمایم که یهوه خدای خود را دوست بداری و در طریقهای او رفتار نمائی و اوامر و فرایض و احکام او را نگاه داری تا زنده مانده افزوده شوی و تا یهوه خدایت ترا در زمینی که برای تصرفش به آن داخل میشوی برکت دهد. لیکن اگر دل تو برگردد و اطاعت نمائی و فریفته شده خدایان غیر را سجد و عبادت نمائی. پس امروز به شما اطلاع می دهم که البته هلاک خواهید شد و در زمینی که از اردن عبور می کنید تا در آن داخل شده تصرف نمائید عمر طویل نخواهید داشت. امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم پس حیات را برگزین تا تو با ذریت زنده بمانی، و تا یهوه خدای خود را دوست بداری و آواز او را بشنوی و با او ملصق شوی زیرا که او حیات تو و درازی عمر تو است تا در زمینی که خداوند برای پدران ت ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورد که آن را به ایشان بدهد ساکن شوی.

۸ - و موسی رفته این سخنان را به تمامی اسرائیل بیان کرده، و به ایشان گفت من امروز صدویست ساله هستم و دیگر طاقت خروج و دخول ندارم و خداوند به من گفته است که از این اردن عبور نخواهی کرد. یهوه خدای تو خود به حضور تو عبور خواهد کرد و او این امتها را از حضور تو هلاک خواهد ساخت تا آنها

را به تصرف آوری و یوشع نیز پیش روی تو عبور خواهد نمود چنانکه خداوند گفته است. و خداوند چنانکه به سیحون و عوج دو پادشاه اموریان که هلاک ساخت و به زمین ایشان عمل نمود به اینها نیز رفتار خواهد کرد. پس چون خداوند ایشان را بدست شما تسلیم کند شما با ایشان موافق تمامی حکمی که به شما امر فرمودم رفتار نمائید. قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان مباشید زیرا یهوه خدایت خود با تو می رود و ترا و نخواهد گذاشت و ترك نخواهد نمود. و موسی یوشع را خوانده در نظر تمامی اسرائیل به او گفت قوی و دلیر باش زیرا که تو با این قوم به زمینی که خداوند برای پدران ایشان قسم خورد که به ایشان بدهد داخل خواهی شد و تو آن را برای ایشان تقسیم خواهی نمود. و خداوند خود پیش روی تو می رود او با تو خواهد بود و ترا و نخواهد گذاشت و ترك نخواهد نمود پس ترسان و هراسان مباش. و موسی این تورات را نوشته آن را بنی لاوی و کهنه که تابوت عهد خداوند را بر میداشتند و به جمیع مشایخ اسرائیل سپرد. و موسی ایشان را امر فرموده گفت که در آخر هر هفت سال در وقت معین سال انفکاک در عید خیمه ها، چون جمیع اسرائیل بیایند تا به حضور یهوه خدای تودر مکانی که او برگزیند حاضر شوند، آنگاه این تورات را پیش جمیع اسرائیل در سمع ایشان بخوان. قوم را از مردان و زنان و اطفال و غریبانی که در روزهای تو باشند جمع کن تا بشنوند و تعلیم یافته از یهوه خدای شما بترسند و در عمل نمودن جمیع سخنان این تورات هوشیار باشند. و تا پسران ایشان که ندانسته اند بشنوند و تعلیم یابند تا مادامی که شما بر زمینی که برای تصرف از اردن عبور می کنید زنده باشید از یهوه خدای شما بترسند. و خداوند به موسی گفت اینک ایام مردن تو نزدیک است یوشع را طلب نما و در خیمه اجتماع حاضر شوید تا او را وصیت نمایم، پس موسی و یوشع رفته در خیمه اجتماع حاضر شدند. و خداوند در ستون ابر در خیمه ظاهر شد و ستون ابر بر در خیمه ایستاد. و خداوند به موسی گفت اینک با پدران خود می خوابی و این قوم برخاسته در پی خدایان بیگانه زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها می روند زنا خواهند کرد و مرا ترك کرده

عهدی را که با ایشان بستم خواهند شکست. و در آن روز خشم من بر ایشان مشتعل شده ایشان را ترك خواهم نمود و روی خود را از ایشان پنهان کرده تلف خواهند شد و بدیها و تنگیهای بسیار به ایشان خواهد رسید بعدی که در آن روز خواهند گفت آیا این بدیها به ما نرسید از این جهت که خدای ما در میان ما نیست. و به سبب تمامی بدی که کرده اند که به سوی خدایان غیر برگشته اند، من در آن روز البته روی خود را پنهان خواهم کرد. پس الان این سرود را برای خود بنویسید و تو آن را بنی اسرائیل تعلیم داده آن را در دهان ایشان بگذار تا این سرود برای من بر بنی اسرائیل شاهد باشد. زیرا چون ایشان را به زمینی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم که بشیر و شهد جاریست در آورده باشم و چون ایشان خورده و سیر شده و فربه گشته باشند آنگاه ایشان به سوی خدایان غیر برگشته آنها را عبادت خواهند نمود و مرا اهانت کرده عهد مرا خواهند شکست.

و چون بدیها و تنگیهای بسیار برایشان عارض شده باشد آنگاه این سرود مثل شاهد پیش روی ایشان شهادت خواهد داد زیرا که از دهان ذریت ایشان فراموش نخواهد شد زیرا خیالات ایشان را نیز که امروز دارند میدانم قبل از آنکه ایشان را به زمینی که درباره آن قسم خوردم در آورم، پس موسی این سرود را در همان روز نوشته به بنی اسرائیل تعلیم داد. و یوشع بن نون را وصیت نموده گفت قبری و دلیر باش زیرا که تو بنی اسرائیل را به زمینی که برای ایشان قسم خوردم داخل خواهی ساخت و من با تو خواهم بود. و واقع شد که چون موسی نوشتن کلمات این تورات را در کتاب تماماً به انجام رسانید. موسی بلاویانی که تابوت عهد خداوند را بر میداشتند وصیت کرده گفت: این کتاب تورات را بگیرید و آن را در پهلوی تابوت عهد یهوه خدای خود بگذارید تا در آنجا برای شما شاهد باشد، زیرا که من تمرد و گردن کشی شما را می دانم اینک امروز که من هنوز با شما زنده هستم بر خداوند فتنه انگیزخته اید پس چند مرتبه زیاده بعد از وفات من. جمیع مشایخ و اسباط و سروران خود را نزد من جمع کنید تا این سخنان را در گوش ایشان بگویم و آسمان و زمین را برایشان شاهد بگیرم. زیرا می دانم که بعد

از وفات من خویشتن را به الکل فاسد گردانیده از طریقی که به شما امر فرمودم خواهید برگشت و در روزهای آخر (۱) بدی بر شما عارض خواهد شد زیرا که آنچه در نظر خداوند بد است خواهید کرد و از اعمال دست خود خشم خداوند را به هیجان خواهید آورد. پس موسی کلمات این سرود را در گوش تمامی جماعت اسرائیل تماماً گفت:

« ۹ — ای آسمان گوش فراده تا بگویم. و زمین سخنان دهان مرا بشنود. «تعلیم من مثل باران خواهد بارید (۲) و کلام من مثل شبنم خواهد ریخت. «مثل قطره‌های باران بر سبزه تازه. و مثل بارشها بر نباتات. زیرا که نام یهوه را ندا» «خواهم کرد. خدای ما را به عظمت وصف نمائید. وی ضحرة اعمال و آثار او کامل» «هستند. زیرا همه طریقه‌های او عادلانه است. خدای امین و از ظلم مبرا. عادل و» «و راست است او. یک نژاد ناصالح و خبیث، نه بچه‌های او بلکه رجاسات آنها،» «بر علیه او گناه ورزیده است. (۳)

«طبقه کج و متمرّداند. آیا خداوند را چنین مکافات میدهد. ای قوم احمق» «و غیر حکیم. آیا او پدر و خالق تو نیست. او ترا آفرید و استوار نمود. ایام قدیم» «را به یاد آور. در سالهای دهر به دهر تأمل نما. از پدر خود پیرس تا ترا آگاه سازد.»

(۱) «روزهای آخر» در اغلب موارد خصوصاً در کتب انبیای اسرائیل اشاره به زمان آخر پراکندگی، و قبل از ایجاد استقلال کشور اسرائیل است و به عقیده مفسرین وارد «عارض شدن بدی» در آن زمان، همانا کشتاری است که به امر هیتار از یهودیان انجام شد و در روزهای آخر و قبل از استقلال اسرائیل بود.

(۲) قسمت زیر که بنظم نوشته شده، تأمل و توجه عمیقی لازم دارد زیرا کلیه سرگذشت بنی اسرائیل از عهد خود حضرت موسی علیه السلام تا به امروز در آن پیش بینی شده است و چنانچه تاریخ مفصل اسرائیل جهان بدقت مطالعه شود (حتی تاریخ یهود ایران) بخوبی ملاحظه خواهد گردید که تمام فرموده‌های این قسمت نهم عملی گردیده و جزئی دیگر باقی است که در جریان واقع هستیم.

(۳) بطوریکه ملاحظه میشود در این قسمت بصورت فعل حاضر صحبت میشود در حالیکه مربوط به آینده است. علت، مسلم بودن واقعات آتی مشروحه برای حضرت موسی میباشد و سطور بعدی: «ایام قدیم را بیاد آور. در سالهای دهر به دهر تأمل نما». شاهد صحت نظریه فوق است.

«و مشایخ خویش تا ترا اطلاع دهند. چون حضرت اعلی به امتهای نصیب ایشان را»
 «داد. و بنی آدم را از یکدیگر جدا ساخت آنگاه حدود امتهای را قرار داد برحسب»
 «شماره بنی اسرائیل. زیرا که نصیب یهوه قوم وی است. و یعقوب قرعه میراث اوست.»
 «او را در زمین ویران یافت. و در بیابان خراب و هولناک او را احاطه کرده»
 «منظور داشت. و او را مثل مردمک چشم خود محافظت نمود. به مثل عقابی که»
 «جوجه های خود را تهییج نماید و بالای سر آنها پرواز نماید. و بالهای خود را»
 «پهن کرده آنها را بردارد. و آنها را بر پرهای خود ببرد. همچنین خداوند تنها او»
 «را رهبری نمود. و هیچ خدای بیگانه با وی نبود. او را بر بلندیهایی زمین سوار»
 «کرد. تا از محصولات زمین بخورد. و شاهد را از صخره به او داد تا مکید. و روغن»
 «را از سنگ خارا. کره گاو و شیر گوسفندان را با پیه بردها. و قوچها را از»
 «جنس باشان و بزها. و پیه و گرده های گندم را. و شراب از عصیر انگور نوشیدی.»
 «لیکن یشورون (۱) فربه شده لگدزد. توفربه و تنومند و چاق شده پس خدائی را که»
 «او را آفریده بود ترك کرد. و صخره نجات خود را حقیر شمرد. او را با پرستش و»
 «عبادت خدایان غریب بغیرت آوردند. و خشم او را بر جاسات جنبش دادند. برای»
 «دیوهائی که خدایان نبودند قربانی گذرانیدند. برای خدایانی که نشناخته بودند.»
 «برای خدایان جدید که تازه بوجود آمده. و پدران ایشان از آنها نرسیده بودند. و»
 «به صخره ای که ترا تولید نمود اعتناء نمودی. و خدای آفریننده خود را فراموش»
 «کردی. چون یهوه این را دید ایشان را مکروه داشت. چون که پسران و دخترانش»
 «خشم او را به هیجان آوردند. پس گفت روی خود را از ایشان خواهم پوشید. تا»
 «بینم که عاقبت ایشان چه خواهد بود. زیرا نژادی ناصالح هستند فرزندان که»
 «ایمان در ایشان نیست ایشان مرا به آنچه خدا نیست به غیرت آوردند. و با بت های»
 «پوچ خود مرا خشمناک گردانیدند. و من ایشان را به آنچه قوم نیست به غیرت خواهم»
 «آورد. و با ملتی کم عقل ایشان را خشمناک خواهم ساخت. زیرا آتش غضب من»

(۱) یشورون به معنی اسرائیل است در سبکهای شاعرانه.

«افروخته شده. و تا قعر مقرر مردگان شعله ور شده است. و زمینی را با حاصلش»
 «میسوزاند. و اساس کوهها را آتش خواهد زد. برایشان بلایا راجع خواهم کرد. و»
 «تیرهای خود را تماماً برایشان صرف خواهم نمود. از گرسنگی کاهیده و از آتش تب»
 «و از طاعون مهلك تلف میشوند. و دندانهای وحوش را به ایشان خواهم فرستاد.»
 «با زهر خزندگان زمین و شمشیر از بیرون و دهشت از اندرون. ایشان را به هلاکت»
 «خواهد رسانید. هم جوان و هم دوشیزه را. شیرخواره را باریش سفید هلاک خواهد»
 «کرد. می گفتم ایشان را پراکنده کنم. و ذکرای ایشان را از میان مردم باطل سازم.»
 «اگر از کینه دشمن نمی ترسیدم. که مبادا مخالفان ایشان برعکس آن فکر کنند.»
 «و بگویند دست ما بلند شده. و یهوه همه این را نکرده است. زیرا که ایشان»
 «قوم گم کرده تدبیر هستند. و در ایشان بصیرتی نیست. کاش که حکیم»
 «بوده این را می فهمیدید. و در عاقبت خود تأمل می نمودند. چگونه یک نفر»
 «هزار را تعاقب میکرد. و دو نفر ده هزار را منهزم می ساختند. اگر صخره ایشان،»
 «ایشان را نفروخته. و خداوند ایشان را تسلیم ننموده بود. زیرا که صخره ایشان،»
 «مثل صخره ما نیست. اگر چه دشمنان ما خود حکم باشند. زیرا که ما ایشان از»
 «موهای سدوم است. و از تا کستانهای عموره. انگورهای ایشان حنظل است. و»
 «خوشه های ایشان تلخ است. شراب ایشان زهر اژدها است. و سم قاتل افعی. آیا»
 «این نزد من مکنون نیست. و در خزانهای من مختوم نی. انتقام و جزا از آن (۱)»
 «من است. هنگامی که پایهای ایشان بلغزد. زیرا که روز هلاکت ایشان نزدیک»
 «است. و قضای ایشان میشتابد. زیرا خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود. و»
 «بر بندگان خویش شفقت خواهد کرد. هنگامی که می بینند که قوت ایشان نابوده شده.»

(۱) در ادوار پراکندگی بنی اسرائیل، هزاران مرتبه ملاحظه گردید که برعکس سابق یک نفر از دشمنان یهود هزارها و دو نفر ده هزار نفر از یهودیان را تعاقب میکرد. اما بار دیگر بطوریکه در جنگ سینا و جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ میلادی دیده شد سائند گذشته یک اسرائیلی هزارها و دو نفر چندین هزار را تعاقب میکرد.

«و هیچکس چه غلام چه ازاد باقی نیست (۱) خواهند گفت خدایان ایشان گجایند و صخره‌ائی که بر آن اعتماد می‌داشتند. که پیه قربانیهای ایشان را می‌خوردند و شراب و هدایای ریختنی ایشان را می‌نوشیدند. آنها برخاسته شما را امداد کنند و برای شما ملجا باشند. الان ببینید»

«که من خود اوهستم. و با من خدای دیگری نیست. من می‌میرانم و زنم می‌کنم.»

«مبجروح می‌کنم و شفا می‌دهم و از دست من رهاننده نیست. زیرا که دست خود را»

«به آسمان بر می‌افرازم. و می‌گویم که من تا ابد ایاد زنده هستم.»

«اگر شمشیر براق خود را تیز کنم. و قطاع را بدست خود گیرم. آنگاه از دشمنان»

«خود انتقام خواهم کشید. و به خصمان خود مکافات خواهم رسانید. تیرهای خود»

«را از خون مست خواهم ساخت. و شمشیر من گوشت را خواهد خورد. از خون»

«کشتگان و اسیران. با رؤسای سروران دشمن. ای امته با قوم او آوازه دمانی دهید»

«زیرا انتقام خون بندگان خود را گرفته است. و از دشمنان خود انتقام کشیده. و»

«برای زمین خود و قوم خویش کفاره نموده است. (۲)»

و موسی آمده تمامی سخنان این سرود را به سمع قوم رسانید او و یوشع بن نون. و چون موسی از گفتن همه این سخنان به تمامی اسرائیل فارغ شد. به ایشان گفت

دل خود را به همه سخنانی که من امروز به شما شهادت می‌دهم مشغول سازید تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند. زیرا که این برای شما امر باطل نیست بلکه حیات شما است و به واسطه این امر عمر خود را در زمینی که شما برای تصرفش از اردن به آنجا عبور میکنید طویل خواهید ساخت. و خداوند در همان روز موسی را خطاب کرده گفت. به این کوه عباریم یعنی جبل نبو که در زمین موآب در مقابل اریحا است بر آی و

(۱) مربوط به وضع یهودیان در عصر هیتلر است.

(۲) ای کاش اقوامی که کوشش خود را فقط متوجه نابودی بنی اسرائیل کرده یا در اثر منافع قومی، در هنگام توطئه‌هایی بر علیه اسرائیل چشمان خویش را بر هم می‌گذارند متوجه جملات فوق می‌گشتند تا بدانند قسمتی از ریشه‌های بدبختی کنونی بشر از کجا سرچشمه می‌گیرد.

زمین کنعان را که من آن را به بنی اسرائیل به ملکیت می دهم ملاحظه کن. و تو در کوهی که به آن بر می آیی وفات کرده به قوم خود ملحق شو چنانکه برادرت هارون در کوه هور مرد و به قوم خود ملحق شد زیرا که شما در میان بنی اسرائیل نزد آب مریبا قادش در بیابان صین به من تقصیر نمودید چونکه مرا در میان بنی اسرائیل تقدیس نکردید. پس زمین را پیش روی خود خواهی دید لیکن به آنجا به زمینی که به بنی اسرائیل می دهم داخل نخواهی شد.

« ۱. — ای یشورون مثل خدا کشتی نیست. که برای مدد تو بر آسمانها «سوار شود. و در کبریای خود بر افلاک. خدای ازی ما و ملجأ مطمئن برای تو» است. و حامی تو است. و دشمن را از حضور تو اخراج کرده می گوید هلاک کن (۱). «پس اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد. و چشمه یعقوب به تنهائی جریان دارد. در زمینی که پر از غله و شراب باشد. و آسمان آن شبنم می ریزد. خوشا به حال «تو ای اسرائیل. کیست مانند تو ای قومی که از خداوند نجات یافته اند. که او» «سپر مدافع تو و شمشیر مظهر افتخار تست. و دشمنانت مطیع تو خواهند شد. «و تو بلندیهای ایشان را پایمال خواهی نمود.»

(۱) پیش بینی بعد از اجتماع یهودیان در کشور اسرائیل است.

پیشکش "راد" به تبرستان
www.tabarestan.info